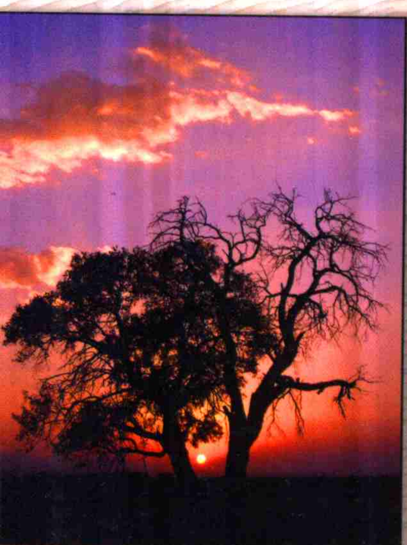
صد و یک راه برای عکاسی بهتر

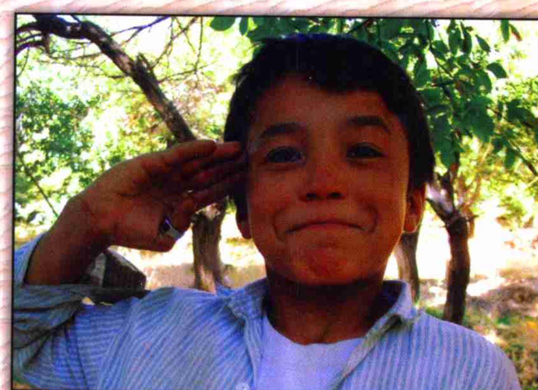
نوشته : رحیم دانایی

تصویر ابو عبد الرحمن الکردي



شیوه های عملی برای جلوگیری
از اشتباهات رایج در عکاسی و
بهتر نمودن کیفیت عکس‌ها
در عکاسی آنالوگ و دیجیتال







صد و یک راه برای عکاسی بهتر

نوشتهٔ :

رحیم دانایی

ارسباران

صد و یک راه برای عکاسی بهتر / نوشته رحیم دانایی؛ - تهران. نشر ارسباران، ۱۳۸۶.

بها: ۴۰۰۰۰ ریال شابک ۱۰ رقمی: ISBN: 964 - 6389 - 44 - 9

شابک ۱۳ رقمی: ISBN: 978 - 964 - 6389 - 44 - 1

(هشت)، ۲۶۴ ص. عکس

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

موضوع: عکاسی --آموزش. دوربین‌های عکاسی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۶ ۴ص ۲ د / ۱۴۵ TR

رده‌بندی دیویی: ۷۷۱

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۴۶۷۹۰

ارسباران
نشر ارسباران

آدرس اینترنتی
www. arasbaran-p.com

پست الکترونیکی
Email- arasbaran@virayesh.com

صد و یک راه برای عکاسی بهتر

نوشته: رحیم دانایی

ناشر: نشر ارسباران

لیتوگرافی چاپ و صحافی: طیف‌نگار

نوبت چاپ: سوم، زمستان ۱۳۸۹

تعداد صفحات: ۲۷۲ صفحه

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

شابک ۱۳ رقمی: ۱ - ۴۴ - ۶۳۸۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸ **ISBN: 978 - 964 - 6389 - 44 - 1**

شابک ۱۰ رقمی: ۹ - ۴۴ - ۶۳۸۹ - ۹۶۴ **ISBN: 964 - 6389 - 44 - 9**

مرکز پخش: تهران - زرتشت غربی - بین خیابان پنجم و ششم، پلاک ۱۱۵

تلفن: ۹-۸۸۹۷۳۳۵۸ تلفکس: ۸۸۹۶۲۷۰۷

فهرست مطالب

بخش اول : تجهیزات عکاسی و نکات جانبی آن

بخش دوم : نور در عکاسی

بخش سوم : عکاسی با فلاش

بخش چهارم : تکنیک‌های مختلف گرفتن عکس

بخش پنجم: مسایل و مشکلات و رفع آنها

مقدمه مؤلف

عکاسی هنر لذت‌بخشی است و نیاز به هیچ‌گونه استعداد خاصی ندارد. هر کسی که دارای کمی ذوق باشد، پس از خرید یک دوربین می تواند کار خود را شروع کند. در بدو کار ممکن است که من و شما پس از مدتی کار کردن در زمینهٔ عکاسی از فرصت‌های به‌دست آمده استفاده کنیم و از این هنر و کار خود لذت ببریم، اما پس از مدتی یک سری چرا و سئوال در مورد عکس‌هایمان برای ما پیدا می‌شوند. اینجاست که برای یافتن پاسخ سئوال‌ها و حل مشکلات خود باید به عنصر دیگری متوسل بشویم و در این میان چه عنصری بهتر از یک کتاب که بدون هیچ‌گونه تعصبی به کمک شما بیاید تا باعث بهبود عکاسی شما شود، از بروز اشکالات جلوگیری کند و خلاقیت شما را در عکاسی بالا ببرد.

مسایلی که در این کتاب مطرح شده‌اند به‌صورت نکته‌هایی برای رفع مشکلات یا یادگیری نکته‌های آموزشی در کوتاه‌ترین زمان هستند. بسیاری مواقع عکاس با مشکل یا مشکل‌هایی مواجه می‌شود و علاقه‌مند است که بدون هیچ‌گونه واسطه یا مقدمه‌ای به سراغ راه‌حل آن برود. این کتاب برای این‌گونه مشکلات نوشته شده است.

کسانی که این کتاب را مطالعه می‌کنند باید دارای معلوماتی ابتدایی در زمینه عکاسی باشند و از بعضی از نکات آن سر دربیاورند تا بتوانند همه مطالب آن را متوجه شوند. زیرا مطالب به ترتیب ساده به مشکل نوشته نشده‌اند، بلکه ممکن است که یک نکته آسان در کنار چیزی پیچیده قرار داشته باشد. با وجود این سعی شده است که کتاب به زبانی ساده باشد تا افراد بیشتری بتوانند آن را مطالعه کنند.

در مطالب این کتاب نوع خاصی از عکاسی (دیجیتال یا آنالوگ) توصیه نشده است، بلکه مطالبی کلی در مورد هر دو شیوه عکاسی و ابزارهای آنها شرح داده شده است. هم‌چنین دوربین یا ابزار خاصی توصیه نگردیده است. البته از آنجایی که این کتاب

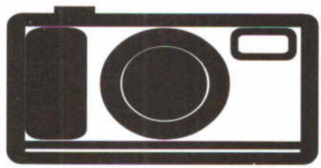
عمدتاً برای رشد فنی و تئوریک عکاسان آماتور نوشته شده است و این دسته از عکاسان معمولاً از دوربین‌های معروف به ۱۳۵ استفاده می‌کنند (حداقل در کشور ما)، دربارهٔ آنها نسبت به سایر دوربین‌ها بیشتر توضیح داده شده است.

اما اگر شما علاقه‌مند یادگیری تئوری عکاسی از ابتدا و پایه باشید می‌توانید به کتاب دیگر من به نام "آموزش نوین عکاسی" از انتشارات نشر ارسباران مراجعه کنید. امید است که این کتاب در هدف خود که گسترش و تعمیق عکاسی در بین علاقه‌مندان این هنر است، تا حدی موفق باشد و تا اندازه‌ای کمبود کتاب‌های آموزش عکاسی و امور فرهنگی این هنر را جبران کند.

رحیم دانایی

تهران، زمستان ۱۳۸۶

rahim_danai@yahoo.com



بخش اول

تجهیزات عکاسی و نکات جانبی آن

۱ـ دوربینی مناسب برای خود تهیه کنید

برای درست عکاسی کردن باید دوربینی مناسب داشت. دوربین به منزله ابزار کار یک عکاس (چه حرفه‌ای و چه آماتور) است. بدون دوربین، عکاسی کردن به امر غیرممکنی تبدیل می‌شود. البته هدف از مطرح کردن این بحث کمی کمک برای شناخت و آشنایی با دوربینی مناسب برای کار شماست و در این راستا هیچ مارک یا قیمت خاصی پیشنهاد نمی‌شود، بلکه شما باید آنقدر آشنایی از دوربین‌ها به دست بیاورید تا بتوانید دوربینی مناسب برای اهداف عکاسی خود تهیه کنید.

قبل از اینکه به فکر خرید دوربین جدیدی بیافتید به این مساله توجه داشته باشید که می‌گویند، اگر به عکاسان مشهور جهان یک دوربین ساده (از آن نوعی که من و شما داریم) بدهند، باز هم می‌توانند عکس‌های زیبا و جالب بیندازند. اما عکس این قضیه صدق نمی‌کند، یعنی بهترین و مدرن‌ترین دوربین عکاسی، اگر در دست فردی که از عکاسی زیاد سررشته ندارد باشد، نمی‌تواند عکس خوب و مطلوبی بگیرد. دوربین عکاسی یک وسیله یا ابزار فاقد احساس و درک و شعور است و این عکاس است که تعیین می‌کند که از آن چگونه باید استفاده بشود.

از آنجایی که این کتاب عمدتاً برای آشنایی بیشتر عکاسان آماتور تألیف شده است، بنابراین انتخاب دوربین هم برای اهداف این گروه از علاقمندان عکاسی مطرح است.

با توجه به پیشرفت‌هایی که در صنایع دوربین سازی در چند ساله اخیر صورت گرفته است، امروزه انواع مختلف دوربین را باید در دو گروه دوربین‌های مدرن

دیجیتال و دوربین‌های سنتی معروف به آنالوگ دسته‌بندی کرد. در هر کدام از این دو گروه، دوربین‌هایی با فرمت‌های مختلف فیلم و اندازه دوربین می‌توان مشاهده کرد.



- **دوربین به منزلهٔ ابزار کار یک علاس و فرد علاقمند به عکاسی است. بنابراین برای اینکه بتوانید با ابزاری عکسی بگیرید، باید دوربینی برای خود تهیه کنید.**

دوربینی که در بین آماتورها از محبوبیت زیادی برخوردار است، نسل دوربین‌های معروف به ۱۳۵ است که از نظر تعداد مدل و لوازم جانبی، رتبه اول را در عکاسی دارند.

دوربین‌های آنالوگ را امروزه با قیمت بسیار مناسبی می‌توان تهیه کرد. عکاسی

با این دوربین‌ها به صورت اسلاید و فیلم نگاتیو صورت می‌گیرد که هر کدام از آنها دارای مزیت‌های خاص خود هستند. کار کردن با این دوربین‌ها لذت خاصی دارد و به نظر من کسانی که می‌خواهند هنر عکاسی را به‌طور جدی شروع کنند، بهتر است کار خود را با یکی از این دوربین‌ها شروع کنند و پس از عکاسی زیاد و آشنایی با هنر عکاسی و تبحر در آن به سراغ دوربین‌های دیجیتالی بروند. حتی اگر زیاد عکاسی نمی‌کنید و صرفاً در میهمانی‌ها و مسافرت‌ها عکاسی می‌نمایید بهتر است که یکی از این دوربین‌ها را تهیه نمایید. یک دوربین دیجیتال در این رابطه ممکن است مورد نیاز شما نباشد.

دوربین‌های دیجیتال با حذف فیلم و استفاده از حافظه الکترونیکی، انقلابی در هنر عکاسی به‌وجود آورده‌اند و نسلی جدید و رو به پیشرفتی از دوربین‌های عکاسی را خلق کرده‌اند. اگر نگاهی به کاتالوگ‌های تولیدکنندگان دوربین‌های عکاسی بیندازید، می‌بینید که تولید دوربین‌های دیجیتالی هر روز پیشرفت‌های زیادی می‌کند و تقریباً بخش زیادی از بازار را در اختیار خود گرفته است. امروزه جهان در حال دیجیتالیزه شدن است و در آینده دنیای عکاسی در اختیار دوربین‌های دیجیتال خواهد بود. اما اینکه این " آینده" کی خواهد بود و چه زمانی به‌طور کامل به کشور ما خواهد رسید، هنوز جای بحث دارد.

اما اگر شما مصمم به تهیه دوربین دیجیتال هستید، این نکات را در نظر داشته باشید: اول اینکه قیمت این دوربین‌ها در مقایسه با دوربین‌های آنالوگ بسیار بالاتر است. با وجود اینکه قیمت محصولات الکترونیکی همیشه در حال افت کردن است، ولی هنوز قیمت این دوربین‌ها در مقایسه با با دوربین‌های سنتی بالاست. در حال حاضر(۱۳۸۶) شاید بتوان یک دوربین معمولی را برای شروع کار به قیمت حدود ۵۰ هزار تومان خرید ولی برای خرید دوربین دیجیتال مشابه باید چند برابر این مبلغ پرداخت نمایید.

نکته دوم و بسیار مهم‌تر در مورد این دوربین‌ها این است که علاوه بر تکمه‌های روی دوربین باید با بسیاری از منوها و دستوراتی کارکرد که به صورت متن روی مونیتور دوربین به زبان غیر فارسی ظاهر می‌شوند (البته در چند مدلی از این

دوربین‌ها این منوها فارسی شده‌اند). اگر کسی دارای توانایی و حوصله خواندن و فهمیدن این منوها باشد مشکلی در زمینه کار با این دوربین‌ها و عملکرد آنها نخواهد داشت ولی متأسفانه بسیاری دارای این مشکل هستند. حتی کسانی را دیده‌ام که با دوربین‌های ساده روی تلفن همراه خود هم نمی‌توانند به درستی و راحتی کار کنند.

علاوه بر این نکات از وابستگی این دوربین‌ها به نیروی باتری هم باید یاد کرد. زمانی که نیروی باتری به هر دلیلی تمام شود و باتری اضافه موجود نباشد، عکاسی هم تعطیل خواهد شد.

۲ـ دفترچه راهنمای دوربین خود را حتماً مطالعه کنید

دفترچه راهنمای هر دوربینی که خریده‌اید و یا با آن کار می‌کنید، کامل‌ترین و بهترین مرجع برای کارکردن با دوربین عکاسی شماست. این چیزی است که متأسفانه از جانب بسیاری بی اهمیت تلقی می‌شود و عده‌ای حتی زحمت نگاه کردن به آن را هم به خود نمی‌دهند.

هیچ کتابی (حتی کامل ترین کتاب عکاسی جهان) هم نمی‌تواند چنین اطلاعات با ارزشی در مورد دوربین شما داشته باشد. در حقیقت کتابهای عکاسی و یا آموزش عکاسی همیشه مسایل عام عکاسی و امکانات عمومی که روی دوربین‌های مختلف وجود دارند را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند و یا معرفی می‌کنند و هیچگاه به معرفی دوربین مشخصی نمی‌پردازند و در صورتی هم که بپردازند به‌طور دقیق این کار را انجام نمی‌دهند. اما در دفترچه دوربین، شما نه تنها می‌توانید اطلاعات با ارزشی در مورد جلوه‌ها و کارکردهای دوربین خود پیدا کنید بلکه طرز کار با آنها هم به شما یاد داده می‌شود. به عنوان مثال از پدیده‌ای به نام قفل کردن اتوفوکوس در بسیاری از کتاب‌ها و مقالات یاد شده و به عنوان یک کارکرد مفید یاد می‌شود، اما توضیح اینکه چگونه می‌توانید خودتان این کارکرد را روی دوربین خود اجرا کنید و تکمه مخصوص این کار در کجای دوربین شما قرار دارد را فقط می‌توانید در دفترچه راهنمای دوربین خود پیدا کنید.

در سابق که دوربین‌ها ساده‌تر و دارای کارکردهای مشابه‌ای بودند، خیلی‌ها با مشاهده شکل ظاهری دوربین و به صورت تجربی می‌توانستند ایده‌ای در مورد کار با دوربین جدید به دست بیاورند. اما امروزه با ورود دوربین‌های دیجیتال این امر به چیز غیرممکنی تبدیل شده است، چرا که شما مثلاً در سابق با دیدن دوربین به دنبال تکمه شاتر آن می‌گشتید و بالاخره آن را در جایی پیدا می‌کردید ولی در مورد



■ **اطلاعات مربوط به دوربین شما، چه در یک دفترچه باشد، چه بر روی یک سی‌دی، ارزشمندترین چیز در مورد وسیلهٔ عکاسی شماست که باید آن را با دقت مطالعه کنید.**

دوربین‌های دیجیتال، نرم‌افزارهای موجود درون هر دوربین و منوهای نهفته‌ای که درون هر دوربینی وجود دارند با دوربین دیگر فرق می‌کنند. علاوه بر این به دلیل رشد تکنولوژی و پیشرفت‌های الکترونیک، هر هفته شاهد چندین مدل دوربین جدید در بازار هستیم که هر کدام جلوه‌های خاص خود را دارا هستند و لازمه کار کردن با هر کدام از این دوربین‌ها داشتن اطلاعات دقیق در مورد تک‌تک آنهاست.

متأسفانه بعضی‌ها هم که دفترچه دوربین خود را مطالعه می‌کنند آن را عمیق و تا به آخر مطالعه نمی‌نمایند، بلکه پس از یادگیری کارکردهای اصلی و اولیه آن را کنار می‌گذارند و عکاسی با آن را شروع می‌کنند. به خاطر داشته باشید که یک دوربین از مجموعه‌ای کارکردها تشکیل شده است و شما بابت هر کدام از آنها پول پرداخت کرده‌اید که مجموع آنها قیمت دوربین را تشکیل می‌دهد. اگر شما از بعضی از قسمت‌های دوربین خود استفاده نکنید، یعنی پول خود را دور ریخته‌اید و کار عکاسی خود را در سطح پایین‌تری انجام می‌دهید.

علاوه بر مسایل مطرح شده ، بالاخره هر دوربینی پس از مدتی کار کردن و یا

قرار گرفتن در شرایط نامناسب، ممکن است کار نکند (مثل قرار گرفتن در سرمای زیاد). در این شرایط دو کار می‌توان کرد: یا دوربین را نزد تعمیر کار دوربین ببرید، که مستلزم صرف وقت و هزینه می‌باشد و یا اینکه با عیب‌یابی اولیه و رجوع به قسمت رفع مشکلات دوربین، خودتان دلیل عدم کارکرد دوربین را پیدا و آن را رفع نمایید. راه دوم بسیار کم‌خرج‌تر و دارای دردسر کمتری است.

من حتی گاهی می‌بینم که عده‌ای انداختن فیلم به درون دوربین و خارج کردن آن را هم بلد نیستند و یا فکر می‌کنند که کار بسیار دشواری است و از اینرو برای هر بار انداختن یا خارج کردن فیلم آن را به فروشگاه یا لابراتوار عکاسی می‌برند. در صورتی که این مسأله جزو اولیه‌ترین چیزهایی است که در دفترچه راهنمای دوربین شرح داده می‌شود.

بنابراین قبل از اینکه عکاسی با دوربین خود را به‌طور جدی شروع کنید یک بار با دقت آن را مطالعه کنید و کارکردهای دوربین را در آن ببینید و سپس عکاسی خود را شروع کنید و در صورت نامطوب شدن عکس‌های خود مجدداً به دفترچه راهنمای آن مراجعه کنید و علت را در آنجا پیدا کنید و سپس راه‌های دیگر را امتحان کنید. علاوه بر این در هر سطحی از عکاسی که هستید، همیشه دفترچه راهنمای دوربین خود را به عنوان مرجع دوربین در کیف آن همراه داشته باشید.

چیزی که ممکن است عده‌ای را با دفترچه راهنمای دوربین بیگانه کند مساله خارجی بودن زبان اکثر این دفترچه‌هاست. البته امروزه با رواج دوربین‌های دیجیتال، وارد کنندگان این دوربین‌ها برای فروش بیشتر کالای خود به فکر ترجمه کردن و چاپ دفترچه راهنمای دوربین به زبان فارسی هم افتاده‌اند و تعدادی از این دوربین‌ها با دفترچه یا سی دی فارسی فروخته می‌شوند. اما اگر دفترچه راهنمای دوربین شما به زبان انگلیسی است، زیاد نگران نباشید. با صرف کمی وقت، کلنجار رفتن با فرهنگ لغت و کمک دوستان آشنا به زبان خارجی می‌توانید از مفاد آن سر در بیاورید. اگر فکر می‌کنید که لغات آن خیلی تخصصی هستند از فرهنگ لغت و اصطلاحات عکاسی که به زبان فارسی هم موجود است و یا تعاریف اصطلاحات عکاسی که در انتهای کتابهای عکاسی موجود هستند، استفاده کنید.

۳ـ از لنزهای خوب و دارای کیفیت استفاده کنید

لنز ابزاری بسیار مهم و حساسی در عکاسی است که در صورت دارا بودن کیفیت خوب می‌تواند عکس شما را بسیار زیبا و واضح بیندازد و در صورتی که از کیفیت خوبی برخوردار نباشد، اعتبار عکس شما را مخدوش نماید. در مورد اهمیت لنزها گفته‌اند که اگر بهترین دوربین دنیا را داشته باشید ولی از لنزی نا مناسب استفاده کنید، حتماً عکس‌های شما خراب خواهند شد ولی اگر بهترین لنز را داشته باشید و بدترین بدنه دوربین دنیا، حتماً عکس‌های شما خوب خواهند شد.

اگر هنوز اقدام به خرید دوربین و لوازم جانبی آن را نکرده‌اید، سعی کنید که در هنگام انتخاب وسایل خود، کیفیت لنز را در نظر داشته باشید. اصلاً هم فرق نمی‌کند که می‌خواهید دوربین گران قیمت بخرید یا ارزان. بر روی هر دوربینی که می‌خواهید سرمایه‌گذاری کنید، کیفیت لنز آن را فراموش نکنید.

مسئله مهم بودن کیفیت لنز از چیزهایی است که خیلی از عکاسان آماتور هم متوجه آن شده‌اند و کارخانه‌های سازنده لنز با دانستن این نکته، سعی می‌کنند که لنز خود را منتسب به یکی از کارخانه‌های مهم لنز یا شیشه سازی جهان کنند.

جنس لنز اکثر دوربین‌ها از شیشه است و عمل آوردن و تبدیل شیشه به ذره‌بین و لنز، از جمله چیزهایی است که از عهده هر کارخانه شیشه سازی بر نمی‌آید. جنس شیشه لنز باید آنقدر خالص و یکدست و فاقد حباب یا ذرات دیگر باشد که در نوری که از میان آن رد می‌شود، کمترین افت و انکسار نور را ایجاد کند و باعث ایجاد پارازیت‌های نوری نشود و تصویر را تا جایی که امکان دارد واضح و شفاف نشان دهد. برای دیدن کیفیت لنز در عمل، بهتر است که قبل از خرید لنز، چند عکس با آن بیندازید و کیفیت آن را روی عکس‌های خود ببینید. اما لنزهایی هم یافت می‌شوند



■ **اصلاً مهم نیست که شما چند لنز دارید و در عکاسی خود از چند لنز استفاده می‌کنید، اما مهم این است که لنز یا لنزهای شما از کیفیت بالایی برخوردار باشند.**

که جنس آنها از شیشه نیست، بلکه برای ارزان شدن دوربین از پلاستیک به جای شیشه استفاده شده است. از جمله جنس لنز بسیاری از لنزهای دوربین‌های اتوماتیک و کمپکت از پلاستیک مخصوصی است که به هیچوجه کیفیت لنزهای شیشه‌ای را ندارند. بنابراین در هنگام خرید یا انتخاب لنز برای عکاسی، کیفیت و سرعت لنز را در نظر داشته باشید.

البته کیفیت خوب لنزها رابطه مستقیمی با قیمت آنها نیز دارد و چنانچه به دنبال لنز خوبی با قیمت ارزان هستید، در نظر داشته باشید که چنین چیزی کمتر پیش می‌آید مگر اینکه لنزی که می‌خواهید بخرید، دست دوم باشد. بعضی از لنزهای فوق العاده خوب، امروزه قیمتی بالای یک میلیون تومان دارند که برای بسیاری از ما قیمت قابل ملاحظه‌ای است و مسئله زمانی مشکل‌تر می‌شود که علاقه‌مند باشید که چند لنز برای دوربین خود تهیه کنید. در این حال باید سرمایه‌گذاری عظیمی روی وسایل و تجهیزات عکاسی صورت بگیرد که بیشتر آماتورها از پس آن بر نمی‌آیند.

یکی دیگر از مسائل مهمی که باید در هنگام انتخاب لنز در نظر داشته باشید

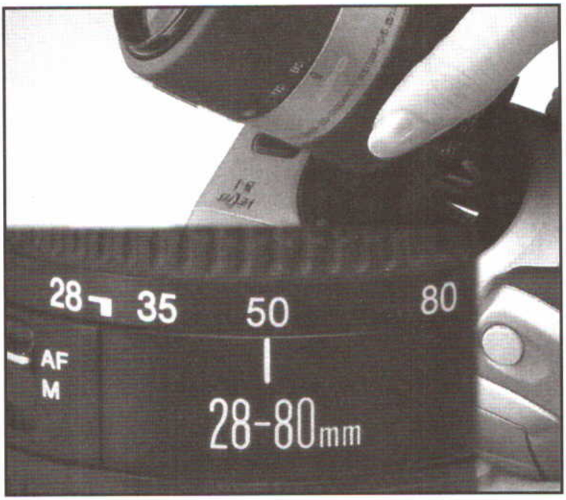
سرعت لنز یعنی بالاترین درجه دیافراگمی که می‌تواند باز بشود است. هر چه لنز از کیفیت بالاتری برخوردار باشد در نتیجه سرعت آن هم بیشتر خواهد بود.
کارخانه‌های سازنده دوربین یا لنز، معمولاً مجموعه‌ای از لنزهای مختلف برای فعالیت‌های گوناگون عکاسی تولید می‌کنند، ولی خرید ما باید بر مبنای نیازی که به لنز داریم یا نوعی که عکاسی می‌کنیم صورت بگیرد. سرمایه‌گذاری روی لنزی گران قیمت برای مثلاً دو یا سه بار عکاسی در سال با آن به هیچ وجه کاری منطقی نیست.

۴ـ برای صرفه‌جویی در لنزها، از لنز زوم استفاده کنید

زمانی عکاسان تمایل داشتند که به یک لنز وابسته شوند و بیشتر از آن لنز استفاده کنند، مثل لنز نرمال که در سابق جزو استاندارد دوربین‌ها شناخته می‌شد و بسیاری از عکاسان فقط از این لنز استفاده می‌کردند. اما با پیشرفت و تنوعی که در لنزها به وجود آمده، انواع و اقسام لنزها از لنزهای واید گرفته تا لنزهای تله قوی، تولید و به بازار عرضه شده‌اند. هر کدام از این لنزها جهت مصرف در عکاسی خاصی هستند. به عنوان مثال از لنزهای واید عمدتاً برای عکاسی منظره و صحنه‌های داخلی که امکان دور شدن زیاد عکاس از سوژه وجود ندارد، استفاده می‌شود و از این لنز برای عکاسی پرتره استفاده نمی‌شود، چرا که مسایل خاص خود را ایجاد می‌کند وکیفیت عکس را پایین می‌آورند.

از لنزهای تله هم برای عکاسی از سوژه‌هایی که در فاصله دوری قرار دارند و یا بزرگ کردن سوژه‌های کوچک استفاده می‌شود. اما از آنجایی که چهارچوب فعالیت عکاسان و بخصوص عکاسان آماتور به یک یا دو منطقه خلاصه نمی‌شود، در نتیجه هر کسی پس از مدتی عکاسی کردن، به این نتیجه می‌رسد که به لنزی جدید برای کار خود نیاز دارد و لنز جدید کار او را آسانتر خواهد کرد و بدین طریق با خرید یک لنز دیگر مجموعه لنزهای خود را بیشتر می‌کند.

البته در اینکه لنزهای بیشتر و متنوع، امکانات عکاسی را نزد هر عکاسی بالاتر می‌برند، هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد. اما مسئله مهم در این رابطه قیمت، وزن و حجمی است که این وسایل اشغال می‌کنند (مخصوصاً در هنگام حمل وسفر). لنز وسیله گران قیمتی است و هر کسی هم نمی‌تواند از پس خرید تعداد زیادی از آنها بر بیاید. علاوه بر این لنزها، بخصوص لنزهای تله، چیزهای بسیار سنگینی هستند و در



■ **یک لنز زوم، مانند این لنز ۸۰ ـ ۲۸ می‌تواند به جای چند لنز کار کند، اما هم‌زمان به دلیل استفاده از عدسی‌های مختلف در آن، سرعت لنز هم پایین می‌آید.**

برنامه‌های عکاسی که خارج از خانه یا استودیو انجام می‌شوند، عکاس مجبور به حمل باری سنگین است که در بعضی از برنامه‌های درون طبیعت وزن لنزها واقعاً طاقت‌فرسا می‌شود.

در شرایطی که علاقه‌مند به صرفه‌جویی در لنزها باشید، می‌توانید از لنزهای زوم استفاده کنید. این لنزها دارای فاصله کانونی متغیر هستند و می‌توان یکی از آنها را برای مقاصد مختلف استفاده کرد. مثلاً یک لنز ساده 35-70mm در حقیقت در محدوده 35mm یک واید کوچک، در محدوده 50mm یک لنز نرمال و در محدوده 70mm یک لنز تله کوچک است. با استفاده از این لنز به جای حمل سه لنز مختلف می‌توانید فقط لنز زوم را روی دوربین خود ببندید و در شرایط مختلف عکاسی کنید. لنزهای زوم هم در انواع ترکیبات مختلف هستند و از بعضی آنها مثل 70-210mm فقط در محدوده عکاسی از فاصله‌های دور استفاده می‌شود. با توجه به نیاز خود به لنزهای گوناگون، سعی کنید که لنزی را انتخاب کنید که بیشترین استفاده را از آن ببرید و بتواند به بسیاری از نیازهای شما پاسخ دهد.

اگر با توجه به مطالب بالا تصمیم گرفتید که از لنزهای زوم استفاده کنید، دو نکته را در نظر داشته باشید. اول اینکه به دلیل متغیر بودن فاصله کانونی در لنزهای زوم، تعداد ذره‌بین و قطعات استفاده شده برای ساخت آنها بیشتر از قطعات لنزهای با فاصله کانونی ثابت است. بنابراین نور در عبور از لنزهای زوم دچار افت می‌شود که تأثیر آن روی سرعت لنز خواهد بود. یعنی اگر لنز ثابت واید یا نرمال شما حداکثر تا f:2 باز می‌شود، در یک لنز 35-70mm هرگز چنین چیزی را نخواهید دید و شاید حداکثر مقداری که لنز باز شود f:6/5 باشد، مگر اینکه لنز از آن لنزهای فوق العاده گران باشد. به این ترتیب استفاده از لنز زوم باعث از دست رفتن چند گام دیافراگم می‌شود که در شرایط نامناسب نوری انسان را مجبور به استفاده از سه پایه، فلاش و یا سایر وسایل جانبی می‌کند.

دومین مسئله مهم در مورد لنزهای زوم این است که اگر نسبت زوم آنها، یعنی حداکثر فاصله کانونی به حداقل فاصله کانونی ۳:۱ باشد، مثل لنز 70-210mm یا 28-85mm افت کیفیت تصویر در آنها بیشتر خواهد بود. در نتیجه سعی کنید که از لنزهای زومی استفاده کنید که تقسیم حداکثر فاصله کانونی آنها به حداقل فاصله کانونی، عددی کمتر از ۳ به دست دهد.

بر روی اکثر دوربین‌های دیجیتال، نوعی زوم وجود دارد که به زوم دیجیتال معروف است. این نوع زوم در حقیقت بزرگنمایی مرکز عکس به شیوه الکترونیکی و دیجیتالی است و با انتخاب این گزینه و فعال کردن آن، افت کیفیت شدیدی در عکس به وجود خواهد آمد و این زوم اصلاً با زوم اپتیک که از طریق بزرگنمایی ذره‌بین و عناصر شیشه‌ای صورت می‌گیرد، قابل مقایسه نیست. اگر عکس‌هایی که می‌گیرید برای استفاده در اینترنت یا ایمیل هستند، افت کیفیت زوم دیجیتال در آنها قابل ملاحظه نخواهد بود ولی چنانچه تصمیم به چاپ عکس‌های خود بر روی کاغذ دارید، بهترین کار این است که زوم دیجیتال دوربین خود را خاموش کنید، مگر اینکه درجه وضوح عکس دوربین شما خیلی بالا باشد.

۵ـ از فیلتر UV استفاده کنید

فیلتر اشعه ماوراء بنفش یا فیلتر UV فیلتر ساده‌ای است با محسنات و خدمات زیاد برای علاقه‌مندان عکاسی. از این فیلتر برای جذب اشعه ماوراء بنفش که در نور خورشید وجود دارد استفاده می‌شود. اشعه ماوراء بنفش با چشم قابل مشاهده نیست ولی اثری که در هنگام عکاسی بر روی فیلم می‌گذارد، قابل رویت می‌باشد. شاید شما هم با این تجربه مواجه شده باشید که در بعضی از عکس‌هایی که انداخته‌اید، با وجود رعایت همه مسایل و نکات فنی، در نقطه‌ای از عکس شما لکه سفیدی ایجاد شده است که در هنگام عکاسی آن را مشاهده نکرده بودید. این لکه تأثیر اشعه ماوراء بنفش بر روی فیلم عکاسی می‌باشد.

اشعه ماوراء بنفش در نور خورشید موجود است و در نقاط سربسته مقدار آن چندان زیاد نیست. هر چقدر از سطح زمین به بالا برویم مقدار این اشعه هم بیشتر خواهد شد. برای هر ۱۰۰۰ متر بالا رفتن از سطح زمین، مقدار این اشعه دو برابر می‌شود. اگر شما اهل ورزش در ارتفاعات بلند باشید و عکس‌هایی در آن نقاط گرفته باشید، حتماً متوجه شده‌اید که رنگ آسمان در این نقاط آبی تند است. علت این امر وجود اشعه ماوراء بنفش در ارتفاعات است.

فیلتر UV فیلتری شیشه‌ای و شفاف است که در جلوی لنز بسته می‌شود. این فیلتر بجز جذب اشعه مزاحم UV هیچ تأثیری روی عکس شما نمی‌گذارد. بنابراین حتی در زمانی که در فضای سربسته عکاسی می‌کنید نیز این فیلتر را از روی لنز خود باز نکنید. این فیلتر در مقدار نور یا رنگ عکس تغییری ایجاد نمی‌کند.

حتی اگر شما به ندرت در طبیعت یا فضای باز عکاسی می‌کنید نیز یک فیلتر UV برای لنز خود تهیه کنید چرا که این فیلتر می‌تواند بهترین محافظ لنز شما از گرد



- **یک فیلتر UV، چیزی سبک، ارزان و بسیار مفید (هم در عکاسی و هم در محافظت از لنز) به شمار می‌رود.**

و غبار و در مقابل ضربه باشد. زمانی که این فیلتر را بر روی لنز خود بسته باشید دیگر نیازی به پاک کردن شیشه لنز خود و احیانا از بین بردن لایه‌های ضد انعکاس نور سطح آن نخواهید داشت. در ضمن در صورت وارد آمدن ضربه‌ای به لنز شما، فیلتر UV ضربه را تحمل می‌کند و از وارد آمدن خسارت به لنز گران قیمت شما جلوگیری می‌کند. فیلتر UV فیلتری است ارزان و قیمت آن در حدود چند هزار تومان است.

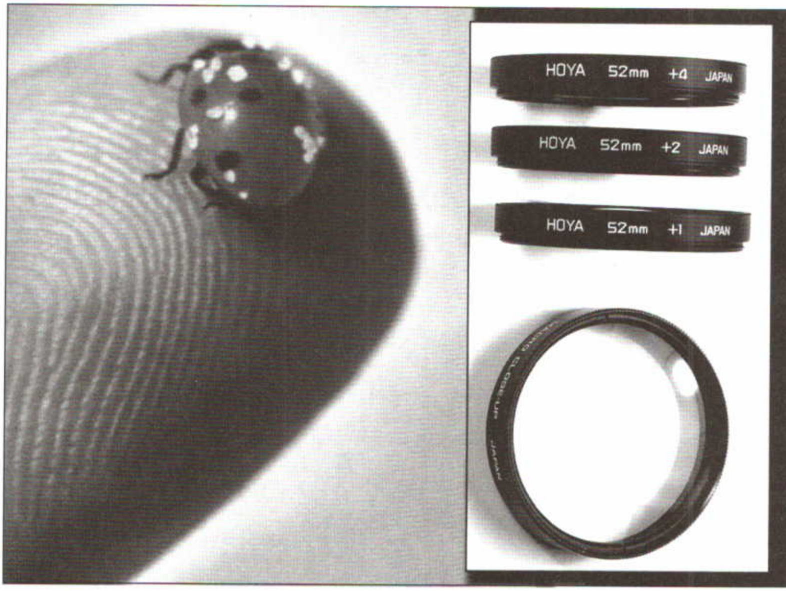
فیلترهای UV بر روی اکثر دوربین‌های آنالوگ قابل استفاده هستند، مگر در بعضی دوربین‌های اتوماتیک. در عکاسی دیجیتال از فیلترهای UV می‌توان روی دوربین‌های تک لنزی SLR استفاده کرد ولی در حال حاضر در اکثر دوربین‌های کوچک و کمپاکت دیجیتال، به خاطر ساختمان و طراحی خاص آنها نمی‌توان فیلتر UV نصب کرد.

۶ـ برای عکاسی از فاصله‌های خیلی نزدیک از فیلترهای کلوزآپ استفاده کنید

هر لنزی که برای عکاسی با دوربین خود استفاده کنید، حتماً دارای یک محدودیت حداقل فاصله از سوژه است که اگر سوژه در فاصله‌ای نزدیکتر از این فاصله به دوربین قرار داشته باشد، عکس او در خارج از فاصله کانونی لنز واقع شده و در نهایت عکس تار می‌شود. به عنوان مثال در بعضی از لنزها این حداقل فاصله 70cm است، یعنی هر سوژه‌ای که در فاصله کمتر از 70cm به دوربین واقع شود، دارای عکسی تار خواهد شد. مثلاً از فاصله 50cm نمی‌توان با این لنز عکسی واضح گرفت.

اما اگر سوژه شما بسیار کوچک باشد و مجبور باشید که برای عکاسی از آن دوربین را فوق‌العاده به سوژه نزدیک کنید، چه کار باید کرد؟ مثلاً اگر بخواهید که از نوشته‌های یک کتاب، نقش روی سکه یا گل بسیار کوچکی عکس بگیرید، چگونه می‌توان این کار را بدون تار شدن عکس انجام داد؟

برای عکاسی در شرایطی این چنینی چندین راه عملی وجود دارد که یکی از آنها استفاده از فیلترهای کلوزآپ است. فیلترهای کلوزآپ فیلترهایی هستند مانند فیلترهای دیگر، اما در حقیقت ذره‌بین‌هایی هستند که با بستن آنها بر روی لنز، حداقل فاصله کانونی دوربین کمتر می‌شود و می‌توان دوربین را به سوژه نزدیکتر کرد. به این ترتیب عکاسی از فاصله نزدیکتر برای شما ممکن می‌شود. این فیلترها با قدرت بزرگنمایی‌های مختلفی وجود دارند که معمولاً به صورت عددی از ۱+ تا ۵+ نشان داده می‌شوند که ۵+ قوی‌ترین آنهاست. هرگاه با بستن فیلتر کلوزآپ ۵+ باز هم نتوانستید به اندازه کافی به سوژه خود نزدیک شوید، می‌توانید یکی دیگر از فیلترها مثلاً ۱+ را هم به مجموعه لنز خود اضافه کنید تا بتوانید بیشتر به سوژه خود نزدیک



■ **فقط با استفاده از لنز یا فیلترهای کلوزآپ (در سمت راست) می‌توان تصاویری با بزرگنمایی بسیار (تصویر چپ) را عکاسی کرد.**

شوید. البته هرچه تعداد فیلترهای بسته شده بر روی لنز بیشتر باشند، انکسار نور بیشتر صورت خواهد گرفت و نور بیشتری را باید به داخل لنز راه داد.

مسئله مهمی که در رابطه با عکاسی کردن با این فیلترها وجود دارد، نیفتادن سایه لنز، دوربین و یا عکاس بر روی سوژه (به دلیل نزدیک شدن بیش از حد به آن) است که حتماً سعی کنید که در عکاسی از این‌گونه سوژه‌ها نورسنجی دقیق و صحیح از سوژه را انجام بدهید. نکته دیگر (که شاید در هنگام عکاسی کردن متوجه آن نشوید)، مسئله سیاه شدن گوشه‌های عکس بر اثر استفاده از این‌گونه لنزهاست. این سیاهی که به خطای ویگنت مشهور است در مواقعی که لنز وایدتر باشد یا تعداد فیلترهای بسته شده روی لنز زیاد باشد (مثلاً دو فیلتر کلوزآپ و یک فیلتر UV) بیشتر خود را نشان می‌دهد. چنانچه بنا به هر دلیلی پس از گرفتن عکس خود از فاصله نزدیک متوجه این خطا شدید، سعی کنید که از طریق یک نرم‌افزار ویرایش عکس آن را برطرف نمایید.

۷ـ در عکاسی منظره از فیلتر پولارایزر استفاده کنید

اگر شما جزو آن دسته از علاقمندان عکاسی هستید که وقت زیادی را صرف عکاسی از طبیعت می‌کنید، حتما مسئله غلظت و اشباع بودن رنگ عکس‌ها برایتان فاکتور مهمی را تشکیل می‌دهد. در این نوع عکاسی، زمانی که رنگ‌ها قوی و زنده باشند، عکس زیباتر به نظر خواهد رسید.

یکی از راه‌های اشباع کردن یا قوی‌تر نمودن رنگ‌های موجود در عکس این است که از فیلتر پولارایزر استفاده کنید. برای اینکه متوجه بشوید که فیلتر پولارایزر چه وظیفه مهمی را بر عهده دارد باید متذکر شد که نور در برخورد به سطوح غیر فلزی در جهات مختلفی انعکاس پیدا می‌کند که باعث پخش شدن آن در همه جهات می‌شود. کاری که فیلتر پولارایزر انجام می‌دهد این است که نور جهت‌داری را که دارای رنگ بالایی از سوژه است و پرتوهای آن به طرف دوربین هستند را از خود عبور می‌دهد ولی مانع عبور سایر نورهای مزاحم و پخش شده در اطراف سوژه می‌گردد. این کار که به پولاریزه کردن یا قطبی کردن نور مشهور است از طریق چرخاندن یک صفحه پولارایزر صورت می‌گیرد و شما در حین چرخاندن این صفحه می‌توانید تغییرات رنگ را از طریق چشمی دوربین مشاهده کنید.

همهٔ فیلترهای پولارایزر از دو صفحه تشکیل شده‌اند که می‌توان با دست صفحه جلویی را چرخاند. زمانی که فیلتر روی لنز بسته شد، می‌توانید با چرخاندن آرام آن تغییرات رنگ را از درون چشمی مشاهده کنید.

علاوه بر اشباع نمودن رنگ‌های عکس، فیلتر پولارایزر می‌تواند رنگ آبی آسمان را نیز پر رنگ‌تر نماید. البته از این مورد در زمانی استفاده کنید که آسمان در عکس شما به رنگ آبی دلخواه نیست و تمایل دارید که آسمان را با رنگ آبی قوی‌تری



■ **فیلتر پولاریزر مانند فیلتر فوقانی، فیلتری است مانند فیلترهای دیگر با این تفاوت که در ساختمان آن از دو صفحه گردان استفاده شده است.**

داشته باشید. اما در صورتی که آسمان در عکس شما واقعا آبی است و به شکل برجسته‌ای در عکس ظاهر خواهد شد، استفاده از پولارایزر می‌تواند باعث تاریک‌تر شدن آسمان بشود، طوری که به نظر بیاید که عکس در غروب یا قبل از طلوع خورشید گرفته شده است و بدین ترتیب عکس شما را از شکل واقعی خود خارج کند. مخصوصاً این نکته را در نظر داشته باشید که چنانچه در ارتفاعات کوهستانی عکاسی می‌کنید، به دلیل وجود اشعه ماوراء بنفش که باعث آبی شدن آسمان می‌شود و یا عدم وجود آلودگی هوا، استفاده از فیلتر پولارایزر باعث تندتر شدن رنگ آبی طبیعی آسمان خواهد شد.

از فیلتر پولارایزر برای اهداف دیگر هم می‌توان استفاده نمود. به عنوان مثال اگر از منظره‌ای عکس می‌گیرید که آب رودخانه یا دریاچه‌ای در آن وجود دارد، می‌توانید با چرخاندن فیلتر پولارایزر، از کف رودخانه یا سطح زیر آب هم عکس بگیرید. در این حالت فیلتر پولارایزر فقط امواج نوری که از کف رودخانه می‌آیند را از خود عبور خواهد داد. علاوه براین مورد، در زمانی که انعکاس نور از روی سطح شیشه مزاحم عکاسی است، مثل عکاسی از درون اتومبیل یا درون ویترین مغازه و پنجره می‌توانید با چرخاندن فیلتر پولارایزر از آن سوی شیشه هم عکاسی کنید.

در زمان عکاسی با پولارایزر مسئله محدودیت این فیلتر را هم در نظر داشته

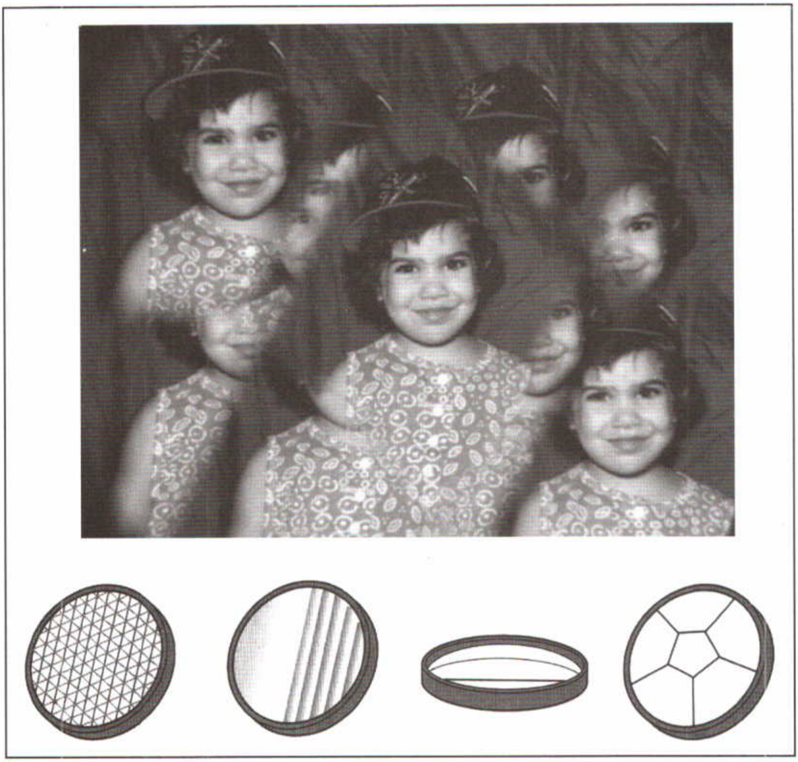
باشید. این فیلتر زمانی خوب عـمل مـی‌کند کـه خـورشید بـا جـایی کـه در آن قـرار گرفته‌اید، زاویه ۹۰ درجه داشته باشد. در غیر این صورت خوب عمل نخواهد کرد. بهترین وقت استفاده از آن در اوایل صبح قبل از اینکه خورشید خـیلی بـالا بـیاید و قبل از غروب می‌باشد که به این معنی است که هرگاه خورشید در آسمان پایین باشد این فیلتر بهتر عمل خواهد کرد.

۸ـ برای زیبایی بیشتر از فیلترهای جلوه‌های ویژه استفاده کنید

شما می‌توانید برای زیباتر کردن عکس‌های خود از فیلترهای مختلف جلوه‌های ویژه استفاده کنید. این فیلترها مانند دیگر فیلترهای عکاسی، شیشه‌ای یا پلاستیکی هستند و در جلوی لنز بسته می‌شوند. بستگی به نوع جلوه ویژه‌ای که در نظر داشته باشید، مدل این نوع فیلترها هم فرق می‌کند. بعضی از آنها به فیلتر منشوری معروف هستند و در عکاسی از چهره و سوژه‌های انسانی استفاده می‌شوند. با بستن آنها در جلوی لنز می‌توان چند تصویر از سوژه را در ترتیب‌های گوناگون در عکس آورد. با چرخاندن آنها می‌توان جای تصاویر را روی عکس تغییر داد و آنها را به صورت عمودی، افقی یا مورب در عکس قرار داد. در عکاسی با این نوع فیلترها حتماً پس زمینه تاریکی داشته باشید تا جلوه فیلتر کاملا خود را در عکس نشان دهد.
علاوه بر فیلترهای منشوری می‌توان از فیلترهای دیگری که به شکل‌های مختلفی هستند نیز استفاده نمود. بعضی از آنها کاملاً رنگی هستند و در وسط خود دارای ستاره یا دایره‌ای می‌باشند که می‌توان سوژه اصلی را در آن قرار داد و محیط اطراف را محو کرد.

تعدادی از فیلترها هم ستاره‌ای هستند که چنانچه نوری به آنها تابیده شود، نور درخشان را به صورت ستاره‌های دو پر، چهار پر و یا چند پر نمایش می‌دهند. اکثر این نوع فیلترها برای عکاسی در شب مناسب هستند.

البته لیست این نوع فیلترها تمامی ندارد و هر چند وقتی هم شاهد اضافه شدن تعدادی دیگر به این مجموعه هستیم. اما در استفاده از این نوع فیلترها بهتر است که جانب احتیاط را رعایت کرد، چرا که با خرید هر فیلتر و عکاسی با آن ممکن است که خسته شوید و وسوسه شوید که فیلترهای دیگری بخرید. در نتیجه فیلترهای قبلی در جایی خاک خواهند خورد.



■ **اینها فقط نمونه‌هایی از بی‌شمار فیلترهای منشوری برای ایجاد جلوه‌های ویژه (مثل عکس بالا) هستند.**

اکثر فیلترهای جلوه‌های ویژه برای دوربین‌های آنالوگ تولید شده‌اند و شاید تعداد فیلترهایی که برای دوربین‌های دیجیتال ساخته شده باشند، زیاد نباشند. اما اگر با دوربین دیجیتال عکاسی می‌کنید، می‌توانید از طریق نرم‌افزارهای ویرایش عکس کامپیوتر و با استفاده از قریحه و ابتکار خود، جلوه‌های ویژه را روی عکس‌های خود مونتاژ کنید. در اکثر نرم‌افزارهای عکس (مثل فتوشاپ)، ابزارها و فیلترهای مختلفی برای ایجاد جلوه ویژه موجود می‌باشند. با کمی شناخت از توانایی‌های نرم‌افزار خود می‌توانید در این زمینه فعالیت نمایید و به زیباتر شدن و گیرا شدن عکس‌های خود کمک کنید.

۹ـ از سیم دکلانژور برای عکاسی استفاده کنید

در شرایطی که مجبور باشید که از سرعت آهسته شاتر برای عکاسی استفاده کنید، شاید فشار انگشت بر روی تکمه شاتر باعث شود که دوربین در هنگام عکاسی دارای مختصری لرزش شده و در نتیجه عکس تار شود. این حالت حتی در زمانی که دوربین روی سه پایه سوار باشد نیز ممکن است پیش بیاید، چرا که همه سه پایه‌ها محکم و کاملاً ثابت نیستند و در بعضی موارد شاید نیاز باشد که چندین عکس پیاپی بگیرید که در این حالت خطر لرزش دست چند برابر خواهد شد. برای عکاسی در چنین شرایطی می‌توانید از وسیله‌ای عادی و ارزان به نام سیم دکلانژور استفاده کنید.

دکلانژور سیمی است که درون آن فنری قرار داده شده است مثل سیم گاز خودرو که پس از فشار آوردن به آن، فنر دوباره به جای اصلی خود باز می‌گردد. در یک طرف این سیم ماشه‌ای قرار دارد که هر گاه به آن فشار داده شود سر دیگر فنر بیرون می‌آید. زمانی که ماشه رها شود فنر به جای خود باز می‌گردد. در انتهای دیگر دکلانژور پیچی قرار دارد که از نظر اندازه استاندارد می‌باشد و در همه دکلانژورها به یک اندازه است.

قسمت پیچی دکلانژور را می‌توانید به سوراخی که در وسط اکثر دوربین‌ها وجود دارد از طریق پیچاندن متصل کنید. اکنون در زمانی که بخواهید عکسی بگیرید می‌توانید با فشار ماشه دکلانژور شاتر دوربین را بزنید و عکسی بدون لرزش بگیرید. برای عکاسی‌های طولانی مدت، مثل عکاسی در شب این وسیله بسیار کارآمد است و می‌تواند باعث خلق عکس‌هایی بشود که بدون دکلانژور امکان گرفتن آنها غیر ممکن یا بسیار مشکل است.

بعضی از دکلانژورها دارای قفل هستند و شما بعد از فشار تکمه شاتر می‌توانید



■ **استفاده از سیم دکلانژور می‌تواند باعث نجات عکس‌ها و مانع از تا شدن آنها شود.**

آن را قفل نمایید و تا زمانی که قفل آن را باز نکرده باشید، دریچه شاتر دوربین شما باز خواهد بود. از این امکان می‌توان برای عکاسی‌های فوق العاده طولانی مثل عکاسی از ستارگان در شب استفاده کرد. در این حالت شاتر دوربین شما روی B قرار داده می‌شود.

بعضی از دوربین‌های مدرن دارای دکلانژور الکترونیکی هستند که به جای وصل شدن به تکمه شاتر به جای دیگری که برای این کار در نظر گرفته شده است وصل می‌شوند، ولی کارکرد آنها مثل دکلانژورهای عادی است. البته قیمت آنها بسیار بالاتر از دکلانژورهای عادی است و در همه جا هم یافت نمی‌شوند.

امروزه بسیاری از دوربین‌های مدرن (مخصوصا دوربین‌های دیجیتال) دارای کنترل از راه دور بدون سیم هستند. با استفاده از این وسیله جالب می‌توانید همان

کارهایی را انجام دهید که با یک سیم دکلانژور انجام می‌دهید. در هنگام عکاسی با این دوربین‌ها حتی می‌توانید پس از تنظیم دوربین برای عکاسی از آن فاصله بگیرید و عکاسی خود را از راه دور انجام دهید. این امکان برای عکاسی از سوژه‌هایی مثل پرندگان و حیوانات که با دیدن انسان از صحنه خارج می‌شوند بسیار مفید است.

توجه داشته باشید که قیمت یک دکلانژور زیاد بالا نیست و عکاسی با آن هم به مهارت فوق العاده‌ای نیاز ندارد. امروزه قیمت یک دکلانژور ساده در حد قیمت چند حلقه فیلم می‌باشد ولی کاری که این وسیله انجام می‌دهد بسیار با ارزش‌تر از این است که بتوان قیمتی برای آن تعیین کرد.

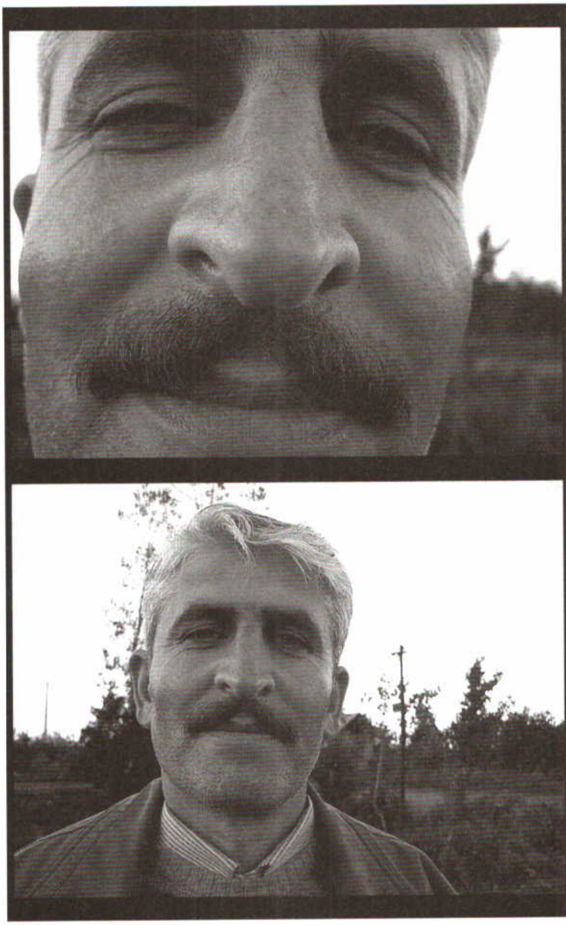
۱۰ ـ با لنز واید از صورت‌ها عکس نگیرید

لنزهای واید دارای کاراکتر خاص خود هستند. این لنزها دارای میدان دید وسیعی هستند و برای عکاسی از مناظر نقاط سرپوشیده که عکاس امکان عقب کشیدن دوربین را ندارد، بسیار مناسب هستند. همچنین عمق میدان در لنزهای واید بسیار بالاست و از اینرو در بسیاری از عکس‌ها که مسئله عمق میدان زیاد مهم است (مثل عکس‌های رپرتاژها) از این نوع لنزها استفاده می‌شود.

لنز واید اشیاء نزدیک را دور می‌کند و آنها را کوچک می‌سازد. کاراکترهایی که برای لنز واید ذکر کردیم و از جمله سرعت بالای این لنزها آنها را به لنزهایی محبوب نزد اکثر عکاسان تبدیل نموده است.

اما از لنز واید برای همه حالات نمی‌توان استفاده کرد. یکی از مواردی که عکاسی با آنها باعث خراب شدن عکس یا سوژه می‌شود عکاسی از فاصله نزدیک با این لنزها از سوژه‌های انسانی است. اصولا لنز واید چیز مناسبی برای عکاسی پرتره نیست چرا که عکاس در فاصله‌ای که از سوژه قرار دارد او را کوچک می بیند، بنابراین سعی می‌کند که با نزدیک شدن به سوژه مقدار بیشتری از سوژه را در عکس داشته باشد.

نزدیک شدن به سوژه با لنز واید باعث می‌شود تا صورت سوژه از تناسب عادی خارج شود و صورتی دارای اعوجاج تصویری در عکس به وجود بیاید. در نتیجه در عکس نهایی شما با یک سوژه عادی مواجه نیستید بلکه صورت تحریف شده او را در عکس خود می‌بینید. البته ممکن است که این مسئله را در درون چشمی دوربین خود مشاهده نکنید بلکه سوژه شما کاملاً عادی به نظر برسد. مخصوصاً اگر دوربین شما دارای چشمی جداگانه باشد. تا زمانی که عکس خود را چاپ و یا روی مونیتور



■ **در صورت نزدیک شدن بیش از حد با لنز واید، شاهد عکس‌هایی دارای اعوجاج و انحراف پرسپکتیوی خواهید شد (مانند عکس بالا). حتماً در عکاسی با این لنزها از اشخاص فاصلهٔ بیشتری بگیرید.**

نبینید نمی‌توانید از نتیجه نامطلوب عکس خود آگاه شوید. دوربین‌های اتوماتیک که تعداد آنها هم کم نیست دارای این مشکل هستند. بر روی اکثر این دوربین‌ها لنزی وجود دارد که فاصله کانونی آنها حدود 28mm است. در ضمن چشمی این دوربین‌ها از لنز جداست و زمانی که از چشمی دوربین به سوژه نگاه می‌کنید (حتی

از فاصله نزدیک) صورت فرد را کاملاً طبیعی می‌بینید در صورتی که همان تصویر که از لنز رد می‌شود دارای اعوجاج تصویر است و خطوط آن شکل طبیعی ندارند.

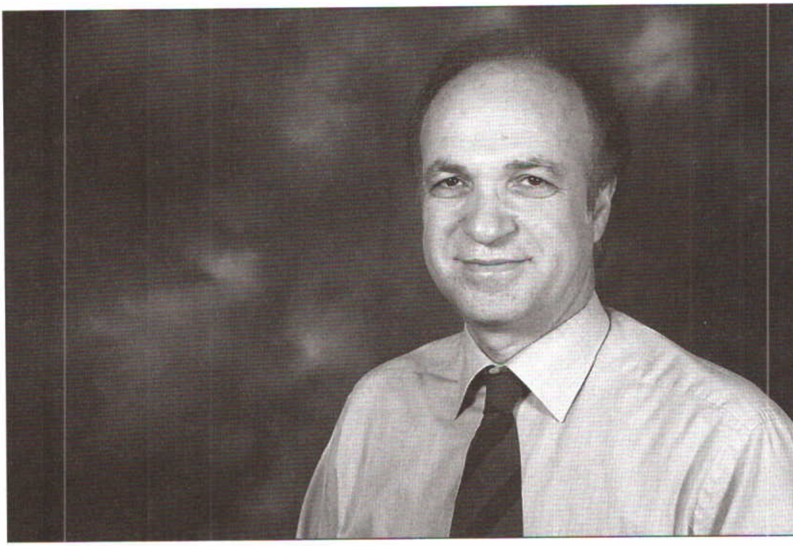
اعوجاج تصویر در لنزهای واید در قسمت‌های کناره‌های عکس بیشتر از نقاط دیگر است و هرچه لنز واید بیشتر به سوژه نزدیک می شود این اعوجاج هم بیشتر می‌شود. بنابراین در عکس‌هایی که به صورت دسته جمعی و گروهی با لنز واید می گیرید این نکته را در نظر داشته باشیدکه افراد را زیاد نزدیک به لبه‌های عکس قرار ندهید. اعوجاج تصویری می‌تواند به شکل انحراف پرسپکتیوی هم اتفاق بیفتد و خطوط منظم یک ساختمان که از فاصله بسیار نزدیک عکاسی شده باشند در عکس کج ظاهر شوند.

۱۱ـ در عکاسی پرتره از فون استفاده کنید

اکثر کسانی که دوربینی برای عکاسی کردن می‌خرند، حتماً پس از مدتی عکاسی تمایل زیادی به عکاسی پرتره از دوستان و خانواده و بستگان خود پیدا می‌کنند. برای اکثر افراد گرفتن عکس پرتره به معنی نشاندن سوژه در مقابل دوربین خود و گرفتن عکس از سوژه مورد نظر است. شاید خیلی‌ها از نتیجه کار خود راضی هم باشند ولی متاسفانه این روش ساده‌ترین راه برای گرفتن یک عکس از سوژه انسانی است.

برای گرفتن یک عکس پرتره نسبتاً خوب باید با برنامه عمل کرد و خیلی چیزها مثل آماده سازی سوژه، نور و محیط را از قبل تدارک دید. یکی از چیزهایی که برای گرفتن عکس پرتره با کیفیت بالا مطرح است، استفاده از پرده‌های نقاشی شده موسوم به فون در پشت سر سوژه است. فون، پرده‌ای پارچه‌ای است که روی آن توسط اسپری یا قلم، رنگ آمیزی شده و یا طرحی روی آن کشیده شده است. معمولاً رنگ یا طرح‌های فون طوری انتخاب می‌شوند که چندان زننده نباشند و بعد از گرفتن عکس پرتره، چشم بیننده روی افرادی که در عکس هستند، متمرکز شود. پرده‌های فون در انواع و اقسام طرح‌ها و ابعاد گوناگون وجود دارند. بعضی از آنها متناسب عکاسی تمام قد از سوژه هستند و اندازه آنها بزرگ است و بعضی دیگر مناسب عکاسی از سر و نیم تنه بالایی هستند وابعاد آنها کوچکتر و در نتیجه ارزان‌تر از بقیه هستند.

البته امروزه با استفاده از تکنولوژی پیشرفته و به کار بردن ویدیو پروجکشن‌های مخصوص، پرده‌های پس زمینه الکترونیکی هم به بازار آمده‌اند که با استفاده از آنها تعداد فون‌ها نزد عکاسان به شکل بی‌سابقه‌ای بالا می‌رود. اما قیمت این وسایل بسیار بالاست و یک عکاس آماتور چندان نیازی به آنها نخواهد داشت و متناسب



■ **یک فون عبارت از پرده‌ای رنگی است که برای عکاسی پرتره، مانند عکس بالا استفاده می‌شود.**

استودیوهای بزرگ با توان مالی فوق‌العاده هستند.

اما اگر شما بنا به هر دلیلی نخواهید که در این زمینه سرمایه‌گذاری کنید، می‌توانید از وسایل معمولی موجود در خانه هم به جای فون پس‌زمینه استفاده کنید. برای این کار می‌توانید یک پرده یا ملحفه را با سلیقه خود و با یک اسپری رنگ آمیزی کنید و در هنگام عکاسی از سوژه‌های انسانی آن را در پشت آنها آویزان کنید. در صورتی که بخواهید کار از این هم ساده‌تر باشد، می‌توانید بدون رنگ‌آمیزی، از پارچه‌هایی ساده و بدون طرح استفاده کنید. فقط توجه داشته باشید که این پارچه‌ها دارای چین و چروک نباشند چرا که آنها باعث به وجود آمدن سایه در پشت سوژه می‌شوند، علاوه بر این از جنس پلاستیک و مشمع هم نباشند زیرا باعث انعکاس نور می‌شوند. باز هم متذکر می‌شوم که پرده فون نباید دارای طرحی باشد که نظر بیننده را به خود جلب کند و حواس بیننده معطوف آن بشود. اگر در محل زندگی خود فضای باز به اندازه کافی موجود باشد، می‌توانید یک گوشه از اتاقی را به این کار اختصاص دهید و با نصب یک چوب پرده، فون‌های خود را به آن آویزان کنید.

۱۲ـ از فیلم دارای تاریخ مصرف معتبر استفاده کنید

اگر شما از جمله عکاسانی هستید که با دوربین‌های آنالوگ عکاسی می‌کنید و هنوز به فیلم وفادار هستید، حتماً توجه نموده‌اید که فیلم‌ها هم دارای تاریخ مصرف هستند که معمولاً روی جعبه آنها با حروف لاتین و به سال و ماه میلادی درج شده است. اهمیت دادن به این تاریخ مصرف و استفاده کردن از فیلمی که دارای تاریخ مصرف معتبر باشد چیز مهمی برای عکاسی است چرا که در صورت خرید فیلمی که تاریخ مصرف آن گذشته باشد، حتماً نتیجه عکاسی شما چیز متفاوتی از آب در خواهد آمد، حتی اگر همه نکات عکاسی را هم در کار خود رعایت کرده باشید.

فیلم عکاسی عبارت از مجموعه‌ای از مواد شیمیایی است که بر روی یک ورق پلاستیک قرار داده شده‌اند. مواد شیمیایی روی فیلم که معمولاً نیترات نقره و یا ترکیبات نقره هستند، به "امولوسیون" معروف هستند. این مواد شدیداً به نور حساس هستند و لحظه‌ای نور تاباندن به آنها در هنگام عکاسی باعث ثبت تصویر بر روی آنها می‌شود. اما امولوسیون فقط به نور حساس نیست بلکه به حرارت و گذشت زمان نیز حساس است.

کارخانه‌های سازنده فیلم معمولاً تاریخی را روی جعبه فیلم خود چاپ می‌کنند که به معنی سالم بودن فیلم تا انقضای تاریخ مصرف، (در صورتی که فیلم در محیط مناسبی نگاهداری شود) است. بهترین محل نگهداری فیلم در یخچال است. اما حتی اگر فیلم خود را در یخچال یا محل خنکی هم نگهداری کرده باشید، مطمئن باشید که پس از پایان تاریخ مصرف آن نمی‌توانید به آن اطمینان کنید. مواد شیمیایی که در امولوسیون هستند، بر اثر گذشت زمان روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند و تجزیه یا تبدیل به مواد دیگری می‌شوند که دیگر مشخصات یک فیلم سالم و نو را ندارند.

فیلم‌های کهنه نمی‌توانند رنگ را به صورت طبیعی بر روی عکس نشان دهند،



■ **عدم توجه به تاریخ مصرف درج شده بر روی فیلم باعث خراب شدن عکس‌ها (مخصوصاً در عکاسی رنگی) می‌شود.**

در نتیجه ترکیب رنگ‌ها در فیلمی که تاریخ مصرف آن گذشته باشد به هم خواهد خورد. حتی در بعضی حالات عکس‌ها بسیار تاریک و تیره خواهند شد و ماهیت عکس شما را کاملا دگرگون نشان می‌دهند. این امر بخصوص در مورد فیلم‌های رنگی بسیار حساس و مهم است.

اگر فیلم را به صورت کلی خریداری می‌کنید، حتماً آن را در یخچال نگهداری کنید و سعی کنید که به اندازه‌ای فیلم بخرید که تا قبل از به سررسیدن تاریخ مصرف، آنها را استفاده کرده باشید و یا در زمانی که به انقضای تاریخ مصرف نزدیک هستید آنها را به دوستان خود بدهید تا آنها را هر چه سریع‌تر استفاده کنند. در ضمن به خاطر داشته باشید که هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی فیلمی که تاریخ مصرف آن گذشته باشد را نخرید، حتی اگر بهای آن بسیار پایین‌تر باشد، حتی اگر فقط یک ماه از تاریخ مصرف آن گذشته باشد. به نظر من با قیمت ارزانی که فیلم در کشور ما دارد، حتی اگر بر اثر غفلت تاریخ مصرف فیلم شما تمام شد، آن را مصرف نکنید و دور بیندازید. در مقایسه با عکس‌های نامطلوبی که ممکن است براثر استفاده از این‌گونه فیلم‌ها نصیب شما شود، مطمئن باشید که چیز زیادی را از دست نداده‌اید.

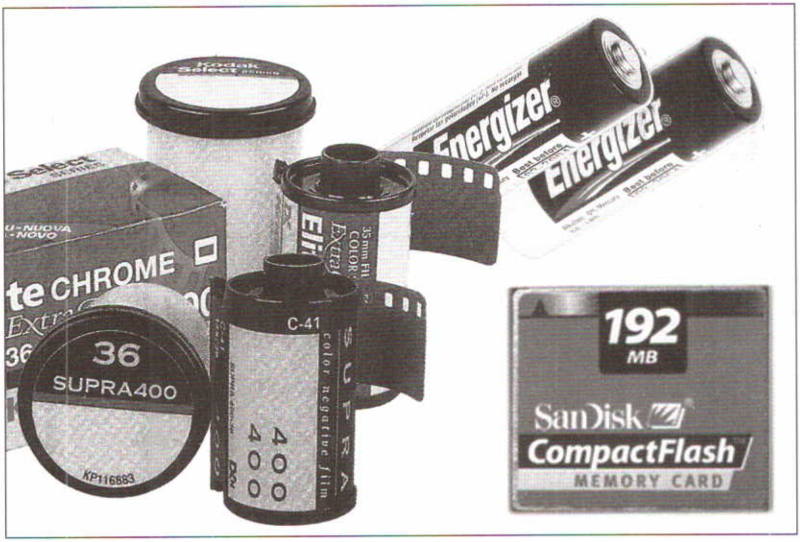
۱۳ـ همیشه فیلم و باتری اضافه همراه داشته باشید

بنا به دلایل بسیاری که خیلی از آنها قابل پیش بینی نیستند، در یک برنامه که شاید احتمال عکاسی یک حلقه فیلم یا کمتر را داده‌اید، ممکن است ناگهان مواجه با شرایطی بشوید که مجبور به گرفتن عکس‌های زیادی باشید. در این‌گونه مواقع اگر پیش بینی و تدارک فیلم را از قبل انجام نداده باشید، حتماً آن صحنه یا لحظه رویایی را برای همیشه از دست می‌دهید.

فیلم در حقیقت از مهم‌ترین وسایل تدارکاتی عکاس است و شما باید کاری کنید که همیشه تعداد زیادی از آن را همراه داشته باشید، حتی اگر از همه آنها استفاده نکنید. مخصوصاً در سفرها و برنامه‌هایی که دور از شهر و دیار خود هستید، حتماً قبل از اعزام، خرید فیلم را در شهر خود و از مغازه‌ای معتبر انجام دهید. هیچ‌وقت با اتکاء به اینکه در شهر مقصد و یا در طول مسافرت، فیلم خود را تهیه خواهید کرد، عمل نکنید. بنا به دلایل گوناگون شاید شما آن نوع فیلم مورد علاقه خود را در شهر مقصد پیدا نکنید و یا به دلیل ماندن طولانی فیلم در مغازه، تاریخ مصرف آن گذشته باشد و فیلم دارای اعتبار نباشد.

همچنین با توجه به اینکه اکثر دوربین‌های مدرن امروزی با یک یا چند باتری کار می‌کنند، تمام شدن باتری هم می‌تواند یکی از مسایل دردسر ساز در هنگام عکاسی کردن باشد، مخصوصاً اینکه باتری‌ها در شرایطی مثل هوای سرد خیلی زودتر تخلیه می‌شوند. بنابراین همیشه چند عدد باتری ذخیره برای مواقع اضطراری خود داشته باشید و در هوای سرد با گرم نگه داشتن آنها در زیر لباس خود، نگذارید که عمر آنها زودتر به پایان برسد.

مسئله مطرح شده برای فیلم در عکاسی دیجیتال به صورت محدودیت کارت



■ **بعضی مواقع کمبود فقط یکی از این وسایل می‌تواند منجر به تعطیلی عکاسی شود**

حافظه و پرشدن آن مطرح است. در اینجا هم اگر شما دارای کارت حافظه‌ای بزرگ یا کارت اضافی نباشید، مطمئناً پس از مدتی عکاسی، جا برای ذخیره کردن عکس‌های خود کم می‌آورید که در این حالت یا باید از عکاسی صرف‌نظر کنید و یا اینکه پاره‌ای از عکس‌های خود را از حافظه پاک کنید و یا اینکه درجه وضوح عکس‌های گرفته شده را پایین بیاورید تا جای خالی روی کارت حافظه ایجاد شود.

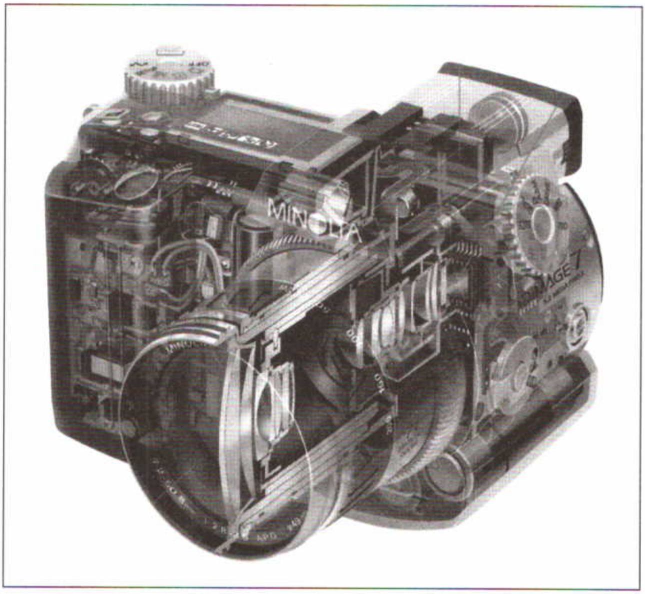
علاوه بر آن، مسئله باتری و تمام شدن آن در دوربین‌های دیجیتال که شدیداً به نیروی باتری وابسته هستند، اهمیت زیادی دارد و استفاده مکرر از مونیتور این دوربین‌ها خیلی سریع باعث تمام شدن باتری دوربین و در صورت نداشتن باتری اضافه، تعطیل شدن عکاسی می‌شود. در این مرحله واقعاً بجز تعطیل عکاسی کار دیگری نمی‌توان انجام داد. اگر دوربین دیجیتال شما با باتری‌های قلمی معمولی کار می‌کند، حتماً چند عدد باتری یدکی پر همراه داشته باشید و چنانچه باتری دوربین شما از نوع لیتیوم ـ یون است، قبل از عازم شدن برای عکاسی، حتماً آن را کامل شارژ نمایید. در صورت برخورداری از وضع مالی مناسب، یک عدد باتری لیتیوم ـ یون اضافه برای خود خریداری کنید.

۱۴ـ دوربین خود را در زمستان گرم نگاه دارید

دوربین عکاسی وسیله‌ای بسیار حساس است و از مجموعه‌ای قطعات مختلف با درجه حساسیت‌های مختلف تشکیل شده است. هرچه دوربین شما از تجهیزات الکترونیکی بیشتری برخوردار باشد، درجه حساس بودن آن هم بیشتر می‌شود. این امر در مورد دوربین‌های مدرن دیجیتال از اهمیت بالاتری برخوردار است و کوچکترین ضربه، تغییر محیط یا شوک به آنها باعث خرابی و یا عدم کارکرد صحیح آنها می‌شود.

استفاده از دوربین در زمستان تابع شرایط خاصی است. اولاً هر دوربینی تحمل درجه سرمای مشخصی را دارد که چنانچه در محیطی سردتر قرار بگیرد، احتمال خراب شدن قطعات داخلی آن وجود دارد. مثلاً بسیاری از دوربین‌های دیجیتال حداکثر سرمایی که می‌توانند تحمل کنند و کارکرد خوبی داشته باشند، صفر درجه است. سرمایی بیشتر از این مقدار باعث خراب شدن و یا عدم کارکرد صحیح آنها می‌شود. این امر به خصوص در مورد صفحه LCD آنها که از کریستال مایع تشکیل شده است، بسیار مهم است چرا که در سرمای بسیار زیاد امکان یخ زدن کریستال مایع و از بین رفتن مونیتور وجود دارد. حتی اگر دوربین شما دارای مونیتور LCD نباشد، (در سرمای زیاد) خطر قطع شدن سیم‌های نازک درونی آن (بر اثر انقباض) وجود دارد. جهت اطلاع از حداکثر سرمایی که دوربین شما می‌تواند تحمل نماید، به بهترین مرجع این کار یعنی دفترچه راهنمای دوربین خود مراجعه کنید.

در بعضی از دوربین‌های آنالوگ معمولی که بیشتر از قطعات مکانیکی تشکیل شده‌اند، حداکثر سرمای قابل تحمل می‌تواند تا ۲۵ درجه زیر صفر باشد. اما در نظر داشته باشید که در این دوربین‌ها هم بسیاری از فنرها و چرخ دنده‌ها و روغن میان آنها، ممکن است که براثر مجاورت با سرمای زیاد، کارکرد اصلی خود را از دست بدهند.



■ **یک دوربین عکاسی از قطعات مختلفی تشکیل شده که جنس خیلی از این قطعات با هم متفاوت است. همین‌طور توان و دوام آنها در مقابل سرما و گرما نیز متفاوت و متغیر است.**

هنگامی که در هوای زمستانی دوربین را همراه دارید، حتماً آن را زیر لباس حمل کنید تا در مجاورت سرمای زیاد قرار نگیرد. در این‌گونه آب و هوا حتماً باتری‌های اضافی هم همراه داشته باشید و آنها را در جیب‌های نزدیک به زیر بغل حمل کنید.

وقتی از هوای سرد به فضای سربسته و گرم وارد می‌شوید، به دوربین خود حداقل نیم ساعت فرصت دهید تا گرم شود. اگر دوربین شما خیلی سرد باشد، به احتمال زیاد در فضای سربسته تعرق روی قسمت‌های داخلی یا خارجی آن اتفاق خواهد افتاد. در این حالت بعد از گذشت زمان و گرم شدن دوربین، احتمالاً تعرق دوربین هم به بخار تبدیل خواهد شد. اما وقتی از هوای گرم به هوای سرد می‌روید حتماً در نظر داشته باشید که احتمال یخ زدن بخار هوا روی بدنه دوربین و لنز وجود دارد. از اینرو بهتر است که آن را در یک کیف حمل کنید و در هنگام عکاسی توجه کنید که قسمت‌هایی مثل لنز و چشمی آن فاقد قطعات یخ باشند.

۱۵ ـ در مورد نداشتن تجهیزات نگران نباشید

خیلی از کسانی که به عکاسی به عنوان یک فعالیت فوق برنامه در اوقات فراغت خود نگاه می‌کنند، یعنی آماتورها یا کسانی که حرفه آنها عکاسی نیست و بیشتر برای علاقه خود به این کار می‌پردازند، پس از مدتی عکاسی کردن همیشه در پی خرید هر چه بیشتر وسایل و تجهیزات عکاسی هستند و شاید بعضی از آنها علت عدم موفقیت خود در عکاسی را به گردن نداشتن تجهیزات بیندازند.

خود من علی‌رغم اینکه طرفدار وسایل پیشرفته و مدرن هستم، معتقدم که نداشتن تجهیزات نباید نگرانی فوق العاده‌ای را برای یک نفر علاقه‌مند عکاسی تشکیل بدهد. البته بدیهی است که هر کسی بستگی به نوع عکاسی و توان اقتصادی که دارد، باید از یک حداقل وسایل برای عکاسی کردن بهره‌مند باشد. اما با همان وسایل مختصر و یا ارزان هم می‌توان در زمینه‌های مختلف عکاسی فعال بود و عکس‌های بسیار خوبی گرفت. برای گرفتن یک عکس خوب یا زیبا نیازی نیست که حتماً دوربین گران قیمت دیجیتال یا لنزهای میلیونی بخریم و اصلاً با توجه به اوضاع اقتصادی اکثر مردم در کشور ما، چنین چیزی برای بیشتر علاقه‌مندان غیرممکن است. هیچ‌وقت افسوس و حسرت اینکه چرا فلان لنز یا فلان دوربین گران قیمت را ندارید، نخورید. اگر همین امروز صاحب چنین وسایل گران بهایی بشوید آیا عکاسی شما پیشرفت خواهد کرد؟ و اگر بله، این پیشرفت چقدر خواهد بود و آیا به حسرتش می‌ارزد؟

می‌گویند که اگر دوربین‌های معمولی و عادی ما (که احتمالاً از نظر ما چندان مدرن نیستند) را به عکاسان بزرگ جهان بدهند، آنها می‌توانند با همین دوربین‌ها عکس‌های فوق‌العاده‌ای بیندازند. اما آیا عکس این موضوع هم صدق می‌کند؟ یعنی



■ **دوربین‌های مدرن، لنزهای مجهز و لوازم جانبی مختلف، از وسوسه‌هایی هستند که به سراغ هر عکاسی می‌آیند. ولی در مقابل چند بار وسوسه، تعمیق معلومات عکاسی و فراگیری این هنر و فن به سراغ ما آمده است؟**

اگر به یک عکاس آماتور دوربین کاملاً مدرن و گرانی بدهند، آیا او می‌تواند عکس‌های زیبا و درستی بیندازد؟ در اکثر مواقع جواب منفی خواهد بود.

یکی از عکاسان آماتوری که من می‌شناسم تا چندی پیش یک دوربین روسی داشت و امروزه که کار خود را ارتقاء داده است، دوربین متوسطی در حد ۱۵۰ هزار تومان خریده است که برای خیلی‌ها ممکن است دوربین جالبی نباشد، اما شاید باور نکنید که عکس‌هایی که او با این دوربین و دوربین سابق خود برداشته است در چندین مجله و کتاب چاپ شده و در نمایشگاه‌های مختلف به نمایش در آمده‌اند.

در عکاسی مهم‌تر از ابزار، چیزی است که در مغز و احساس عکاس جریان دارد و در طول پروسه عکاسی، دوربین آخرین چیزی است که وارد کار می‌شود. همین مسئله در مورد تجهیزات جانبی دوربین‌ها که در مقایسه با درآمد ما قیمت‌های نجومی دارند نیز صدق می‌کند. علاوه بر این باید دید که از این وسایل و دوربین‌های فوق مدرن چه استفاده‌ای خواهد شد.

قیمت دوربین‌ها در سطح جهانی بر حسب سطح درآمد کشورهای پیشرفته

تعیین می‌شود و درآمد متوسط در جامعه ما چیزی بین ۲۰۰-۳۰۰ دلار در ماه است (حتی در مورد بعضی‌ها ممکن است که از این مقدار هم کمتر باشد، مثل دانشجویان). بنابراین اگر بخواهیم منطقی به قضیه نگاه کنیم، یک وسیله با قیمتی بالای ۱۰۰۰ دلار برای اکثر ما حکم چیزی دست نیافتنی را دارد. پس بهتر است که به جای افسوس و تأسف از نداشتن وسایل گران قیمت، به فکر به کار انداختن و استفاده بیشتر از ذوق و قریحه و استعداد خود باشیم. مطمئن باشید که در این راه موفق خواهید شد.

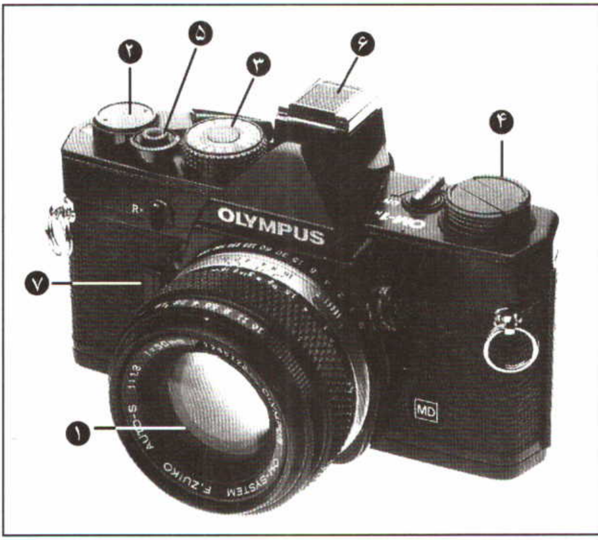
نگاهی به عکس‌هایی که در چند دهه پیش و یا حتی در قرن نوزدهم گرفته شده‌اند بیندازید. هر دوربینی که داشته باشید در مقابل دوربین‌هایی که آن عکس‌ها را گرفته‌اند، یک دوربین سوپر مدرن به حساب می‌آید ولی عکاسان آن دوربین‌ها توانسته‌اند با استفاده از ذوق و هنر خود، عکس‌هایی بردارند که هنوز هم عکس‌هایی زنده و مطرح در هنر عکاسی هستند و در طول تاریخ هم دوام آورده‌اند. شکی نیست که شما هم می‌توانید چنین عکس‌هایی بردارید.

۱۶ ـ با دوربین عکاسی آشنا شوید

همان‌طور که در جایی دیگر از این کتاب شرح داده شده، بهترین مرجع برای یادگیری و آشنایی با دوربین عکاسی که خریده و یا با آن عکاسی می‌کنید، دفترچه راهنمای دوربین شماست. در اینجا شرحی کلی در مورد دوربین عکاسی داده می‌شود تا کسانی که قصد خرید دوربین دارند، با در نظر گرفتن پاره‌ای از نکات مطرح شده دوربین خود را خریداری نمایند. مقصود از دوربین در اینجا، عمدتاً دوربین‌های معروف به ۱۳۵ است که از نظر تعداد و تنوع مدل خیلی زیاد هستند و بیشتر از دوربین‌های دیگر نزد آماتورها از محبوبیت برخوردار هستند.

روی همه دوربین‌ها لنزی وجود دارد که برای تشکیل سوژه بر روی فیلم یا چیپس تصویری دوربین تعبیه شده است. این لنز در دوربین‌های معروف به اتوماتیک چیز ثابتی می‌باشد، در دوربین‌های نیمه اتوماتیک و خیلی از دوربین‌های اتوماتیک به صورت زوم است ولی کماکان آن را نمی‌توان از دوربین جدا کرد. اما در دوربین‌های تک‌لنزی انعکاسی معروف به SLR این لنز قابل تعویض است و از بدنه دوربین جدا می‌شود. روی اکثر دوربین‌ها با جلو ـ عقب بردن لنز می‌توان کادر عکس را تغییر داد.

همه دوربین‌ها دارای تکمه‌ای به نام شاتر هستند که وظیفه گرفتن عکس را به عهده دارد. در اکثر دوربین‌ها، شاتر طوری مونتاژ شده است که عکاس در زمان‌های غیر ضروری بتواند آن را قفل کند تا بر اثر اشتباه یا فشار به آن فعال نشود و عکسی گرفته نشود. در دوربین‌های اتوماتیک با فشار تکمه شاتر بلافاصله عکس گرفته می‌شود. اما در بسیاری از دوربین‌های پیشرفته، اول باید شاتر را تا نیمه فشار داد و علامت یا چراغی در دوربین به عکاس بگوید که دوربین از نظر نورسنجی و



■ **قسمت‌های مختلف که در اکثر دوربین‌ها مشترک است: ۱ـ لنز، ۲ـ اهرم جمع کردن فیلم، ۳ـ گردونهٔ تنظیم سرعت فیلم و سرعت شاتر، ۴ـ حلقه جمع کردن فیلم، ۵ـ شاتر، ۶ـ کفشک فلاش، ۷ـ تایمر اتوماتیک دوربین**

فاصله‌یابی و تنظیم لنز آماده است و سپس با فشار تکمه شاتر تا به آخر عکس را گرفت. اگر شما سریع و ناگهانی این تکمه را فشار دهید، تصویر شما نورسنجی و فاصله‌یابی نشده و عکس خراب خواهد شد.

تقریباً همهٔ دوربین‌ها دارای سنسور یا گیرنده‌ای در یک نقطه دوربین (معمولاً لنز) هستند که وظیفه نورسنجی صحنه عکاسی را به عهده دارد. این نورسنج‌ها بر مبنای چندین سیستم مختلف کار می‌کنند ولی وظیفه همه آنها اندازه‌گیری نور منطقه‌ای است که دوربین به طرف آن نشانه رفته است. در هنگام عکاسی سعی کنید که از قرار دادن انگشت، بند دوربین یا چیز دیگری در جلوی نورسنج خودداری کنید تا نورسنجی دقیق انجام شود.

اکثر دوربین‌های مدرن امروزی دارای فلاش سرخود هستند که در خیلی از آنها پس از اینکه میکروپروسسور و قسمت‌های الکترونیکی دوربین تشخیص دادند که نور به اندازه کافی نیست، محفظه فلاش باز می‌شود و فلاش به بیرون می‌جهد و

آماده پخش کردن نور در لحظه عکاسی می‌شود. ممکن است که در بسیاری از دوربین‌های اتوماتیک، فلاش در محفظه‌ای قرار نداشته باشد و روی بدنه دوربین باشد ولی در این حالت هم فلاش با شارژ شدن، آماده عکاسی می‌شود.

در خیلی از دوربین‌ها انتقال فیلم به فریم بعدی، به صورت خودکار و از طریق موتوری که درون دوربین است انجام می‌شود و در بعضی از دوربین‌ها مکانیکی و توسط اهرمی که در نزدیکی شاتر قرار دارد فیلم جلو برده می‌شود. همین امر در هنگام تمام شدن فیلم و جمع شدن آن انجام می‌شود. یعنی یا فیلم به‌طور خودکار جمع می‌شود و یا عکاس باید آن را به‌طور دستی جمع کند.

در کلیه دوربین‌های آنالوگ و دیجیتال، محلی برای تنظیم حساسیت ابزار ثبت عکس (مثل فیلم یا چیپس نوری) وجود دارد که در دوربین‌ها به تنظیم ISO معروف است. قبل از گرفتن عکس، عکاس باید حساسیت فیلم یا چیپس را تنظیم کند تا متناسب حساسیت تنظیم شده عکس بگیرد. در غیر این صورت احتمال خراب شدن عکس وجود دارد.

اینها نکاتی عمومی در مورد اکثریت قریب به اتفاق دوربین‌های حاضر بودند. بدیهی است که هر مدل دوربینی، وسیله منحصر به فردی است و باید به‌طور دقیق و از نزدیک و توسط دفترچه راهنمای آن مورد مطالعه قرار گیرد.

۱۷ـ کیفی مناسب برای دوربین خود تهیه کنید

از هر دوربین کوچک یا بزرگی که استفاده کنید و در هر سطحی از عکاسی قرار داشته باشید، حتماً نیازمند یک کیف برای حمل و نقل دوربین و تجهیزات خود هستید. مطرح شدن این بحث در این کتاب به خاطر آن است که اولاً دوربین عکاسی و تجهیزات جانبی آن وسایل ظریف و حساسی هستند که حتی محیط‌هایی مثل سرد و گرم هم می‌توانند روی آنها تأثیر بگذارند. ثانیاً پس از مدتی عکاسی در محیط منزل و خانه خود، علاقه‌مند بردن دوربین خود به نقاط دیگر مثل میهمانی، پیک-نیک یا مسافرت خواهید شد. دوربین عکاسی شما تا زمانی که در کمد یا محل خاصی باشد، کمتر دچار حادثه می‌شود. حادثه زمانی به سراغ دوربین شما می‌آید که دوربین در حال حمل و نقل باشد.

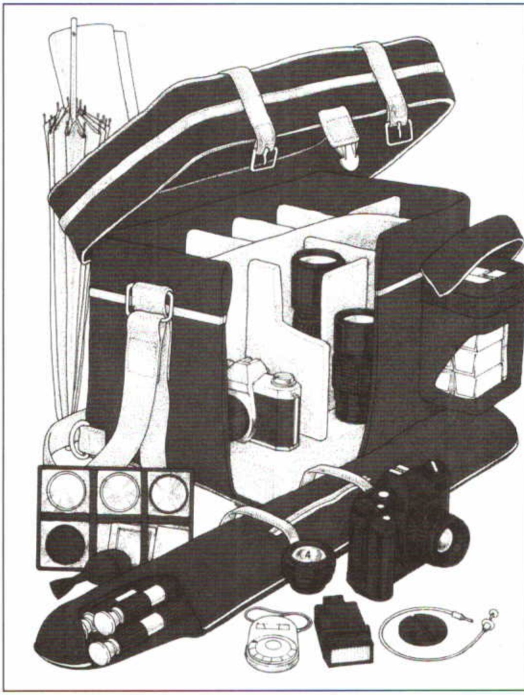
اگر دوربین شما جمع و جور و کوچک یا اتوماتیک است، بنابراین به کیف چندان بزرگی نیاز ندارید. یک کیف کوچک دارای بند که بتواند علاوه بر دوربین، باتری و فیلم یا کارت حافظه را در خود جای دهد، مناسب کار شما خواهد بود. اما اگر دوربین شما بزرگ و دارای لوازم جانبی زیادی است، بهتر است که کیف بزرگتر و مناسب‌تری انتخاب کنید. در این حالت بستگی به نوع فعالیتی که داشته باشید، جنس و مدل کیف دوربین شما هم فرق خواهد کرد. اگر علاقه‌مند به عکاسی در نقاط شهری و منازل باشید، شاید یک کیف بنددار که درون آن قسمت‌بندی شده و دارای فوم باشد، کار شما را راه بیندازد. اما اگر تصمیم به عکاسی منظره دارید و حتماً در محیط‌هایی مثل جنگل، کوه و کویر حضور پیدا خواهید کرد، دیگر یک کیف بندی جواب‌گوی کار شما نخواهد بود و وجود این کیف در راهپیمایی‌های

طولانی باعث دست و پاگیر شدن و خسته کردن شما خواهد شد. به علاوه از آنجایی که در این نقاط احتمال زمین خوردن وجود دارد، باید بدنه کیف شما آنقدر محکم باشد که در مقابل فشار وزن، آسیبی به دوربین نرسد.

بنابراین برای مسافت‌های طولانی راهپیمایی در طبیعت، شاید بد نباشد که یک کیف مدل کوله‌پشتی که دارای بدنه محکم و قسمت‌بندی داخلی باشد را انتخاب کنید. از آنجایی که سه پایه از واجبات عکاسی منظره است، حتماً امکان حمل سه‌پایه از طریق اتصال به کیف را در نظر داشته باشید. شما نمی‌توانید سه‌پایه را در مسافت‌های طولانی با دست خود حمل کنید و احتمال افتادن آنها در آب و یا پرت شدن از ارتفاع زیاد وجود دارد. کیف مدل کوله‌پشتی یک اشکال دارد که برای هر بار عکاسی مجبور هستید که آن را از دوش خود پایین بیاورید، البته به شرطی که دوربین را به گردن نینداخته باشید. در هنگام انتخاب سعی کنید که کوله‌پشتی دوربین شما دارای مقداری فضای اضافی برای حمل مقداری غذا و آب باشد و بتوانید یک بادگیر و کلاه و دستکش هم توسط آن حمل کنید.

کیف‌های آلومینیومی که دارای فضای نرم و فوم دار داخلی هستند، برای حمل دوربین در صندوق عقب یا هواپیما در هنگام مسافرت‌های طولانی مناسب هستند. البته در همهٔ مسافرت‌های طولانی بهتر است که دوربین روی پا و یا روی صندلی عقب خودرو باشد تا در صندوق عقب. اما در بعضی حالات مثل زمانی که خود شما مجبور به رانندگی هستید و یا مسافت‌های خیلی طولانی، شاید مجبور باشید که دوربین خود را در صندوق عقب قرار دهید.

چنانچه عکاسی دیجیتال می‌کنید، سعی کنید کیفی که برای دوربین خود انتخاب می‌کنید قابلیت حمل باتری‌های اضافی، کارت حافظه، شارژر، آداپتور یا سیم USB را هم داشته باشد. در بسیاری مواقع به دلیل پر شدن حافظه شاید مجبور شوید که عکس‌های خود را به روی CD یا وسیله‌ای دیگر منتقل کنید. در حال حاضر با توجه به اینکه مغازه‌های کامپیوتر در سرتاسر کشور وجود دارند، می‌توانید این کار را در هر نقطه‌ای انجام دهید.



■ **کیف دوربین شما باید به اندازهٔ کافی جادار باشد که بتواند لوازم عکاسی را در خود جای دهد و در عین حال آن را در مقابل فشار، ضربه و تغییرات گرمایی محافظت کند.**

هر نوع کیفی که انتخاب می‌کنید، باید متناسب فعالیت‌های عکاسی و محیط‌هایی که در آن به سر خواهید برد، باشد و بتواند به نحو احسنت تجهیزات شما را حفظ کند. با این وجود در محیط‌های رطوبتی مثل جنگل و نقاط گرد و غباری مثل کویر و بیابان، حتماً یک کیسه بزرگ پلاستیکی داشته باشید تا به عنوان روکش کیف خود از آن استفاده کنید.

۱۸ـ یک سیستم آرشیو برای خود درست کنید

هر عکاسی پس از مدتی فعالیت با انبوهی از فیلم و عکس، و امروزه در عکاسی دیجیتال فایل‌های مختلف مواجه می‌شود که اگر از قبل فکری برای سازمان‌دهی آنها نکرده باشد، تولید مشکل ویژه‌ای برای او می‌کنند.

عکاسان خیلی تازه کار و یا کسانی که فقط چند بار انگشت‌شمار در عرض سال عکاسی می‌کنند (که معمولاً هم با نگاتیو عکاسی می‌کنند)، پس از چاپ عکس‌های خود و چسباندن آنها در آلبوم یا دادن آنها به صاحبان‌شان، نگاتیوها را در گوشه‌ای می‌اندازند که بعد از مدتی گم می‌شوند و یا با جمع کردن همه آنها در یک جعبه کفش یا گوشه‌ای در کمد، همه آنها را یک دفعه بیرون می‌ریزند! من در بین این تیپ افراد کسی را ندیده‌ام که برای نگاتیوهای خود ارزش قایل شود و آنها را جمع و یا به سازمان‌دهی آنها بپردازد.

اما عکس امروزه چیز مهمی را در زندگی ما تشکیل می‌دهد و مطمئناً شمایی که این کتاب را تهیه و برای خواندن آن وقت گذاشته‌اید، حتماً علاقه‌مند بهتر کردن عکاسی خود و ارتقاء آن هستید. به درستی نمی‌دانم که هدف شما از عکاسی چیست، ولی هر چیزی که باشد، حتماً می‌خواهید که آن را اصولی و طبق استاندارد یاد بگیرید. دیگر دوران یادگرفتن‌های تجربی به سرآمده است و در عصری زندگی می‌کنیم که در زندگی و کار خود نیاز به نشان دادن عکس داریم تا از طریق آن بتوانیم نظر و ایده خود را بهتر بیان کنیم. اگر شما پزشکی باشید که برای توضیح مشخصات یک زخم روی بدن به دهها جمله و کلمه نیاز داشته باشید، می‌توانید با نشان دادن یک عکس یا اسلاید، همهٔ مفهوم و نظر خود را به بیننده منتقل نمایید و اگر معلمی باشید که علاقه‌مند توضیح مطالب از طریق بصری باشید، می‌توانید این کار را از



■ **با انواع وسایل پیشرفته آرشیوکردن، می‌توانید عکس‌های خود را برای سال‌های زیادی بایگانی و حفظ کنید.**

طریق عکس انجام دهید و مطمئن باشید که نتیجه یادگیری و به خاطر سپردن مطالب برای دانش آموزان شما بیشتر خواهد بود. دانش آموزان با دیدن تصویر، آن را به مطالب گفته شده ربط می‌دهند و نیازی ندارند که یک سری مطالب را طوطی‌وار حفظ کنند. شاید شما در هیچ گروه کاری و تخصصی نباشید و خانم خانه‌داری باشید که فقط دوست دارید از فرزندان خود در طول سال‌های مختلف و لحظات گوناگون عکس تهیه کنید. در همهٔ این حالات پس از مدتی، مواجه با مجموعه عظیمی عکس و فیلم خواهید شد که حتماً برای سازمان دادن آنها باید تدبیری اتخاذ کنید. در غیر این صورت عکس‌های شما فراموش، گم و یا به طریقی از دست می‌روند و یا شاید بر اثر عدم اطلاع از مجموعه عکس خود از یک سوژه چندین عکس بیندازید.

استفاده از آلبوم، ساده‌ترین روش آرشیو کردن عکس است. حتی در این صورت هم بهتر است که عکس‌های خود را با تاریخ و محل عکاسی و مشخصات خود در آلبوم قرار دهید. اما برای آرشیو کردن نگاتیوها هم باید فکری بکنید. شاید بهتر باشد که آنها را در فایل‌های پلاستیکی قرار دهید و شماره‌بندی یا کدگذاری کنید و فهرستی

از همه آنها تهیه کنید. شاید در زمینه‌هایی که عکس‌ها تخصصی‌تر می‌شوند (یا اگر با اسلاید کار می‌کنید)، نیاز باشد که آنها را برحسب موضوع دسته‌بندی و آرشیو کنید. اینکه چگونه این امر انجام شود، کاملاً بستگی به نوع عکاسی و هدفی که عکاسی می‌کنید دارد. نوع آرشیو کردن عکس‌های یک زمین شناس با روش فردی به عنوان عکاس منظره خیلی فرق دارد. ممکن است که عکاس منظره برحسب فصل یا مکانی که عکس‌ها را گرفته است، آنها را آرشیو کند ولی یک زمین شناس برحسب نیازهای تخصصی خودش.

امروزه با رایج شدن عکاسی دیجیتال، آرشیو کردن عکس‌ها به مسئله مهم‌تری تبدیل شده است. از یک طرف به دلیل حذف شدن فیلم، می‌توان عکس‌های خیلی زیادی گرفت. از طرف دیگر جایی که ما این عکس‌ها را ذخیره می‌کنیم، یعنی هارد دیسک کامپیوتر حجم محدودی دارد و دیر یا زود پر خواهد شد. جمع کردن چندین هزار عکس روی چند سی دی به شکل بدون سازمان یعنی به دست فراموشی سپردن آنها و یا اتلاف وقت زیاد برای پیدا کردن چندتایی از آنها. بنابراین حتماً سعی کنید که عکس‌های خراب را پاک و عکس‌های خوب را دسته‌بندی و آرشیو کنید تا در پیداکردن و دسترسی به آنها، وقت زیادی را از دست ندهید.

وسایل آرشیو و دسته‌بندی شما هر چیز باشند، مهم‌ترین نکته در مورد آنها ایجاد یک سازمان‌دهی درست در مورد نگهداری و دسترسی به آنهاست. مطمئن باشید که اکثریت قریب به اتفاق عکس‌های آرشیو شده یک روزی به درد خواهند خورد.

۱۹ـ همیشه دوربین خود را همراه داشته باشید

علی‌رغم اینکه هر فردی پس از مدتی عکاسی کردن، به سوژه یا عکاسی کردن از موضوع خاصی علاقه‌مند می‌شود و در نتیجه سعی می‌کند که متناسب با آن شرایط عکاسی کند و در آن رابطه دوربین خود را همراه داشته باشد، ولی حوادث هیچ‌وقت خبر نمی‌کنند و انسان هیچ وقت نمی‌داند که در فلان مسافرت یا میهمانی چه اتفاق عجیب و جالبی رخ خواهد داد.

خیلی از کسانی که حتی با برنامه عمل می‌کنند، در جریان مسافرت به شهر یا نقطه‌ای، ممکن است با خود فکر کنند که در آن منطقه زیاد عکاسی کرده‌اند، چیز جالبی برای عکاس کردن در آنجا وجود ندارد و حمل دوربین به زحمت آن نمی‌ارزد. در صورتی که پس از قرار گرفتن در محل ممکن است که با صحنه‌هایی مواجه شوند که افسوس نیاوردن و همراه نداشتن دوربین را بخورند.

بسیاری از اتفاقات مهم و ناگهانی توسط عکاسان آماتوری گرفته می‌شوند که به‌طور اتفاقی در محل حضور دارند. اما جهت اینکه بتوانید در شرایطی که غیر قابل پیش بینی هستند عکاسی کنید، باید دوربین خود را آماده داشته باشید. یعنی دوربین شما دارای فیلم و باتری مورد نیاز باشد و لوازم جانبی آن مثل لنز و سه پایه و فلاش و ... هم در دسترس باشند. مطمئناً دوربینی که دارای فیلم نباشد یا بدون باتری و کارت حافظه خالی باشد، نمی‌تواند در لحظه‌ای که شدیداً به آن نیاز است، مورد استفاده واقع شود. به همین دلیل است که عکاسان حرفه‌ای همیشه دو یا چند دوربین کاملاً آماده همراه خود دارند و به محض تمام شدن فیلم و یا اختلال در کارکرد یکی، به دوربین دیگر متوسل می‌شوند. خود من در حالت‌هایی که دوربین را آماده کرده و در نزدیکی خود داشته‌ام، توانسته‌ام که عکس‌هایی جالب بگیریم ولی



■ **یک دوربین (حتی از نوع کوچک آن)، می‌تواند در حساس‌ترین لحظات، ثبت‌کنندهٔ وقایع مهم زندگی شما باشد.**

هر بار که دوربین بنا به علتی آماده نبوده است، صحنه یا صحنه‌هایی را از دست داده‌ام.

البته زمانی که از عکاسی در حالت‌های غیرقابل پیش بینی صحبت می‌شود، نباید انتظار عکاسی از سیل و زلزله یا سقوط هواپیما را داشت. این‌گونه صحنه‌ها به ندرت واقع می‌شوند و در لحظه اتفاق هم انسان باید خیلی بی‌تفاوت باشد که به عوض کمک به هم‌نوعان خود به فکر عکاسی باشد (البته اگر کاری از دست او بر می‌آید). زمانی که شما دوربین خود را همراه داشته باشید، شاید پرنده‌ای کمیاب، یک منظره غروب خورشید یا دره‌ای سر سبز و یا افراد محلی که به سرعت از کنار آنها می‌گذرید، سوژه‌های خوبی برای عکاسی باشند. این‌گونه صحنه‌ها را در جریان مسافرت و یا مراسمی ویژه، خیلی می‌توان دید.

۲۰ـ از تکمه جبران نوردهی استفاده کنید

روی بسیاری از دوربین‌های مدرن دیجیتال و آنالوگ گردونه‌ای وجود دارد که معمولاً در اطراف آن تعدادی عدد یا نقطه و -/+ را مشاهده می‌کنید. البته شکل ظاهری آنها ممکن است که روی دوربین شما فرق کند. در بعضی از دوربین‌های دیجیتال این امکان توسط تکمه یا منویی اجرا می‌شود و در بسیاری از دوربین‌های آنالوگ به صورت گردونه‌ای در قسمت جمع کردن فیلم قرار دارد.

وظیفه تکمه جبران نوردهی دوربین این است که برای شرایطی که در آن نور یا سوژه در عکس اختلال ایجاد می‌کنند، نورسنجی مناسبی برای دوربین شما انجام دهد یا در حقیقت چیزی که ترجمه مستقیم این اصطلاح به نام جبران نوردهی[1] است را بنماید. فرض کنیم که می‌خواهید از منظره‌ای عکس بگیرید که صحنه‌ای برفی است و یک کلبه چوبی و چند درخت هم در آن وجود دارد. زمانی که شما با دوربین خود از آن صحنه نورسنجی می‌کنید، دوربین ضمن نورسنجی از صحنه، از آنجایی که اکثر منظره را پوشیده از برف می‌بیند، عددی که به عنوان نورسنجی نهایی به شما می‌دهد برای سفیدی برف است و بعد از گرفتن عکس متوجه خواهید شد که اولاً برف به صورت سفید در عکس ظاهر نشده است بلکه خاکستری است، و ثانیاً هیچ چیزی از جزئیات کلبه یا درختان در عکس نیامده است بلکه به صورت سایه‌های ضدنور در عکس ظاهر شده‌اند. اما حقیقت این است که چنین عکسی بازتاب درستی از واقعیت نیست و جزئیات بیشتری در عکس بوده‌اند که ثبت نشده‌اند.

1- exposure compensation



- **تکمهٔ جبران نوردهی معمولاً در مجاورت تنظیم حساسیت فیلم قرار دارد و به صورت مدرج است.**

نورسنج دوربین شما توسط برف گول خورده است و نورسنج فکر کرده است که همه صحنه برفی است. در اینجا با توجه به شناختی که شما از صحنه و دوربین خود دارید، باید برای عکاسی کردن از این صحنه مقداری نور بیشتر به دوربین خود راه می‌دادید. این امر را از طریق فعال کردن یا چرخاندن تکمه جبران نوردهی می‌توان انجام داد که از طریق پیچاندن به طرف + ، مقدار نورسنجی را افزایش داده و در نتیجه در مورد مثال بالا باعث می‌شود که هم برف به صورت سفید در عکس بیاید و هم جزئیاتی از کلبه و درختان.

گردونه تصحیح نوردهی به صورت مدرج است و در بعضی از دوربین‌ها به صورت نیم پله و در بعضی دیگر ۱/۳ پله نورسنجی را افزایش یا کاهش می‌دهد. در نتیجه شما با توجه به صحنه و سوژه خود می‌توانید این مقدار را کم یا زیاد کنید. در اکثر دوربین‌ها تا دو پله و در بعضی هم تا سه پله ادامه پیدا می‌کند. بهترین راه برای اطلاع از امکانات جبران نوردهی دوربین، مراجعه به دفترچه راهنمای دوربین مربوطه است.

اما شرایطی هم هستند که اوضاع برعکس است و دوربین ممکن است که برخلاف دفعه پیش گول بخورد. صحنه‌ای را تجسم کنید که فردی که دارای پوست تیره‌ای است، لباس تاریکی به تن داشته باشد و در مقابل پس‌زمینه تیره‌ای هم ایستاده باشد. مسلم است که در اینجا چیزی که باید واضح و درست بیفتد، صورت شخص است تا چیزهای جانبی. اگر به نورسنج دوربین خود اطمینان کنید، دوربین در اینجا همه چیز را تیره خواهد دید و عکسی که گرفته می‌شود، عکس بسیار روشنی خواهد شد که به هیچ‌وجه تون رنگ‌های صورت که در عکس آمده است با رنگ صورت فرد مطابقت ندارد. در اینجا شما می‌توانید با استفاده از گردونه جبران نوردهی، آن را به سمت ـ بچرخانید تا مقدار نور کمتری وارد دوربین بشود و صورت شخص یا هر موضوع دیگری به شکل طبیعی در عکس بیفتد.

وقتی که عکاسی شما با استفاده از گردونه تصحیح نوردهی خاتمه پیدا کرد باید آن را به حالت غیر فعال یا صفر برگردانید. در غیر این صورت عکس‌های بعدی هم که می‌گیرید با مقداری نوردهی پایین یا بالا عکاسی خواهند شد و عکس‌های خرابی خواهند شد. البته جهت هشدار در این زمینه، در چشمی اکثر دوربین‌ها شما یک ـ یا + و یا اخطاری مشابه را مشاهده می‌کنید که بدانید این تکمه فعال است. در بسیاری از دوربین‌های دیجیتال این تکمه بعد از خاموش کردن دوربین به حالت صفر بر می‌گردد. در حالت عادی شما روی مونیتور این دوربین‌ها علامت +/ ـ و مقدار جبران نوردهی را به صورت عددی مشاهده می‌کنید.

در اینجا باید متذکر شد که شما به صورت دستی هم می‌توانید مقدار نورسنجی دوربین را بالا ببرید ولی در زمانی که دوربین شما روی کاملاً اتوماتیک قرار دارد، چنین چیزی امکان‌ناپذیر است. به علاوه استفاده از گردونه دقیق‌تر است و شما می‌توانید دقیقاً و خیلی سریع هر مقداری که بخواهید نورسنجی را بالا پایین ببرید، در حالی که در مواقع دیگر مجبور هستید که سرعت شاتر یا اندازه دیافراگم را کم یا زیاد کنید، که وقت بیشتری می‌گیرد و از نظر دقت نیز از درجه پایین‌ی برخوردار است.



محل تقریبی جایی که دوربین نورسنجی را انجام داده است.



دوربین همان نورسنجی سابق را انجام داده است ولی با استفاده از تکمه جبران نوردهی دو پله بیشتر به فیلم نور داده شده است.

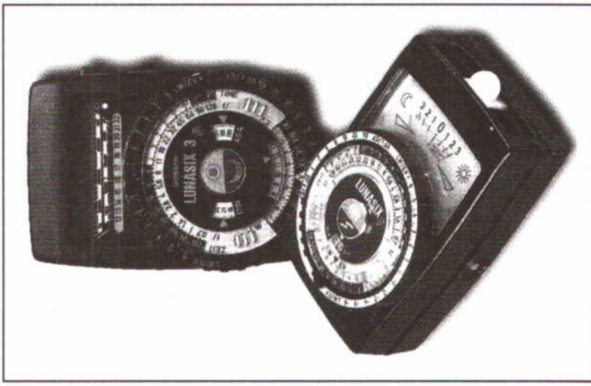
- **تکمهٔ جبران نوردهی برای عکاسی از سوژه‌هایی که در نزدیکی پنجره قرار دارند، بسیار عالی است. در تصویر بالا، به دلیل نورسنجی فضای بیرونی توسط دوربین، سوژهٔ اصلی تاریک شده است ولی در تصویر پایین با کمک تکمهٔ جبران نوردهی، سوژه خیلی واضح و روشن در عکس ظاهر شده است.**

۲۱ـ از نورسنج‌های دستی استفاده کنید

با توجه به پیشرفت‌های زیادی که در علم الکترونیک صورت گرفته است و استفاده از آخرین تکنولوژی موجود در دوربین‌هایی که امروزه تولید می‌شوند، شاهد نورسنج‌های قوی و مدرن و دقیقی روی دوربین‌های عکاسی پیشرفته هستیم. اگر شما سیر عکاسی افراد آماتور را در سه یا چهار دهه اخیر مقایسه کنید، حتماً مشاهده خواهید کرد که کیفیت عکس‌هایی که آماتورها و حتی مردم عادی که گاهی عکاسی می‌کنند، خیلی بهتر از مثلاً بیست یا سی سال پیش است. این پیشرفت را نباید کاملاً به حساب ذوق و خلاقیت و استعداد آماتورها گذاشت، بلکه بخشی از آن به خاطر استفاده از آخرین تکنیک‌های موجود بر روی دوربین‌های حاضر است.

اما نورسنج دوربین شما هرچقدر هم پیشرفته باشد، حتماً در بعضی از حالت‌ها علی‌رغم دقت و کار دقیق شما، عکس‌هایی غیرمطلوب خواهد انداخت که علت این امر می‌تواند نه در دوربین بلکه در سوژه یا شرایطی که سوژه در آن به سر می‌برد، باشد و نورسنج دوربین شما نمی‌تواند دقتی بیشتر از چیزی که به خرج داده است انجام دهد. به همین دلیل است که از چیزهایی مثل برکتینگ یا استفاده از گردونه تصحیح جبران نوردهی استفاده می‌شود که در مورد آنها در نقاط دیگر این کتاب شرح داده شده است.

برای اینکه نورسنجی دقیقی، مطابق با آنچه که میل و نیاز دارید انجام دهید، می‌توانید از نورسنج‌های دستی که به صورت وسیله‌ای مجزا می‌باشند استفاده کنید. این نوع نورسنج‌ها که در انواع مارک‌های مختلف وجود دارند، به دو صورت دیجیتال و آنالوگ هستند که آنالوگ‌ها به صورت عقربه‌ای و دیجیتال‌ها به صورت عددی هستند.



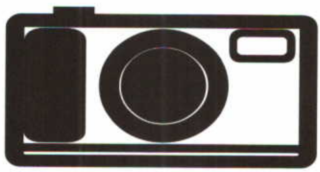
■ **نورسنج‌های دستی می‌توانند اندازه‌گیری نور را خیلی دقیق‌تر از نورسنج‌های درون دوربین انجام دهند.**

با استفاده از نورسنج‌های دستی شما می‌توانید به سوژه خود نزدیک شوید و نورسنجی دقیقی از نقطه مشخصی انجام دهید. مثلاً اگر عکاسی شما از یک سوژه انسانی است، پوست صورت او را نورسنجی کنید و دوربین خود را مطابق نورسنجی اعلام شده، آماده عکاسی کنید. برای بسیاری حالات که سوژه آنقدر کوچک است که نورسنجی از آن توسط دوربین اشتباهی انجام می‌شود و یا سوژه اصلی چنان در محیط اطراف گم شده است که نورسنج نمی‌تواند آن را دقیق مورد نورسنجی قرار دهد، می‌توان از این وسایل استفاده کرد.

نورسنجی با این وسایل به دو طریق انجام می‌شود. راه اول همان چیزی است که در بالا گفته شد، یعنی شما به سوژه نزدیک می‌شوید، حباب نورسنج را به طرف آن می‌گیرید و نور اندازه‌گیری شده را می‌خوانید. اما در بعضی مواقع شیء آنقدر بزرگ است که امکان نزدیک شدن به آن وجود ندارد، مثل یک کوه. در این‌گونه مواقع می‌توانید با اندازه گیری منبع نور، نورسنجی را انجام دهید، که البته در این‌گونه مواقع باید فاکتورهایی مثل درجه روشنی یا تاریکی سوژه را هم در نظر داشته باشید. جهت اطلاع از چگونه نورسنجی کردن با دستگاه نورسنج خود می‌توانید به اطلاعات مندرج در دفترچه راهنمای نورسنجی که تهیه کرده‌اید، مراجعه کنید.

دو مدل دیگر نورسنج هم وجود دارند که اولی به نورسنج اسپات معروف است و نورسنجی خیلی دقیقی از یک نقطه با زاویه حدود یک درجه انجام می‌دهد. این نوع نورسنج برای نورسنجی از سوژه‌های بسیار کوچک و یا کارهای خیلی دقیق بسیار مناسب است. نورسنج دیگر به فلاش‌متر معروف است و برای نورسنجی نور فلاش در استودیوها به کار می‌رود. نورسنج‌هایی با ترکیب این چند کارکرد هم وجود دارند که قیمت آنها بالاتر است.

با توجه به قیمت نسبتاً بالایی که نورسنج‌های مدرن امروزی دارند و پیچیدگی کار آنها، قبل از خرید و سرمایه گذاری در این زمینه، مشخصات کار خود را در نظر بگیرید و ببینید که آیا واقعاً به چنین چیزی در میان وسایل عکاسی خود نیاز دارید یا نه و سپس تصمیم به تهیه آن بگیرید.



بخش دوم

نور در عکاسی

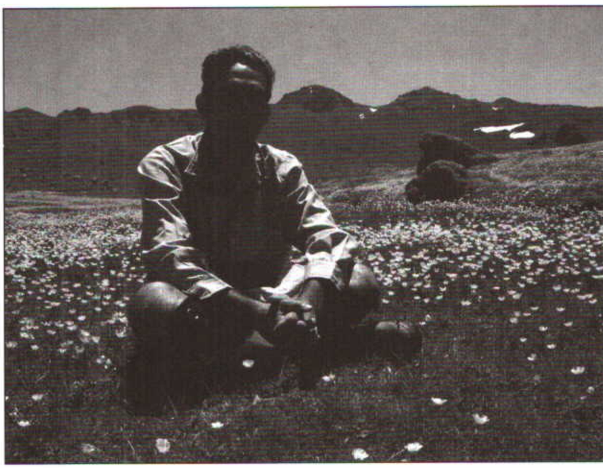
۲۲ـ اهمیت نور در عکاسی را بشناسید

کمتر کتاب عکاسی معتبری را می‌توان پیدا کرد که فصل یا فصولی را به شرح و توصیف نور اختصاص نداده باشد. نور مهمترین پدیده برای عکاسی است و بدون وجود آن نمی‌توان در مورد عکاسی بحثی کرد. در جریان گرفتن عکس، ما معمولاً به سه عنصر نیاز داریم که دو عدد آنها دوربین عکاسی و سوژه هستند و عنصر سوم نور است. بدون جزء سوم عکاسی به صورتی که ما آن را درک کرده‌ایم وجود ندارد.

اگر شما هم با خرید این کتاب در صدد بهتر کردن کیفیت عکس‌های خود هستید و علاقه دارید که عکس‌های بهتری بگیرید، بنابراین باید پدیده نور را خوب بشناسید و در جریان عکاسی خود به نحو احسنت از آن استفاده کنید.

خیلی مواقع عنوان می‌شود که دوربین عکاسی مانند چشم انسان است و تلاش می‌شود که تشابهات بین دوربین عکاسی و چشم انسان را به طرق مختلف ثابت نمایند. در حقیقت هم تشابهاتی در این زمینه وجود دارند ولی تفاوت‌هایی هم بین این دو سیستم وجود دارند که وقتی مسئله بر سر دیدن نور و تأثیر پذیری از آن باشد اختلاف حادتر می‌شود. چشم انسان بر اثر تکرار و تطبیق خود با شرایط نوری مختلف، نورهای منابع مختلف طبیعی و مصنوعی را به صورت سفید یا بی‌رنگ می‌بیند. اما برای یک دوربین عکاسی (چه آنالوگ و چه دیجیتال)، نور یک لامپ مهتابی با نور خورشید و فلاش و لامپ الکترونیکی تفاوت زیادی دارد و از اینرو نور آن می‌تواند روی عکسی که برمی‌دارید تأثیر بگذارد و یا حتی آن را از محتوای اصلی خالی و تهی کند. هرچه شناخت شما از نور بالا برود در عکاسی تبحر بیشتری

به دست می‌آورید و عکس‌های بهتری خواهید گرفت. بنابراین بر هر فرد علاقه‌مند عکاسی واجب است که نور و مسایل آن را بشناسد و در مورد کیفیت و کمیت آن سررشته به دست بیاورد و از آن در عکس‌های خود به نحو احسنت استفاده کند. در قسمت‌های دیگر در این کتاب در مورد مقوله نور بیشتر صحبت خواهد شد.



■ **فقط یک چیز می‌تواند تصویر فردی را در منظره‌ای زیبا، از اعتبار بیندازد و آن هم عدم شناخت، یا عدم توجه به مسئلهٔ مهم «نور» است.**

۲۳ـ نورسنجی در طلوع و غروب خورشید

صحنه‌های طلوع و غروب خورشید از زیبایی‌ها و مظاهر جالب طبیعت هستند که علی‌رغم اینکه هر روز تکرار می‌شوند ولی هر کدام آنها از زیبایی خاصی برخوردار هستند. این صحنه‌ها از مناظر جالب برای اکثر مردم هستند و همه دوست دارند با نگاه کردن به آنها آرامش خاصی را درون خود تجربه کنند. با توجه به اینکه در این صحنه‌ها نور از حالت ویژه‌ای برخوردار است، عکاسی در این مواقع هم دقت خاصی را می‌طلبد.

اگر تا به حال عکس‌هایی از طلوع و غروب خورشید گرفته باشید، حتماً متوجه شده‌اید که تاریکی در آنها بیش از حد می‌باشد، چرا که عکس‌هایی که در این مواقع گرفته می‌شوند به صورت ضدنور می‌باشند. در نتیجه نور شدید قسمت‌های روشن صحنه، به درون دوربین می‌تابد. این نقاط مثل آسمان، خورشید و یا افق بسیار پرنور هستند و سایر چیزهایی که در پیش‌زمینه هستند، تاریک و سیاه می‌باشند.

علت تاریک شدن بیش از حد بعضی نقاط عکس این است که نورسنج دوربین عمدتاً قسمت پرنور را نورسنجی نموده و مبنای کار خود را این نقاط می‌دهد. در این حالت زمانی که نورسنج مستقیماً نور خورشید را اندازه گیری می‌کند، سیاهی‌های عکس بیشتر شده و فقط خورشید به صورت چیزی واضح در عکس ظاهر خواهد شد. برای جلوگیری از به وجود آمدن چنین حالتی می‌توانید دوربین را به طرف نقطه‌ای روشن از آسمان که فکر می‌کنید نور آنجا برای تنظیم نورسنجی مناسب است، بگیرید. بعد از انجام نورسنجی توسط دوربین، نورسنج را قفل کنید (این کار را می‌توان در اکثر دوربین‌ها با فشار دادن تکمه شاتر تا نیمه و نگاه داشتن آن در این حالت انجام داد). سپس منظره خود را مجدداً کادربندی کنید و عکس را بگیرید. در این حالت بخش‌های بیشتری از منظره خود را در عکس به صورت روشن خواهید داشت.



■ **چیزی که در عکس‌های طلوع و غروب خورشید مهم است، نور و اشکال گرافیکی در ضد نور است که در ترکیب‌بندی خوبی عرضه شود.**

یکی دیگر از راههای کاهش تاریکی بیش از حد و دارای کنتراست زیاد در عکس‌های طلوع و غروب، این است که پیش‌زمینه کمتری را در عکس منظور کنید و قسمت عمده عکس از آسمان و ابرهای موجود آن تشکیل شده باشد. البته این حالت زمانی مؤثر واقع می‌شود که ابری در آسمان موجود باشد و گرنه آوردن آسمان خالی در عکس، کمک چندانی به زیبایی آن نخواهد کرد. اگر در کنار دریا هستید و خورشید در حال غروب یا طلوع کردن است، انعکاس نور خورشید روی آب باعث زیبایی خیره کننده‌ای در عکس خواهد شد.

چنانچه در هنگام طلوع یا غروب، چیزهایی که در پیش‌زمینه وجود دارند، مرکز توجه را تشکیل بدهند، باید حتی‌المقدور از آوردن خورشید در عکس جلوگیری نمایید چرا که در این حالت مجبور هستید برای روشن شدن چیزهایی که در پیش‌زمینه وجود دارند، دهانه دیافرگم را بیشتر باز کنید و در نتیجه آسمان یا خورشید که بیشتر نور دیده‌اند به صورت روشن یا سفید در عکس ظاهر می‌شوند که در بسیاری مواقع چیز جالبی نمی‌باشد.

از آنجایی که دوربین‌های اتوماتیک، نورسنجی را به‌طور خودکار انجام می‌دهند و عکاس تسلط چندانی در مورد نورسنجی ندارد، بهتر است که در هنگام کار با این دوربین‌ها در طلوع و غروب، چندین عکس با ترکیب بندی مختلف گرفته شود و سپس از بین آنها یک یا چندتایی انتخاب شود.

۲۴ـ از نور طبیعی موجود در صحنه استفاده کنید

در عکاسی از فضاهای بسته و درون اتاق معمولاً اولین چیزی که به عنوان منبع نور عکاسی در نظر گرفته و از آن استفاده می‌شود، نور فلاش است. با توجه به توانایی فلاش، در روشن کردن محوطه‌ای کوچک، خیلی‌ها برای نورپردازی سوژه خود به این وسیله متوسل می‌شوند.

اما در عکاسی از چنین صحنه‌هایی، نور فلاش را باید به عنوان آخرین راه حل به کار برد، چرا که نور فلاش دارای ضعف‌های خاص خود است که این اشکالات می‌توانند باعث پایین آمدن کیفیت عکس شما بشوند. از جمله اینکه نور فلاش باعث مسطح شدن و یکنواختی سوژه شما می‌شود و عمق را در آن از بین می‌برد.

اگر در محل عکاسی و در لحظه‌ای که می‌خواهید عکس خود را بگیرید، فضای بیرون روشن است و مقداری از نور بیرون از طریق پنجره یا درب بالکن به درون اتاقی که در آن قرار دارید می آید، می‌توانید از این نور برای عکاسی خود استفاده کنید و مشکلات عکاسی با فلاش را هم نداشته باشید.

برای استفاده از نور خارجی در فضای داخلی می‌توانید سوژه خود را به نزدیکی پنجره یا جایی که نور از آنجا به درون اتاق می آید ببرید و طوری عمل کنید که حداکثر نور به آن تابیده شود. بدیهی است که در این حالت یک سمت سوژه روشن‌تر از سمت دیگر آن خواهد شد. اگر این اختلاف نور در دو طرف سوژه زیاد باشد، می‌توانید با قرار دادن یک صفحه سفید منعکس‌کننده نور که به آن رفلکتور می‌گویند، در سمت تاریک‌تر سوژه نوری که از سمت روشن می‌آید را به قسمت تاریک بتابانید و تا حدی این سمت را روشن نمایید.



■ **برای عکاسی از ایستگاه راه‌آهن استکهلم که فقط توسط نور چراغ‌های درونی و نوری که از پنجره‌ها به داخل می‌آمد، روشن شده بود فقط از نور موجود استفاده شده است و البته دوربین بر روی سه‌پایه قرار داده شده است، چراکه نور در این‌گونه صحنه‌ها کم است و زمان نوردهی را باید بالا برد. همان‌طور که در عکس می‌بینید، جزئیات زیادی از صحنه در عکس قابل رؤیت هستند.**

زمانی که نور خورشید به طور مستقیم به درون اتاق می‌تابد، می‌توانید از آن به شیوه‌های مختلفی استفاده کنید و شکل‌های مختلفی از سوژه را در عکس به وجود بیاورید، مثلاً بخشی از سوژه توسط نور خورشید روشن باشد و قسمت دیگری از آن در سایه باشد. در هنگام عکاسی با نور حاضر و طبیعی در نقاط سرپوشیده سعی کنید که با استفاده از سه‌پایه مانع به وجود آمدن لرزش دست در هنگام عکاسی بشوید. هم‌چنین در هنگام عکاسی به این روش چنانچه سوژه شما انسانی است از او بخواهید که در هنگام زده شدن شاتر بی‌حرکت و ساکن باشد تا عکس او تار نشود.

حتی در صورتی که نور طبیعی در محل سرپوشیده نباشد، می توانید با استفاده از سه‌پایه و سرعت آهسته شاتر، عکس مطلوبی بردارید. البته در بعضی حالات با

استفاده از یک آینه می‌توانید نوری که از خارج از محوطه می‌آید را به طرف سوژه خود بتابانید و آن را روشن نمایید.

زمانی که محیط عکاسی شما با نور مصنوعی روشن شده باشد، باید مسئله تعادل نور سفید را به نوعی با استفاده از فیلترهای رنگی حل کنید. در غیر این صورت عکس شما دارای تونی زرد رنگ (زیر نور لامپ‌ها) و تونی آبی یا سبز رنگ (زیر نور لامپ مهتابی) خواهد داشت.

۲۵ـ از نور جانبی استفاده درستی بکنید

همان‌طور که بارها در این کتاب و سایر کتابهای عکاسی اشاره شده است، نور را می‌توان از جهات مختلف به سوژه تاباند که یکی از این موقعیت‌ها تاباندن نور از پهلو به سوژه است. در این روش سوژه طوری در عکس قرار می‌گیرد که منبع نوری که او را روشن می‌کند در سمت چپ یا راست سوژه واقع شود.

از مشخصات این نور آن است که می‌تواند با روشن کردن یک طرف سوژه، در سمت دیگر آن سایه ایجاد کند که البته در صورتی که این سایه خیلی تند باشد و عکاس تمایل داشته باشد، می‌توان با قرار دادن یک رفلکتور شدت و تندی این سایه را تا حدی کاهش داد. بدین ترتیب در سوژه شما حالتی از فضا و عمق به وجود می‌آید که به درک سه بعدی بودن آن کمک می‌کند.

از نور پردازی جانبی معمولاً در زمانی استفاده می‌شود که عکاس بخواهد بافت و سطح برجسته چیزی را با ایجاد سایه و فضای لازم نشان دهد یعنی بخواهد نشان بدهد که سطح سوژه صاف نیست بلکه دارای برجستگی‌هایی می‌باشد. مثلاً فرض کنید که سوژه یک کوزه سفالی باشد که روی آن طرح‌ها و برجستگی‌هایی وجود داشته باشد. اگر از نور مستقیم یا نور از پشت دوربین برای روشن کردن کوزه استفاده بشود، هیچ سایه‌ای مهمی روی سوژه ایجاد نمی‌شود و ممکن است که اینطور به نظر برسد که طرح‌های روی کوزه نقاشی هستند و بسیار مسطح به نظر برسند. از نور جانبی در خیلی از زمینه‌های عکاسی تبلیغاتی برای روشن کردن سوژه و عمق دادن به آن استفاده می‌شود.

در مورد سوژه‌های انسانی می‌توان با قرار دادن منبع نور (چراغ، فلاش و ...) در یک طرف سوژه و قراردادن رفلکتور در سمت دیگر سوژه، عکاسی را انجام داد. فقط



■ **این عکس فقط توسط نور جانبی و طبیعی که از پنجره به سوژه تابیده، گرفته شده است. در گرفتن آن از رفلکتور استفاده نشده وگرنه می‌شد سمت راست سوژه را تا حدی روشن‌تر کرد.**

در این مورد خاص باید کمی احتیاط کرد، چرا که گفتیم که این نوع نور پردازی باعث عیان‌تر شدن و مشخص‌تر شدن بافت سوژه می‌شود و در نتیجه اگر سوژه شما فردی مسن باشد، این نور حتماً باعث آشکارتر شدن چین و چروک‌های صورت او خواهد شد که صحنه زیبایی نیست، مگر اینکه تعمداً و بنا بر اهدافی بخواهید که بافت صورت شخص همراه با چین و چروک‌ها در عکس ظاهر شود. حداقل در عکاسی از خانم‌های کمی مسن‌تر سعی کنید که از این نور برای روشن کردن چهره آنها استفاده نکنید.

۲۶ـ از نور مستقیم برای زنده کردن رنگ‌ها استفاده کنید

در بعضی از عکس‌ها، هدف عکاس از گرفتن عکس نشان دادن رنگ سوژه در عکس است تا چیزهای دیگر مثل بافت و طرح یا زیبایی خود سوژه. در اینجا باید رنگ به آن صورتی که هست یا حداقل نزدیک به رنگ اصلی است در عکس بیاید. برای انجام این کار باید منبع نوری بتواند به‌طور کامل سطح شیء یا سوژه را روشن کند و نور آن مستقیم به سوژه برخورد نماید. بنابراین برای این نوع عکاسی باید نور از پشت دوربین به سوژه تابانده شود تا تمام سطح آن را روشن کند. هر نور جانبی و یا تحتانی که به عنوان نور کمکی در این رابطه استفاده شود باید در خدمت این هدف یعنی روشن کردن کل سطح سوژه باشد. در این نوع نورپردازی دوربین را کمی جلوتر از منبع نوری قرار دهید و سعی کنید در برخی از سوژه‌ها مثل عکاسی از انسانها، دوربین کمی پایین‌تر از سطح و بلندی منبع نوری قرار داشته باشد.

از این روش نورپردازی برای عکاسی از چیزهایی مثل تابلوهای نقاشی، متن کتاب، فرش و ... استفاده می‌شود که در آنها نشان دادن رنگ و طرح، مسئله مرکزی و محوری عکاسی را تشکیل می‌دهد. اگر برای روشن کردن سطح و رویه سوژه بخواهید از دو منبع نوری استفاده کنید، می‌توانید آنها را با کمی فاصله از دوربین و طوری قرار دهید که با دوربین زاویه ۴۵ درجه بسازند. در این حالت هر دو منبع نوری باید هم‌تراز و به یک فاصله از سوژه قرار داشته باشند تا تمام سطح سوژه را به‌طور یکسان روشن نمایند. چنانچه از این نور برای عکاسی از سوژه‌های انسانی استفاده می‌کنید، حتماً نور را طوری تنظیم کنید که تابش آن بر روی صورت، (مخصوصاً در زیر چشم‌ها، بینی و چانه) باعث ایجاد سایه نشود.



■ **برای سوژه‌هایی که دارای رنگ‌های مختلف و زنده هستند، حتماً از نور مستقیم، یعنی نوری که از پشت سر عکاس به سوژه می‌خورد استفاده کنید، بدین ترتیب، رنگ‌ها خیلی نزدیک به رنگ واقعی در عکس نشان داده می‌شوند.**

اگر برای این نوع نورپردازی از خورشید به عنوان منبع نوری استفاده می‌کنید، باید زمانی از این نور استفاده کنید که باعث افتادن سایه خود یا دوربین بر روی سوژه نشوید.

۲۷ـ نورسنجی از صحنه‌های دارای دو منبع نوری مختلف

در خیلی از عکس‌هایی که در شرایط عادی گرفته می‌شوند، مواجه با اشکالاتی در امر نورسنجی درست می‌شویم که نتیجه آن را روی عکس‌ها به صورت سیاه‌تر یا روشن‌تر شدن بیش از حد عکس می‌بینیم. معمولاً نورسنج دوربین برحسب نور حاضر در صحنه و گرفتن میانگین نور از صحنه عمل می‌کند. البته این امر بیشتر بستگی به این دارد که دوربین شما از چند نوع سیستم نورپردازی برخوردار باشد و شما از کدام سیستم آن استفاده کنید. اما در بیشتر دوربین‌ها سیستم نورسنجی ماتریسی وجود دارد که از چند نقطه صحنه نورسنجی می‌کند و سپس میانگین آن را به عنوان نورسنجی اصلی به عکاس عرضه می‌کند.

با فرض اینکه سیستم نورسنجی دوربین شما در لحظه عکاسی ماتریسی باشد، و سوژه شما فقط توسط یک نور روشن شده باشد، این نورسنجی بیشتر مواقع درست عمل می‌کند. مشکل زمانی پیدا می‌شود که صحنه از دو منبع نوری متفاوت برخوردار باشد و دوربین تحت تأثیر یکی از آنها واقع شود.

از جمله صحنه‌هایی که در آنها دو منبع نوری متفاوت ایجاد مشکل می‌کنند، می‌توان به زیر درختی که سایه است ولی در اطراف سایه لکه‌های آفتاب وجود دارد، زیر سایه ایوانی که در مجاورت حیاط قرار گرفته است و توسط نور شدید خورشید روشن شده است، وجود نوری که از پنجره به درون اتاق می‌تابد، آسمان ابری خیلی سفید و منطقه روشن شده از نور سفید ابرها را ذکر کرد.

در شرایطی که باید تحت دو نوع نورسنجی متفاوت کار عکاسی خود را انجام دهید، بهتر است که نورسنجی صحنه را به صورت دستی انجام دهید و از نورسنج اتوماتیک دوربین استفاده نکنید. این امر منوط به این است که دوربین شما دارای



- **در صحنه حاضر، نور غالب نور خورشید بود که اگر نورسنجی برای آن انجام می‌گرفت، صورت سوژه‌ها تاریک می‌افتاد. اما نورسنجی برای سایهٔ زیر درخت انجام شد و همان‌طور که در عکس می‌بینید، بعضی نقاط، از جمله پشت افراد کاملاً روشن و سفید در عکس ظاهر شده‌اند.**

قابلیت نورسنجی دستی باشد. معمولاً حرف M روی بسیاری از دوربین‌ها به معنی قرار دادن دوربین برای نورسنجی دستی و تنظیمات از سوی عکاس است. در دوربین‌هایی که امکان نورسنجی دستی وجود ندارد، عکاس نمی‌تواند کنترلی بر نورسنجی صحنه داشته باشد.

اگر با دوربین‌های آنالوگ کار می‌کنید و از فیلم اسلاید استفاده می‌کنید، نورسنجی شما باید برای نقاط روشن و یا نورخورشید باشد. به دلیل حساسیت بسیار زیاد فیلم اسلاید به نور، چنانچه نورسنجی را برای مناطق سایه انجام دهید، عکس شما تحمل نور زیاد را نخواهد آورد و خیلی پرنور و روشن خواهد شد طوری که اصطلاحاً می‌گویند که فیلم سوخته است. البته زمانی که نورسنجی را از نقاط روشن انجام می‌دهید، جزئیات زیادی از نقاطی که در سایه قرار دارند، در

عکس ظاهر نخواهند شد و این مناطق به صورت تیره در عکس نشان داده خواهند شد.

ولی اگر از فیلم نگاتیو استفاده می‌کنید، نورسنجی را از مناطق سایه انجام دهید. فیلم نگاتیو در مقابل نور بیشتر، تحمل بهتری دارد. در این حالت ممکن است که نقاط روشن و آفتابی در عکس خیلی سفید و روشن به نظر برسند ولی در مقابل جزئیات بیشتری از مناطق سایه در عکس ظاهر خواهند شد. البته از آنجایی که هر عکسی مشخصات خاص خود را دارد شاید در بعضی مواقع بهتر باشد که میانگینی از نورسنجی دو منطقه روشن و سایه را در عکس نهایی خود استفاده کنید. در صورت هرگونه شک و تردیدی بهتر است که از برکتینگ یا عکاسی چندگانه برای این کار استفاده کنید.

در دوربین‌های دیجیتال قدرت مانور در این زمینه بیشتر است. در وهله اول شما می‌توانید عکس خود را سریعاً ببینید و در صورت خراب بودن آن را پاک نمایید. اما چیز مهمی که در اینجا وجود دارد، مسئله انتخاب مناطقی که عکاس تمایل به آوردن آنها در عکس دارد، است. چنانچه این مناطق زیر نور قوی خورشید قرار داشته باشند، می‌توان نورسنجی را برای این مناطق انجام داد. در این حالت ممکن است که نقاط سایه دارای پیکسل‌های سرگردان یا noise شوند که بعداً می‌توان با یک نرم‌افزار ویرایش عکس آنها را پاک کرد. چنانچه نورسنجی را بر طبق مناطق سایه انجام دهید، نقاط پرنور روشن‌تر و گاهی به صورت کاملاً سفید در عکس ظاهر خواهند شد. اگر در کار ویرایش دیجیتالی عکس خود ماهر باشید، می‌توانید یک عکس با نورسنجی از نقاط روشن و عکس دیگر با نورسنجی از نقاط سایه (هر دو دقیقاً از یک زاویه) بردارید و سپس از طریق کامپیوتر هر دو عکس را مونتاژ کنید تا یک عکس با نورپردازی بهتر داشته باشید. همان‌طور که گفته شد، مهارت در این کار از ضروریات است و گرنه عکس نهایی چیز جالبی نخواهد شد.

۲۸ـ رنگ نور را در عکس‌های خود در نظر داشته باشید

غیر از مطالبی که درباره نور در این کتاب به آن پرداختیم، یک مسئله مهم دیگری که در مورد نور صدق می‌کند و باید در هنگام گرفتن عکس آن را در نظر داشته باشید، مسئله رنگ نور است. تصور اینکه نور دارای رنگ باشد، برای ما که دارای چشمانی هستیم که خود را در هر شرایط نوری تطبیق می‌دهند، مشکل است. چرا که ما اشیاء را تحت نور خورشید، چراغ مهتابی و یا لامپ معمولی به یک رنگ می‌بینیم و شاید عده‌ای از ما هرگز به این نتیجه نرسیده باشند که نور دارای رنگ است. البته در بسیاری از کتاب‌ها به رنگ نور به عنوان حرارت رنگ نور برخورد شده است که در این کتاب برای راحتی درک عبارت حرارت از آن حذف شده است.

اما نور دارای رنگ است و این رنگ طیفی بین رنگ قرمز تا بنفش است. هر منبع نوری هم دارای رنگ نور مخصوص به خود است. مقدار رنگ نور توسط واحدی به نام کلوین(۱) اندازه‌گیری می‌شود. بر طبق این مقیاس نور آفتاب معمولی در وسط روز ۵۵۰۰ کلوین است. اگر با فیلمی که برای عکاسی تحت نور روز تولید شده است و روی جعبه آن عبارت Day Light درج شده است، در طول ساعات مختلف روز عکاسی کنید، متوجه رنگ نور خواهید شد، چرا که عکاسی با این فیلم در هنگام طلوع یا غروب خورشید باعث ایجاد تون نارنجی روی عکس‌های شما می‌شود. این چیز را چشم ما در صحنه تشخیص نمی‌دهد ولی فیلم عکاسی و چیپس دوربین دیجیتال، شدیداً به این مسئله حساس هستند و رنگ نور را به همان صورتی که هست روی عکس‌ها منعکس می‌کنند. همین مسئله در زمانی که تحت نورهای مصنوعی مثل نور لامپ، مهتابی، اسپات و ... عکاسی می‌کنید به‌طور بارزی خود را

1- Kelvin

نشان خواهد داد. یعنی با عکاسی تحت نور لامپ‌های معمولی حتماً در سرتاسر عکس خود شاهد لایه زرد رنگی خواهید بود که به معنی رنگ نور لامپ است.

اگر عکاسی آنالوگ می‌کنید، یعنی از فیلم استفاده می‌کنید و نمی‌خواهید که رنگ نور (چه به صورت زرد و چه آبی)، روی عکس‌های شما ظاهر شود، باید از فیلترهای تصحیح رنگ استفاده کنید تا از نظر رنگ نور، عکس تقریباً طبیعی داشته باشید. انواع فیلتر برای تبدیل نور آبی یا نارنجی به رنگ نور طبیعی وجود دارند که متناسب نوری که با آن کار می‌کنید می‌توانید از آنها استفاده کنید.

اما در عکاسی دیجیتال پدیده رنگ نور به تعادل نور سفید[1] مشهور است. در بسیاری از دوربین‌های دیجیتال تکمه یا منویی برای تنظیم تعادل نور سفید وجود دارد که شما با استفاده از آن می‌توانید دوربین خود را مناسب عکاسی با نوری که با آن کار می‌کنید، بنمایید. به عنوان مثال اگر در منو یا تکمه تنظیم رنگ نور، علامت ابر باشد و شما آن را انتخاب کنید، بنابراین دوربین سعی می‌کند که رنگ نور شرایط ابری را از طریق تنظیمات از قبل خود، مانند نور خورشید در عکس نشان بدهد و رنگ نور در عکس شما طبیعی جلوه کند. و اگر شما گزینه لامپ را انتخاب کنید، عکس‌هایی که تحت نور لامپ بر می‌دارید فاقد آن زردی که در بالا از آن صحبت کردیم خواهند شد و رنگ نور عکس شما به رنگ نور خورشید نزدیک خواهد شد. البته در دوربین‌های ساده‌تر شاید این عمل به صورت خودکار انجام شود و منو یا تکمه خاصی به آن اختصاص داده نشده باشد.

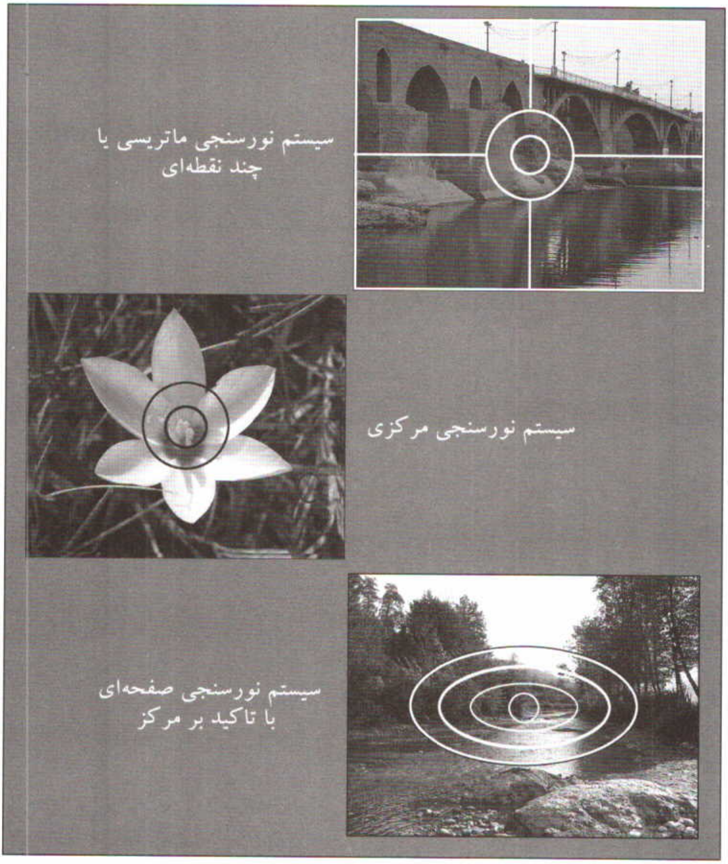
اما اگر علی‌رغم صحبت‌های گفته شده، رنگ نور خاصی روی عکس‌های شما ایجاد شد، می‌توانید با استفاده از یک نرم‌افزار ویرایش عکس، رنگ نور را تا حدی برطرف کنید. این که گفته شد تا حدی، به این دلیل است که حذف رنگ نور از عکس یکی از مشکل‌ترین کارهاست (چرا که رنگ‌های دیگر تحت تأثیر قرار می‌گیرند) و همیشه به‌طور صددرصد انجام نمی‌شود. بنابراین بهترین کار این است که قبل از گرفته شدن عکس، تنظیمات مربوط به رنگ نور را از طریق دوربین یا فیلترها انجام دهید تا کار به این مرحله کشیده نشود.

1- White Balance

۲۹ـ از سیستم‌های مختلف نورسنجی استفاده کنید

اگر دوربینی که برای عکاسی از آن استفاده می‌کنید، یک دوربین نیمه مدرن است، مطمئناً چندین سیستم نورسنجی روی دوربین شما وجود دارد که هر کدام از این سیستم‌ها برای هدف‌های خاصی در عکاسی استفاده می‌شوند. مقصود ما از این تیپ دوربین‌ها، دوربین‌هایی است که دارای امکانات خاصی هستند که به عکاس امکان مانور بیشتری می‌دهند و عکاس بیشتر می‌تواند در خلاقیت یک عکس نقش داشته باشد. هر چه دوربین به طرف اتوماتیک شدن پیش برود، این امکاانات کمتر شده و در عکاسی با دوربین‌های اتوماتیک عکاس هیچ تسلطی ندارد و همه چیز را به قسمت الکترونیک دوربین واگذار می‌کند. در دوربین‌های مدرن چندین سیستم نورسنجی می‌تواند وجود داشته باشد.

- **نورسنجی ماتریسی یا چندنقطه‌ای** : در این نوع نورسنجی، دوربین چیزی را که در قسمت چشمی دوربین می‌بینید به چند قسمت تقسیم می‌کند (معمولاً پنج قسمت)، و هر قسمت را جداگانه مورد نورسنجی قرار می‌دهد و سپس میانگینی از همهٔ نقاط نورسنجی شده را به عنوان نورسنجی اصلی دوربین انتخاب می‌کند. برای صحنه‌هایی که اختلاف نوری زیادی در قسمت‌های آن وجود ندارد، این نوع نورسنجی پیشنهاد می‌شود.
- **نورسنجی مرکزی** : این سیستم نورسنجی، چیزی را که در مرکز عکس قرار دارد نورسنجی می‌کند و به چیزهای پیرامونی و نقاط دیگر کاری ندارد. برای عکاسی و نورسنجی از چیزهای کوچک مثل یک سکه، تمبر، گل، اسباب بازی و ... این نوع نورسنجی مناسب‌ترین است، چراکه در غیر این صورت ممکن است شیء



■ **شما می‌توانید برای نورسنجی سوژه‌های مختلف از سیستم‌های گوناگون نورسنجی که بر روی دوربین شما وجود دارند، استفاده کنید.**

شما دارای پس زمینه روشنی باشد و نورسنج دوربین گول بخورد و نورسنجی درستی از سوژه اصلی انجام ندهد.

● **نورسنجی صفحه‌ای** : این سیستم تقریباً کل چیزی را که از چشمی دوربین می‌بینید نورسنجی می‌کند، ولی تأکید عمده بر مرکز عکس و در حدود نصف پایینی آن می‌باشد. از این نورسنجی می‌توان برای عکاسی منظره استفاده کرد، با

این فرض که سوژه اصلی در مرکز عکس باشد. اینکه این سیستم نورسنجی بیشتر قسمت پایین عکس را نورسنجی می‌کند به خاطر آن است که نیمه بالایی عکس آسمان خیلی روشن فرض شده است.

همان‌طور که گفته شد، این سیستم‌های نورسنجی بر روی بسیاری از دوربین‌های مدرن و نیمه‌مدرن آنالوگ و دیجیتال وجود دارند. مطمئناً قبل از اینکه یکی از این سیستم‌های نورسنجی را مورد استفاده قرار دهید، باید از طریق تکمه یا اهرمی دوربین را برای آن آماده کنید. در خیلی از دوربین‌های دیجیتال این کار از طریق منوی خاصی انجام می‌شود. برای اطلاع از چگونه تغییر دادن سیستم نورسنجی به دفترچه راهنمای دوربین خود مراجعه کنید.

۳۰ـ استفاده کردن و نکردن از نور تند

نور تند چیزی است که بسیاری از عکاسان از آن اجتناب می‌کنند. در قسمت‌های دیگر هم به نور تند اشاره شده است که این نور سایه‌های بسیار تند و خشنی بر روی سوژه ایجاد می‌کند. در مورد سوژه‌های انسانی شاید باعث جمع شدن چشم‌های آنها و ایجاد سایه در زیر ابروها و قسمت چشم‌ها شود. بنابراین نور تند تا حدی باعث از اعتبار افتادن سوژه می‌شود. از مهم‌ترین منابع نور تند می‌توان از آفتاب نیم‌روز و نور فلاش نام برد که هردو آنها تا حد زیادی باعث مسطح شدن تصویر سوژه اصلی در عکس و سایه‌های تند و تیز روی سوژه می‌شوند.

برای اجتناب از نور تند می‌توانید از صفحه‌های معروف به دیفیوزر یا رفلکتور استفاده کنید. اولی صفحه‌ای است که بین منبع نور و سوژه قرار می‌گیرد و نور را پخش می‌کند. مثلاً شما با قرار دادن یک ملحفه سفید یا صفحه کاغذی بزرگ به رنگ سفید در بالای سوژه خود می‌توانید تا اندازه‌ای از شدت نور بکاهید و آن را به صورت نور ملایم‌شده‌ای در بیاورید. همین کار را می‌توانید با قرار دادن یک صفحه یا کاغذ پلاستیک سفید در مقابل فلاش انجام دهید.

از رفلکتور هم می‌توانید برای نرم کردن نور تند استفاده کنید، به این صورت که یک پارچه یا مقوای سفید بزرگ را طوری در نزدیکی سوژه قرار دهید که نور تند ابتدا به این صفحه برخورد کند و سپس انعکاس آن به سوژه بخورد و آن را روشن کند.

در فروشگاه‌های حرفه‌ای وسایل عکاسی، شما می‌توانید دیفیوزر و رفلکتورهای ساخته شده و کارخانه‌ای را در رنگ‌های نقره‌ای و طلایی پیدا کنید. اما از آنجایی که وسایل دست‌ساز هم کار آنها را انجام می‌دهند و از طرفی در همه



■ مهمترین مشخصهٔ نور تند، ایجاد سایه‌های تند و تیز و خشن بر روی سوژه است.

شهرها این وسایل موجود نیستند، در نتیجه با صرف کمی وقت و حوصله می‌توانید انواع دست ساز آنها را هم تهیه کنید.

یکی از محدوده‌های عکاسی که در آن نباید از نور تند استفاده کنید، عکاسی از چهره افراد است که تحت این نور واقعاً تحت تأثیر جنبه‌های منفی آن قرار می‌گیرد. به عنوان مثال در عکاسی از کودکان نباید در صورت آنها سایه‌های تند و زشت وجود داشته باشد، چرا که عکس زیبای یک کودک را خراب می‌کند. در مورد خانم‌ها هم که خوب همیشه تمایل دارند که خود را جوان‌تر نشان دهند، این نور پس از برخورد با پوست سطح صورت، سایه‌هایی در محل چین و چروک‌ها ایجاد می‌کند که شخص را بسیار مسن‌تر نشان می‌دهد. البته تأثیر این نور به حدی است که حتی در مورد چین و شیارهای نازک و کوچک هم کار خود را می‌کند. در عکس افرادی که به صورت خود کرم زده یا پوست آنها چرب است، این نور باعث ایجاد لکه‌های سفید و براق می‌شود. بنابراین در این‌گونه موارد حتماً از نور تند اجتناب کنید.

اما مواقعی هم وجود دارند که شما باید از مزایای نور تند استفاده کنید، مثل زمانی که بخواهید سطح و بافت چیزی که کاملاً صاف نیست، مثل سطح چوب، پارچه، فرش، فلز و سایر چیزهایی که دارای برجستگی‌هایی در سطح خود هستند و در یک عکاسی عادی سطح و بافت آنها در عکس مشخص نمی‌شود را عکاسی

کنید. در این‌گونه مواقع با تاباندن نور تند از پهلو ، می‌توانید با استفاده از سایه‌های کوچکی که بر اثر ناهمواری‌های سطح شیء به وجود می‌آیند، عدم یک نواختی سطح آن شیء را نشان دهید. حتی در مورد سوژه‌های انسانی، شاید موضوع اصلی شما برای عکاسی، نشان دادن چین و چروک و سالخورده بودن یک فرد سالمند یا کارگری زحمتکش باشد. در این صورت نور تند می‌تواند به شما کمک کند. البته این نور اگر از جوانب به سوژه برخورد کند، مؤثرتر خواهد بود.

همچنین در زمانی که هدف شما نشان دادن رنگ سوژه به شکل طبیعی و اصلی باشد، نور تند می‌تواند به کمک شما بیاید. تحت نور تند، رنگ‌ها بسیار شفاف‌تر و زنده‌تر از سایر شرایط (مثل روزهای ابری) خود را نشان می‌دهند.

۳۱ـ حساسیت فیلم را برای عکاسی در نظر داشته باشید

حساسیت فیلم یعنی سرعتی که فیلم می‌تواند در مقابل نور واکنش نشان دهد و تصویر را روی خود ضبط کند. روی نوار فیلم لایه‌ای نازک متشکل از مواد شیمیایی برومور نقره قرار داده شده است که وظیفه آن ثبت نوری که در هنگام عکاسی می‌بیند، است. این لایه شیمیایی روی فیلم به امولوسیون معروف است و تصویری که بر روی عکس خود مشاهده می‌کنید بیانگر مقدار نوری است که به امولوسیون تابیده شده است. به امولوسیون باید به مقدار لازم نور داده شود و اگر نور زیادی به آن تابانده شود (مثل وقتی که دیافراگم را بیش از حد باز کرده و یا سرعت عکاسی را بسیار پایین انتخاب کرده باشید)، امولوسیون قابلیت ثبت تصویر را از دست می‌دهد و عکس شما تا حدی و یا بکلی سفید می‌شود.

هرچه دانه‌های برومور نقره‌ای که در ساخت امولوسیون به کار رفته‌اند، ریزتر باشند، سرعت واکنش فیلم به نور پایین‌تر خواهد بود و از اینرو تصویر از دانه‌های بسیار ظریف و ریز درست خواهد شد و عکس بسیار زیباتر و از نظر رنگ اشباع شده به نظر خواهد رسید. اما اگر دانه‌های برومور نقره بزرگتر باشند سرعت فیلم سریع‌تر ولی دانه‌هایی که فیلم را می‌سازند درشت‌تر خواهند بود.

سرعت واکنش فیلم به نور به ISO (مخفف سازمان استاندارد جهانی) درجه بندی شده است. این مقیاس از ISO 4 شروع و تا ISO 3200 وجود دارد. البته تعداد زیادی از این نوع فیلم‌ها در بازار ایران وجود ندارند. فیلم‌هایی که در خیلی از فروشگاه‌های عکاسی معتبر و بزرگ می‌توان تهیه نمود دارای حساسیت‌های 50 ISO 800 ، 400 ، 200 ، 100 هستند. در بعضی حالات نادر شاید فیلم ISO 1600 را هم بتوانید پیدا کنید.

انتخاب فیلمی با حساسیت مناسب می‌تواند در بهتر شدن عکس نقش اساسی



■ **به کمک حساسیت فیلم که بر روی بسته‌بندی آن درج شده است، می‌توانید فیلم مناسب برای عکاسی در شرایط مختلف نوری را انتخاب نمایید.**

ایفا کند. در حقیقت حساسیت فیلم هم یکی از تنظیماتی است که برای عکاسی باید صورت گیرد، البته این تنظیم یک بار و در مرحله انداختن فیلم انجام می‌شود و تا پایان آن حلقه نیازی به تغییر آن نیست.

اما چگونه می‌توان از حساسیت‌های مختلف استفاده درست به عمل آورد؟ فرض کنید که تصمیم به عکاسی از داخل ساختمانی دارید که مجاز به استفاده از فلاش نیستید مثل یک سالن تئاتر و نور موجود درون ساختمان هم با تنظیماتی که بر روی دوربین خود دارید، اجازه عکاسی با آن و یا بدون سه پایه را نمی‌دهد. در این حالت اگر فیلم درون دوربین شما 100 ISO باشد، با انداختن فیلم 200 ISO می‌توانید به یک پله دیافراگم بیشتر دست یابید و اگر فیلم خود را به 400 ISO یا 800 ISO تغییر دهید، می‌توانید دو یا سه پله دیافراگم را بیشتر ببندید و یا سرعت

عکاسی خود را بالاتر ببرید. در این حالت شاید دیگر نیازی به استفاده از سه پایه نداشته باشید و راحت‌تر بتوانید عکس‌های خود را تهیه کنید. البته در این حالت عکس‌های شما دارای دانه‌های درشت‌تری خواهند شد و هر چه این عکس‌ها را بزرگتر کنید این دانه‌ها بیشتر خود را نشان می‌دهند.

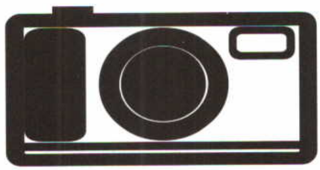
اگر دوربین شما اتوماتیک است و از عکس‌های خود به دلیل تارشدن بر اثر لرزش دست در محیط‌هایی با نور کم راضی نیستید، عکاسی با فیلم‌های سریع را امتحان کنید و مطمئن باشید که به نتایج بهتری دست پیدا خواهید کرد.

اگر عکس‌های شما در محیط‌هایی با نور زیاد مثل منظره‌های برفی یا ساحل، بسیار روشن و پر نور می‌شوند و شما هیچ راهی برای کنترل نوردهی ندارید (مثل دوربین‌های اتوماتیک) و یا دوربین شما در این زمینه محدودیت دارد، سعی کنید که با استفاده از فیلم‌های با ISO پایین که به فیلم‌های کند معروف هستند، به مشکل نور دیدن بیش از حد عکس‌های خود غلبه کنید.

حساسیت یا ISO چیزی است که در دوربین‌های دیجیتال که فاقد فیلم هستند نیز موجود است. البته در این دوربین‌ها، چیپس تصویری یا سنسور نوری که جایگزین فیلم شده است و به CCD معروف است، برای عکاسی تحت شرایط مختلف نوری، حساسیت را تنظیم می‌کند و یا عکاس باید آن را روی دوربین تنظیم کند.

واحد حساسیت تصویر در دوربین‌های دیجیتال هم ISO است ولی درجه بندی آن مانند دوربین‌های آنالوگ نیست. به عنوان مثال در دوربین‌های آنالوگ بعد از 100 ISO حساسیت 200 ISO قرار دارد و هر پله اضافه شدن حساسیت به معنی دو برابر شدن حساسیت قبلی است. در صورتی که در دوربین‌های دیجیتال این مسئله تا حدی فرق می‌کند و ممکن است دوربین شما دارای حساسیت‌های 80, 160, 320 ISO باشد و یا مقدار و مقیاس حساسیت چیزی سوای اندازه‌های متعارف باشد.

اما در این دوربین‌ها هم زیادتر شدن ISO به معنی وجود پارازیت و اختلالات بیشتر در عکس که به noise معروف هستند خواهد بود. بدین ترتیب هنگام مشاهده عکس‌های خود روی مونیتور دوربین یا کامپیوتر نقاط ریزی را با رنگ‌های متفاوت خواهید دید. هر چقدر مقدار ISO در هنگام عکاسی بالاتر باشد، مقدار این پارازیت هم بیشتر خواهد بود.



بخش سوم

عکاسی با فلاش

۳۲ـ حتی در روز روشن هم از فلاش استفاده کنید

اگر شما جزو آن دسته از علاقمندان عکاسی باشید که در طول روز و یا تحت هر شرایطی علاقه‌مند گرفتن عکس هستند، حتماً توجه کرده‌اید که عکس‌های زیادی که در زیر نور خورشید از افراد گرفته‌اید چندان جالب از آب در نمی‌آیند، حتی با وجود اینکه همه مسایل و نکات عکاسی را رعایت کرده باشید و دوربین شما هم کاملاً بی‌عیب و نقص باشد.

یک بار دیگر عکس‌هایی که از افراد در زیر نور خورشید گرفته‌اید را تماشا کنید. مسلماً در تعداد زیادی از آنها سایه‌های ابرو و پیشانی روی چشم‌ها افتاده‌اند و بخش بسیار مهم سوژه یعنی چشم‌ها را سیاه کرده‌اند. همین مسئله می‌تواند در یک عکس منظره وجود داشته باشد و سایه برگها آنقدر تند و تیره روی شاخه‌های دیگر افتاده باشد که رنگ سبز برگ‌ها به سیاهی بزند.

نور خورشید در ساعات بخصوصی مثل قبل از ظهر تا عصر به صورت عمودی به زمین می‌تابد و ایجاد سایه‌های تند وتیزی روی اشیا می‌کند که در مورد سوژه‌های انسانی سایه‌هایی قوی را روی چشم‌ها و زیر بینی و زیر چانه باعث می‌شود. برای از بین بردن این سایه‌ها فلاش دوربین می‌تواند وارد عمل شود.

این مسئله ممکن است برای خیلی‌ها عجیب جلوه کند که چطور امکان دارد که در روز روشن از کارکرد فلاش استفاده کرد. اما اگر دارای فلاشی قوی باشید که نوری مناسب داشته باشد مسئله‌ای که در بالا بدان پرداختیم تا حد زیادی حل خواهد شد. در زمانی که از نور فلاش در روز روشن استفاده می‌کنید، نور آن تأثیری بر روی سوژه انسانی شما نخواهد داشت بلکه فقط با از بین بردن سایه‌ها کمک به وضوح و بهتر شدن عکس شما می‌کند. حتی اگر دارای فلاشی قوی نیستید هم در این‌گونه شرایط



■ **عکس سمت چپ فقط با استفاده از نور حاضر گرفته شده، در صورتی که عکس سمت راست که در بعد از ظهر یک روز آفتابی است با کمک فلاش گرفته شده است که تا حد زیادی موفق به حذف کردن سایه‌ها شده است.**

سعی کنید که از فلاش سرخود دوربین استفاده کنید. در صورتی که در نزدیکی سوژه به سر ببرید، نور این‌گونه فلاش‌ها هم می‌تواند سایه‌های تند صورت را از بین ببرد.

برای عکاسی از نقاطی که دارای دو منبع مختلف نوری مثل سایه و خورشید هستند نیز چنانچه از نورسنج اتوماتیک استفاده کنید و یا نور سنجی را غلط انجام دهید، نتیجه عکس چیز نامطلوبی خواهد شد. فرض کنیم که شما از چیزی مثل گلدان یا قاب عکسی که در جوار پنجره‌ای که نور آفتاب از بیرون به آن می‌تابد و یا در ایوانی سایه که خورشید در چند متری آن قرار دارد بخواهید عکس بگیرید. اگر ترکیب‌بندی عکس شما طوری باشد که قسمت آفتابی بخش زیادی از عکس را بپوشاند، مطمئناً نورسنجی را برای آفتاب انجام خواهید داد و به دلیل اختلاف نوری شدید در این دو منطقه، سوژه شما (یعنی گلدان، قاب عکس یا سوژه انسانی و یا ....) به صورت تیره و تاریک در عکس ظاهر خواهد شد.

برای حل این مشکل دو راه حل وجود دارد، اول اینکه نورسنجی را برای منطقه سایه عکس انجام دهید که در این صورت سوژه شما در عکس ظاهر خواهد شد ولی

منطقه آفتابی با نور خیره‌کننده یا به صورت سفید در عکس ظاهر خواهد شد. اما راه دیگری هم وجود دارد که عبارت است از استفاده از فلاش. فلاش منطقه سایه را روشن خواهد کرد و تأثیری هم در منطقه آفتابی نخواهد داشت.

در همین رابطه در نقاطی مثل باغ‌ها و جنگل که سایه درختان، گیاهان و گل‌های کوچک را تیره می‌کند نیز می‌توان از نور فلاش برای این منظور استفاده کرد و عکس زیبایی از منطقه گرفت. اما همانطور که در بالا هم گفته شد برای فاصله‌های دورتر نور فلاش شما باید قوی‌تر باشد و برای سوژه‌های خیلی بزرگ و یا در فاصله خیلی دور هم نمی‌توان کاری انجام داد.

استفاده از فلاش در روز روشن را می‌توان هم با دوربین‌های دیجیتال و هم آنالوگ به خوبی انجام داد و نوع دوربین و سبک عکاسی شما در این رابطه هیچ تأثیری بر نور فلاش نخواهند داشت. در منوهای دوربین‌های دیجیتال گزینه flash on وجود دازد که به معنی آن است که با فعال نمودن این گزینه هر بار که شاتر زده شود، فلاش هم روشن خواهد شد و دوربین کاری به شرایط نوری حاضر و زمان عکاسی ندارد. این گزینه‌ای بسیار جالب است که می‌تواند مشکل ما را در این زمینه به‌طور خودکار حل کند.

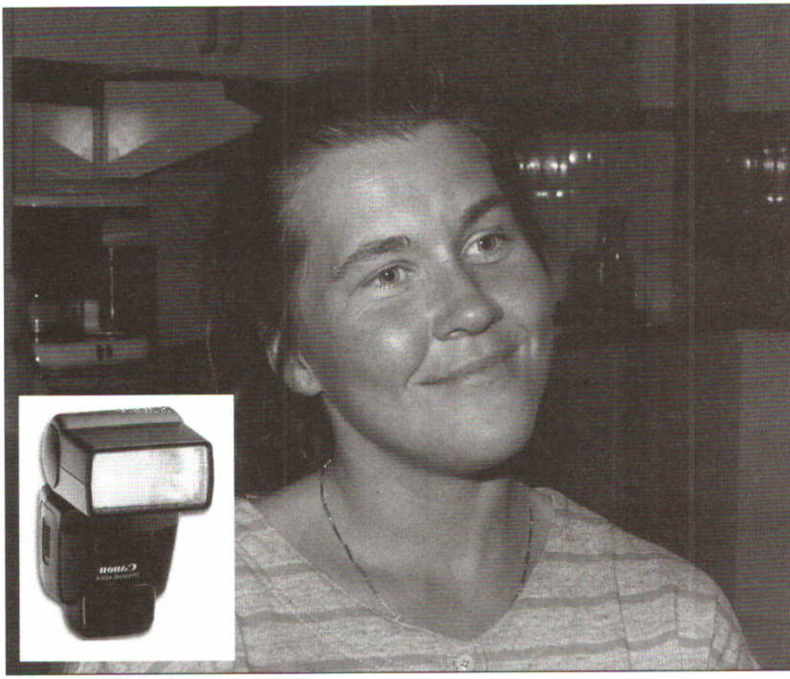
۳۳ـ محدوده کار فلاش خود را بشناسید

یکی از مشکلات عکس‌هایی که نامطوب از آب در آمده‌اند و چنگی به دل نمی‌زنند، اشتباه عکاس در اعتماد بیش از حد به فلاش دوربین خود است. قبل از اینکه در مورد عکاسی با فلاش صحبت کنیم بهتر است کمی اطلاعات عمومی در مورد فلاش به دست بیاوریم.

فلاش وسیله‌ای الکترونیکی برای تولید نور مصنوعی جهت عکاسی در شرایط ضعیف نوری است. از این وسیله در نقاطی که به نور طبیعی خورشید دسترسی نیست و از طرفی هم سه پایه همراه نداریم تا با سرعت پایین عکاسی کنیم و یا دوربین ما فاقد کنترل و تنظیم دستی برای نوردهی است، می‌توان استفاده کرد.

نور مصنوعی فلاش فقط برای مدت کوتاهی (کسری از ثانیه) منتشر می‌شود و صحنه و سوژه را روشن می‌کند و سپس صحنه به حالت اول باز می‌گردد. شدت یا مقدار نور فلاش محدود است و این مقدار در فلاش‌های مختلف فرق می‌کند. اشکال اساسی در عکاسی با فلاش، ندانستن این موضوع است، یعنی شدت یا برد نور فلاشی که عکاس از آن استفاده می‌کند. بعضی از ما بدون اطلاع از این مسئله در صحنه‌ای نسبتاً تاریک و در چند متری جلوی یک ساختمان می‌ایستیم و با عکاسی از طریق فلاش توقع داریم که هم سوژه و هم پس زمینه کاملاً در عکس واضح بیافتند که در اکثر مواقع این اتفاق نمی‌افتد و شاید چند چراغ پرنور از آن ساختمان در عکس ظاهر شوند.

برد نور فلاشی که روی اکثر دوربین‌های اتوماتیک وجود دارد چیزی بین دو تا حداکثر سه متر است و این سه متر هم در فضاهای خارجی و صحنه‌های خیلی تاریک ممکن است کمتر بشود؛ چرا که در فضاهای داخلی و بسته نور فلاش پس از



■ **فلاش برای عکاسی از صحنه‌های دارای عمق بسیار ضعیف عمل می‌کند. مانند این عکس که نتوانسته است پشت سوژه را که چند متری با او فاصله ندارد، روشن کند.**

برخورد به سقف و دیوارها، انعکاس پیدا می‌کند و مجدداً سوژه را روشن می‌کند ولی در فضاهای باز و بیرونی این نور در فضا پخش می‌شود. بنابراین در محیط‌های باز و تاریک، در عکاسی با فلاش از فاصله نزدیکتری از سوژه‌های خود عکاسی نمایید.

علاوه بر برد فلاش، به مسئله رنگ محیط اطراف هم باید توجه داشته باشید، چرا که نور فلاش پس از برخورد به اشیاء پیرامون، رنگ آنها را به خود می‌گیرد و سوژه شما را با آن رنگ روشن می‌کند. یعنی اگر دیوارهای اتاق شما آبی باشند و نور فلاش به دیوار و سقف بخورد و سوژه را روشن کند، یک تون آبی رنگ روی عکس نهایی شما پدید خواهد آمد.

نور فلاش با لنزهای زوم نیز نمی‌تواند کاملا سازگار باشد، چرا که تنظیمات از قبل انجام شده برای فلاش و تصویر مطلوب معمولا برای لنز نرمال صورت می‌گیرد. شاید در لحظه عکاسی با لنزی زوم از فاصله کانونی‌های مختلف لنز استفاده کنید و در نتیجه همه عکس‌های شما از یک کیفیت برخوردار نباشند. فرقی نمی‌کند که همه را از یک سوژه گرفته باشید و یا شرایط نوری و زمان برای همه آنها یکسان باشد.

اما اگر شما دارای یک فلاش جداگانه‌ای باشید و آن را به دوربین خود وصل نمایید مسئله فرق خواهد کرد. در اینجا حتماً قابلیت‌های عکاسی شما با این نوع فلاش بالا خواهد رفت. این فلاش‌ها دارای گزینه‌های مختلف برای تنظیمات و استفاده‌های گوناگون هستند و می‌توان از آنها به صورت اتوماتیک، مثل فلاش سرخود دوربین، استفاده کرد و یا به‌طور دستی نور آنها را برای فاصله مشخصی تنظیم کرد و یا از سیستم TTL که همه کارهای نورسنجی و نور پردازی را فلاش انجام می‌دهد استفاده نمود. جهت اطلاع از قابلیت‌های فلاش خود حتماً دفترچه راهنمای آن را با دقت مطالعه کنید و دستورات آن را در هنگام عکاسی بکار ببرید.

اما با توجه به چیزهای گفته شده در بالا، چنانچه بار دیگر در یک غروب یا شب در کنار یک ساختمان یا بنای تاریخی قصد عکاسی داشتید، چه کار کنید که هم سوژه و هم پس زمینه در عکس به نحو مطلوبی ظاهر شوند؟

برای عکاسی تحت این شرایط می‌توانید طوری عمل کنید که مدت عکاسی یا سرعت شاتر شما پایین باشد تا حتی بعد از اینکه فلاش زده و خاموش شد نیز شاتر دوربین اجازه دهد که نور وارد دوربین شود و منظره پس زمینه هم در عکس بیاید. جهت این کار دوربین را روی سه پایه سوار کنید، فلاش را به دوربین وصل کنید و چنانچه سرعت عکاسی با فلاش روی دوربین شما ۱/۱۲۵ ثانیه است، آن را برای ۱/۳۰ یا ۱/۱۵ ثانیه تنظیم کنید. از سوژه خود در پیش‌زمینه بخواهید که تا چند لحظه پس از زده شدن فلاش تکان نخورد. حالا عکس خود را بگیرید و مطمئن باشید که این دفعه عکس شما بهتر خواهد شد. البته اگر دوربین شما قابلیت تنظیم سرعت عکاسی یا شاتر را نداشته باشد و کاملاً اتوماتیک باشد نمی‌توانید این کار را

انجام دهید.

اگر دوربین شما دیجیتال و دارای کارکرد Slow Flash باشد، می‌توانید با استفاده از این کارکرد، عکس مطلوبی از پیش‌زمینه و پس‌زمینه بیندازید. کارکرد فلاش آهسته همان چیزی است که در بالا نوع دستی آن شرح داده شد و در اینجا این عمل روی دوربین شما برنامه‌ریزی شده است. یک کارکرد دیگر در دوربین‌های دیجیتال به پرتره در شب معروف است که همین نتیجه را برای عکاسی به دست می‌دهد. فقط توجه داشته باشید که جهت عکسی واضح و بدون لرزش در تمام این حالت‌ها باید دوربین روی سه پایه سوار باشد.

۳۴ـ در عکاسی با فلاش از انعکاس نور آن استفاده کنید

از آنجا که نور فلاش از منبع کوچکی منتشر می‌شود، نور آن بسیار تند است که پس از برخورد به سوژه، سایه‌های تندی روی آن و در پشت سوژه ایجاد می‌کند. اگر از سوژه انسانی عکاسی کنید، حتماً این سایه‌ها را در زیر بینی، چانه، زیر چشم‌ها و در پشت او مشاهده خواهید کرد.

برای از بین بردن این سایه‌ها و یا در حقیقت این تأثیر منفی نور فلاش، باید نور آن طوری به سوژه برخورد کند که به جای تماس مستقیم، به صورت پخش شده و گسترده و با زاویه با سوژه تماس داشته باشد و انعکاس نور باعث حذف این سایه‌ها بشود. لازمه چنین چیزی این است که فلاش شما دارای سری گردان باشد تا بتوانید نور آن را با زاویه دلخواه به سوژه بتابانید. به این دلیل فلاش مورد استفاده باید فلاشی جانبی باشد و از فلاش‌های ثابت روی دوربین نمی‌توان برای این منظور استفاده کرد.

اگر فلاش شما، هم در جهت افقی و هم در جهت عمودی قابل چرخاندن باشد می‌توانید بهترین نتیجه را از عکاسی خود حاصل کنید. برای عکاسی در این حالت، سوژه خود را در محل قرار دهید، دوربین را برای فاصله تا آن تنظیم کنید و سمت تابش نور فلاش را با چرخاندن سر فلاش طوری تنظیم کنید که نور فلاش ابتدا به دیوار (یا دیوار و سقف) مقابل سوژه بخورد و سپس در انعکاس از دیوار، سوژه و مقابل او را روشن نماید. در این حالت به دلیل اینکه نور از منبع گسترده‌تر و در زاویه‌های مختلفی به سوژه شما برخورد می‌نماید، سایه‌های تند و تیز نه بر روی سوژه و نه در پشت آن ایجاد نخواهد شد و در صورتی که سایه‌ای وجود داشته باشد، به تندی و تیزی سایه‌های نور مستقیم نخواهد بود.

اما اگر فلاش شما دارای قابلیت دوران افقی نبود ولی به‌طور عمودی می‌توانید آن را بچرخانید، فلاش را به طرف سوژه تنظیم کنید و سپس سر آن را آنقدر به طرف بالا بچرخانید تا زاویه ۴۵ درجه با خط مستقیم سوژه ـ دوربین تشکیل دهد. در این حالت در زمان عکاسی، نور با زاویه ۴۵ درجه با سوژه برخورد می‌کند و پس از برخورد به سقف و دیوارها مجددا انعکاس پیدا کرده و به پشت سوژه تابیده می‌شود و سایه‌های پدید آمده را محو می‌کند. البته در اینجا هم باید گفت که انجام این عمل منوط به توانایی فلاش شما برای انجام این کار است. البته اگر فلاش شما از دوربین جدا و با یک سیم به آن متصل باشد که قدرت مانور شما بیشتر خواهد بود و می‌توانید آن را در هر وضعیت دلخواه قرار دهید.

اما علاوه بر تجهیزات فلاش دو شرط اساسی هم لازمه خوب شدن عکس‌ها هستند. اول اینکه سطحی که نور فلاش به آن برخورد می‌کند و نور از روی آن منعکس می‌شود، یعنی سقف یا دیوارهای محل کاملا سفید باشد.

دومین شرط اساسی این است که در عکاسی به این روش، دهانه دیافراگم خود را به اندازه دو پله یا بیشتر (بستگی به فاصله فلاش از سطح انعکاسی دیوار و سقف) باز نمایید. در عکاسی به این روش، نور منتشر شده از فلاش باید مسیر طولانی‌تری را طی کند تا به سوژه برسد و در نتیجه از شدت و توان آن کاسته می‌شود. از آنجایی که مقدار نور را نمی‌توان زیاد نمود می‌توانید با بازتر کردن دهانه دیافراگم، افت به وجود آمده نوری را جبران نمایید. اینکه دهانه دیافراگم چقدر باید باز باشد چیزی است که به‌طور تجربی یاد خواهید گرفت. شاید بهتر باشد که در این مرحله به برکتینگ متوسل بشوید تا از بین عکس‌های گرفته شده بتوانید عکس دلخواه خود را پیدا کنید.

۳۵ـ عکاسی با فلاش و چشم قرمز

به‌وجود آمدن چشم قرمز در عکس‌هایی که با فلاش گرفته می‌شوند مسئله مهم و قابل توجهی است که عکس گرفته شده را از حالت طبیعی خارج می‌کند. این قرمزی چیست و چگونه به وجود می‌آید؟ قرمزی چشم در حقیقت انعکاس نور فلاش است که به سرخرگ‌های شبکیه چشم تابیده شده است و دوربین در هنگام گرفتن عکس آن را روی فیلم ثبت می‌کند. علت به وجود آمدن چشم قرمز نزدیکی فاصله فلاش به دوربین است. بنابراین هرچه فاصله فلاش و دوربین زیاد باشد، امکان به‌وجود آمدن چشم قرمز کمتر خواهد بود.

چندین راه برای جلوگیری از به‌وجود آمدن چشم قرمز وجود دارند. یک از آنها این است که فلاش دوربین را در فاصله بیشتری از لنز دوربین قرار دهید. در دوربین‌هایی که دارای فلاش خارجی هستند، می‌توان از طریق اتصال سیم به دوربین و فلاش فاصله ارتباطی آنها را طولانی‌تر کرد و در هنگام روشن شدن فلاش آن را دورتر از دوربین قرار داد.

همچنین می‌توان در هنگام عکاسی، نور فلاش را به عوض تاباندن مستقیم به سوژه به طرف سقف یا دیوار مقابل تاباند تا انعکاس آن سوژه را روشن نماید. در این حالت دیگر پدیده چشم قرمز به وجود نخواهد آمد.

یک راه دیگر برای اجتناب از چشم قرمز این است که درست قبل از اینکه عکاسی صورت گیرد از سوژه بخواهید که به یک نقطه روشن نگاه کند تا مردمک چشم او باز شود و سپس عکس گرفته شود. در همین رابطه می‌توان چند بار قبل از گرفته شدن عکس، فلاش زد تا مردمک چشم باز شود و سپس عکس گرفت. این کارکرد بر روی خیلی از دوربین‌های مدرن و مخصوصاً دوربین‌های دیجیتال ایجاد

شده است که در بعضی از آنها به red eye یا red eye reduction معروف است. با فعال کردن این گزینه دوربین به‌طور خودکار قبلا از گرفتن عکس یک بار فلاش می‌زند تا مردمک چشم کوچک شود و سپس فلاش اصلی زده می‌شود تا عکس گرفته شود. در هنگام استفاده از این کارکرد باید به سوژه خود بگوئید که بعداز زده شدن فلاش، اول صبر کند تا فلاش دوم زده شود و در این مدت چشم خود را نبندد.

البته در بعضی حالات هم برای جلوگیری از به وجود آمدن قرمزی چشم می‌توان از سوژه خواست که مستقیما به دوربین نگاه نکند.

و بالاخره راه نهایی برای نجات عکس‌هایی که دارای چشم قرمز شده‌اند این است که از طریق یک نرم‌افزار ویرایش عکس مثل فتوشاپ، قرمزی چشم را از روی عکس‌های خود پاک نمایید. در بسیاری از نرم‌افزارهای جدید عکس، این کارکرد برای حذف قرمزی چشم وجود دارد.

۳۶ـ در روزهای ابری اجازه ندهید که فلاش گول بخورد

در روزهای ابری به دلیل آنکه نور پس از رد شدن از ابرها در همه جهات پخش می شود، محیط بسیار روشن به نظر می رسد. شاید بنا به دلایلی علاقه‌مند باشید که در زیر چنین نوری با فلاش دوربین خود عکاسی کنید. اگر فلاش شما از نوع اتوماتیک باشد، بنابراین در چنین شرایطی نورسنجی را اشتباه انجام خواهد داد و صحنه را روشن‌تر از مقدار واقعی خواهد شناخت و نور کمتری را برای عکاسی از سوژه بیرون خواهد داد و عکس شما کماکان تاریک از آب در خواهد آمد.

برای عکاسی در چنین شرایطی باید فلاش خود را روی تنظیم دستی آن بگذارید و متناسب با فاصله‌ای که از سوژه دارید، درجه دیافراگم دوربین را برای فلاش تنظیم نمایید. کسانی که دارای دوربین‌های اتوماتیک هستند، نمی‌توانند در این زمینه کار چندانی انجام دهند، چرا که روی این‌گونه دوربین‌ها، تکمه‌ای برای قرار دادن فلاش در حالت دستی موجود نیست. شاید در این حالت بهترین کار این باشد که فیلم دوربین را عوض کنید و یک فیلم سریع‌تر (با ISO بالاتر) در دوربین بیندازید. اما دانستن همین نکته که روزهای ابری بیش از حد روشن هستند، کمک می‌کند تا انتظار غیرعادی شدن عکس‌ها را داشته باشید.

۳۷ـ در عکاسی بافلاش در هوای آزاد دیافراگم را بیشتر باز کنید

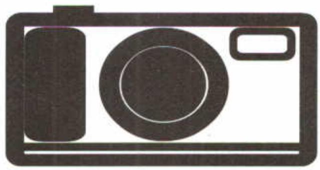
چنانچه سوژه اصلی شما در هوای آزاد قرار دارد و زمان عکاسی هم شب می‌باشد و هیچ منبع نور قوی در دسترس شما نباشد، بنابراین مجبور به استفاده از فلاش هستید. برای عکاس با فلاش معمولاً هر دوربینی سرعت شاتر ثابتی دارد که مناسب عکاسی با فلاش می‌باشد. به این سرعت شاتر، هم‌زمانی فلاش با دوربین یا سینک می‌گویند. اگر سرعت هم‌زمانی روی دوربین شما ۱/۱۲۵ ثانیه باشد و دوربین خود را روی ۱/۲۵۰ ثانیه قرار دهید، حتماً مقداری از عکس شما سیاه خواهد شد، چرا که در زمان تابانده شدن نور به سوژه توسط فلاش، شاتر دوربین شما فرصت نکرده است که کاملاً باز و بسته شود و فقط در زمان روشن شدن فلاش بخشی از سوژه را ثبت کرده است.

برای اینکه نور کافی به سوژه شما تابانده شود و سوژه کاملاً روشن شود و عکس درستی از نظر نورسنجی داشته باشید باید دیافراگم خود را به اندازه کافی باز کرده باشید. این مقدار باز شدن دیافراگم، به نسبت فاصله‌ای که دوربین از سوژه قرار دارد فرق می‌کند. معمولاً در قسمت پشت هر فلاش جدولی چاپ شده است که اندازه دیافراگم را برای عکاسی از سوژه‌های مختلفی که با حساسیت‌های گوناگونی گرفته می‌شوند، نشان می‌دهد. این اندازه و جدول‌ها در فلاش‌های مختلف فرق می‌کند، چون فلاش‌ها در قدرت‌های متفاوتی عرضه می‌شوند.

اندازه‌هایی که برای تنظیم دیافراگم جهت عکاسی با فلاش در جدول‌ها آمده‌اند، اکثراً با فرض اینکه شما در محل سربسته‌ای عکاسی می‌کنید در نظر گرفته شده‌اند. معمولاً در این‌گونه نقاط، نور با سرعت زیادی که دارد در مدت کوتاهی پس از برخورد به در و دیوار و اجسام داخل فضای بسته، مجدداً انعکاس پیدا می‌کند و نور

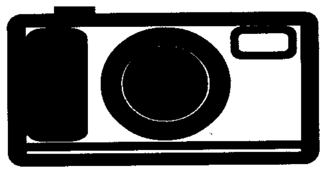
انعکاسی هم باعث روشن شدن دوباره سوژه می‌شود. در عین حال باید ذکر کرد که در فضاهای داخلی معمولاً مقداری نور محیط وجود دارد و سوژه در تاریکی مطلق به سر نمی‌برد. این نور محیط با نور فلاش جمع شده و هر دو به روشن شدن سوژه کمک می‌کنند. اما در فضای بیرونی چنین امکانی وجود ندارد و نور پس از تابیده شدن به سوژه، انعکاسی پیدا نمی‌کند تا موجب دوباره روشن شدن سوژه بشود و از طرفی دیگر فضاهای بیرونی معمولاً در شب از درجه تاریکی بالاتری برخوردارند و نور کمکی زیادی برای روشن کردن سوژه وجود ندارد.

برای عکاسی در چنین محیط‌هایی بهتر است که دیافراگم را دو پله بیشتر از اندازه سفارش شده باز کنید تا نور بیشتری به داخل دوربین شما راه پیدا کند. حتی اگر سوژه شما لباس تیره‌ای به تن داشته باشد و پوست او تیره باشد، بهتر است که دیافراگم را بیشتر باز کنید. البته اگر فاصله سوژه تا دوربین خیلی کم باشد نیازی به این کار نیست. با چند بار عکاسی در چنین شرایطی و مقایسه عکس‌ها متوجه خواهید شد که برای عکاسی با دوربین خود در شرایط مشابه، تا چه اندازه‌ای بهتر است که دیافراگم دوربین را بیشتر باز کنید.



بخش چهارم

تکنیک‌های مختلف گرفتن عکس



بخش چهارم

تکنیک‌های مختلف گرفتن عکس

۳۸ـ نوع عکاسی خود را مشخص کنید

با توجه به گسترش و همه‌جاگیر شدن دوربین‌های دیجیتال که در چند سال اخیر در مدل‌های زیادی عرضه بازار شده‌اند، حتماً برای کسی که به‌طور منظم عکاسی می‌کند و یا تصمیم جدی در این مورد دارد، این سئوال پیش می‌آید که چه نوع عکاسی را انتخاب کند: عکاسی آنالوگ یعنی همان عکاسی سنتی با فیلم یا عکاسی دیجیتال؟ در نقاط دیگر این کتاب هم در این مورد صحبت شده است و من فکر می‌کنم که نظر به اهمیت این موضوع هرچه بیشتر صحبت بشود بهتر است.

از جنبه هنر عکاسی، در حال حاضر هر کدام از این دو نوع عکاسی دارای مزیت‌ها و اشکالات خاص خود هستند، اما چیزی که در مورد هر دو نوع عکاسی صدق می‌کند، این است که فرد علاقمند به عکاسی باید شناخت درستی از این هنر (چه از نظر تکنیکی و چه از نظر هنری) داشته باشد. متأسفانه این نظر نادرست شایع شده که چون در عکاسی دیجیتال بلافاصله پس از گرفتن عکس می‌توان آن را دید و پاک کرد و چندین بار از موضوعی عکس گرفت، بنابراین عکاسی دیجیتال چیز ساده‌ای است و عکس گرفتن در این محدوده چندان سخت نیست. در کنار این موضوع باید به نظر تعدادی دیگر هم اشاره کرد که معتقدند که چون در عکاسی دیجیتال، می‌توان عکس ناقص را ترمیم یا رتوش کرد، پس در صورت عکاسی ناشیانه می‌توان عکس را به کمک نرم‌افزار اصلاح کرد و تبدیل به عکس واقعی نمود. البته این درست است که عکس دیجیتال را می‌توان اصلاح کرد ولی تا چه حد و اندازه‌ای می‌توان این کار را انجام داد؟ آیا هر عکسی با هر درجه نقص و اشتباه،

قابل اصلاح و تبدیل شدن به یک عکس خوب می‌باشد؟

در مورد اختلافات و مزیت‌های هر نوع از این دو نوع عکاسی کتاب‌های قطور و حجیم زیادی نوشته شده است و با توجه به اینکه دنیا در حال دیجیتالیزه شدن می‌باشد و فراوانی این نوع دوربین‌ها در آینده بیشتر خواهد شد، باید انتظار نوشته شدن بیشتر اینگونه کتابها را در آینده داشت. زیاد شدن دوربین‌های دیجیتال بستگی به تصمیم من و شما ندارد، بلکه سیاستی است که کارخانه‌های سازنده دوربین در چند سال اخیر داشته‌اند و اگر یک مدل دوربین آنالوگ وارد بازار کرده‌اند، در مقابل چندین مدل دوربین دیجیتال روانه بازار شده است.

البته تاریخ و تجربه نشان داده است که هر اختراع جدیدی که به بازار آمده است، نمونه قدیمی و مشابه هم مدتی در کنار وسیله جدید عرضه شده است و مردم از هر دو نوع آن استفاده کرده‌اند. زمانی که نوارهای کاست و ضبط صوت‌های کاست به بازار آمدند، ضبط صوت‌های ریلی هم تا مدت‌ها در کنار آنها به پخش صدا مشغول بودند و در بازار به فروش می‌رسیدند و امروزه هم که سی‌دی‌ها وارد بازار شده‌اند، نوارهای کاست کماکان در بازار وجود دارند.

از آنجایی که این کتاب قصد دارد که نکات ریز و درشت عکاسی را برای آماتورها عرضه نماید و گروه بزرگی هم که در این زمینه مشکل و مسئله دارند، آماتورها می‌باشند؛ من سعی می‌کنم که بخشی از مسایل را به صورت مختصر و فشرده بیان کنم. البته در این زمینه سایت‌ها و کتاب‌های زیادی وجود دارند که برای اطلاع بیشتر می‌توانید به آنها مراجعه کنید.

نکته مهم در مورد عکاسی دیجیتال این است که این نوع عکاسی انسان را بیشتر با مسایل تکنیکی درگیر می‌کند. اگر شما فردی باشید که علاقه‌مند به دانستن و کارکردن با این مسایل نباشید، حتماً در جریان این نوع عکاسی دچار مشکل می‌شوید. به عنوان مثال شما باید از درجه وضوح و کارکردهای مختلف آن بر روی دوربین، کامپیوتر، چاپگر یا اصولاً چاپ اطلاع داشته باشید و دائماً با آن به نوعی "بازی"

کنید. شما باید بتوانید با کامپیوتر و چاپگر کار کنید (البته اگر علاقه‌مند باشید که چاپ و ویرایش عکس را خودتان انجام بدهید).

در کلیه دوربین‌های دیجیتال منوهایی وجود دارند که تقریباً همه آنها به زبان اصلی هستند و یا باید آنها را به زبانی دیگر خواند. سوای مسئله دانستن زبان، دانستن تکنیکی چیزهایی که در این منوها وجود دارند نیز مهم است، مثل تعادل نور سفید White balance که در دوربین‌های آنالوگ وجود ندارد. به مطالب گفته شده باید اضافه نمود که دوربین‌های دیجیتال در مقابل رطوبت، ضربه و شوک الکتریکی بسیار حساس‌تر از دوربین‌های آنالوگ هستند و یک ضربه کوچک به آنها، شاید به معنی بازنشسته کردن دوربین باشد. حساسیت دیگر این دوربین‌ها که می‌تواند به‌طور موقت عکاسی را به تعطیلی بکشاند، وابستگی به منبع نیرو یا باتری می‌باشد که بدون آن دوربین قادر به کارکردن نخواهد بود. این چیزی است که در دوربین‌های آنالوگ مسئله‌ای را تشکیل نمی‌دهد.

گفتیم که در زمینه عکاسی، دنیا به سوی دیجیتالیزه شدن پیش می‌رود، ولی به نظر من علاقه‌مندان به عکاسی آنالوگ کماکان می‌توانند از لذت عکاسی آنالوگ یا عکاسی با فیلم برخوردار باشند. در کشور ما هنوز لابراتوارهای زیادی برای چاپ عکس دیجیتال وجود ندارند و اکثر آنها عمدتاً هم در شهرهای بزرگ مستقر هستند. علاوه بر این قیمت چاپ عکس هم در کشور ما نسبت به چاپ دیجیتال ارزانتر تمام می‌شود. همچنین قیمت فیلم بسیار ارزانتر از سایر کشورهاست و چنانچه کسی بخواهد چند حلقه بیشتر عکاسی کند، خرج زیادی به او تحمیل نمی‌شود.

آموزش و یادگیری کارکردن با دوربین‌های آنالوگ و تبحر به دست آوردن در آنها بسیار سریع‌تر از دوربین‌های دیجیتال صورت می‌گیرد. این نوع دوربین‌ها به‌جز چند تکمه عمومی مثل شاتر و درجه حساسیت فیلم و دیافراگم چیز بیشتری ندارند و در این دوربین‌ها از منوهای بی‌پایان و مخفی دوربین‌های دیجیتال خبری نیست.

آرشیوکردن عکس و فیلم‌های آنالوگ بسیار سریع‌تر و راحت‌تر از دوربین‌های

دیجیتال انجام می‌شود. در دوربین‌های دیجیتال عکس‌ها معمولا روی سی دی یا هارد دیسک آرشیو می‌شوند و امروزه دی وی دی در حال جانشین شدن سی‌دی است و فردا هم معلوم نیست که چه چیزی جایگزین شود.

بالاخره در پایان این شمارش صفات مثبت و منفی، حرف اصلی بسیاری از عکاسان مشهور دنیا را باید زد که در عکاسی دیجیتال انسان نمی‌تواند به اندازه عکاسی آنالوگ از خلاقیت خود استفاده کند، چرا که الکترونیک این دوربین‌ها بخشی از وظایف عکاس را غصب نموده است. این مسئله مهمی را برای خیلی از عکاسان تشکیل می‌دهد و حاضرند خیلی از سختی‌های کار در عکاسی آنالوگ را تحمل نمایند تا به چیزی که دلشان می‌خواهد، برسند.

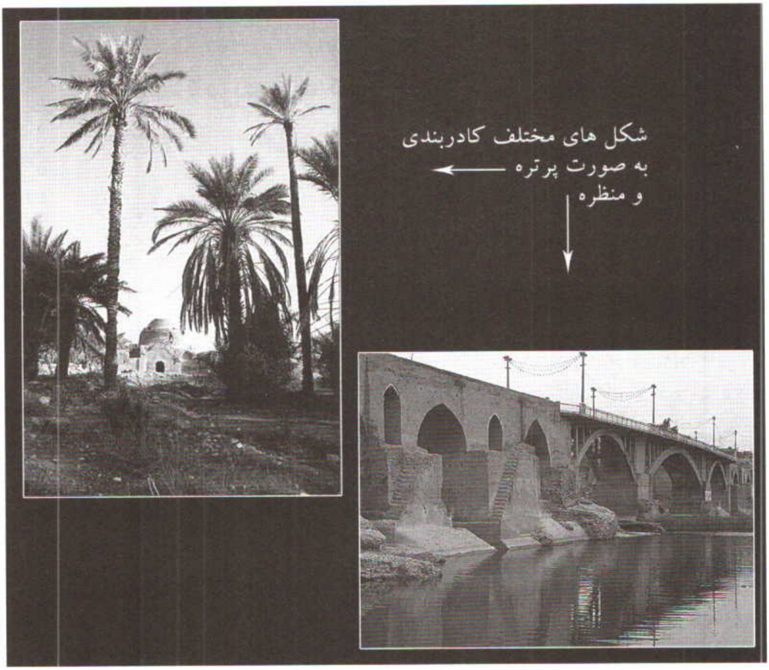
با تمام حرف‌هایی که در مورد دو نوع عکاسی آنالوگ و دیجیتال گفته شد و چیزهای دیگری که حتماً در منابع دیگر مشاهده خواهید کرد، یک مسئله مهم را در نظر داشته باشید و عکاسی خود را انتخاب کنید که ببینید عکاسی را برای چه نیازی انجام می‌دهید. اگر هدف شما از عکاسی کردن گرفتن حداکثر ۵ـ۴ حلقه عکس در طول یک سال و در مراسم مختلف مثل نوروز و مسافرت باشد، بنابراین نیازی نیست که زیاد خود را در این بحث درگیر کنید. یک دوربین آنالوگ قیمت متوسط می‌تواند نیاز شما را در این زمینه برطرف کند. اما اگر شما جزو آن دسته کسانی هستید که مثلاً هفته‌ای دو چند حلقه عکس می‌گیرند، قضیه فرق می‌کند و در اینجا باید مسایل مختلفی مثل توانایی تکنیکی، زبان، وضع مالی و کلیه مسایلی که در بالا بیان کردیم را بررسی کنید و سپس بر حسب نیاز و سلیقه نوع عکاسی خود را مشخص کنید.

۳۹ـ کادربندی عکس را درست انجام دهید

کادربندی کردن یک سوژه و آوردن آن در یک چهارچوب به نام عکس از نکات بسیار مهم است که تبحر به دست آوردن در آن از طریق تجربه و عکاسی کردن در طول سالهای متمادی به دست می‌آید و صرفاً با حفظ چند فرمول و اجرای آنها نمی‌توان ادعای تبحر در کادربندی را داشت.

از هر سوژه و موضوعی که بخواهید عکاسی کنید، باید مسئله چهارچوبی که سوژه شما در آن قرار می‌گیرد و مناسب به نظر رسیدن آن در این چهارچوب را در نظر داشته باشید. اینکه یک سوژه یا مدلی را زیبا می‌بینید، نمی‌تواند دلیل بر آن باشد که حتماً در عکس هم زیبا به نظر خواهد رسید. چشم ما با تماشای سه بعدی آن سوژه دارای توانایی بالاتری از دوربین می‌باشد و ما با تمرکز بر روی نقاط حساس و زیبای سوژه می‌توانیم روی زیبایی آن خیره شویم. مثلاً اگر به منظره کوهی زیبا خیره شده باشیم می‌توانیم با گرداندن چشم خود و دیدن قسمت‌های مختلف آن، مجموعه‌ای از تصاویر آن کوه را در مغز خود ضبط کنیم و با مرتبط کردن این تصاویر به یکدیگر، در مغز خود، نمایی کلی از کوه را مجسم کنیم. اما اگر دوربین بخواهد تصویری از این کوه ضبط کند، جریان به چه طریق خواهد بود؟ آیا با دوربینی که داریم و در فاصله‌ای که از کوه قرار داریم، می‌توانیم کوه را در کادر عکس خود جای دهیم و آیا کادربندی ما به صورت منظره (یعنی عریض) یا پرتره (بلند) خواهد بود؟ حتی با لنزی که ما استفاده می‌کنیم، شاید تصویر کوه بسیار کوچک‌تر و دورتر از آن چیزی که به چشم ما می‌آید، در عکس ظاهر شود و تمام زیبایی حاضر

در عکس نهایی ما چیز خاصی به نظر نرسد و نتیجه کار ما صرفاً یک تصویر معمولی بشود.



شکل های مختلف کادربندی به صورت پرتره و منظره

اگر در کادربندی ما، اتومبیل‌ها، تیرهای چراغ برق یا جاده‌ای وجود داشته باشند به زیبایی عکس کمک می‌کنند یا خیر؟ چگونه کادر عکس خود را انتخاب کنیم که این عناصر در پشت چیزهای دیگر بمانند و منظره ما را زشت نکنند و یا آن‌قدر کوچک باشند تا بخش مهم و قابل توجهی را اشغال نکنند؟ همین امر در عکاسی از یک باغچه کوچک گل یا منظره پارک زیبا هم صدق می‌کند. شاید در گوشه‌ای از محل یا در جوار آن مقداری زباله یا سطل زباله باشد که آمدن آنها در عکس باعث خراب شدن عکس بشود. عکاسی کردن از محل‌های تاریخی هم دارای این معضل است، چراکه چیزی که نکته برجسته عکاسی از این محل‌ها را تشکیل می‌دهد معماری و تزیینات و زیبایی سطح این بناهاست. متاسفانه بسیاری از این بناها که در داخل محدوده شهر قرار دارند، توسط ساختمان‌های آجری، بتونی و زرق و برق‌های

زندگی شهری امروزی و تابلوهای تبلیغاتی محاصره شده‌اند، طوری که با عکاسی کردن از این محیط‌ها منظره زشت پیرامون آنها هم در عکس ظاهر خواهد شد. در این‌گونه حالت‌ها شاید بهتر باشد که برای کادربندی سوژه بیشتر به آن نزدیک شوید و یا با چرخیدن به دور آن، جایی را پیدا کنید که اشیای اضافی در خارج از کادر واقع شوند.

اینکه کادربندی ما از یک سوژه چگونه باشد، تا حد زیادی به اندازه و هیبت و بزرگی خود سوژه هم بستگی دارد. برای گرفتن عکسی زیبا از یک کوه که در نزدیکی ما قرار دارد، شاید مجبور باشیم که مقداری (حتی چند کیلومتر) از آن دور شویم تا در کادر ما به شکل صحیح جا بگیرد و تحت شرایطی حتی استفاده از لنزهای واید هم در این زمینه کمکی نکند. بعضی مواقع هم برای کادربندی سوژه‌ای بسیار کوچک (مثلاً یک گل) مجبور هستیم که آنقدر به سوژه نزدیک شویم تا گل به صورت برجسته و بزرگ در عکس ما بیفتد. در همه این حالات کادر عکس ما آیا باید به صورت ایستاده باشد یا خوابیده؟ البته در مورد این‌گونه کادربندی چنانچه شک و شبهه‌ای وجود داشته باشد بهتر است که باهر دو نوع کادر عکس گرفت و پس از عکاسی و دیدن نتیجه، یکی از آنها را انتخاب کرد.

در کادربندی از سوژه‌های انسانی نیز نکات زیادی را باید قبل از گرفتن عکس در نظر گرفت و رعایت کرد. اگر قرار هست که از یک فرد (مثلاً بچه یا آدم بزرگ) عکاسی کنید، ببینید که چه چیز و عامل مهم و برجسته‌ای وجود دارد که فرد را در عکس زیبا نشان می‌دهد و سپس آن را در کادر عکس بیاورید.

برای به دست آوردن تبحر در کادربندی بهتر است انواع عکس از یک سوژه، از زوایای مختلف و با لنزهای مختلف و کادربندی‌های گوناگون بگیرید و سپس با مقایسه آنها نقاط قوت و ضعف عکس‌های خود را بررسی کنید و از تجربیات به دست آمده در عکاسی‌های بعدی استفاده کنید.

۴۰ـ برای ترکیب‌بندی عکس از نقاط طلایی استفاده کنید

یکی از نکات بارز که از طریق آن می‌توان فرق بین یک عکاس تازه کار و با تجربه را شناخت، قرار دادن سوژه اصلی توسط تازه کارها در مرکز عکس است. تقریباً همه تازه کارها این کار را به صورت خودکار انجام می‌دهند، خواه این سوژه یک درخت باشد یا یک انسان و یا ساختمانی بلند.

وقتی سوژه عکس درست در وسط آن بیاید، عکس گرفته شده چیزی ایستا به نظر می‌رسد و از پویایی آن می‌کاهد. بهترین کار برای پویا کردن عکس، استفاده از نقاط طلایی عکس است. نقاط طلایی عکس اصطلاحی در مورد بهترین نقاط روی عکس است که سوژه بر روی آنها زیباتر به نظر خواهد رسید. پیدا کردن آنها به این ترتیب است که طول و عرض عکس خود را به سه قسمت تقسیم کنید و از هرکدام آنها خطی فرضی بگذرانید. نقاط تلاقی خطوط افقی و عمودی، نقاط طلایی عکس هستند. بدین ترتیب روی هر عکسی چهار نقطه طلایی وجود خواهد داشت که شما می‌توانید با توجه به سوژه و چیزهایی که در حول وحوش آن قرار دارند، سوژه اصلی را روی یکی از آنها قرار دهید و کادربندی کنید و عکس خود را بگیرید. البته اگر هرگونه شک و شبهه‌ای در مورد اینکه سوژه را روی کدامیک از این نقاط قرار دهید، داشتید می‌توانید از نقاط دیگر هم استفاده کنید و از بین عکس‌های مختلف یکی را انتخاب کنید.

البته بعضی مواقع سوژه ما به صورت نقطه نیست که آن را روی یک نقطه طلایی قرار دهیم، مثلاً درختی بلند است یا نرده‌های طولانی یا یک ردیف درخت. در اینگونه مواقع هم می‌توان سوژه خطی را روی یکی از خطوط فرضی ۱/۳ یا ۲/۳ در کادر عکس قرار داد، یعنی همان خطی که نقاط طلایی را به هم وصل می‌کند.



■ **محل تلاقی خطوط به نقاط طلایی مشهور هستند.**

نقاط طلایی چیزهایی فرضی هستند و به دست آوردن و محاسبه آنها هم چیزی تقریبی است و لزوماً سوژه اصلی نباید صد در صد روی نقطه یک سوم قرار داشته باشد، بلکه می‌توان آن را در حدود آن نقطه قرار داد. چنانچه از دوربینی دیجیتال استفاده می‌کنید، شاید دوربین شما دارای گزینه‌ای به نام grid در یکی از منوهای خود باشد که به معنی خطوط فرضی نقاط طلایی است که عکس را در طول و عرض به سه قسمت تقسیم می‌کنند. با فعال کردن این گزینه خطوط روی مونیتور ظاهر می‌شوند و پیدا کردن نقاط طلایی را برای شما آسان می‌سازند. این خطوط روی عکس نهایی چاپ نمی‌شوند.

۴۱ـ برای عکاسی مطمئن از سه‌پایه استفاده کنید

لرزش دوربین در هنگام عکاسی و در نتیجه تار شدن عکس به دلیل تکان خوردن دوربین، یکی از رایج‌ترین خطاها در عکاسی است که هر کسی آن را تجربه کرده و بعد از چاپ عکس‌های خود نتیجه منفی به وجود آمده را مشاهده نموده است.

حل این مشکل بسیار راحت است و برای مقابله با این مشکل است که سه‌پایه به عنوان یک دوست وفادار هر فرد عکاسی وارد میدان می‌شود. با استفاده از سه‌پایه خطر لرزش دوربین حذف می‌شود و با هر سرعتی که عکس بگیرید عکس شما صاف و واضح خواهد شد. اصولاً لرزش دست زمانی تأثیر خود را روی عکس می‌گذارد که سرعت عکاسی یا سرعت شاتر کمتر از مقدار متعارف قرار داده شده باشد، چیزی که در بعضی شرایط مجبور به انجام آن هستیم.

حداقل سرعت شاتر برای عکاسی بدون لرزش در مورد لنزهای مختلف فرق می‌کند. مثلاً اگر سرعت شاتر دوربین شما برای $\frac{۱}{۳۰}$ ثانیه قرار داده شده باشد و لنز مورد استفاده شما 28mm باشد، با کمی دقت در ثابت نگاه داشتن دوربین مطمئناً لرزش دست بر روی عکس ثبت نخواهد شد. اما اگر لنز مورد استفاده شما 50mm باشد خطر به وجود آمدن لرزش دست وجود خواهد داشت و در مورد لنز تله 300mm حتماً لرزش‌های حتی کوچک بدن نیز باعث تار شدن عکس خواهد شد.

البته در شرایطی که نور به اندازه کافی وجود داشته باشد و شما نیز تمام شرایط عکاسی معمولی را مراعات کرده باشید، شاید خطر لرزش دست اصلاً مطرح نباشد. خطر زمانی بروز می‌کند که بر اثر تاریک شدن منطقه عکاسی، نور به اندازه کافی وجود نداشته باشد و یا در محیطی داخلی بسر ببرید که نور کافی نداشته باشد و دسترسی به فلاش هم نداشته باشید و نورسنجی از صحنه هم به شما بگوید که باید



■ **فقط یک سه‌پایه می‌تواند از به وجود آمدن چنین عکس‌هایی جلوگیری کند.**

عکس را با سرعت پایین بگیرید. در این شرایط شاید هر چقدر هم که سعی کنید که دوربین را ثابت بگیرید و از لرزش آن جلوگیری نمایید، باز هم تلاش شما کمک زیادی به رفع مشکل نکند. این موضوع در عکس‌های پس از غروب و پیش از طلوع خورشید مسئله‌ای رایج و عادی است.

اگر دوربین شما یک دوربین اتوماتیک عادی است که تنظیمات آن به‌طور خودکار از طرف دوربین انجام می‌شود، بنابراین حتماً در شرایط ضعیف بودن نور از سه‌پایه استفاده کنید و لرزش دوربین را به‌طور کلی حذف کنید. به خاطر داشته باشید که تار و غیر واضح شدن عکس‌ها می‌تواند براثر عدم وضوح دقیق هم به وجود بیاید. با مشاهده عکس‌هایی که تار شده‌اند می‌توانید بفهمید که تار شدن عکس شما به چه علتی بوده است.

برای خرید سه‌پایه سعی کنید که نوع محکم و سبک آن را انتخاب کنید. یک سه پایه خیلی سنگین باعث می‌شود که در مسیرها و مسافرت‌های طولانی، آن را همراه نبرید و یا حمل آن سخت باشد. اگر کیف دوربین یا کوله‌پشتی عکاسی دارید،

سه‌پایه را با استفاده از بند و بست‌ها به آن وصل کنید تا حمل آن راحت صورت گیرد. البته سه‌پایه‌های مدرن‌تر دارای کیف مخصوصی هستند که خود دارای دستگیره یا بند حمایل آویزان کردن می‌باشند تا حمل آنها را آسان‌تر سازند.

مسئله دیگر در انتخاب سه‌پایه، زمان مورد نیاز برای باز و بسته کردن آن است. سه‌پایه‌ای که وقت زیادی از شما را در باز و بسته شدن بگیرد، ممکن است که باعث از دست رفتن فرصت و سوژه عکاسی شما بشود. با انواع مدل‌های سه‌پایه‌هایی که در بازار وجود دارند، حتماً قادر خواهید بود که مدل مناسبی را برای دوربین خود انتخاب کنید.

۴۲ـ برای حذف سایه‌ها از رفلکتور استفاده کنید

سایه‌ها مسئله مهمی را در بسیاری از شرایط عکاسی تشکیل می‌دهند. در بعضی از عکس‌ها وجود آنها به کنتراست بیشتر عکس کمک می‌کند و یا وجود آنها باعث مشخص شدن و مشاهده شدن بافت سطحی اشیاء می‌شود. بنابراین در این‌گونه مواقع وجود آنها ضروری است و باید در هنگام عکاسی کاری کرد تا آنها وجود داشته باشند و در عکس ظاهر شوند.

اما در بعضی عکس‌ها سایه‌ای بزرگ و هیولایی در پشت سوژه اصلی ایجاد می‌شود و یا سایه قسمتی از سطح سوژه را می‌پوشاند و آن را تیره می‌کند که نه تنها کمکی به زیبایی عکس نمی‌کند، بلکه باعث حذف جزئیات زیادی در منطقه سایه می‌شود و برای بیننده این سئوال پیش می‌آید که "اگر این سایه در عکس نبود آیا تصویر زیباتر نمی‌شد؟" بعضی مواقع وجود تند و زننده آنها در عکس مزاحم است و به نوعی باعث پایین آمدن کیفیت عکس و زیبایی آن می‌شود، در این شرایط برای از بین بردن یا ملایم کردن آنها چه باید کرد؟

برای حذف سایه‌های ناخواسته راههای مختلفی تحت شرایط عکاسی گوناگون وجود دارد. یکی از آنها استفاده از فلاش است که در جای دیگری از کتاب در مورد آن شرح داده شده است. البته از این نکته نباید غافل بود که فلاش هم در صورتی که از آن درست استفاده نشود می‌تواند سایه‌های تند و تیزی را باعث شود. اما راه ساده برای از بین بردن سایه در عکس استفاده از صفحه‌هایی به اسم رفلکتور است. رفلکتور همانطور که از اسم انگلیسی آن به نام "منعکس‌کننده" بر می‌آید، دارای این توانایی است که نوری که به سطح آن می‌خورد را به جایی یا چیزی منعکس کند.



■ **عکس سمت راست با استفاده از رفلکتور (برای روشن کردن سمت راست صورت) گرفته شده است.**

زمانی که فکر می‌کنید که بر اثر تابش نور به موضوع مورد عکاسی، سایه‌ای در پشت یا کنار آن ایجاد خواهد شد، می‌توانید رفلکتور را در نقطه مقابل منبع نور قرار دهید و زاویه آن را طوری تنظیم کنید که نور منعکس شده از آن به سایه‌های پشت یا کنار سوژه تابیده شود. بدین ترتیب سایه‌ها حذف و یا تا حدی ضعیف یا ملایم می‌شوند. هر چقدر فاصله رفلکتور از سوژه مورد عکاسی بیشتر شود، تأثیر آن هم کمتر خواهد شد.

رفلکتورهایی که در بازار وجود دارند غالبا به شکل صفحه‌ای بزرگ، به رنگ نقره‌ای یا طلایی هستند. رفلکتور طلایی، رنگ منعکس شده را تا حدی گرم می‌کند و رفلکتور نقره‌ای رنگ سردتری را منعکس می‌کند. هر دو نوع رفلکتور، در مدل‌های سطح صاف و چروکیده وجود دارند. رفلکتورهایی که سطح چروک شده دارند، نور را در زاویه‌های مختلفی منعکس می‌کنند و در نتیجه نور منعکس شده تا حدی نرم شده می‌باشد.

قیمت رفلکتورها زیاد بالا نمی‌باشد و شما با هر بودجه‌ای می‌توانید یکی از آنها را تهیه کنید و عمری از آن استفاده کنید. اما اگر علاقه‌مند به خلاقیت باشید،

می‌توانید با صرف مقداری وقت و کمی پول، رفلکتوری مناسب برای خود طراحی و درست کنید. با استفاده از مقداری مقوای سفید و یا پارچه‌ای سفید که روی مقوا می‌چسبانید می‌توانید یک رفلکتور خانگی برای خود تهیه کنید. همچنین برای ساختن رفلکتور می‌توانید از صفحه‌های یونولیت نیز استفاده کنید و آن را روی صفحه‌ای بچسبانید و یا آن را مستقیماً استفاده کنید.

به خاطر داشته باشید که هر چه سوژه مورد عکاسی شما بزرگ باشد، به همان نسبت سایه پشت آن هم بزرگتر خواهد شد و در نتیجه رفلکتور شما هم باید بزرگ باشد. مثلاً اگر سوژه عکاسی شما عکس پرتره تمام قد باشد، شاید درست کردن رفلکتوری که بتواند سایه‌های پشت این فرد را از بین ببرد سخت باشد. در این حالت شاید بهتر باشد که از یک پارچه بزرگ مثل ملحفه استفاده کنید.

۴۳ـ ترکیب‌بندی عکس را با خلاقیت انجام دهید

اگر در عکاسی تازه‌کار نباشید و تا بحال مقالات یا بحث‌هایی را در مورد عکاسی مطالعه کرده باشید، حتما کلمه کمپوزیسیون به گوش شما خورده است. ترجمه کلمه فرانسوی کمپوزیسون "ترکیب‌بندی" است که به معنی قرار گرفتن عناصر مختلف عکس در کنار هم است.

در هر عکسی که بخواهیم از سوژه‌ای بیندازیم، حتماً سوژه اصلی و تعدادی عناصر دیگر در آن ظاهر خواهند شد. اینکه این عناصر عکس به چه شکلی در عکس ظاهر شوند، چیزی است که عکاس بنا به ذوق و استعداد خود، آنها را در عکس می‌آورد و اینکه چگونه این عناصر در عکس نهایی ظاهر شوند، به معنی ترکیب بندی عکس شما می‌باشد.

فرض کنیم که تصمیم داشته باشید که از یک منظره طبیعی عکاسی کنید. چیزهایی که معمولاً در این تیپ عکس‌ها هستند، مثل درخت، رود، کوه، آسمان و دشت و.... چگونه باید در عکس ظاهر شوند؟

شاید در همان لحظه عکاسی، آسمان منطقه از ابرهای زیبایی پوشیده شده باشد که اشغال فضای بیشتری توسط آنها در عکس، به زیبایی عکس شما اضافه کند و شاید هم آسمان مملو از گرد و غبار و ابر یکنواخت باشد که آوردن آنها در عکس بجز چیزی یکنواخت در عکس، کاری دیگر انجام ندهد. همین نکته را می‌توان در مورد سایر چیزهایی که قرار است در عکس بیایند در نظر گرفت. به عنوان مثال آیا نیازی هست که همه درختان به علاوه جوی آب و کوه در عکس باشند، یا اینکه انتخاب تک‌درختی در کنار کوه و بدون هیچ چیز اضافی دیگر باعث زیبا شدن عکس شما خواهد شد؟ همهٔ این مسایل از طرفی، شخصی هستند و بستگی به سلیقه شما دارند



■ **ترکیب‌بندی به معنی چیدن عناصر مختلف در عکس، به صورت زیبا و جذاب است.**

و از طرفی هم تجربی هستند و بر اثر تکرار و تداوم انجام آنها می‌توانید به زیبایی‌هایی که عناصر مختلف می‌توانند در یک عکس تأثیر گذار باشند پی ببرید.

راههای مختلفی برای گرفتن عکسی با ترکیب‌بندی خوب وجود دارند. یکی از آنها این است که از هر سوژه‌ای که قصد عکاسی دارید، چندین عکس از فواصل و زوایای مختلف بگیرید. اگر داخل محوطه سربسته یا استودیویی عکاسی می‌کنید، محل اشیاء و منابع نوری یا دوربین را به کرات تغییر دهید و هر بار عکس جدیدی بگیرید. حتماً پس از مشاهده نتیجه کار خود، عکس‌هایی هستند که احتمالاً ترکیب‌بندی آنها درست انجام شده است و از بعضی از آنها بیشتر راضی خواهید بود. اگر سوژه عکاسی شما خیلی بزرگ باشد مثل یک ساختمان، سعی کنید که با لنزهای مختلف و از زاویه‌های مختلف عکاسی کنید و یا به سوژه نزدیک شوید تا ترکیب بندی عکس شما عوض شود. حتی زاویه دید شما هم در این رابطه می‌تواند بسیار موثر باشد. چه بسا با نشستن یا دراز کشیدن روی زمین، عکس شما بهتر از حالت ایستاده در بیاید.

یکی دیگر از راههای به دست آوردن تبحر در ترکیب‌بندی عکس مشاهده عکس‌های موفق دیگران (مخصوصاً عکاسان معروف) است. ضمن تماشا و بررسی

آنها ببینید که عکاس چگونه توانسته است که عناصر مختلف را در کنار هم قرار دهد و عکس زیبایی خلق کند. سپس می‌توانید روش‌های عکاسان دیگر را در عکس‌های خود پیاده کنید، البته نه اینکه تقلید صرف کنید بلکه از روش آنها استفاده کنید.

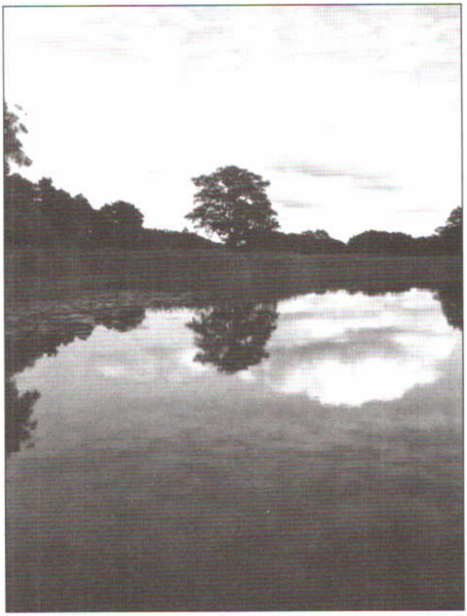
اما از دیگر راههای یاد گرفتن ترکیب‌بندی عکس این است که اجزایی که در یک عکس می‌آیند را بشناسید و از آنها به نحو درستی در عکاسی خود استفاده کنید. به عنوان مثال چه بسا در عکس شما اجزایی به شکل نقطه یا خط وجود داشته باشند. در این‌گونه مواقع قرار دادن اجزای عکس روی نقاط طلایی، که در جایی دیگر در این کتاب به آن پرداخته شده است، به زیباتر شدن عکس شما کمک خواهد کرد. در مواردی که خطی طولانی در سرتاسر عکس ظاهر خواهد شد، سعی کنید که آن را به صورت قطری قرار دهید تا به پویایی عکس خود کمک کرده باشید.

۴۴ـ در عکاسی از مناظر روزهای ابری، آسمان را در عکس نیاورید

یکی از چیزهایی که به‌طور جدی عکس‌های منظره را در روزهای ابری از شکل و فرم واقعی خارج می‌کند، وجود آسمان یک دست سفید در آنهاست. در حالت عادی، زمانی که در یک روز آفتابی از یک منظره عکاسی می‌کنید، رنگ آبی صاف و یک دست و یا آسمان آبی همراه با تکه‌هایی ابر سفید، باعث زیبایی عکس شما می‌شوند و بستگی به نوع سوژه شما و اینکه در ترکیب‌بندی عکس خود بخواهید چقدر از آسمان را در عکس بیاورید، آسمان زیبا می‌تواند روی عکس شما تأثیر مثبت و درستی داشته باشد.

مشکل وقتی به وجود می‌آید که آسمان به‌طور یکپارچه از ابر پوشیده شده باشد وهیچ جلوه خاصی هم در ابرهای آن نباشد. در این حالت علاوه بر اینکه آسمان سفید، عکس شما را از شکل زیبای آن خارج می‌کند، رنگ سفید آن جلوه‌ای در عکس ندارد و به دلیل پر نوری بیش از حد آسمان ،باعث نورسنجی بالا می‌شود و در نتیجه دریچه دیافراگم شما را بیشتر می‌بندد. اگر در این حالت دوربین شما نورسنجی اتوماتیک را انجام دهد و شما خود کنترلی روی نورسنجی نداشته باشید، عکس شما حتماً از نوردهی بالاتری برخوردار شده و عکس نهایی را تاریک‌تر از صحنه واقعی نمایش خواهد داد. در این حالت نورسنج شما آسمان پر نور را نورسنجی می‌کند و نورسنجی را برای آن انجام می‌دهد. البته این در حالتی است که در عکس فضای زیادی را به آسمان اختصاص دهید. برای جلوگیری از به وجود آمدن چنین حالتی کادربندی خود را طوری انجام دهید که یا آسمان در عکس نیاید و یا قسمت کوچکی از آن عکس را بپوشاند.

اما اگر بنا به هر دلیلی و علی‌رغم توصیه بالا تصمیم گرفتید که آسمان را در



■ **اختصاص دادن بخش زیادی از آسمان سفید در عکس منظره، کمکی به زیبا شدن آن نمی‌کند.**

عکس بیاورید می‌توانید از چندین راه، تأثیر آن را خنثی یا کاهش دهید. اولین راه چیزی است که در بالا گفته شد یعنی کم کردن مساحت آسمان در عکس و به حداقل رساندن آن. راه دوم این است که با استفاده از فیلترهایی که نیمه آنها شفاف و نیمه دیگر رنگی است، آسمان را در قسمت رنگی فیلتر قرار دهید تا رنگ آسمان به صورت سفید در عکس نیاید. رنگ در این فیلترها که به گردینت معروف هستند، بتدریج قوی می‌شود و از اینرو می‌توان قسمت سفیدتر آسمان را در محوطه‌ای که فیلتر رنگی است، قرار داد.

راه آخر که از همه رادیکال‌تر است این است که عکس خود را با آسمان سفید بگیرید و سپس با استفاده از یک نرم‌افزار ویرایش عکس، آسمان سفید را حذف کنید و به جای آن یک آسمان کاملاً آبی و یا آبی همراه کمی ابر از عکسی دیگر را روی

عکس خود مونتاژ کنید. به این ترتیب شما در عکس نهایی خود اثری از آسمان کاملاً ابری و سفید نخواهید داشت.

در اینجا باید یک نکته حاشیه‌ای را نیز توضیح داد که چنانچه در عکس شما سوژه‌ای انسانی هم وجود داشته باشد که در پشت او منظره‌ای همراه با ابر سفید فراوان باشد، چنانچه در نورسنجی بخواهید به نورسنج دوربین خود اتکا داشته باشید و یا از دوربینی تمام اتوماتیک استفاده کنید، مطمئناً صورت سوژه شما نور کافی نخواهد دید و عکس او تیره خواهد شد. در اینگونه مواقع یا آسمان ابری را در عکس نیاورید و یا مقداری نوردهی را از طریق کم کردن سرعت عکاسی و یا باز کردن بیشتر دیافراگم، بالاتر ببرید. در حقیقت در اینگونه عکس‌ها باید نورسنجی را برای اشیاء تیره انجام دهید و یا میانگین چیزهای تیره و آسمان بسیار روشن.

۴۵ـ سعی کنید که سوژه به دوربین نگاه کند

در عکس پرتره، یعنی عکسی که سوژه اصلی آن یک یا چند نفر انسان می‌باشد، چشم‌ها مرکز و کانون توجه بیننده هستند. معمولاً هم این چشم‌ها هستند که حاوی پیام یا حالتی از شخصیت سوژه با بیننده هستند. بیننده با نگاه به چشم‌های فرد داخل عکس، هر کسی که می‌خواهد باشد و در هر حالتی که واقع شده باشد، است که ارتباط او با عکاس و تا حدی حالت و شخصیت فرد را کشف می‌کند.

از این رو بهتر است که در هنگام عکاسی از شخص بخواهید که مستقیماً به دوربین نگاه کند تا او ارتباطی با بیننده عکس برقرار کند. در عکس‌هایی که از چند سوژه انسانی می‌گیرید یعنی عکس دسته‌جمعی، ممکن است که فردی یا افرادی در لحظه گرفتن عکس به جای دیگری توجه نمایند که عکس را از حالت رسمی بودن خارج نمایند. این نکته را ممکن است که عکاس در لحظه گرفتن عکس متوجه نشود و فقط بعد از چاپ عکس ملتفت شود. به این منظور برای اینکه همه افراد را در لحظه عکاسی با خود داشته باشید، سعی کنید که چند عکس از یک جمع بگیرید تا خطر به وجود آمدن این مسئله را کاهش دهید. این مسئله در بعضی از مراسم مثل عروسی، که دیگر تکرار نخواهد شد و همه دوست دارند که عکسی زیبا داشته باشند، بسیار مهم است.

اگر سوژه مستقیماً به دوربین نگاه نکند و به نقطه دیگری خیره شده باشد، نگاه او نگاه مرموزی به نظر خواهد رسید و برای بیننده این سئوال پیش می‌آید که چه چیزی مهمتر از دوربین در صحنه وجود دارد که نگاه او معطوف آن شده است.

جلب‌توجه بچه‌ها به دوربین ممکن است کار چندان ساده‌ای نباشد. اگر بچه خیلی کوچک باشد می‌توانید حواس او را از طریق یک اسباب بازی که در نزدیک



- **چشم‌ها کانون توجه در عکس از سوژه‌های انسانی هستند، سعی کنید که آنها را در عکس خود کاملاً مشخص و واضح نشان دهید.**

دوربین نگه داشته‌اید و آن را تکان می‌دهید جلب کنید. اما اگر بچه بزرگتر باشد می‌توان از طریق صحبت کردن و جلب اعتماد از او بخواهید که به دوربین نگاه کند و تمرکز نگاهش روی لنز متمرکز باشد. در بیشتر اوقات عکاس در این روش موفق خواهد بود.

۴۶ـ به سوژه نزدیک شوید تا کادر عکس را پر نماید

احتمالاً شما نیز عکس‌هایی را دیده‌اید که آنقدر فضای خالی و بیهوده در آنها وجود دارد که سوژه اصلی تقریباً در آن گم شده است و حتی برای سر درآوردن از موضوع عکس و اینکه جریان در عکس از چه قرار است باید از عکاس در باره آن توضیح بخواهید. یکی از علت‌های به وجود آمدن چنین مسئله‌ای این است که سوژه اصلی در عکس آنقدر کوچک عکاسی شده که توسط چیزهای دیگر پوشیده، مخفی یا گم شده است.

مثلاً فرض کنید که در محوطه یک بنای تاریخی قرار دارید و تصمیم دارید که عکسی بیندازید که هم دوست شما در آن باشد و هم ساختمان بنای تاریخی به‌طور کامل در عکس باشد و نشان بدهد که بنا چه عظمت یا زیبایی دارد. برای گرفتن چنین عکسی فرد عکاس باید آنقدر عقب برود و یا از لنز واید استفاده کند که تمام یا قسمت اعظم بنا در عکس بیفتد. در این حالت سوژه انسانی که در جلوی بنا ایستاده است، کوچک و کوچکتر در عکس ظاهر خواهد شد و شاید در عکس نهایی چیزی غیر ضروری و مزاحم به نظر برسد. بنابراین بهتر است که در ابتدا سوژه اصلی خود را انتخاب کنید. اگر دوست شما سوژه اصلی است، آنقدر جلو بروید تا صورت یا هیکل او تمام کادر عکس یا بخش اعظم آن را پر کند. به این ترتیب بیننده عکس، نظر و ایده شما را خواهد فهمید.

همین مسئله در مورد کلیه سوژه‌های غیر انسانی هم صدق می‌کند. اگر می‌خواهید از پرنده یا گل، خودرو یا مجسمه‌ای عکس بیندازید که فکر می‌کنید سوژه و عکس جالبی از آب در خواهد آمد، به آن نزدیک شوید یا از یک لنز مناسب تله برای گرفتن عکس استفاده کنید تا بخش اعظم تصویر شما توسط سوژه پر شود.



- **اگر سوژهٔ شما در عکس مشخص و واضح به نظر نمی‌رسد و یا چشم‌ها توجهی به آن نمی‌کنند، پس به آن نزدیک شوید تا کادر را پر کند.**

در نظر داشته باشید که وجود سوژه‌های دیگر در عکس موجب سردرگمی و اشتباه بیننده می‌شوند. در عکاسی از هر موضوعی، چیزهای زیاد و یکنواختی که هیچ تأثیری در زیبایی عکس ندارند را از کادر حذف کنید. این چیزها می‌توانند یک آسمان یکنواخت ابری یا صاف، پیش‌زمینه یکسان و غیر جالب و یا دیواری صاف از یک ساختمان باشند.

۴۷ـ وضوح عکس را روی سوژه اصلی تصویر انجام دهید

از چیزهای مهمی که باعث خراب شدن و از اعتبار افتادن یک عکس می‌شود، تار یا محو انداختن سوژه اصلی در عکس است. در این حالت مشکل اصلی این است که وضوح عکس روی چیز دیگری انجام شده است و لنز دوربین به جای سوژه اصلی، روی سوژه فرعی یا چیزی بی‌اهمیت وضوح را انجام داده است.

با هر نوع دوربینی که عکاسی می‌کنید، چنانچه عکس شما دارای عمق میدان زیادی باشد، یعنی محدوده وسیعی در عکس واضح باشد، این مشکل کمتر خود را نشان خواهد داد. به عنوان مثال چنانچه با لنز وایدی از منظره‌ای عکس بگیرید که فردی هم در پس زمینه آن وجود داشته باشد، مسلماً تصویر واضحی از منظره و فردی که در جلوی آن ایستاده است، خواهید داشت.

مشکل زمانی جدی می‌شود که بخشی از تصویر باید به صورت تار و محو در عکس ظاهر شود، در این حالت امکان خطا در وضوح بیشتر خواهد بود. مثلاً اگر بخواهید از شخصی عکس بگیرید که خود فرد واضح ولی پس زمینه او که خیابانی شلوغ است به صورت محو باشد، این امکان وجود دارد که وضوح شما روی چیز دیگری انجام شود و شخص یا سوژه اصلی در تصویر به صورت تار بیفتد.

یکی از عواملی که می‌تواند در این مسئله نقش داشته باشد، سیستم اتوفوکوس دوربین است. تصور کنید که می‌خواهید از گلی در فاصله نزدیک عکس بگیرید و شاید بخواهید طوری عکس خود را کادربندی کنید که تصویر گل در وسط عکس نباشد و در گوشه‌ای از عکس بیاید. در این حالت چنانچه وضوح یابی اتوفوکوس دوربین روی مرکز عکس باشد، درهنگام عکاسی، دوربین شما روی هر چیزی که در مرکز کادر باشد وضوح را انجام خواهد داد و از اینرو تصویر گل شما به صورت تار در عکس ظاهر می‌شود. در چنین مواقعی بهتر است که ابتدا گل را در مرکز عکس



- **هدف از گرفتن این عکس، آوردن تصویر این گل زیبای قاصدک در عکس بود. اما وضوح بر روی گل صورت نگرفته است و در نتیجه منطقه پس‌زمینه واضح ولی سوژهٔ اصلی تار افتاده است، بنابراین هیچ استفاده‌ای از عکس نمی‌توان کرد.**

خود قرار دهید و تکمه شاتر را تا نیمه فشار دهید تا وضوح روی سوژه اصلی انجام شود و سپس بدون اینکه انگشت خود را از روی تکمه شاتر بردارید، سوژه خود را کادربندی کنید و آن را در هر نقطه‌ای که می‌خواهید قرار دهید و سپس تکمه شاتر را تا انتها فشار دهید.

از آنجایی که عمق میدان یا عمق وضوح عکس با زیادتر شدن فاصله کانونی لنز کمتر می‌شود، بنابراین در عکاسی با لنزهای تله، اهمیت وضوح سوژه اصلی به مراتب نسبت به لنزهای واید و نرمال بیشتر می‌شود. بنابراین در هنگام عکاسی کردن با این لنزها کنترل بیشتری برای واضح عکاسی کردن سوژه اصلی خود انجام دهید.

هم‌چنین در بعضی از سوژه‌ها که دارای یک مرکز توجه هستند سعی کنید که وضوح شما حتماً روی مرکز توجه عکس قرار داشته باشد. به عنوان مثال در عکاسی از سوژه‌های انسانی حتماً وضوح عکس خود را روی چشم‌های سوژه انجام دهید، چرا که عکس فردی که چشم‌های او تار باشد، گیرایی جالبی نخواهد داشت. در سوژه‌ای مانند یک عکس دسته‌جمعی افرادی که در عکس قرار دارند بسیار مهمتر از اشیاء واقع در پیرامون هستند.

۴۸ـ عکس را ساده بگیرید

یکی از اشتباهات ساده و پیش پا افتاده‌ای که بسیاری از تازه کارها و بعضی مواقع هم افراد با تجربه مرتکب می‌شوند، آوردن عناصر و اشیاء بسیار در یک عکس است. این کار نه تنها کمکی به زیبایی عکس شما نمی‌کند بلکه گاهی با شلوغ کردن تصویر و چیدن عناصر و اشیاء بسیار در کنار هم، باعث گیجی و عدم رساندن پیام اصلی عکس به فرد بیننده می‌شود. در عکاسی، ساده گرفتن عکس هنر است و باید آن را در عمل اجرا کرد.

قبل از اینکه از سوژه‌ای یا چیزی عکسی بگیرید، بهتر است که کمی در حول و حوش آن حرکت کنید و آن را از زاویه‌های مختلف، همراه یا بدون اشیاء پیرامون آن در نظر بگیرید. سپس در مغز خود تصویری از عکس آینده بسازید و ببینید که وجود آن همه عناصر در عکس مورد نیاز هست یا نه؟ این عمل به تجسم کردن مشهور است و استفاده از آن باعث رشد و بهتر شدن کیفیت عکس‌های شما خواهد شد.

وجود سوژه‌ها و اشیاء مختلف و بسیار در یک عکس باعث سردرگمی بیننده می‌شود. علاوه بر این گرفتن چنین عکس‌هایی هم چندان آسان نیست چرا که عکاس با جلو و عقب رفتن و تغییر محل خود باید تلاش کند تا سوژه‌های زیادی را در عکس جای دهد.

به عنوان مثال چنانچه تصمیم دارید که عکسی از خانواده خود در محلی خاص بگیرید، باید توجه خود را روی خانواده که سوژه اصلی عکس می‌باشد، قرار دهید. هرگاه بخواهید که آنها را حتماً در کنار ساختمان یا بنای یادبودی که در نزدیک آن بسر می‌برند، عکاسی کنید و همه این عناصر را با هم در عکس بیاورید، مطمئن باشید که اندازه و ابعاد فضایی که خانواده شما در عکس اشغال خواهد کرد، بسیار کوچک خواهد شد و توجه تماشاچی عکس روی محیط یا بنای یادبود متمرکز خواهد شد.



■ **لزومی ندارد که عناصر بسیاری در عکس بیایند. با چند عنصر کوچک هم می‌توان عکسی قابل فهم برای بیننده عرضه کرد.**

برای نشان دادن پاییز و خزان درختان، نیازی نیست که حتماً همه درختانی که در اطراف شما هستند را در عکس داشته باشید، بلکه با جلورفتن و نزدیک شدن به یک درخت می‌توانید وجود پاییز را در عکس به تصویر بکشید. البته در اینجا باید متذکر شد که عوامل دیگری هم باید در هنگام گرفتن عکس در نظر گرفته شوند، ولی موضوع سادگی عکس نباید از ذهن عکاس پاک شود.

برای تمرین در زمینه ساده گرفتن عکس، نگاهی به عکس‌های تبلیغاتی مجلات خارجی بیندازید و ببینید که عکاس تبلیغاتی چگونه با ساده گرفتن سوژه تبلیغی اصلی و کم کردن و حذف چیزهایی که در پیرامون سوژه اصلی هستند، موفق شده است که کالایی را برای بیننده به نمایش بگذارد. البته برای ما که همیشه عادت کرده‌ایم که عناصر زیادی را در یک عکس بیاوریم، انداختن عکسی ساده مشکل است ولی در این زمینه باید کار را از جایی شروع کنیم و چنانچه در این زمینه تمرین کنیم، حتماً موفق خواهیم شد و به نتایج جالبی خواهیم رسید. در نظر داشته باشید که همه عکاسان وابسته به تأثیر عوامل و اجزاء عکس هستند و کسانی می‌توانند موفق شوند که یک یا دو عدد از این عوامل را بزرگ کنند.

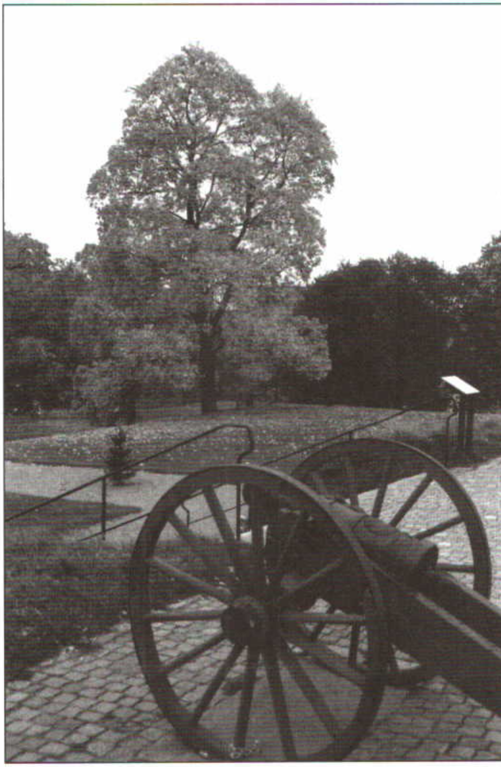
۴۹ـ با عناصر پیش‌زمینه، در عکس عمق به وجود بیاورید

اگر دوست دارید که در عکس‌هایی که می‌گیرید برای بیننده تصور عمق و فضای بیشتر به وجود بیاید، می‌توانید با استفاده از عناصری که در پیش‌زمینه عکس موجود هستند و یا شما آنها را عمدی در پیش‌زمینه قرار می‌دهید در عکس خود عمق ایجاد کنید.

مثلاً فرض کنید که می‌خواهید از برکه یا آبگیری زیبا عکس بگیرید. معمولاً کادربندی به این ترتیب است که فضای زیادی را در میانه عکس به برکه اختصاص دهید و در پیش‌زمینه هم مقداری از ساحل برکه وجود داشته باشد. در این حالت، ساحل و برکه تقریباً به هم چسبیده هستند و فاصله‌ای که دوربین از برکه دارد، چندان برجسته نمی‌باشد. اگر در اطراف جستجو کنید و چیزی که بتوان آن را در پیش‌زمینه آورد، پیدا کنید (مثل یک درخت یا یک تخته سنگ) و آن را در پیش‌زمینه عکس خود قرار دهید، برای بیننده چنین عکسی تصوری از وجود عمق (مثلاً از درخت تا برکه) را به وجود آورده‌اید. همین مسئله را می‌توان با قرار دادن سنگ یا صخره‌ای بزرگ در پیش‌زمینه عکسی از کوهی بزرگ اجرا کرد و فضایی بین سنگ و یا صخره تا قله کوه ایجاد کرد.

شاید در بعضی شرایط پیدا کردن چیزی در پیش‌زمینه آسان نباشد. در این‌گونه مواقع می‌توان با قرار دادن یک انسان در پیش‌زمینه (بین پیش‌زمینه و سوژه اصلی) عمق را ایجاد کرد. البته قرار دادن سوژه انسانی در پیش‌زمینه عکس به این شرط است که فردی که در آنجا قرار دارد، سوژه اصلی را منحرف نکند و آن را از اعتبار نیندازد.

در عکس‌هایی که از فواصل نزدیک گرفته می‌شوند، مثل عکس‌های فضای سربسته و داخل منزل، ایجاد عمق از طریق چیزی در پیش‌زمینه آسان نیست. ممکن



■ **وجود هرچند کوچک و بزرگی در پیش‌زمینه باعث ایجاد احساس عمق در بیننده می‌شد. در این عکس توپ قدیمی نظام این نقش را به عهده دارد.**

است چیزی که در پیش‌زمینه واقع شده است، به اندازه سوژه اصلی واضح نیفتد. به عنوان مثال اگر با قرار دادن گل یا مجسمه‌ای در پیش‌زمینه، در عکس عمق به وجود می‌آید، امکان دارد که خود این اشیاء در خارج از وضوح باشند و در عکس تار بیفتند. این چیز مهمی نیست، چرا که این اشیاء وظیفه‌ای جز ایجاد عمق ندارند، چه به صورت واضح و چه به صورت تار. اگر آنها در حالت تار بودن در پیش‌زمینه، عمق لازم را در عکس ایجاد کرده باشند، قضیه حل است. فقط همانطور که قبلا هم گفته شد، وجود آنها نباید باعث منحرف کردن نظر بیننده از سوژه اصلی بشود.

۵۰ـ در هنگام عکاسی دوربین را ثابت بگیرید

اگر در هنگام عکاسی همه نکات ریز و درشت را رعایت نمایید ولی این اصل "کوچک" ثابت نگه‌داشتن دوربین را رعایت ننمایید، مطمئن باشید که عکس شما چیز مطلوبی نخواهد شد. عدم ثابت نگه‌داشتن دوربین باعث لرزش دست می‌شود و با لرزیدن دست یا تکان خوردن دوربین، عکس گرفته شده توسط دوربین شما عکس تاری خواهد شد. عکس تار، چنانچه همه موارد عکاسی مثل نوردهی، کنتراست و ... در آن رعایت شده باشد، عکس واضحی نخواهد بود. روی چنین عکسی جزئیات مشخص نیستند و با توجه به شدت لرزش دوربین، امکان فهمیدن اینکه عکس از چه چیزی گرفته شده و چه پیامی را می‌خواهد برساند، مشکل‌تر خواهد بود.

به‌جز یکی دو مورد استثنایی در زمینه هنری، هیچ کس طالب عکس تار نیست و با هیچ وسیله‌ای هم نمی‌توان عکس تار را به صورت واضح در آورد. از اینرو عکس‌های تار را باید جزو عکس‌های بلااستفاده قلمداد کرد.

یکی از علت‌های بروز لرزش دست در هنگام عکاسی می‌تواند این باشد که دوربین را در دست خود محکم نگرفته باشید و در هنگام زدن شاتر، دوربین کمی لرزیده باشد یا اینکه جایی که قرار داشته‌اید به صورت ثابت نبوده‌اید و بدن شما لرزیده و لرزش به دستها منتقل شده است. برای جلوگیری از به وجود آمدن چنین لرزش‌هایی می‌توان دوربین را محکم و ثابت در دستها گرفت و یا به جایی مثل دیوار، درخت یا ستونی تکیه داد تا ثبات بیشتری به وجود بیاید. گاهی مواقع هم می‌توان دوربین را روی سطحی مثل یک میز، دیواری کوتاه و یا روی خودرو قرار داد تا جلوی لرزش دوربین گرفته شود.



- **استفاده از فیلتر Sharpen در نرم‌افزار فتوشاپ می‌تواند تا حدی باعث رفع مشکل لرزش ایجادشده در هنگام عکاسی بشود، اما فقط تا حدی. اگر لرزش شدید باشد، هیچ وسیله‌ای نمی‌تواند به احیای آن کمک کند.**

خطر لرزش دست بیشتر در زمانی است که سرعت عکاسی یا شاتر پایین‌تر از حد معمول باشد. در دوربین‌هایی که شما قادر به دیدن سرعت شاتر هستید، می‌توانید از قبل ببینید که آیا لرزش دست باعث تاری عکس خواهد شد یا نه؟ در حالت ثابت و عادی هر گونه سرعت پایین‌تر از ۱/۳۰ ثانیه با خطر لرزش دست و تاری عکس همراه خواهد بود. بنابراین در صورتی که نورسنجی صحنه به شما حکم می‌کند که از سرعت پایین شاتر استفاده کنید، خطر لرزش دست را در نظر داشته باشید. البته روی بعضی از دوربین‌ها این خطر با روشن شدن چراغی به عکاس هشدار می‌دهد که در صورت لرزش دست، عکس تار خواهد شد. اگر از دوربین‌های اتوماتیک استفاده می‌کنید که سرعت شاتر به‌طور خودکار توسط دوربین تنظیم می‌شود، حتماً در نقاطی که مواجه با نور کم هستید، از فلاش یا فیلم‌های با سرعت بالا و در عکاسی دیجیتال از ISO بالا استفاده کنید.

مهم‌ترین راه جلوگیری از به وجود آمدن لرزش دوربین در هنگام عکاسی، استفاده از سه‌پایه است، چیزی که چندین بار در این کتاب به آن اشاره شده است. استفاده از سه‌پایه تضمینی برای حذف خطر تارشدن عکس خواهد بود، البته در صورتی که سه‌پایه، خود در جای ثابت و محکمی باشد و چیزهایی مثل وزش باد و حرکت اشخاص یا خودرو در نزدیکی آن باعث لرزش دوربین نشوند.

اگر در محل عکاسی امکان استفاده از سه‌پایه وجود ندارد، یک کیسه شن درست کنید و آن را در زیر دوربین خود قرار دهید تا نقطه اتکاء نسبتاً ثابتی برای دوربین خود ایجاد کنید. در صورتی که از سرعت بسیار پایین شاتر استفاده می‌کنید، می‌توانید با استفاده از فلاش سرعت عکاسی خود را افزایش دهید و بدین ترتیب جلوی لرزش دست را بگیرید.

لرزش دست در زمانی که اندازه عکس کوچک باشد کمتر خود را نشان می‌دهد، هرچه عکس بزرگتر بشود لرزش دست هم در آن بارزتر خواهد شد. این امری است که کسانی که با دوربین‌های دیجیتال عکاسی می‌کنند، بارها آن را تجربه کرده‌اند. زمانی که عکسی گرفته می‌شود روی مونیتور دوربین خیلی واضح نشان داده می‌شود، چرا که مونیتور دوربین خیلی کوچک است. اما روی صفحه کامپیوتر یا در چاپ، تار شدن عکس خود را واضح‌تر نشان خواهد داد.

اما اگر بنا به هر دلیلی عکس شما تار شد، می‌توانید با استفاده از نرم‌افزار فتوشاپ عکس خود را تا حدی واضح نمایید. در فتوشاپ فیلتر Sharpen که در مجموعه فیلترهای این نرم‌افزار قرار دارد می‌تواند بعضی از پیکسل‌های مجاور را حذف کند و عکس شما را تا حدی واضح نماید.

برای استفاده از این فیلتر به این ترتیب عمل کنید: عکس خود را به صورت فایل در بیاورید (یعنی آن را اسکن کنید. اگر عکاسی دیجیتالی می‌کنید به این کار نیازی ندارید). فایل عکس خود را در فتوشاپ باز کنید و در منوی فیلترها Sharpen و سپس Unsharp mask را انتخاب نمایید. سه اهرم radius ، pixel و thereshold وجود دارند. thereshold را روی ۴ قرار دهید و radius را برای ۱ـ۱/۵ تنظیم کنید و pixel را هم چیزی بین ۱۰۰ـ۱۵۰ قرار دهید. در پنجره پیش

نمایش می‌توانید تغییراتی را که انجام می‌دهید ببینید. سعی کنید که با جابجایی دستگیره‌ها کیفیت مناسبی برای عکس خود ایجاد کنید. زمانی که از عکس خود راضی هستید O.K را فشار دهید تا تغییرات روی عکس شما اعمال شوند. اکنون بخشی از پیکسل‌های جانبی که باعث تار شدن عکس شده بودند، حذف شده‌اند و عکس تا حدی واضح‌تر از گذشته به نظر می‌رسد. همان‌طور که قبلا هم گفته شد، این کار تا حدی می‌تواند باعث رفع اشکال بشود و اندکی تار بودن عکس‌هایی که لرزش کوچکی داشته‌اند را حذف نماید، در غیر این صورت کار دیگری نمی‌توان برای عکس‌های تار انجام داد مگر اینکه آنها را بکلی فراموش کنید.

۵۱ـ پس‌زمینه عکس را درست انتخاب کنید

هر عکسی از یک سوژه اصلی تشکیل شده است که در حقیقت نقطه تمرکز و پیام اصلی عکس است. وظیفه عکاس این است که در هنگام عکاسی، طوری عکس خود را ترکیب‌بندی کند و سوژه اصلی را جایی قرار دهد که توجه بیننده در نگاه اول، معطوف سوژه اصلی بشود. چیزهای دیگری که در پیرامون سوژه قرار دارند باید به درک و بهتر فهمیدن سوژه کمک کنند نه اینکه طوری حواس بیننده را به خود جلب کنند که سوژه اصلی فراموش شود. البته همه این مسایل با در نظر گرفتن این نکته گفته می‌شود که شکل محیطی و پیرامونی یک سوژه، چیز مهمی در به تصویر کشیدن سوژه است و از آن باید به نحو احسنت استفاده کرد.

یکی از چیزهایی که می‌تواند حواس بیننده را به خود معطوف کند، پس‌زمینه شلوغ و غالب در عکس است که می‌تواند بنا به هر دلیلي، باعث فراموشی سوژه اصلی بشود. قانون کلی و مهمی که در این باره وجود دارد این است که پس‌زمینه عکس حتی‌المقدور ساده انتخاب شود. به این ترتیب نگاه بیننده به طرف سوژه اصلی جلب خواهد شد و چیزهای کناری و پشت سوژه به درک بهتر سوژه کمک می‌کنند.

اما انتخاب پس‌زمینه، در مورد عکس‌های مختلف فرق می‌کند. هر عکسی داستان و قانون‌بندی خاص خود را دارد و این وظیفه عکاس است که تشخیص دهد که چه پس‌زمینه‌ای مناسب سوژه او می‌باشد. به عنوان مثال اگر در یک سفر بخواهید عکسی از خود یا بستگان در یک نقطه‌ای مثل حافظیه بگیرید، چنانچه هدف شما نشان دادن خود و بستگان در آن محیط باشد، نیازی نیست که آرامگاه حافظ طوری در پس زمینه آورده شود که توجه بیننده معطوف محل شود نه افراد



■ هر دو عکس از یک سوژه و به فاصله چند ثانیه گرفته شده‌اند. در عکس بالایی، دوربین کمی به طرف بالا گرفته شده است تا مقداری از پس‌زمینه شلوغ را حذف کند، در نتیجه سوژه در این عکس بسیار واضح و مشخص‌تر از عکس پایین است.

حاضر در عکس. مثلاً اگر فقط بخش‌هایی از آرامگاه به همراه تصویر بستگان در پیش‌زمینه عکس بیاید کافی خواهد بود. اما من شاهد بوده‌ام که برای گرفتن چنین عکس‌هایی، بعضی‌ها آنقدر عقب می‌روند تا کل آرامگاه در عکس ظاهر شود و در نتیجه افراد پیش‌زمینه بسیار ریز و به صورت فرعی در عکس ظاهر می‌شوند که بیننده توجه کمتری به آنها می‌کند.

گفتیم که هر عکسی داستان خاص خود را دارد. در عکاسی منظره اصولاً هدف این است که پس‌زمینه به شکل بارزی در عکس ظاهر شود. در اینجا نباید پس‌زمینه را حذف یا تحریف کرد. اما در یک عکاسی منظره شاید هدف، گرفتن عکس از تک درختی باشد که در گوشه‌ای از منظره وجود دارد یا گلی که فکر می‌کنید که از زیبایی خاصی برخوردار است. بنابراین در این حالت باید پس زمینه را به نحوی در عکس ساده بگیرید و یا در صورتی که این امر امکان پذیر نباشد با استفاده از عمق میدان

کم، پس زمینه را تا حدی تار نمایید.

در عکاسی پرتره موضوع اصلی عکس، فردی است که در تصویر ظاهر می‌شود بنابراین هر چیز دیگری که در عکس ظاهر می‌شود، باید در جهت برجسته نشان دادن فرد اصلی عکس باشد. در این حالت پس‌زمینه را می‌توان بسیار ساده انتخاب کرد. حتی یک پرده هم می‌تواند به عنوان پس زمینه بکار برود و یک پارچه ساده هم می‌تواند برای این منظور استفاده شود. البته باز هم باید تذکر داد که رنگ این پرده نباید چنان خیره‌کننده و تند باشد که نظر بیننده را به خود جلب کند.

رنگ پس‌زمینه عکس بهتر است طوری باشد که با سوژه اصلی دارای کنتراست باشد و سوژه اصلی در آن گم نشود. در صورتی که رنگ پس‌زمینه قرار هست که با سوژه اصلی دارای هارمونی باشد، طوری آن را انتخاب نمایید که هم سوژه و هم پس‌زمینه در عکس قابل رویت باشند. توجه داشته باشید که بعضی از اشیاء می‌توانند نگاه بیننده را منحرف کنند، مثل یک خانه زیبا با رنگ‌های تند که در پس زمینه واقع شده باشد و چشم‌ها را به طرف خود بکشد.

اصولاً اگر در هنگام عکاسی از هر موضوعی، مسئله ساده گرفتن عکس را در نظر داشته باشید، حتماً پس‌زمینه شما هم چیز ساده‌ای خواهد شد که سوژه را در خود به نحو بارزی نشان دهد.

۵۲ـ برای عکاسی از گروه با برنامه عمل کنید

عکاسی از گروه به معنی منظور کردن نفراتی بیشتر از یک نفر در عکس است. یک گروه می‌تواند از دو نفر تا هر تعدادی که مایل باشید تشکیل شود. مانند عکاسی تک‌نفره، در عکاسی از گروه هم باید مسایل خاص خود را در نظر گرفت تا عکس شما چیز جالبی در بیاید.

مسئله مهم در عکاسی از گروه، نظم و ترتیبی که گروه به خود می‌گیرد است. اگر افراد جدا از هم باشند و در یک صف یا ردیف طولانی قرار گرفته باشند، باید برای قرار دادن همه آنها در کادر عکس خیلی عقب بروید که در این حالت علاوه بر اینکه عکس افراد کوچک خواهد شد، فضای بی‌مصرف و خالی، هم در بالا و پایین صف افراد به وجود خواهد آمد که این فضا هیچ کمکی به زیبایی عکس نمی‌کند. بنابراین برای عکاسی از گروهی نسبتا بزرگ، آنها را به چند ردیف تقسیم کنید و یک عده‌ای را در جلو و عده‌ای را هم در پشت آنها قرار دهید. شاید بهتر باشد که افراد را روی پله‌ها قرار دهید و هر کدام از صف‌ها روی یک پله باشد تا همه افراد قابل رویت باشند. حتی برای گرفتن عکس از گروه، خودتان هم می‌توانید روی میز، صندلی یا نردبانی کوتاه بروید تا بتوانید همه را خوب ببینید و عکاسی کنید. سعی کنید که افراد طوری بایستند که بتوانند کل عکس را پر کنند و فضای خالی زیادی در عکس وجود نداشته باشد.

در عکس‌هایی که تعداد افراد گروه کم است، می‌توان از ترکیب نشستن و ایستادن افراد استفاده کرد، مثل عکس‌هایی که افراد تیم‌های ورزشی می‌گیرند. به این ترتیب عکس شما دارای ترکیب بندی خوبی خواهند شد و همه افرادی که در عکس هستند، مجبور نیستند که در کنار یکدیگر به صورت افقی بایستند. چنانچه در عکس شما افرادی در گروه‌های مختلف سنی قرار داشته باشند، می‌توانید افراد بزرگتر را روی صندلی قرار دهید و کوچکترها در کنار یا جلوی آنها بایستند. افراد سالمند را در



■ **نظم و انضباط و صرف مقدار وقت، مهم‌ترین عناصر لازم برای گرفتن یک عکس گروهی است.**

مرکز عکس قرار دهید. در این حالت سعی کنید که با عوض کردن جای افراد چند عکس بیندازید.

از دیگر مسایل عکاسی از گروه، مسئله قد افراد است. طوری افراد را در کنار هم قرار دهید که یک نفر کوتاه قد در کنار یک نفر بلند قد قرار نگرفته باشد که کوتاهی قد خیلی تو ذوق بزند. اگر افراد دو یا سه نفر باشند و فردی کوتاه قد در بین آنها وجود داشته باشد، می‌توانید از یک چهارپایه کوچک برای بلندتر نشان دادن فرد قد کوتاه استفاده کنید. اما اگر گروه بزرگتر باشد، سعی کنید که افراد طوری در کنار هم بایستند که کوتاهی قد بعضی مسئله مهمی نباشد. می‌توانید از یک طرف از افراد بلند قد شروع کنید و افراد کوتاه قد را در بین آنها جای دهید و سپس دوباره به سراغ بلند قدها بروید، یعنی مثل یک منحنی.

اگر در عکس گروهی شما هم خانم و هم آقا وجود دارد، سعی کنید که خانم‌ها را در قسمت‌های کناری و لبه عکس قرار ندهید، بلکه آنها را در مرکز عکس قرار دهید و آقایان در کنار آنها قرار بگیرند.

۵۳ـ در منظره‌ها با آوردن انسان‌ها، عظمت و بعد صحنه را نشان دهید

اصولاً در عکس‌های منظره اکثر عکاسان تلاش دارند که منظره را طبیعی و صحنه را دقیقاً به آن شکلی که هست نشان دهند و از آوردن اشیاء یا چیزهای اضافی در کادر عکس خودداری می‌کنند. این کار تا حدی درست است ولی از آنجایی که یک عکس تصویری دو بعدی از منظره را در جلوی چشم ما مجسم می‌کند تصور ابعاد و اندازه حقیقی یا عظمت و بزرگی پدیده‌های طبیعی برای بیننده مجهول می‌ماند.

به عنوان مثال عکسی که از یک کوه برداشته شده، ممکن است که به دلیل دوبعدی بودن و اختلاف پرسپکتیوی، کوه در عکس بسیار کوچک جلوه‌گر شده باشد و یا آبشاری که دارای ارتفاع زیادی است به شکل یک چیز پیش پا افتاده در عکس دیده شود. این مسئله بخصوص در زمانی که برای گرفتن عکس از لنز واید استفاده می‌کنید و یا در هنگام عکاسی از سوژه بسیار دور شده باشید، بیشتر خود را نشان می‌دهد.

در این‌گونه مواقع می‌توانید با قرار دادن یک فرد در پیش‌زمینه، چیزی برای مقایسه اشیاء درون تصویر برای بیننده ایجاد کنید. اینکه گفته می‌شود که سوژه انسانی در پیش‌زمینه قرار داده شود به این دلیل است که ابعاد و اندازه انسان‌ها تقریباً در یک محدوده و چهارچوب خاصی است و هر کسی با دیدن یک هیکل انسانی می‌تواند، پدیده‌های دیگر را با آن مقایسه کند. اگر برای این کار از پدیده‌های دیگر مثل درخت استفاده کنید، شاید نتوانید به منظور اصلی خود نایل آئید، چرا که یک درخت می‌تواند اندازه‌های مختلفی از یک درختچه تا درختی عظیم به اندازه ساختمان چند طبقه را داشته باشد.



■ **گاهی مواقع وجود یک عنصر انسانی در عکس منظره می‌تواند ایده‌ای از بُعد و عظمت منطقه را برای بیننده ایجاد کند.**

عکسی که همراه با یک سوژه انسانی به عنوان مقایسه پدیده‌های طبیعی انداخته شده باشد، تأثیر بیشتر و گیراتری از عظمت مظاهر طبیعت، روی بیننده خواهد داشت.

۵۴ـ از یک موضوع چندین عکس بگیرید

برای داشتن عکس‌های خوب باید تلاش کنید که در هنگام عکاسی از سوژه خود، آن را از زوایای مختلفی عکاسی کنید. هیچ کسی نمی‌تواند در هنگام عکاسی نتیجه کار خود را به‌طور صد در صد پیش گویی کند و هیچ کسی هم نمی‌تواند بگوید که عکس او از زاویه مشخصی خیلی خوب خواهد شد. همان‌طور که از مطالب این کتاب هم می‌توانید بفهمید، در خوب شدن یک عکس عوامل زیادی دخالت دارند که یکی از آنها می‌تواند زاویه انتخاب شده برای عکاسی باشد. بنابراین هرچه عکاسی شما از یک سوژه از زاویه‌ها و حالت‌های مختلفی صورت گرفته شده باشد، شانس موفق شدن در عکاسی هم برای شما بیشتر خواهد بود.

از مسایل مهم برای عکاسی کردن بیشتر از یک سوژه، صرفه جویی نکردن در مصرف فیلم است. البته این مسئله در سابق که هنوز دوربین‌های دیجیتالی زیادی در دست مردم نبود، اهمیت بیشتری داشت و حتی برای کسانی که کماکان با فیلم عکاسی می‌کنند نیز از اهمیت برخوردار است. اما حتی کسانی که عکاسی دیجیتال می‌کنند نیز ممکن است به این مسئله عادت نداشته باشند که بجز یکی دو تا عکس از سوژه، تعداد بیشتری از آن عکس بیندازند.

اصولاً پس از گرفتن عکس و دیدن آن، شاید این ایده به انسان دست بدهد که اگر عکس از زاویه دیگر و با منظور نمودن چیزهای دیگری، گرفته می‌شد نتیجه کار بهتر از آب در می‌آمد. بعضی مواقع بر اثر یک اشتباه، شاید تنها عکس گرفته شده، چیز جالبی نشده باشد و از اینرو فرصت عکاسی هم از بین رفته باشد.

حتماً زمانی که می‌خواهید از سوژه‌ای عکس بگیرید، در حول و حوش آن بچرخید و آن را از زاویه‌های مختلف بررسی کنید. ببینید که از فواصل مختلف و



■ **عکس بالا بدون فلاش و بدون وضوح بر روی سوژه انجام گرفته است، در نتیجه عکس مطلوبی از آب در نیامده است. اگر به همین یک عکس اکتفا می‌شد، نتیجه مأیوس‌کننده می‌شد. اما از آنجایی که یک سری عکس از سوژه گرفته شدند، در نتیجه عکس پایین به عنوان عکس مطلوب انتخاب شد.**

جهت‌های گوناگونی که نور به آن می‌خورد، سوژه شما چگونه به نظر می‌رسد. از زاویه‌های مختلفی که فکر می کنید جالب هستند، از سوژه خود عکس بگیرید. شاید یک عکس را کمی بالاتر از سطح زمین بگیرید، دیگری را از روی صندلی یا نردبان و

سومی را از پشت بام ساختمان یا از روی درختی بلند و .... در بعضی از حالت‌ها شاید مجبور بشوید که برای گرفتن یک عکس چند کیلومتر پیاده روی کنید و یا چند روز برای بهتر شدن موقعیت عکاسی، صبر کنید. ولی هر طوری که عمل کنید، مطمئن باشید که از مجموعه عکس‌هایی که از زاویه‌های گوناگون برمی‌دارید، حتماً چند عدد یا حداقل یکی از آنها، چیزی خواهد شد که باب طبع شما باشد.

در بالا گفتیم که عکاسی دیجیتال با حذف فیلم کمک بزرگی در برداشتن عکس‌های بیشتر کرده است. ولی در این نوع عکاسی، گرفتن عکس بیشتر باعث تخلیه سریع‌تر باتری دوربین شما خواهد شد. چنانچه دور از مناطق شهری هستید و از جنبه باتری محدودیت دارید، حتماً مسئله ذخیره کردن نیروی باتری برای عکس‌های بعدی را در نظر داشته باشید.

۵۵ـ عکاسی از پشت شیشه‌های بارانی

یکی از ساده‌ترین و در عین حال جالب‌ترین جلوه‌های ویژه این است که از پشت شیشه‌هایی که آب باران بر روی آنها جاری است عکس بگیرید. در این حالت شیشه‌های خیس پنجره مانند یک فیلتر جلوه‌های ویژه عمل می‌کنند و عکس نهایی تاحدی شبیه نقاشی‌های امپرسیونیسم می شود.

برای عکاسی در چنین حالتی همیشه وضوح را روی سوژه‌ای که در آن طرف پنجره قرار دارد انجام دهید. اگر دوربین شما دارای قابلیت اتوفوکوس است و از آن برای عکاسی چنین صحنه‌هایی استفاده می‌کنید، مواظب باشید که دوربین، وضوح را برای خود شیشه انجام ندهد. در صورت وجود هر گونه شک و شبهه‌ای شاید بهتر باشد که از وضوح دستی استفاده کنید.



برای عکاسی در چنین حالتی نیازی نیست که تا آمدن باران و یک روز بارانی صبر کنید، بلکه می‌توانید با پاشیدن آب به روی یک پنجره آن را خیس کنید و محیط یک روز بارانی را روی شیشه ایجاد کنید و عکس خود را بگیرید.

- **برای عکاسی از پشت شیشه‌های بارانی نیازی نیست که به دنبال سوژه‌ای خاص باشید، هر سوژه ساده‌ای هم می‌تواند به عکس جالبی تبدیل شود.**

۵۶ـ در عکاسی پرتره برای سوژه حالت ایجاد کنید

در عکس پرتره سوژه اصلی و مرکزی عکس، کسی است که از او عکس گرفته می‌شود. شما می‌توانید از تمام قد و هیکل سوژه خود، یا نیم تنه، یا صورت و یا فقط بخشی از صورت او عکس بگیرید. همه اینها عکس پرتره به حساب می‌آیند. اما نکته مهم این است که صرف ایستادن یک فرد جلوی دوربین و گرفتن عکسی از شخص، تمام کار به حساب نمی‌آید.



■ **در عکاسی پرتره، به جای گرفتن عکس‌های فقط رسمی، با حالت‌هایی که سوژه به خود می‌گیرد، می‌توانید عکس‌های زیبایی بیندازید.**

شما می‌توانید از سوژه خود بخواهید که با گرفتن ژست‌های مختلف، به زیبایی عکس کمک کند. سوژه در این حالت می‌تواند با دادن حالت‌های مختلف به بدن و یا قرار دادن دست در حالت‌های مخصوص، ژست‌های گوناگونی را ایجاد کند که باعث تغییر در هر عکسی بشود. شاید در عکسی بهتر باشد که روی زمین بنشیند و در عکسی دیگر روی صندلی و در عکس بعدی درازکش باشد. در عکسی می‌تواند در حالت نیم رخ باشد و در عکسی دیگر لبخند بزند و در عکس بعدی قیافه‌ای جدی داشته باشد. همه اینها به اضافه حالت‌هایی که شما به کمک خلاقیت خود برای سوژه ایجاد می‌کنید به زیباتر شدن یک عکس پرتره کمک زیادی می‌نمایند. البته ایجاد همه این حالت‌ها مشروط به خواست و همکاری سوژه است، و بعضی افراد ژست‌ها و حالت‌های رسمی و طبیعی را ترجیح می‌دهند، بنابراین از آنها نمی‌توان خواست که مثلاً حالت‌هایی که یک فرد جوان در مقابل دوربین می‌گیرد را بگیرند.

برای ایجاد ژست‌ها و حالت‌های گوناگون، قانون خاصی وجود ندارد و این قدرت تخیل شماست که می‌تواند انواع اقسام ژست‌های مختلف را در عکس پرتره شما ایجاد کند. البته بعضی مواقع خلاقیت سوژه هم می‌تواند به این امر کمک کند.

۵۷ـ سوژه اصلی را از پس زمینه جدا کنید

هر عکسی دارای سوژه‌ای است که آن سوژه توجه عکاس را جلب کرده و او تصمیم به ثبت آن بر روی عکس خود گرفته است. این سوژه که مهم‌ترین جزء عکس را تشکیل می‌دهد باید مرکز توجه بیننده در عکس باشد و بیننده به این وسیله پیام عکاس را دریافت کند. اما سوژه‌ای که زنده و در عالم واقعیت می‌بینیم، لزوماً به همان ترتیب در عکس ظاهر نخواهد شد و بعضی مواقع سوژه آنچنان در پس زمینه و یا اشیاء پیرامونی مخلوط و یکی شده است که تشخیص مرکز توجه یا پیام عکس بسیار دشوار است.

بزرگترین اشتباهی که در این رابطه وجود دارد این است که ما در هنگام عکاسی، بیش از حد به چشم خود که اشیاء را به صورت سه بعدی می‌بیند، اعتماد کنیم. شاید چشم ما در هنگام تماشای مجموعه گل‌های یک باغ به درستی زیبایی‌های خاصی را ببیند و بعد از عکاسی از آن گل متوجه شویم که چیزهای زیادی در پس زمینه، گل را آنچنان در برگرفته‌اند که سوژه اصلی در عکس گم شده است و یا در عکاسی از یک سوژه انسانی، به علت یک رنگ بودن یا نزدیک بودن رنگ لباس سوژه با رنگ پس زمینه، چیز زیادی از او در عکس مشخص نباشد و تمام عکس از یک رنگ یکنواختی تشکیل شده باشد.

چندین راه برای برجسته و جداکردن سوژه از پس زمینه وجود دارد. اولین راه این است که با کم کردن عمق میدان، سوژه اصلی را به صورت واضح و شفاف در عکس بیاوریم و پس‌زمینه کاملاً محو یا غیر واضح باشد. به این ترتیب پس زمینه هر چقدر هم جذب‌کننده نگاه بیننده باشد، چشم بیننده به سراغ آن نخواهد رفت بلکه روی سوژه اصلی متمرکز خواهد شد. در عکاسی از گل که مثال آن در بالا آمد و یا عکاسی‌های مشابه، وقتی گل مورد نظر واضح باشد و پس زمینه تار، بیننده حتما به

گل توجه خواهد کرد.

دومین راه برای متمرکز کردن سوژه اصلی، استفاده از رنگ‌های متضاد بین سوژه و پس‌زمینه است. اگر در عکاسی از فردی که قرار است در جلوی دیواری بایستد و پس زمینه او دیوار باشد، رنگ دیوار رنگی ملایم و نه چندان تند باشد و لباس سوژه اصلی به رنگ خیلی قوی و دارای کنتراست با رنگ دیوار باشد، حتماً مرکز توجه بیننده شخصی که در جلوی دیوار قرار دارد خواهد بود. در مواقعی که عکس در محیطی شامل سایر چیزهای دیگر مثل تابلو، مجسمه، گلدان و ... باشد نیز این نکته را در نظر داشته باشید که رنگ تند آن اشیاء می‌تواند روی قابلیت جذاب بودن سوژه تأثیر بگذارد.



■ **جداکردن یک سوژه از محیط اطراف خود (بخصوص پس‌زمینه)، می‌تواند به برجسته شدن آن در عکس کمک کند.**

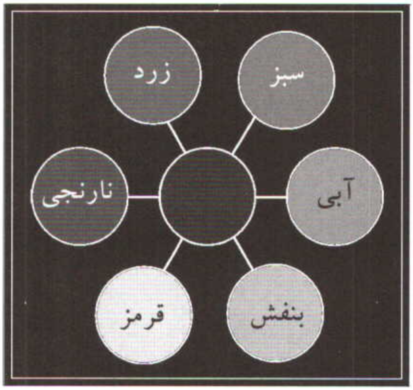
سومین راه جداکردن سوژه اصلی از پس‌زمینه، استفاده از نقاط پرنور در عکس برای قرار دادن سوژه در آن نقاط است. مثلاً فرض کنید که می‌خواهید در فضای سربسته‌ای از چیزی عکس بگیرید و در عکاسی خود از فلاش استفاده نکنید. در این حالت اگر نوری از پنجره به درون اتاق بتابد (بخصوص نور مستقیم)، می‌توانید با قرار دادن سوژه اصلی خود در منطقه نور شدید و نورسنجی کردن برای این منقطه، سوژه خود را در منطقه پرنور قرار دهید که در این صورت نقاط کناری و یا پس زمینه سوژه، تاریک‌تر در عکس ظاهر خواهند شد و چشم بیننده سریعاً متوجه نقاط روشن‌تر خواهد شد و روی این نقطه یا نقاط مهم تمرکز خواهد کرد. از همین جلوه می‌توان برای عکاسی از مناظر طبیعت و صحنه‌های خارجی در زمانی که آسمان نیمه ابری و آفتابی است، استفاده کرد. در این حالت ابرها با تاریکی خود باعث تاریکی نقاطی در عکس می‌شوند و نور خورشید با روشن کردن بعضی نقاط، آن مناطق را برجسته نشان خواهد داد. البته در این‌گونه مواقع، اینکه نور خورشید کاملاً سوژه اصلی را روشن کند، چیزی است که بستگی زیادی به شانس دارد.

۵۸ـ با استفاده از رنگ‌ها در عکس کنتراست ایجاد کنید

شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشد که در منطقه‌ای جنگلی با زیبایی‌های خاص خود در فصل بهار یا تابستان و یا از یک صحنه برفی عکاسی کرده باشید و پس از دیدن نتیجه، از کار خود ناراضی شده باشید، چرا که عکس‌ها بی‌رنگ و یک‌نواخت شده‌اند و چیزی برای بیان و عرضه به بیننده نداشته‌اند. البته برای عکاس که احتمالاً از محیط شهری (با تمام مشکلات خود) به آن منطقه رفته است و از نزدیک شاهد مناظر بوده است، آنجا زیبایی و جلوه و آرامش خاص خود را داشته است ولی این امر دلیل بر آن نمی‌شود که در بیننده نیز همان حالت ایجاد شود. حالا یک عکس پائیزی از همان جنگل و یا منظره‌ای مشابه را تماشا کنید، چه می‌بینید؟ تنوعی از رنگ‌های مختلف که رنگ نارنجی و زرد در آن برجسته هستند. علت وجود اختلاف در بین دو سری عکس‌های یاد شده فقط به دلیل وجود چیزی به نام کنتراست رنگ در عکس‌های شماست.

همین مسئله برای عکس‌های صحنه‌های برفی و دریا وجود دارد. معمولاً زمانی که برف تازه به زمین نشسته است، سفیدی آن همه جا را می‌پوشاند. علی‌رغم زیبایی‌های خیره‌کننده این‌گونه صحنه‌ها برای چشمان ما، متأسفانه عکاسی از این صحنه‌ها بنا به دلایلی چندان چیز جالبی از آب در نمی‌آید و اگر مدتی صبر کنید تا چیزهایی از مظاهر طبیعت از زیر برف بیرون بیایند، حتماً موفق به ضبط صحنه‌های جالبی خواهید شد.

در هنگام عکاسی از هر نوع سوژه‌ای، حتماً کنتراست رنگ را در عکس خود در نظر داشته باشید و سعی کنید که از آن حداکثر استفاده را ببرید. بیش از حد به چشم و احساسات خود اعتماد نکنید. این‌طور فرض کنید که منظره جلوی چشم شما



■ **رنگ‌های مقابل یکدیگر، کنتراست عکس را بالا می‌برند، مثل بنفش با زرد. به‌کمک این شکل می‌توانید عکس‌های با کنتراست بالا بگیرید.**

چگونه در عکس ظاهر خواهد شد. مثلاً چنانچه از خودرویی به رنگ آبی در مقابل دیواری به رنگ آبی عکس بگیرید، مطمئناً عکس شما چندان جالب در نخواهد آمد. اما اگر از همین خودرو در مقابل دیواری به رنگ قرمز عکاسی کنید حتماً عکس شما جالب خواهد شد.

کنتراست عکس‌ها را در کلیه عکس‌هایی که در صحنه‌های داخلی می‌گیرید هم در نظر داشته باشید. مثلاً در عکاسی در این‌گونه صحنه‌ها در پس زمینه عکس خود پرده‌ها و دیوارهای رنگی و سایر چیزهایی که با سوژه کنتراست ایجاد می‌کنند را در نظر بگیرید و سعی کنید که با کمی تفکر در این زمینه و تغییر محل دوربین یا سوژه خود، در عکس کنتراست رنگ ایجاد کنید.

برای اینکه بدانید که چه رنگ‌هایی با چه رنگ‌های دیگر کنتراست دارند، از نمودار رنگی که در این قسمت آورده شده است استفاده کنید. بر طبق این نمودار هر رنگ داخل دایره با رنگ مقابل خود بیشترین کنتراست را دارد و با رنگ‌های جانبی خود کمترین.

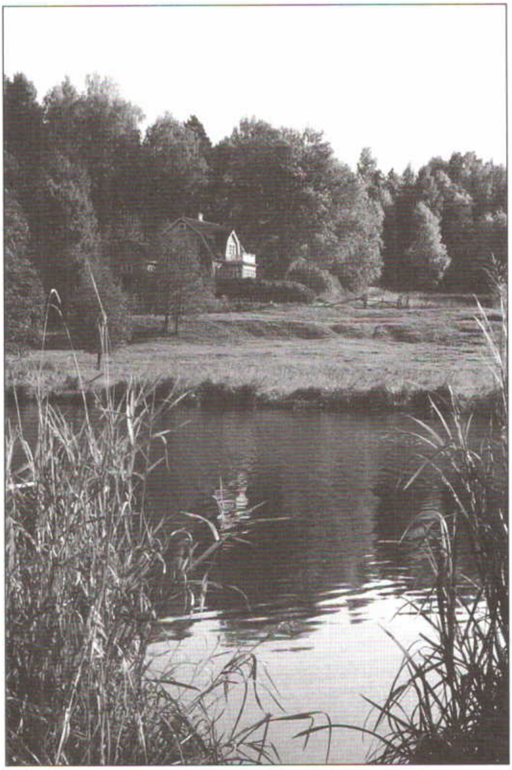
۵۹ـ در عکس منظره عمق میدان زیادی ایجاد کنید

عمق میدان به معنی منطقه‌ای از عکس است که در آن تصویر واضح افتاده و بیننده می‌تواند به راحتی چیزی که در آن منطقه وجود دارد را ببیند. با توجه به سوژه و امکانات تکنیکی و تمایل عکاس، عمق میدان می‌تواند از چند میلی‌متر تا بی‌نهایت باشد. یعنی در حالت بی‌نهایت، هر چیزی که در عکس می‌بینید واضح باشد.

عکاسی منظره از جمله قسمت‌هایی است که در آن عمق‌میدان باید زیاد باشد. یعنی تا جایی که امکان دارد مناطق وسیعی از عکس باید واضح و عیان باشند چرا که سوژه اصلی تمام چیزی است که در جلوی دوربین قرار دارد. برای به دست آوردن عمق‌میدان بیشتر چندین راه وجود دارد.

اولین راه این است که چون دیافراگم دوربین هرچه بسته‌تر باشد، عمق‌میدان بیشتر می‌شود، بنابراین برای به دست آوردن عمق‌میدان بیشتر در عکس خود سعی کنید که تا جایی که امکان دارد دیافراگم را ببندید و یا سعی کنید که اندازه دیافراگم شما از f:8 پایین‌تر نیاید. اما ممکن است که به دلیل شرایط نوری ضعیف، نتوانید دیافراگم را بیشتر ببندید و مجبور باشید که آن را تا به آخر باز کنید و به دلیل لرزش دست، سرعت شاتر هم به شما اجازه عکاسی با سرعت پایین را ندهد، بنابراین در این حالت حتماً از سه پایه استفاده کنید. با قرار دادن دوربین روی سه پایه می‌توانید دیافراگم را تا جایی که می‌خواهید ببندید و سرعت عکاسی را پایین بیاورید.

دومین راه برای به دست آوردن عمق میدان بیشتر در عکاسی منظره، استفاده از لنزهای واید است. لنزهای واید در مقایسه با لنزهای تله، عمق‌میدان بیشتری در عکس ایجاد می‌کنند و در عین حال پله‌های دیافراگم بر روی آنها بیشتر است و لنزهای سریعی هستند.



■ **عکس منظره باید دارای عمق میدان زیاد باشد، چراکه در غیر این صورت اطلاعات درون تصویر حذف می‌شوند. در این عکس، همهٔ عناصری که در آن قرار دارند، مثل نیزارهای جلوی دوربین تا درختان انتهای عکس واضح هستند و در عمق میدان آن واقع شده‌اند.**

سومین راه برای عمق‌میدان بیشتر، فاصله گرفتن از سوژه است. هرچه فاصله شما تا سوژه نزدیک‌تر باشد، عمق‌میدان تصویر هم کمتر خواهد شد. البته در بعضی حالت‌های عکاسی منظره، شاید فاصله گرفتن از سوژه مقدور و چاره ساز نباشد، مثل فاصله گرفتن از یک کوه. اما برای اینکه چیزهایی مثل یک درخت یا چند گل یا صخره در عکس تار نیفتند، می‌توان از این روش استفاده کرد.

۶۰ـ لرزش دست را در دوربین‌های اتوماتیک جدی بگیرید

دوربین‌های اتوماتیک نزد بسیاری از مردم جهان ابزار عکاسی بسیار محبوبی هستند. کار کردن با این دوربین‌ها واقعاً ساده است و به این دلیل این دوربین‌ها عکاسی را برای بسیاری از مردم لذت بخش کرده‌اند. به دلیل سادگی بیش از حد آنها و نیز پیشرفته و مدرن‌تر شدن دوربین‌های اتوماتیک، امروزه خیلی از عکاسانی که دارای دوربین‌های مجهز و پیشرفته هستند نیز در سفر و مواقعی که نمی‌توانند تجهیزات عکاسی زیادی را با خودِ حمل کنند، یکی از این نوع دوربین‌ها را در جیب، کیف یا چمدان خود حمل می‌کنند.

اما از آنجایی که این دوربین‌ها کاملاً اتوماتیک هستند، در نتیجه عکاس هیچ کنترل یا اطلاعاتی در مورد نورسنجی دوربین در لحظه عکاسی ندارد و سرعت شاتر و اندازه دیافراگم که دو رکن اساسی عکاسی هستند، از طریق یک میکروپروسسور درون دوربین کنترل می‌شوند. در نتیجه اگر سابقه کار کردن با این دوربین‌ها را داشته باشید، حتماً متوجه شده‌اید که به دلیل این عدم آگاهی از اطلاعات عکاسی دوربین، نور کافی به دوربین وارد نشده و دوربین دیافراگم را کاملا باز کرده است ولی به دلیل عدم کافی بودن نور، سرعت شاتر در حین عکاسی پایین آورده شده است. این به معنی خطر وجود لرزش دست در هنگام عکاسی است که در نتیجه آن عکس تار می‌شود، یعنی چیزی که دیگر قادر به جبران و اصلاح آن نخواهید بود.

برای جلوگیری از به‌وجود آمدن چنین حالت‌هایی در عکاسی با این دوربین‌ها می‌توانید از یک سه‌پایه عکاسی کوچک استفاده کنید و خطر تار شدن عکس را حذف کنید. البته شاید این مسئله کمی غیر عادی باشد که برای یک دوربین کوچک، سه‌پایه‌ای چند برابر وزن آن حمل شود. ولی اگر علاقه‌مند عکاسی خوب هستید



■ **از آنجایی که در دوربین‌های اتوماتیک، هیچ اطلاعاتی در مورد سرعت شاتر و نورسنجی به عکاس عرضه نمی‌شود، بنابراین یک سه‌پایه می‌تواند تضمینی برای عکس بدون لرزش باشد، حتی اگر این سه‌پایه، مانند چیزی که در عکس می‌بینید، کوچک و جمع و جور باشد.**

باید زحمت حمل کردن آن را به خود بدهید. البته امروزه انواع و اقسام سه پایه‌ها وجود دارند که برای دوربین اتوماتیک خود می‌توانید از یک مدل کوچک و مینیاتوری آن استفاده کنید. حتی سه‌پایه‌های رومیزی هم وجود دارند که می‌توان با سوارکردن دوربین روی آنها سه‌پایه را روی میز، دیوار یا سقف ماشین قرار داد.

اگر دسترسی به سه‌پایه نداشتید و در شرایط نامناسب نوری بودید، می‌توانید از یک کیسه شن برای زیر دوربین خود استفاده کنید. یک کیسه پلاستیکی را پر از شن یا ماسه نرم کنید و آن را در جایی صاف قرار دهید و دوربین خود را روی آن قرار دهید و با استفاده از تایمر خودکار دوربین عکس خود را بگیرید. اما اگر امکان تهیه کیسه شن هم وجود نداشت، دوربین را محکم در دست خود بگیرید و آرنج‌های خود را محکم به پهلوها بچسبانید تا دست شما در حین عکاسی تکان نخورد. در همین حالت پاهای خود را کمی باز کنید تا تعادل خوبی در هنگام ایستادن داشته باشید. در صورتی که درخت یا دیواری در نزدیکی شما وجود دارد سعی کنید که با تکیه به آن، نقطه اتکاء ثابت و محکمی برای خود ایجاد کنید و اگر سوژه در فاصله نزدیک شما قرار دارد و نور فلاش می‌تواند تمام سطح آن را روشن کند از فلاش استفاده کنید.

برای اطلاع بیشتر از شیوه‌های عکاسی با دوربین‌های اتوماتیک، می‌توانید کتاب "عکاسی با دوربین‌های اتوماتیک" از همین نویسنده و از انتشارات ارسباران را مطالعه نمایید.

۶۱- در صحنه‌های برفی دیافراگم را بیشتر باز کنید

با توجه به شرایط اقلیمی کشور ما و بارش برف در بسیاری نقاط، حتماً شما هم علاقه‌مند هستید که هراز چند گاهی با رفتن به درون طبیعت و یا قدم زدن در یک پارک در فصل زمستان، از صحنه‌های زیبای برفی عکاسی کنید. عکس این صحنه‌ها همیشه با نوعی آرامش که خاص برف است، همراه می‌باشد.

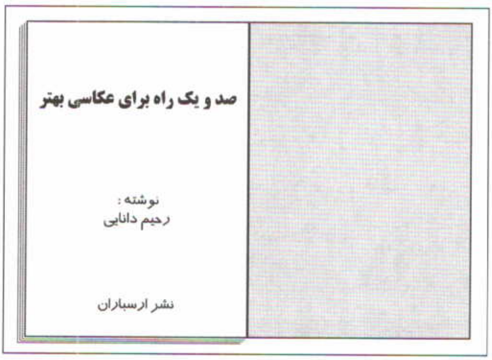


- **عکاسی کردن صحنه‌های برفی، ممکن است توأم با گول خوردن نورسنج دوربین باشد، بنابراین در عکاسی از این صحنه‌ها حتماً از برکتینگ یا مقوای خاکستری ۱۸٪ و تکنیک‌های دیگر استفاده کنید.**

اما یکی از مشکلات مهم در عکاسی از صحنه‌های برفی، مقدار نور زیادی است که از سطح برف منعکس می‌شود و به گیرنده دوربین می‌خورد. نتیجه این می‌شود که دوربین نورسنجی را بر مبنای نور موجود که نور بسیار شدید و تندی است انجام

می‌دهد و از آنجایی که نورسنجی برای کل اجزای سوژه انجام نشده است، در نتیجه عکس نور کمتری می‌بیند و به صورت تیره‌ای در می‌آید. حتی رنگ برف هم در این عکس‌ها به رنگ سفید ظاهر نمی‌شود، بلکه به رنگ خاکستری خواهد بود.

- **با استفاده از رنگ خاکستری ۱۸٪ که درون جلد کتاب چاپ شده است، می‌توانید نورسنجی خود را برای شرایط دشوار انجام دهید.**



در حالت عادی برای عکاسی از صحنه‌های برفی باید دیافراگم را دو پله بیشتر از چیزی که دوربین نشان می‌دهد باز کنید تا نورسنجی صحیحی به دست آید. راه مطمئن‌تر این است که از یک مقوای خاکستری ۱۸٪ که به عنوان مرجع نورسنجی مورد استفاده قرار می‌گیرد، استفاده کنید. این مقوا را زیر نور بگیرید و لنز دوربین را به طرف آن بگیرید، چیزی که نورسنج دوربین نشان می‌دهد را برای نورسنجی تنظیم کنید. استفاده از این مقوا کاری عادی و رایج برای اکثر عکاسان دنیاست. اگر فاقد این مقوا هستید می‌توانید از رنگ مقوای درون جلد این کتاب که با رنگ خاکستری ۱۸٪ چاپ شده ، استفاده کنید. از این مقوا برای عکاسی در همه حالات، مخصوصاً هنگامی که سوژه شما بسیار تیره یا روشن باشد نیز می‌توانید استفاده کنید، چرا که در این شرایط هم، امکان گول خوردن نورسنج دوربین وجود دارد.

اما ساده‌ترین راه برای عکاسی از صحنه‌های برفی، استفاده از انعکاس نور پشت دست خودتان است. در این حالت نور منعکس شده از پوست دست به عنوان مرجع نورسنجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای این منظور پشت دست خود را به طرف منبع نور بگیرید و لنز دوربین را به طرف دست خود بگیرید، البته طوری که باعث افتادن سایه خود یا دوربین روی آن نشوید. هر مقداری که نورسنج دوربین نشان داد از آن برای گرفتن عکس صحنه برفی خود استفاده کنید.

۶۲ـ حرکت را در عکس نشان دهید

ثبت یا در حقیقت نشان دادن حرکت سوژه در عکس، چیزی است که می‌تواند در حالت‌های خاص به زیبایی عکس بیفزاید. معمولاً بعضی از سوژه‌ها به‌طور طبیعی در حال حرکت هستند، مثل جریان آبی که از یک آبشار به پایین می‌ریزد. بعضی از سوژه‌ها هم بر حسب تصادف در حال حرکت هستند، مثل انسان یا ماشینی که در حال حرکت است. از پدیده‌هایی که می‌توانند در حال حرکت و ساکن باشند، در حالت سکون هم می‌توان عکاسی کرد. ولی شاید بعضی وقت‌ها بنا بر موقعیت خاصی باید از آنها در حال حرکت عکس گرفت و در عکس نشان داد که آنها در حال حرکت بوده‌اند.

برای نشان دادن حرکت سوژه در عکس باید سرعت شاتر را پایین بیاورید. اما این یک قانون کلی است. بر طبق این قانون در مدتی که دیافراگم باز است، حرکت سوژه از جایی تا جای دیگر بر روی فیلم یا چیپس نوری ثبت می‌شود. در نتیجه تصویر سوژه در حال حرکت به صورت تصویری در حال محو و جا به جا شدن در عکس دیده می‌شود و بیننده با دیدن عکس درک می‌کند که سوژه در حال حرکت عکاسی شده است.

ثبت حرکت معمولاً در زمانی انجام می‌شود که سوژه از یک طرف عکس به طرف دیگر آن در حال حرکت باشد. در این حالت سوژه یا در طول و یا در عرض و یا در قطر عکس حرکت می‌کند. برای سوژه‌هایی که در حال حرکت به طرف دوربین باشند و یا از آن دور شوند، نشان دادن حرکت آنها بر روی عکس دشوار است و نیاز به زمان عکاسی بیشتری است.

اگر سوژه با سرعت زیاد در عرض یا طول کادر حرکت کند، نیاز به سرعت خیلی آهسته برای عکاسی نیست، مثل اتومبیلی که با سرعت زیاد در یک بزرگراه در حرکت است. در این‌گونه حالت‌ها چه بسا سرعت آهسته باعث محو شدن کامل

سوژه بشود و چیزی جز یک شبح نامفهوم بر روی عکس به وجود نیاید. شاید در این حالت با یک لنز نرمال و سرعت $\frac{۱}{۳۰}$ ثانیه بتوانید حرکت را در عکس نشان دهید. اما برای نشان دادن جریان آب یک آبشار در عکس، طوری که جریان آب به صورت پنبه و سفید به نظر برسد، شاید نیاز به سرعتی حدود ۱ ثانیه و یا بیشتر باشد.



■ **برای بهتر نشان دادن حرکت آب باید سرعت عکاسی را پایین آورد تا آب به صورت جاری در عکس نشان داده شود.**

فاصله‌ای که سوژه در حال حرکت از دوربین دارد، در سرعت عکاسی تأثیر دارد. هرچه فاصله دورتر باشد سرعت شاتر هم باید پایین‌تر باشد، چرا که در این حالت زمان بیشتری طول می‌کشد تا سوژه از یک نقطه به نقطه‌ای دیگر برود. برای سوژه‌های در فاصله نزدیک می‌توان از سرعت بالاتری استفاده کرد (متناسب با سرعت حرکت سوژه). در همین رابطه باید گفت که نوع لنزی که استفاده می‌کنید نیز در انتخاب سرعت شاتر تأثیر دارد. هرچه لنزی که با آن از سوژه متحرک عکاسی می‌کنید فاصله کانونی کمتری داشته باشد (یعنی به واید نزدیک باشد)، سرعت شاتر هم می‌تواند آهسته‌تر باشد، در مورد لنزهای تله قضیه برعکس است.

از آنجایی که حرکت سوژه‌های مختلف در هنگام عکاسی متنوع است و هر عکس در این شرایط حالت بخصوصی دارد، در نتیجه نمی‌توان جدول یا دستورات مدونی برای گرفتن از همه سوژه‌های در حال حرکت ارایه داد. اما بعد از مدتی تمرین در این زمینه، قادر خواهید شد که تجربه لازم را در زمینه سرعت شاتر به دست بیاورید. بهترین راه برای به دست آوردن نتیجه مطلوب این است که با گرفتن عکس‌های چندتایی که به برکتینگ معروف هستند یک مجموعه عکس از سوژه بخصوصی بگیرید و از میان آنها یکی را انتخاب کنید. در مورد برکتینگ در جایی دیگر در این کتاب به تفصیل شرح داده شده است.

۶۳ـ حرکت را در عکس منجمد کنید

در بسیاری از عکس‌هایی که سوژه‌های متحرک وجود دارند، بهترین کار این است که حرکت به صورت ایستا نشان داده شود (که اصطلاحاً به آن منجمد کردن حرکت می‌گویند). در غیر این صورت ارزش و کیفیت عکس افت خواهد کرد. مثلاً در یک عکس از مسابقه ورزشی که حرکت‌ها در آن سریع و تند صورت می‌گیرند، اگر حرکت منجمد نشود، بیننده از موضوعی که اتفاق افتاده است سر در نخواهد آورد. اگر در یک مسابقه فوتبال توپی که سریعاً در حال حرکت است در عکس به صورت ایستا نشان داده نشود، بیننده نمی‌تواند بفهمد که موقعیت بازی و یا توپ در لحظه عکس گرفتن چگونه بوده است و اصلاً موضوع عکس درباره چه چیزی است. در سایر زمینه‌ها مثلاً هنگامی که بخواهید از کودکی که زیاد تکان می‌خورد، عکس بگیرید، چنانچه حرکت او در عکس منجمد نشود عکس او تار خواهد افتاد و از کیفیت لازمه برخوردار نخواهد شد.

برای ثابت کردن حرکت در عکس باید از سرعت بالای شاتر برای عکاسی استفاده کنید. اینکه سرعت شاتر چقدر باید باشد تا حرکت در عکس ثابت بشود، بستگی به نوع حرکت سوژه، سرعت آن، لنز و فاصله سوژه از دوربین دارد. نوع حرکت سوژه بدین معنی است که آیا سوژه به طرف دوربین حرکت می‌کند یا در عرض عکس؟ سرعت شاتر برای سوژه‌هایی که در عرض عکس حرکت می‌کنند، باید بسیار بیشتر از موقعی باشد که سوژه به طرف دوربین حرکت می‌کند یا از آن دور می‌شود. برای عکاسی از سوژه‌هایی که با سرعت سریع‌تری حرکت می‌کنند باید سرعت شاتر بالاتری را در نظر گرفت. برای منجمد کردن حرکت یک خودرو که با سرعت ۱۰۰ کیلومتر در حال حرکت است، مطمئناً باید سرعت بالاتری را نسبت به یک دوچرخه به‌کار برد و برای ساکن کردن حرکت شاخه‌ها و برگ‌های درختانی که بر اثر



■ **برای عکاسی از این تک‌درخت که در زمان عکاسی، باد به شدت آن را تکان می‌داد، حتماً باید سرعت بالای شاتر را به کار می‌بردم، چرا که در غیر این صورت تصویر تار می‌شد.**

وزش نسیم باد در حال تکان خوردن هستند، لزومی نیست که از سرعت بسیار بالایی استفاده شود. البته همه این چیزها را باید با در نظر گرفتن نکات جانبی در مورد ثابت کردن حرکت در نظر گرفت که در بالا در مورد آنها شرح داده شد.

لنز دوربین هم از جمله چیزهایی است که روی سرعت شاتر برای ثابت کردن حرکت تأثیر می‌گذارد. هر چه لنز فاصله کانونی کمتری داشته باشد (یعنی به واید نزدیک باشد)، سرعت شاتر برای ساکن کردن جسم در حال حرکت می‌تواند پایین‌تر باشد.

فاصله سوژه از دوربین هم از عوامل تأثیر گذار بر سرعت شاتر است. برای ثابت کردن گلی که در نزدیکی دوربین قرار دارد و بر اثر وزش باد تکان می‌خورد، باید از سرعت شاتر بالاتری استفاده کرد تا ضربه شوت بازیکن فوتبالی که در وسط زمین قرار دارد، علی‌رغم اینکه سرعت ضربه شوت با سرعت تکان خوردن گل قابل مقایسه نیست.

همان‌طور که در بالا گفته شد، منجمد کردن حرکت در عکس به عوامل مختلفی بستگی دارد و از اینرو نمی‌توان یک جدول مخصوص آن تهیه و فقط بر طبق آن عمل کرد. به دست آوردن تجربه در این زمینه نیاز به تمرین و گرفتن عکس‌های بیشتر دارد. بعضی مواقع، مثل زمانی که از افراد تحت کنترل عکس می‌گیرید، این کار ساده است و گاهی به دلیل وجود عوامل متعدد غیر قابل کنترل به صورت پیچیده‌ای در می‌آید، مثل حوادث و مسابقات ورزشی که انسان هیچ کنترلی بر آنها ندارد.

۶۴ـ زمان مناسبی را برای عکاسی انتخاب کنید

اگر بعضی از عکس‌های خود را در فضای باز بیندازید (که حتماً در طول دوران عکاسی خود این کار را خواهید کرد)، و اگر در طول فعالیت عکاسی خود به عکاسی از طبیعت، معماری و مناظر شهری علاقه‌مند بشوید، حتماً متوجه این نکته خواهید شد که عکس‌هایی که در ساعات مختلف روز می‌گیرید، با هم تفاوت دارند. حتی کسانی که علت آن را هم ندانند، حتماً عکس‌های خود را بر طبق خوب، متوسط و بد تقسیم خواهند کرد.

شاید یکی از علت‌هایی که نتیجه گرفته‌اید این باشد که لحظه‌ای که عکس خود را برداشته‌اید، زمانی مناسب برای نور لازم نبوده است علی‌رغم اینکه ممکن است که به صورت ظاهری شرایط آنها یکسان به نظر برسد، مثلاً همه در زیر نور آفتاب عکاسی شده باشند.

بهترین زمان برای عکاسی در هوای آزاد و طبیعت، کمی بعد از طلوع خورشید و کمی قبل از غروب است، چراکه در این دو موقع خورشید در انتهای آسمان و در افق قرار دارد و نور آن به صورت مایل تابیده می‌شود و از اینرو در وهله اول می‌تواند تمام زوایای یک سوژه را به خوبی روشن کند و از طرف دیگر نور خورشید در این مواقع باعث ایجاد سایه‌های تند و خشن نمی‌شود، چیزی که در هنگام عکاسی در ظهر یا بعد از ظهر، خود را به خوبی نشان می‌دهد و باعث از بین رفتن عکس‌ها می‌شود.

خیلی از عکاسان طبیعت کار عکاسی خود را از طلوع شروع و تا ساعت ۹ـ۸ صبح ادامه می‌دهند و سپس تا آمدن بعد از ظهر به کارهای دیگری مشغول می‌شوند. البته واضح است که زمان‌های مناسبی که در مورد آنها صحبت می‌کنیم در مورد

عکاسی در هوای آزاد و طبیعت است و در مورد عکاسی در محیط‌های سربسته صدق نمی‌کند.

یکی از چیزهایی که در هنگام عکاسی در این مواقع وجود دارد ایجاد سایه‌های طولانی در پشت سوژه است که از مختصات نوری است که به‌طور مایل می‌تابد. البته این سایه‌ها خیلی تند نیستند و معمولاً روی سوژه ایجاد نمی‌شوند. به عنوان مثال اگر شما عکسی از یک سوژه انسانی در زیر آفتاب ۱۲ ظهر بردارید، مطمئناً سایه‌های تندی در زیر ابرو و روی چشمان سوژه خواهید داشت. در عکاسی اول صبح و غروب این سایه‌ها وجود ندارند ولی در پشت سوژه سایه‌های بلندی را شاهد خواهید بود. البته به دلیل همین مسئله باید طوری عکاسی کنید که سایه خود شما و یا ابزار عکاسی شما روی سوژه نیفتند.

از دیگر زمان‌های مناسب عکاسی، پس از بارش باران می‌باشد. باران چه در طبیعت و چه در محیط شهری با شستن گرد و غبار و آلودگی هوا باعث صاف شدن آسمان محیط می‌شود. همچنین باران با شستن مظاهر طبیعت مثل درختان و سنگ‌ها و نیز خیابان‌ها و ساختمان‌های شهری، در حقیقت محیط را برای عکاسی غبارروبی و تمیز می‌کند. بر اثر باران خیابان‌ها و چیزهایی مثل خودروها دارای درخشش خاص و خیره‌کننده‌ای می‌شوند.

اما علی‌رغم صحبت‌هایی که درباره زمان عکاسی کردیم، حتماً هر زمان که آسمان نیمه ابری و نیمه آفتابی است، دوربین خود را در نزدیکی خود داشته باشید، چرا که بعضی مواقع با روشن شدن منطقه‌ای بر اثر درخشش خورشید از لابه‌لای ابرها، صحنه‌های بسیار جالبی برای عکاسی به وجود خواهند آمد. برای اینگونه صحنه‌ها دو مسئله را در نظر داشته باشید: اول اینکه نورسنجی را برای منطقه نور خورشید انجام بدهید و نه برای نقاط ابری سایه‌دار و دوم اینکه این لحظات زیاد دوام ندارند و باید سریع عمل کنید.

۶۵ـ برکتینگ در عکاسی

هرچند که دوربین‌های مدرن عکاسی، امروزه امور فنی عکاسی را بسیار ساده‌تر از دوربین‌های قدیمی کرده‌اند، طوری که بیشتر علاقمندان عکاسی می‌توانند عکس‌هایی بر دارند که از نظر نورسنجی و سرعت در حد مطلوبی باشند، اما گاهی اتفاق می‌افتد که خود ما در نورسنجی و یا انتخاب نورسنجی برای یک صحنه دچار اشتباه می‌شویم یا نمی‌دانیم که نورسنجی دقیق برای آن چه باید باشد. آیا به دلیل روشن بودن قسمت‌هایی از صحنه باید دیافراگم را کمی ببندیم یا کمی باز کنیم؟ مطمئناً شما هم پس از عکاسی کردن از موضوعات مختلف و دیدن نتایج کار خود، این فکر را کرده‌اید که چرا به عکسی نور بیشتری نداده‌اید و یا برای دیگری کمی دیافراگم را نبسته‌اید.

در لحظات شک برانگیز این چنینی، می‌توان از روشی استفاده کرد که به برکتینگ مشهور است. کلمه برکتینگ معادل خاصی در زبان فارسی ندارد و بعضی‌ها آن را عکاسی چندگانه تعریف کرده‌اند که باز هم معنی کاملی برای آن نیست بلکه باید در مورد آن شرح داده شود تا خواننده بفهمد که موضوع از چه قرار است. در یک جمله می‌توان گفت که برکتینگ به معنی گرفتن چند عکس از یک سوژه با نوردهی‌های کمی بالا و کمی پایین‌تر از نورسنجی اصلی است. به عنوان مثال فرض کنیم که شما می‌خواهید از سوژه‌ای عکسی بگیرید و نورسنج دوربین f:8 و سرعت ۱/۶۰ ثانیه را نشان می‌دهد. اما شما شک دارید که این نورسنجی دقیق است یا نه و هیچ راهی هم برای تأئید یا رد آن ندارید. در این شرایط به جای گرفتن یک عکس از سوژه ، سه عکس از آن می‌گیرید که یکی از آنها با نورسنجی که فکر می‌کنید درست است و دو عدد دیگر را، یکی با ۱/۲ گام دیافراگم پایین‌تر از f:8 و دیگری با نیم گام

بالاتر از f:8. به این ترتیب شما سه عکس با سه نورسنجی مختلف خواهید داشت که می‌توانید از بین آنها، یکی که از همه بهتر نورسنجی شده باشد را انتخاب کنید.

برکتینگ معمولا با سه عکس انجام می‌شود ولی بعضی هم آن را با پنج عکس انجام می‌دهند که در این حالت نیز گام‌های دیافراگم را مرحله به مرحله کم یا زیاد می‌کنید. در مورد بستن و باز کردن دیافراگم هم می‌توانید انتخاب کنید که $\frac{۱}{۲}$ گام دیافراگم را تغییر دهید یا $\frac{۱}{۳}$. بهتر است که برای فیلم‌های اسلاید که دارای حساسیت بیشتری هستند در هر مرحله، از تغییرات ۱/۳ پله دیافراگم استفاده کنید و برای فیلم‌های نگاتیو ۱/۲ گام.

در کار کردن با دوربین‌های دیجیتال هم می‌توان از برکتینگ استفاده کرد. در بسیاری از دوربین‌های کمی پیشرفته و مدرن و گران‌تر دیجیتال، گزینه استفاده از برکتینگ تعبیه شده است. شما با فعال کردن و انتخاب آن می‌توانید به‌طور خودکار سه عکس یا پنج عکس با نوردهی‌های مختلف نزدیک هم بگیرید. در بعضی دوربین‌های پیشرفت دیجیتال، اختلاف گام‌های دیافراگم را شما انتخاب می‌کنید و بقیه کارها را دوربین انجام خواهد داد.

از هر نوع دوربینی که برای عکاسی استفاده می‌کنید، باید در هنگام عکاسی به روش برکتینگ، وقت و انرژی زیادی به خرج دهید تا از نتیجه عکاسی خود راضی شوید.



۶۶- عکس پانوراما بگیرید

هر لنزی دارای زاویه دیدی مشخص است که هرچه فاصله کانونی لنزها کمتر می‌شود، زاویه دید آنها هم افزایش پیدا می‌کند. به عنوان مثال لنز 28mm دارای زاویه دید ۷۵ درجه است، اما لنز 15mm دارای زاویه دیدی برابر ۱۱۰ درجه است که تقریباً بیشترین زاویه دید در حد لنزهای معمولی است.

اما برای گرفتن عکس‌هایی که زاویه دید آنها بالاتر از ۱۱۰ درجه باشد، مثلاً ۱۸۰ درجه یا بیشتر، که در حقیقت عکس‌هایی هستند که منطقه وسیعی از منظره مقابل را به روی تصویر می‌آورند، باید از دوربین مخصوصی به نام پانوراما که دارای لنزی مخصوص است استفاده کرد. دوربین‌های پانوراما می‌توانند عکس‌هایی با زاویه دید وسیع که گاهی به ۳۶۰ درجه می‌رسد بگیرند. لنز مخصوص این دوربین‌ها گردان است و در هنگام عکاسی باید روی سه‌پایه سوار باشند. علاوه بر این دوربین‌های پانوراما گران، تعداد آنها در کشور ما محدود و پروسه ظهور و چاپ آنها گران تمام می‌شود.

اما برای علاقمندان عکس‌های پانوراما راههای دیگری وجود دارد که به دو مورد آنها اشاره می‌شود. اول اینکه اگر شما کماکان با دوربین‌های آنالوگ و با فیلم عکاسی می‌کنید، می‌توانید منظره و صحنه مقابل خود را انتخاب و بعد از نورسنجی از صحنه حاضر، نورسنج را قفل کنید (یعنی سرعت شاتر و دیافراگم در طول عکاسی ثابت بماند). سپس منتهی الیه چپ صحنه را کادربندی کنید و اولین عکس خود را بگیرید، بعد بدون اینکه موقعیت خود را تغییر دهید، کمی دوربین را به طرف راست تغییر دهید تا عکس بعدی را کادربندی کنید. حتماً سعی کنید که ۱/۳ عکس قبلی در کادر جدید شما باشد و دست خود را زیاد بالا و پایین نبرید. عکس دوم را بگیرید و



■ **همان‌طور که از نسبت طول به عرض این عکس، دیده می‌شود، این عکس از دو عکس به هم چسبانده تشکیل شده است که تشکیل عکسی عریض را داده‌اند.**

بازهم دوربین را به سمت راست حرکت دهید تا عکس سوم را بگیرید. به همین ترتیب تا آخرین عکس عمل کنید.

بعد از پایان عکاسی و ظهور و چاپ عکس‌ها می‌توانید آنها را در کنار هم قرار دهید و از طریق چسباندن آنها روی یک تخته یا مقوا، یک عکس پانوراما با کمترین هزینه داشته باشید. در این مرحله لازم است که قسمت‌های اضافی هر عکس که در عکس بعدی تکرار شده است را ببرید تا عکس‌ها کاملاً در کنار یکدیگر قرار بگیرند. دقت ویژه‌ای در این مرحله کنید که مناظر درون عکس شما کاملاً در یک سطح باشند و اگر به‌طور اتفاقی عکس‌ها بالا و پایین شده‌اند آنها را تراز کنید. علت اینکه گفته شد که نورسنجی در تمام صحنه‌ها ثابت باشد، به این دلیل است که در یک صحنه ممکن است سایه یا روشنی‌های زیادی وجود داشته باشد و در نتیجه نورسنجی‌ها مختلف باشد و عکس چیزی یک دست نشود.

راه دوم برای گرفتن عکس پانوراما استفاده از دوربین‌های دیجیتال است که دارای قابلیت گرفتن عکس دیجیتال هستند. با انتخاب این گزینه، دوربین آماده گرفتن چند عکس و سپس چسباندن آنها به صورت اتوماتیک می‌شود. پس از پایان عکاسی

شما یک عکس یکدست پانوراما خواهید داشت. به یاد داشته باشید که در اینجا هم باید یک سوم از فضای هر عکس، قسمتی از فضای کادر قبلی باشد.

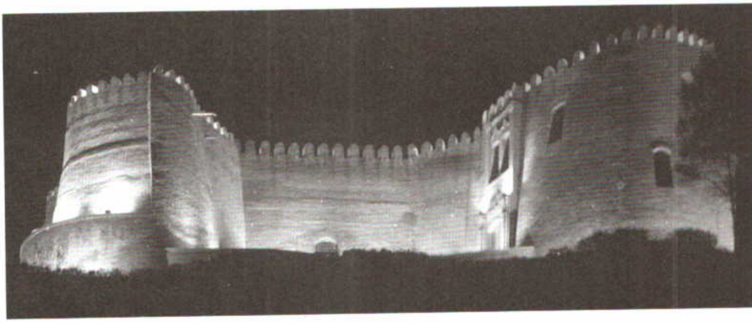
اگر بنا به هر دلیلی عکس‌هایی که گرفته‌اید را بخواهید از طریق کامپیوتر به هم بچسبانید می‌توانید کلیه عکس‌ها را در نرم‌افزار فتوشاپ باز کنید، سپس به منوی FILE بروید و گزینه AUTOMATE را انتخاب کنید و PHOTOMERGE را علامت بزنید. سپس طبق صفحه محاوره‌ای که کامپیوتر باز می‌کند جلو بروید تا کامپیوتر یک فایل پانوراما از عکس‌های شما درست کند.

۶۷ـ از مناظر شبانه عکاسی کنید

مناظر شبانه، صحنه‌های بسیار زیبایی هستند که حتماً شما هم در طول فعالیت‌های عکاسی خود وسوسه عکاسی از این‌گونه صحنه‌ها شده‌اید، مخصوصاً که این مناظر از صحنه‌های شهری با چراغ‌های رنگارنگ ترکیب شده باشند. البته اگر شما برای عکاسی از این صحنه‌ها به مانند عکاسی در روز عمل کرده باشید، احتمالاً نتیجه مطلوب را که انتظارش را داشتید نگرفته‌اید.

برای عکاسی در شب باید علاوه بر داشتن چند وسیله اضافي، وقت بیشتری هم صرف عکاسی نمایید. روی‌هم‌رفته عکاسی در شب، مانند صحنه‌های روز صرفاً با کادربندی سوژه و نورسنجی و زدن شاتر در عرض چند ثانیه انجام نمی‌شود. علت این امر به دلیل شرایط نوری متفاوت در شب است. در شب دیگر از نور خورشید اثری نیست. تنها منبع نوری قابل دسترس، چراغ‌هایی هستند که به نسبت کوچکی و بزرگی و کم نور و پر نور بودن خود، صحنه را تا حدی روشن کرده‌اند. این نور شاید برای چشم‌های ما که تا حد زیادی می‌توانند خود را به تاریکی و نور کم عادت دهند، عادی باشد ولی برای فیلم عکاسی یا چیپس دوربین دیجیتال غیر عادی هستند.

در عکاسی از صحنه‌های شب سعی کنید تا عمق میدان زیادی در عکس ایجاد کنید، چرا که بخش‌هایی از عکس شما طبیعتاً سیاه و تاریک خواهد بود (بستگی به منظره و سوژه‌ای که عکاسی می‌کنید). مطمئناً با دیافراگم بسته هیچ سرعت مناسبی برای عکاسی در شب روی گردونه انتخاب شاتر خود پیدا نخواهید کرد، مگر اینکه دوربین شما بسیار پیشرفته باشد. بنابراین برای عکاسی از صحنه‌ای با نور متوسط شب، باید چیزی در حدود یک دقیقه به فیلم ISO 100 خود نور بدهید. یک مسئله بسیار حیاتی که در اینجا وجود دارد، استفاده از سه‌پایه در هنگام عکاسی است که



■ **قلعه فلک‌الافلاک با نورپردازی شبانه خود، زیباتر جلوه می‌کند.**

برای عکاسی از صحنه‌های شبانه از ضروریات کار است. در غیر این صورت هیچ وسیله‌ای که بتواند دوربین را یک دقیقه ثابت و بدون حرکت نگه دارد وجود ندارد.

علاوه بر سه‌پایه، حتماً از یک دکلانژور برای عکاسی در شب استفاده کنید، چرا که در صورتی که بخواهید با انگشت خود به شاتر یک دقیقه فشار بیاورید، حتماً لرزش دست یا بدن شما به دوربین منتقل خواهد شد و عکس تار خواهد افتاد. بعد از نصب دوربین روی سه‌پایه و اتصال دکلانژور و کادربندی، از طریق فشار به دکلانژور، شاتر را باز کنید و بلافاصله شروع به شمارش ۱۰۰۱ـ ۱۰۰۲ـ ۱۰۰۳ و ... بکنید. هر عددی بیانگر یک ثانیه خواهد بود تا بدانید که چقدر به عکس خود نور داده‌اید. پس از پایان مدت زمان لازم، ماشه دکلانژور را رها کنید تا شاتر دوربین بسته شود. با توجه به اینکه هیچ عکاسی در مورد نتیجه عکس خود نمی‌تواند اطمینان صددرصد داشته باشد، بهتر است که چند عکس با نوردهی‌های مختلف بگیرید و در پایان با مقایسه آنها، بهترین را انتخاب کنید. اگر در طول مدت زمانی که شاتر دوربین باز است بنا به هر دلیلی و یا به دلیل چیزهایی که در صحنه ظاهر می‌شوند، تصمیم به قطع موقت عکاسی گرفتید، می‌توانید یک مقوای سیاه یا کلاه یا لباسی تیره را جلوی لنز دوربین بگیرید تا نور بیشتری به داخل دوربین نیاید.

یک راه دیگر برای عکاسی راحت‌تر از مناظر شبانه، استفاده از فیلم‌های سریع است. با استفاده از این نوع فیلم‌ها می‌توانید سرعت عکاسی خود را چند گام بالاتر ببرید. ولی در نظر داشته باشید که حتی با استفاده از این فیلم‌ها هم باید مدت

نوردهی زیادی برای عکس خود در نظر بگیرید. مثلاً برای عکاسی از ستاره‌های درحال حرکت در آسمان کویر یا بیابان، با هر نوع فیلمی که عکاسی کنید باید چند ساعت شاتر خود را باز بگذارید، در غیر این صورت روی فیلم شما چیزی بجز چند نقطه روشن ثبت نخواهد شد. البته اگر سوژه شبانه شما عکاسی از مراسم آتش‌بازی باشد، نیازی نیست که شاتر را چیزی بیشتر از ۳ـ۲ ثانیه باز بگذارید.

امروزه روی اکثر دوربین‌های دیجیتال، حداقل یک گزینه عکاسی در شب وجود دارد. اما این گزینه هم دقیقاً چیزهایی که در بالا گفته شد را انجام می‌دهد. یعنی سرعت شاتر پایین آورده می‌شود و مدت بیشتری نور به داخل دوربین راه داده می‌شود. در بعضی حالت‌ها ISO بالاتر برده می‌شود تا حساسیت نورسنجی بیشتر شود. البته در این حالت اختلالات نوری بیشتر به صورت پیکسل‌های سرگردان روی فایل ضبط خواهند شد. اما در عکاسی با این دوربین‌ها در هنگام شب استفاده از سه‌پایه را فراموش نکنید، در غیر این صورت عکس شما تار خواهد شد.



۶۸ـ از کامپیوتر برای اصلاح عکس‌های خود استفاده کنید

هر کدام از ما، هر چقدر هم که در کار خود ماهر باشیم، هر چند وقتی ممکن است که مرتکب اشتباهی در هنگام عکاسی کردن خود بشویم که اثر آن بر روی عکس کاملاً مشهود و مشخص باشد. در بعضی حالات، امکان گرفتن عکس دیگری وجود ندارد و آن عکس در حقیقت یک بار برای همیشه بوده است. بنابراین وظیفه ما به عنوان عکاس این است که عکس موجود را پس از رفع اشتباه یا اشتباهات تبدیل به عکس مطلوب و استانداردی کنیم. این کار در گذشته و در عکس‌های آتلیه‌ای انجام می‌شد که به آن رتوش می‌گفتند. ولی امروزه با وجود وسیله بسیار مفید و ارزشمندی به نام کامپیوتر هر کسی می‌تواند در خانه خود این کار را انجام دهد. در سابق این کار یک تخصص و حرفه‌ای بود و کسی که به این کار اشتغال داشت، رتوش‌کار خوانده می‌شد، ولی این کار امروزه به صورت یک تفریح در آمده است و تقریباً هر کسی که با یک نرم‌افزار ویرایش عکس آشنایی داشته باشد می‌تواند هر عملی که بخواهد روی عکس‌های خود انجام دهد.

توضیح اینکه چه کارهایی را می‌توانید از طریق کامپیوتر روی عکس خود انجام دهید از چهارچوب این کتاب خارج است و کتابهای بسیاری در مورد برنامه‌ها و نرم‌افزارهای ویرایش و اصلاح عکس وجود دارند که می‌توانید به آنها مراجعه کنید. در اینجا فقط اصول کار و مسایل جانبی آن ذکر می‌شوند.

برای اینکه بتوانید عکس خود را به کمک کامپیوتر اصلاح و ویرایش کنید، باید عکس شما به صورت یک فایل کامپیوتری در آمده باشد. اگر شما با دوربین دیجیتال عکاسی می‌کنید، این کار به صورت خودکار توسط دوربین انجام می‌شود و عکس‌های شما به صورت فایل هستند و فقط باید آنها را در برنامه اصلاح عکس

خود باز کنید و به ویرایش آنها بپردازید. اما اگر عکس‌های شما روی کاغذ هستند، بنابراین باید از وسیله‌ای به نام اسکنر برای تبدیل عکس کاغذی به فایل کامپیوتری استفاده کنید. این کار چه از طریق خودتان (در صورت دارا بودن اسکنر) و چه از طریق مغازه‌هایی که جهت این کار وجود دارند، امکان پذیر است.

توجه داشته باشید که فایل‌ها به شکل یا فرمت‌های گوناگونی می‌توانند وجود داشته باشند. فایل‌های تصویری می‌توانند با فرمت JPEG ، TIFF یا RAW باشند که هر کدام از این نوع فایل‌ها دارای ویژگی‌های خاص خود هستند. فایل‌های JPEG ، فایل‌هایی هستند که در اکثر دوربین‌های دیجیتال استفاده می‌شوند و از نظر حجم بسیار کوچک هستند ولی پس از هر بار کپی شدن مقداری از کیفیت اصلی خود را از دست می‌دهند. اما خوبی این فایل‌ها در این است که آنها را می‌توان در اینترنت استفاده کرد و یا از طریق ایمیل به جایی دیگر فرستاد. فایل‌های TIFF حجیم‌تر هستند کیفیت عکس در آنها بعد از کپی نمودن‌های بی‌شمار عوض نمی‌شود. فایل‌های RAW فرمتی هستند که دوربین برای ذخیره کردن عکس در خود استفاده می‌کند.

برای ویرایش عکس نرم‌افزارهای مختلفی وجود دارند که مهم‌ترین و معروف‌ترین آنها در دنیا فتوشاپ است که کمپانی ادوب[1] آمریکا آن را طراحی و عرضه کرده است. هرگونه اصلاح و رتوشی که قبلاً در تاریک‌خانه و در لابراتوارهای عکاسی بر روی عکس انجام می‌گرفتند، به اضافه مجموعه کاملی از جلوه‌های دیجیتالی را می‌توانید از طریق این برنامه روی عکس‌های خود اجرا کنید. بسیاری از اصلاحات عکس که در این کتاب از آنها نام بردیم را می‌توان با استفاده از چند کلیک ماوس یا تکمه‌های کامپیوتر روی عکس‌های خود اعمال کنید. کارهایی مثل تغییر رنگ عکس، تون رنگ‌ها، کجی عکس‌ها، روشن یا تاریک نمودن عکس‌ها، کوچک یا بزرگ کردن عکس، حذف یا اضافه نمودن عناصری در عکس، اضافه کردن متن، ایجاد کادر برای آنها، مونتاژ چند عکس بر روی یک عکس و بسیاری کارهای دیگر

1- ADOBE

را می‌توانید از طریق این نرم‌افزار انجام دهید. کارهایی که با این نرم‌افزار می‌توانید انجام دهید، را باید شخصاً مشاهده و تجربه کنید تا به قدرت و امکانات این نرم‌افزار ایمان بیاورید.

اما از هر نوع نرم‌افزاری که استفاده کنید، در بسیاری از موارد به کمک کامپیوتر می‌توانید کارهایی روی عکس‌های خود انجام دهید که در سابق غیر ممکن بودند و شاید به دلیل عدم وجود امکان اصلاح این‌گونه عکس‌ها، آنها به درد هیچ کاری نمی‌خوردند و به باد فراموشی سپرده می‌شدند.

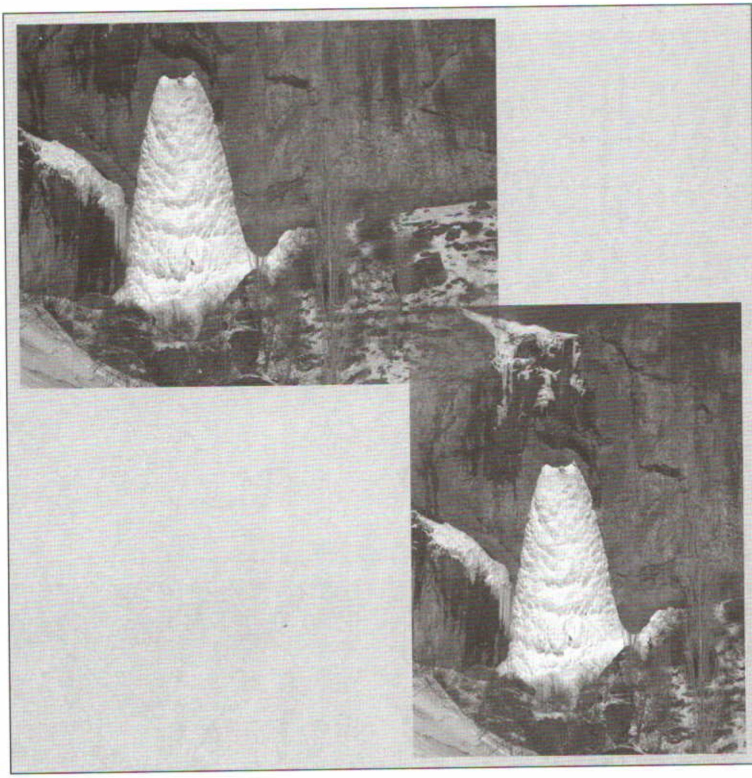
۶۹ـ کادربندی‌های پرتره و منظره را امتحان کنید

با توجه به اینکه قطع عکس نهایی اکثر دوربین‌ها امروزه ، قطعی مستطیلی است، مثل قطع 15cm × 10 که قطع استانداردی برای بیشتر عکس‌هایی که چاپ می‌شوند، است و چشمی دوربین، قطع فیلم یا اندازه عکس ما بر روی چیپس تصویری دیجیتال یک مستطیل است، در هنگام گرفتن عکس هم باید این نکته را در نظر داشته باشیم که چه نوع کادربندیی برای عکس یا سوژه ما مناسب است.

برای گرفتن عکس با اکثر دوربین‌هایی که وجود دارند و به آنها ۱۳۵ می‌گویند، می‌توان از دو نوع کادربندی استفاده کرد. این دو نوع کادربندی عبارتند از کادربندی منظره که عبارت از مستطیلی عریض است و کادربندی پرتره که مستطیلی دراز با ارتفاع کوتاه است. برحسب شکل و شمایل و انواع دوربین‌هایی که دیده‌ایم و تجربه کرده‌ایم، اکثر مردم با کادربندی منظره عکاسی می‌کنند، چرا که بیشتر به آن عادت دارند. اما این کادربندی برای همه نوع سوژه‌ای مناسب نیست. برای حالت‌هایی که سوژه شما چیزی عریض و پهناور است مثل مناظر طبیعی، ساختمان عریض، اتومبیل، تابلو و ... بهترین کادربندی برای نمایش این‌گونه سوژه‌ها کادر منظره است. اما در حالت‌هایی که سوژه شما چیزی مرتفع و بلند است مثل درخت، ساختمان بلند، انسان و ... بهتر است که از کادربندی پرتره استفاده شود.

به‌طور کلی اینطور می‌توان بیان کرد که برای سوژه‌های عریض و وسیع کادر منظره و برای سوژه‌های بلند کادربندی پرتره مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما همیشه استثناءهایی وجود دارند که باعث عدم اجرای این قانون می‌شوند و این نظر عکاس است که با توجه به چیزی که در سر دارد و نیز موقعیت سوژه در هنگام عکاسی، کادربندی اصلی خود را انتخاب کنند. اما هرگاه در موقعیتی قرار گرفتید که

نمی‌دانستید که کدام کادربندی برای سوژه شما مناسب می‌باشد، سعی کنید که از هر دو نوع کادربندی برای عکاسی استفاده کنید و بعد از آماده شدن عکس‌ها آنها را مقایسه کنید و بهترین را انتخاب کنید.



- **بیشتر وقت‌ها، این سوژه است که مشخص می‌کند از چه نوع کادربندی استفاده کنیم. ولی در صورت وجود هرگونه شک می‌توانید با هر دو این کادربندی‌ها عکس بگیرید و سپس انتخاب کنید. مانند دو عکس بالا که از مخروط یخ آبشار چشمه‌شاهی گرفته شده‌اند.**

۷۰ـ در عکاسی از بچه‌ها، دوربین را به‌موازات چشم آنها بگیرید

عکاسی کردن از بچه‌ها دارای ویژگی‌های خاص خود است که حتماً کسانی که در این زمینه کار کرده باشند، آن را متوجه شده‌اند. یکی از این نکات، مسئله موازی قرار دادن دوربین با چشم بچه‌ای است که در حال عکاسی از او هستید. چرا باید این نکته را در نظر داشت؟ زیرا که قد بچه‌ها کوچک‌تر از افراد بزرگسال است. معمولاً ما عادت داریم که عکس را به صورت ایستاده بگیریم و دوربین را در سطح چشمان خود نگاه داریم. در این حالت زمانی که یک نفر بزرگسال از کودکی عکس می‌گیرد، چنانچه ایستاده باشد و دوربین در سطح چشم او قرار داشته باشد، عکس نهایی از کودک چیز مطلوبی از آب در نخواهد آمد چرا که از نظر پرسپکتیوی، قد و قواره بچه با تناسب در عکس ظاهر نمی‌شود.





در این‌گونه عکس‌ها سر بچه بزرگتر از سایر قسمت‌ها خواهد بود، زیرا به دوربین نزدیک‌تر است و بقیه قسمت‌ها بسیار کوچکتر و حتی غیر طبیعی ظاهر خواهند شد. برای رفع این مشکل در نظر بگیرید که از کودک در چه حالتی می‌خواهید عکس بگیرید. اگر او روی زمین نشسته یا ایستاده است، شما هم بنشینید یا دو زانو روی زمین قرار بگیرید تا موازی صورت او واقع شوید. اگر او روی صندلی یا مبل نشسته است پس شما هم روی صندلی روبروی او بنشینید و عکس خود را بگیرید.

چنانچه کودک در حد نوزاد است و قادر به نشستن نیست، او را روی تخت یا میزی بخوابانید و موازی او قرار بگیرید و عکس خود را بردارید. در این حالت چنانچه او به پشت روی زمین قرار گرفته باشد، می‌توانید بالای سر او قرار بگیرید و عکاسی کنید، اما در این حالت هم مسئله موازی بودن دوربین با چشم نوزاد را در نظر داشته باشید.

۷۱ـ خطها را در عکس به صورت مورب نشان دهید

از هر صحنه یا سوژه‌ای که بخواهید عکاسی کنید، مطمئناً دارای چیزهایی جانبی و کناری می‌باشد که در عکس ظاهر خواهند شد. به این چیزها عناصر عکس می‌گویند. اگر در عکسی که می‌خواهید بگیرید چیزهایی از سوژه یا عناصر عکس وجود دارند که به شکل خط در عکس نهایی ظاهر خواهند شد (مثل یک جاده، رودخانه، ردیف درختان و ...)، در صورت امکان و خارج نشدن عکس شما از چهارچوب واقعیت، به جای اینکه خطها به صورت افقی یا عمودی در عکس نهایی ظاهر شوند، طوری عکس خود را کادربندی کنید که آنها به صورت قطری یا مورب در عکس شما ظاهر شوند، یعنی خط از یک گوشه عکس به طرف گوشه دیگر امتداد داشته باشد. این کار از نظر ترکیب‌بندی عکس باعث پویاتر و زیباتر شدن عکس شما خواهد شد.

همان‌طور که گفته شد، مقصود از خط در عکس یعنی یکی از عناصر عکس شما که از یک نقطه تا نقطه‌ای دیگر در عکس امتداد دارد. به عنوان مثال چنانچه در عکس خود مسیر رودخانه، خیابان، ردیف درخت، نرده و چیزهایی از این قبیل را داشته باشید، آنها را به صورت موازی با لبه‌های عکس قرار ندهید، چرا که در این حالت عکس شما بسیار یکنواخت و ایستا خواهد شد. علت چنین چیزی این است که چشم بهتر می‌تواند چیزهایی که به صورت مورب و قطری باشند، را دنبال کند (مخصوصاً که از گوشه پایین و چپ عکس به طرف گوشه بالا و راست عکس ادامه داشته باشد).

به جز سوژه‌هایی که در بالا به پاره‌ای از آنها اشاره شد، خیلی از چیزهای دیگر نیز هستند که می‌توان آنها را در عکس به صورت قطری نشان داد. به عنوان مثال زمانی



■ **خط حرکت این کشاورز و اسب خود به صورت مورب است که پویا بودن را نشان می‌دهد، اگر این خط موازی طول یا عرض عکس می‌شد، به چیز ایستایی تبدیل می‌شد.**

که از یک شاخه گل تصمیم به عکاسی دارید، به عوض قرار دادن آن در مرکز عکس و به صورت راست و مستقیم، آن را طوری کادربندی کنید که به صورت مورب از یک گوشه عکس به گوشه مقابل کشید شده باشد. در همین رابطه در هنگام عکاسی از سوژه‌های انسانی به صورت پرتره، سر افراد را از گردن کمی متمایل به طرف گوشه عکس خم کنید و سر سوژه به صورت صاف و مستقیم نباشد. از همین روش مورب قرار دادن خطوط در عکس می‌توانید حتی برای عکاسی از اشیاء بزرگی مثل یک خودرو و یا چیزهای کوچک نیز استفاده کنید. البته در صورت هر گونه شک و شبهه‌ای می‌توانید یک عکس هم به صورت عادی از سوژه خود بگیرید و سپس آنها را با هم مقایسه کنید.

در بالا گفتیم که این نوع ترکیب‌بندی خط‌ها در هنگام عکاسی، باید با واقعیت‌های موجود سازگار و همخوانی داشته باشد و تا آنجایی از این روش

استفاده شود که جنبه‌های واقعی عکس مخدوش نشوند. یک ساختمان که در حالت واقعی چیزی صاف و قائم هست را نمی‌توان به صورت مورب نشان داد مگر اینکه ساختمان از جایی که عکس را می‌گیرید به همان شکل دیده شود. همین امر در مورد خط افق آب دریا و چیزهای مشابه صدق می‌کند که نمی‌توان آب را به صورت کج در عکس آورد. درختی که تنه آن صاف به آسمان رفته باشد، زمانی که به صورت مورب عکاسی شود، حتماً چیز زیبایی نخواهد شد ولی درختان بسیاری در جنگل هستند که اصولاً کج از زمین بیرون آمده‌اند و عکاسی آنها و مورب نشان دادن آنها، تولید هیچ اشکالی نخواهد کرد و آنها را زیباتر نشان خواهد داد.

۷۲ـ عکاسی را از جنبه تئوری هم یاد بگیرید

عکاسی هنری است که از دو جنبه تکنیکی و هنری تشکیل شده است. بخشی از آن هنری است و بستگی به ذوق و ابتکار و قریحه هر فرد دارد. هر کسی بسته به استعداد هنری خود پس از مدتی کوتاه یا طولانی در آن تجربیاتی کسب می‌کند و کیفیت عکس‌های خود را بهبود می‌بخشد. اما بخش دیگر آن مسایل تکنیکی عکاسی است که حتماً باید مثل هر مسئله تکنیکی دیگر آموخته شوند و فرد به عنوان یک اندوخته فکری از آن بهره ببرد.

جنبهٔ تکنیکی عکاسی در این نکته خلاصه می‌شود که هر فرد علاقه‌مند به عکاسی تئوری عکاسی را بشناسد و بداند که در زمان گرفتن عکس و بعد از آن چه اتفاقی می‌افتد که یک فکر گرفتن عکس، تبدیل به سوژه‌ای بر روی عکس می‌شود. در حقیقت یک عکاس باید بداند که نور چه تأثیری روی فیلم و یا چیپس دوربین دیجیتال دارد و دوربین عکاسی (از هر نوعی که باشد)، چگونه در مقابل نور واکنش نشان می‌دهد و باعث پدید آمدن عکس می‌شود؟ یک عکاس باید بداند که چه فرقی بین دوربین‌های مختلف و امروزی عکاسی‌های مختلف آنالوگ و دیجیتال، وجود دارد و لنزهای مختلف در این رابطه چگونه عمل می‌کنند و برای چه منظورهایی تولید می‌شوند.

زمانی که فردی در شناخت تئوری عکاسی تبحر پیدا کند، می‌داند که نور و کیفیت آن چقدر در عکاسی مهم هستند و در شرایط نامناسب که نور کافی وجود ندارد، از چه طرقی می‌توان شرایط مطلوب عکاسی یا نورپردازی مناسب صحنه را انجام داد. یک علاقمند به عکاسی باید شناخت از وسایل جانبی عکاسی داشته باشد و بداند که در چه زمانی باید از آنها استفاده کند. نکات مطرح شده و مسایلی

مانند آنها، در حقیقت تئوری عکاسی را تشکیل می‌دهند که هر فردی با گذشت زمان و گرفتن عکس‌های بیشتر، باید اطلاعات خود را در مورد آنها عمیق‌تر کند.

زمانی که شما اطلاع کافی از تئوری عکاسی داشته باشید، حتماً سعی می‌کنید که از آن در عکاسی خود استفاده کنید و آنها را از تئوری به مرحله عمل در بیاورید. اما زمانی که فردی اطلاعی از این نکات نداشته باشد یا پاره‌ای از آنها را بلد باشد، بنابراین نمی‌تواند خوب عکاسی کند. حتی اگر مدرن‌ترین تجهیزات عکاسی را به باذوق‌ترین فرد بدهند ولی او نداند که چگونه باید آنها را به کار ببرد و یا به نحو احسنت از آنها استفاده کند، مطمئناً از نظر تکنیکی نخواهد توانست که عکس‌های خوب و مناسبی بگیرد.

امروزه با رواج عکاسی دیجیتال، مسئله تکنیکی عکاسی از اهمیت بالاتری برخوردار است. کسی که می‌خواهد عکاسی دیجیتال بکند، حتماً باید اطلاعات جامع و وسیعی از مراحل مختلف تبدیل نور به عکس یا فایل دیجیتالی، درجه وضوح عکس و دوربین، چاپ کردن عکس دیجیتالی بر روی کاغذ، انواع مختلف فایل‌ها و انبوهی از اطلاعات الکترونیکی و دیجیتال داشته باشد، چرا که در غیر این صورت نخواهد توانست که خوب عکاسی کند. عکاسی دیجیتال کار گرفتن عکس را ساده کرده است، این یک مسئله کلی است. همه اینها بر می‌گردد به آن لحظه‌ای که شما تکمه شاتر دوربین دیجیتال را فشار می‌دهید و چند لحظه بعد عکس خود را روی مونیتور مشاهده می‌کنید. اگر عکس خوب شده باشد، آن را حفظ و در غیر این صورت آن را پاک می‌کنید. اما این همه چیزهایی که درباره عکاسی دیجیتال صدق می‌کند، نیست. کار اصلی فرد بعد از این مرحله شروع می‌شود و برای تبدیل عکس گرفته شده به عکس مطلوب، کارهای زیادی باید انجام شوند که همه آنها اطلاعات تکنیکی ما را به مبارزه می‌طلبند و اگر در این زمینه اطلاعات جامع یا کاملی نداشته باشیم، در کار عکاسی خود فرد ناموفقی خواهیم بود.

چندی پیش یکی از دوستان علاقه‌مند به عکاسی، یک سی دی حاوی عکس‌هایی را که گرفته بود و تصمیم داشت با کمک آنها یک نمایشگاه عکس برپا نماید را به من داد تا با دیدن آنها نظرم را درباره عکس‌ها و اینکه کدام یک از آنها در

نمایشگاه آورده شوند، بدهم. پس از دیدن عکس‌ها بر روی کامپیوتر مشاهده کردم که عکس‌های زیبایی هستند. سپس اندازه آنها برای چاپ یعنی 300dpi تنظیم کردم و دیدم که ابعاد واقعی برای چاپ ۱۷cm × ۱۳ بودند که واقعاً اندازه کوچکی برای نمایشگاه است و متأسفانه دوست بنده بدون اطلاع از این موضوع، تصمیم داشت که نمایشگاهی از آنها بر پا کند. در نتیجه عدم اطلاع از مسئله تکنیکی در مورد چاپ عکس‌های دیجیتال تمام فکرهایش در مورد تشکیل نمایشگاه نقش بر آب شدند. البته این فقط یک مورد از صدها مثال در مورد لطماتی که انسان بابت عدم اطلاع از مسائل تکنیکی متحمل می‌شود، است. از این قبیل مسایل در بعد بزرگتر زیاد رخ می‌دهند.

۷۳ـ عکاسی در روزهای ابری و مه آلود را فراموش نکنید

معمولاً در گذشته‌های دور توصیه می‌شد که در زمانی که خورشید در آسمان بالا آمده است و در پشت سر ما قرار دارد و نور خورشید آن را روشن کرده است، از سوژه خود عکس بگیریم و عکاسی در روزهای ابری و بارانی جالب نمی‌شوند. به همین دلیل خیلی‌ها با دیدن شرایط جوی بارانی، به دوربین خود مرخصی می‌دادند و عکاسی را تعطیل می‌کردند.

اما این مربوط به گذشته‌های دور، است یعنی زمانی که دوربین‌ها به مدرنی دوربین‌های امروزی نبودند، لنزها آن چنان پیشرفته نبودند و نمی‌توانستند تصاویر شارپ و خوبی عرضه کنند و فیلم‌های عکاسی بسیار محدود و دارای حساسیت فیلم‌های امروزی نبودند. امروزه با پیشرفت تکنولوژیکی که ابزارها و مواد اولیه عکاسی کرده‌اند، در هر شرایطی می‌توان عکس‌های جالبی از سوژه‌های مختلف تهیه کرد.

یکی از سوژه‌های جالب برای بسیاری از عکاسان آماتور، گرفتن عکس در روزهای ابری و مه آلود است. در این روزها باران با شستن گرد و غبار و دودی که روی اکثر اشیاء فضاهای خارجی را پوشانده است، باعث تمیز شدن و براق شدن سطح آنها می‌شود. معمولاً یک سری نقاط مثل کف خیابان‌ها و معابر که در زمان خشک بودن جلوه خاصی در عکس ایجاد نمی‌کنند، در این زمان بسیار جالب می‌شوند و در عکس‌ها به شکل زیبایی پدیدار می‌گردند. سوژه‌های کوچکی مثل گل‌ها و برگ درختان یا مجسمه‌های یک پارک و ... با رنگ‌هایی پاستل و زیبا در عکس مشاهده می‌شوند.

توجه داشته باشید که در روزهای بارانی و ابری، در عکس‌های خود قسمت



زیادی از آسمان را نیاورید، چرا که در وهله اول آسمان در این روزها یک‌پارچه سفید است و جلوه خاصی ندارد و ثانیاً به دلیل سفیدی بیش از حد آسمان، خطر گول خوردن نورسنج دوربین زیاد است و ممکن است طوری نورسنجی عکس شما انجام شود که عکس نهایی تیره از آب در بیاید. در روزهای ابری و بارانی کنتراست عکس‌ها کم می‌شود. بنابراین برای غلبه بر این مشکل می‌توان اجزاء دارای تون تاریک و رنگ‌های قوی را در پیش‌زمینه و نزدیک دوربین قرار داد. گل‌های روشن و یا سایه برگ درختان می‌توانند تا حدی کنتراست را بالا ببرند. برای محو کردن سفیدی آسمان در این روزها یا آن را در عکس نیاورید و یا با فیلترهای دو رنگ تدریجی قسمت آسمان را تیره کنید.

صحنه‌های مه آلود پائیزی یا بهاری هم از چیزهای جالب برای عکاسی هستند.

در عکاسی از این صحنه‌ها بهتر است که در حالتی باشید که عناصر دیگر مثل انسانها، درختان، مجسمه و ... در ترکیب با مه قرار بگیرند و متفقاً جلوهٔ خاصی را ایجاد کنند. فقط صرف اینکه یک صحنه مه آلود است، نمی‌تواند چیز جالبی باشد مثل مه‌ای که یک خیابان را پوشانده است. اما زمانی که یک ماشین یا انسان درون صحنه مه آلود به حرکت در می‌آید و یا در آن وجود دارند به ابهام آن کمک می کند.

از نقاطی که می‌توان در آنجا مه زیادی را مشاهده کرد، مناطق جنگلی مرتفع است که بر اثر تبخیر باران یا رطوبت موجود و یا حرکت ابرهای ارتفاعات پایین در جنگل، همیشه می‌توان مه را در آنجا مشاهده کرد. حتی در صبح زود هم در بعضی از این مناطق می‌توان شاهد بخار آب در حال صعود بود که به شکل مه در عکس‌ها ظاهر می‌شوند. بنابراین در سفرهایی که از جنگل‌های مرتفع رد می‌شوید حتماً دوربین خود را آماده داشته باشید و سریع عمل کنید چرا که صحنه رویایی پیش روی شما ممکن است چند ثانیه‌ای بیشتر دوام نداشته باشد.

نکته مهم در عکاسی از صحنه‌های دارای رطوبت حفاظت دوربین در مقابل رطوبت است. اگر هوا در حال باریدن باشد و یا در منطقه‌ای که تازه باران آمده است حرکت می‌کنید که خطر ریزش آب بر روی دوربین وجود دارد، مثل منطقه‌ای جنگلی، حتماً دوربین خود را در یک کیسه پلاستیکی قرار دهید و فقط قسمت لنز آن را سوراخ کنید و یک کش نازک به دور لنز بیندازید تا آب به درون لنز یا دوربین نفوذ نکند. همچنین در روزهای مه‌آلود چنانچه در نزدیکی مه قرار داشته باشید، خطر بخار کردن لنز دوربین وجود دارد. بنابراین قبل از اینکه عکس بگیرید، حتماً لنز خود را کنترل کنید که دارای بخار آب نباشد. چنانچه بنا به هر دلیلی، بدنه یا لنز دوربین شما بخار کرد یا خیس شد، حتماً با یک پارچه نرم، قطره‌های آب را پاک کنید و نگذارید که آب به درون دوربین نفوذ کند.

۷۴ـ همه عناصر درون چشمی دوربین را خوب تماشا کنید

عکاس ممکن است در زمان گرفتن عکس و نگاه کردن به سوژه از درون چشمی دوربین، تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار بگیرد و توجهی به چیزهایی که اضافی هستند و در کناره‌های عکس ظاهر می‌شوند، ننماید. در نتیجه با تمرکز روی سوژه اصلی، عناصر ناخواسته‌ای در عکس بیایند که باعث خراب شدن و از اعتبار افتادن عکس بشوند. مثلاً در بسیاری از مواقع دیده شده است که به دلیل عدم توجه به تمام چیزهایی که در چشمی و یا در حقیقت کادر عکس مشاهده می‌شوند، بند دوربین یا کلاه عکاس هم در گوشه‌ای از عکس آمده است و در نتیجه با ضایع کردن قسمتی از عکس، کل آن را از اعتبار انداخته‌اند. این مسئله برای کسانی که عکاسی دیجیتال می‌کنند و از طریق مشاهده تصویر بر روی مونیتور عکس خود را کادربندی می‌کنند حادتر است، چرا که در مواقعی که نور شدید به مونیتور تابیده می‌شود، چشم انسان قادر به دیدن جزئیات و یا کل عکس بر روی صفحه نیست و فقط با تاریک کردن اطراف مونیتور می‌توان تصویر روی آن را مشاهده کرد.

اصولاً بسیاری از عکاسان تازه کار طوری از درون چشمی دوربین به سوژه نگاه می‌کنند که انگار در پشت دستگاه نشانه‌روی تفنگ قرار گرفته‌اند و باید مرکز چشمی دوربین را روی سوژه اصلی تنظیم کنند و اگر نگاهی به اطراف آن بیندازند، هدف را گم می‌کنند. در این‌گونه موارد است که انسان بدون اینکه متوجه باشد، عناصر دیگری هم در کادر او می‌آیند که در عکس نهایی خود را نشان می‌دهند.

بعضی مواقع چیزی غیر ضروری می‌تواند حتی شیء نباشد و مقداری نور اضافی یا انعکاس آن باشد که عکس را خراب نماید. مثلاً در زمانی که از یک سوژه در جنگل در حال عکاسی هستید، در حالی که روی سوژه اصلی خود در مرکز چشمی تمرکز کرده‌اید، بخشی از نور تند خورشید که از لابلای درختان عبور کرده است می‌تواند در



■ **چیز مزاحمی که در گوشهٔ پایین سمت راست در عکس آمده است، کلاه می‌باشد که در لحظه عکاسی به دلیل توجه بیش از حد به مرکز عکس دیده نشده است.**

گوشه یا منطقه‌ای از عکس ظاهر شود و یک نقطه از عکس را به کلی سفید نماید.

بنابراین در هنگام عکاسی و قبل از اینکه تکمه شاتر را فشار دهید، همه صحنه از بالا تا پایین و از چپ تا راست را در نظر بگیرید. آیا همه چیزهایی که می‌بینید، باید در عکس بیایند؟ اگر عکس گروهی از خانواده یا دوستان خود می‌گیرید، وجود یک صندلی خالی یا لباسی که در گوشه‌ای افتاده است و هیچ موردی هم برای آمدن آن در عکس وجود ندارد نیز می‌تواند عکس شما را خراب کند. بنابراین با کمی دقت و حوصله، آنها را خارج و یا در زمانی که امکان تغییر و جابه‌جایی چیزی وجود ندارد، محل و جای خود را تغییر دهید تا از زاویه دیگری عکس مناسب خود را بردارید و البته در هنگام عکاسی چیزهایی مثل بند دوربین، دست یا کلاه خود را در نظر داشته باشید.

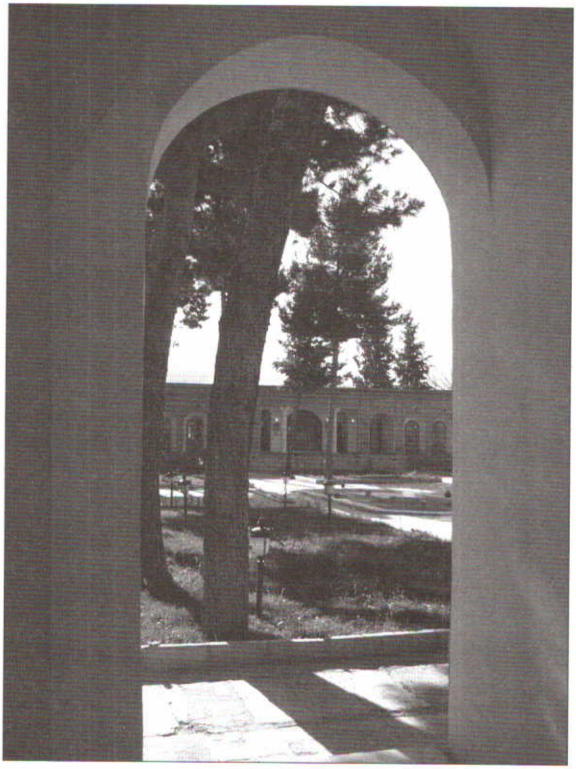
در صورتی که بنا به هر دلیلی عناصر ناخواسته‌ای در عکس شما ظاهر شدند، می‌توانید از طریق یک نرم‌افزار ویرایش عکس آنها را پاک و یا آن قسمتی که در عکس قرار دارند را ببرید. اما از آنجایی که از قدیم گفته‌اند که: "کار بد مصلحت آن است که هرگز نکنیم"، بهترین کار، کنترل همه عناصر از درون چشمی و جلوگیری از به وجود آمدن چنین حالتی است.

۷۵ـ کادربندی عکس را با استفاده از عناصر آن انجام دهید

کادربندی کردن یک سوژه مسئله مهم و تا اندازه‌ای پیچیده و هنری است که نیاز به کمی دقت و تبحر در عکاسی دارد و در صورت تمرین و کار عملی در این زمینه، فرد در آن مهارت و تجربه به دست خواهد آورد. واضح است که جهت قرار دادن سوژه در عکس، شما یک کادر مستطیل یا مربع (بستگی به نوع دوربینی که استفاده می‌کنید)، در اختیار دارید که می‌توانید سوژه خود را در آن قرار دهید. اما این که کادر عکس چه قسمت‌هایی از سوژه را در بر بگیرد و چه قسمت‌هایی از صحنه را در خارج عکس قرار دهد، مسئله‌ای است که به کادربندی عکس مربوط می‌شود.

بعضی با توجه به کادری که دارند، سوژه خود را در مرکز عکس قرار می‌دهند و نورسنجی می‌کنند و عکس خود را می‌گیرند. خیلی‌ها هم با توجه به مطالبی که در این کتاب گفته شد، سوژه خود را در نقاطی موسوم به نقاط طلایی قرار می‌دهند. اما راه‌های دیگری هم برای کادربندی سوژه شما وجود دارند که از جملهٔ آنها می‌توان به کادربندی با استفاده از عناصر عکس اشاره کرد. در این حالت باید در اطراف و حوالی سوژه خود بچرخید و با پیدا کردن چیزهایی جانبی سوژه اصلی خود را در مرکز این اشیاء جانبی طوری قرار دهید که آنها کادر پیرامونی عکس را تشکیل دهند.

به عنوان مثال در زمانی که از یک بنای تاریخی و قدیمی عکس می‌گیرید، شاید پیدا کردن حفره یا سوراخی که دوربین از میان آن به طرف سوژه اصلی گرفته شود، راه خوبی برای کادربندی ساختمان باشد. در این حالت در حقیقت این خود عناصر عکس هستند که آن را کادربندی کرده‌اند. همین امر را می توان در هنگام عکاسی از طبیعت انجام داد. شاید درختان بتوانند با احاطه کردن سوژه اصلی، پیرامون آن را در بر بگیرند و کادری به دور سوژه شما ایجاد نمایند. شکل بسیار عادی کادربندی را حتماً در عکس‌هایی دیده‌اید که از طریق قرار دادن دوربین در



■ **ایوان‌های کناری قلعه والی ایلام، محل مناسبی برای کادربندی عکس منظره حیاط آن هستند.**

پنجره، درگاهی دری که محیط خارج آن بسیار روشن‌تر است سوژه اصلی را کادربندی می‌کنند و به این ترتیب عکس دارای کادری سیاه می شود که سوژه اصلی درون این محوطه سیاه قرار می‌گیرد.

استفاده از عناصر عکس برای کادربندی چیزی است که پس از مدتی عکاسی کردن و تجربه و جستجو در اطراف سوژه خود به دست خواهید آورد و هیچ فرمول از قبل تعیین شده‌ای برای آن وجود ندارد. اما سعی کنید که در عکس‌هایی که از این پس بر می دارید با استفاده از کادربندی های غیرمعمول عکس های بهتری بگیرید.

۷۶ـ قبل از گرفتن عکس، سوژه خود را مطالعه کنید

گرفتن عکس برای اکثر ما، یا از قبل قابل پیش‌بینی است، مثل زمانی که تصمیم به عکاسی در مسافرت یا یک میهمانی داریم و یا به صورت اتفاقی انجام می‌شود که از قبل قابل پیش‌بینی نیست. در هر حالتی که کسی می‌خواهد عکسی بگیرد، مطالعه سوژه از چیزهایی است که قبل از گرفتن عکس باید انجام شود.

اولین کار بعد از کشف سوژه این است که به هوس "گرفتن عکس با اولین نگاه" غلبه کنید. آیا واقعاً چیزی که در نگاه اول زیبا به نظر می‌آید، پس از کمی تأمل و بررسی هنوز زیبا به نظر می‌رسد؟ آیا سه بعدی بودن بینایی ما باعث نمی‌شود که سوژه زیبا به نظر برسد؟ دست را روی یک چشم خود بگذارید و مجدداً به سوژه نگاه کنید. در این حالت تصویر به صورت دوبعدی دیده می‌شود، آیا در این حالت هم تصویر کماکان زیبا دیده می‌شود؟

سپس سوژه را از درون چشمی دوربین یا روی مونیتور مشاهده کنید. در این حالت سوژه چگونه به نظر می‌رسد؟ آیا از نظر پرسپکتیو، یعنی ابعاد چیزهایی که در دور و نزدیک واقع شده‌اند، بازهم سوژه شما درست به نظر می‌رسد؟ یعنی در این حالت یک گل که در نزدیکی دوربین واقع شده و بسیار بزرگتر از درختی است که دورتر واقع شده است، مسئله مهمی در عکس ایجاد نمی‌کند؟

مسئله بعدی زاویه دیدی که تصمیم به عکاسی دارید، است. در نظر بگیرید که چه زاویه‌ای برای کار شما مناسب خواهد بود. زاویه‌ای بسیار بالا یا بسیار پایین؟ شاید در لحظه‌ای که شما سوژه را با چشمان خود رویت می‌کنید، این نکته مسئله مهمی را تشکیل ندهد ولی دلیل نمی‌شود که روی عکس هم، چنین باشد. انتخاب زاویه دید باید طوری باشد که با نوری که به سوژه می‌تابد، همخوانی داشته باشد. در

غیر این صورت باید منتظر شد و در وقت دیگری عکاسی کرد.

سوای سوژه اصلی که در مرکز توجه عکاس قرار دارد، رابطه آن با اجزای پیرامونی و نیز پس‌زمینه‌ای که برای آن وجود دارد نیز مسایل مهمی هستند که باید مورد توجه عکاس باشند. آیا از عناصر فرعی که در عکس وجود دارند، چیزی هست که به رنگ جذب‌کننده چشم، مانند قرمز یا نارنجی باشد؟ در صورتی که رنگ سوژه شما عادی باشد ولی چیزهایی که در اطراف آن هستند به رنگ‌هایی مثل قرمز، نارنجی یا سایر رنگ‌های مشابه باشند، مطمئناً چشم به سراغ این عناصر خواهد رفت و سوژه اصلی در مرتبه دوم اهمیت قرار می‌گیرد.

بافت و ترکیب سوژه هم از چیزهای مهمی هستند که باید قبل از عکاسی به آن توجه کرد. در یک عکس ممکن است که بافت سوژه شما مهم باشد، مثل سطح یک برگ گل یا تنه درخت. در این‌گونه مواقع باید جهتی که نور به سوژه می‌تابد، درست باشد تا بافت آن در عکس برجسته بشود. نور در این‌گونه مواقع باید از کنار به سوژه بتابد تا با ایجاد سایه بر روی سوژه موجب تشخیص بافت برای بیننده شود.

در پایان باید از موضوع نور که در اصل مهم‌ترین عنصر در نشان دادن سوژه است، صحبت کرد. آیا برای عکاسی از سوژه حاضر نور به اندازه کافی موجود است یا مجبور به استفاده از فلاش هستید؟ در این حالت تداخل نور فلاش با نور طبیعی چه تغییری در سوژه شما به وجود می‌آورد و آیا سایه‌هایی در پس زمینه تشکیل می‌شوند یا نه؟ در صورتی که سایه سوژه در عکس به وجود بیاید، آیا باعث کم اعتبار شدن سوژه می‌شود یا اینکه آن را برجسته‌تر نشان می‌دهد؟

به لیست عواملی که باید قبل از گرفتن عکس از سوژه مورد مطالعه قرار گیرند، کماکان می‌توان نکات زیادی از جمله مسئله رنگ، کنتراست، هارمونی و ... را اضافه کرد. نکاتی که ذکر شدند در حقیقت تذکراتی بودند تا عکاس صرف زیبا دیدن سوژه‌ای دست به دوربین نبرد و بدون مطالعه عکاسی نکند. در به‌وجود آوردن عکس خوب عوامل زیادی دخالت دارند که قبل از زده شدن شاتر باید آنها را در نظر گرفت، چرا که بعد از گرفتن عکس، بسیاری از نقائص موجود آن را نمی‌توان با هیچ نرم‌افزاری اصلاح، حذف یا پاک کرد.

۷۷ـ در عکس خود کنتراست ایجاد کنید

عکس نهایی شما باید دارای کنتراست باشد، وگرنه عکس جالبی نخواهد شد. کنتراست به معنی اختلاف بین نقاط روشن و تاریک در عکس است و چنانچه عکس شما فاقد نقاط روشن باشد، خیلی سیاه و تیره خواهد شد و تشخیص جزئیات عکس در آن امکان‌پذیر نخواهد شد. اگر عکس فاقد نقاط تاریک باشد، عکس شما چیزی روشن و یک‌نواخت خواهد بود و چیز زیبایی در آن مشاهده نمی‌شود.

کنتراست عکس چیزی است که قبل از گرفتن عکس باید آن را در نظر گرفت و حتماً عکاس باید این مسئله را در ذهن خود بررسی کند که آیا عکس نهایی او دارای کنتراست خواهد شد یا نه و سپس اقدام به گرفتن عکس کند. علی‌رغم اینکه امروزه بعد از گرفتن عکس می‌توان با کامپیوتر کارهای زیادی روی عکس انجام داد و بعضی از اشکالات را رفع کرد ولی متاسفانه برای ایجاد کنتراست در عکسی بدون کنتراست، کار زیادی نمی‌توان انجام داد. در حقیقت در عکسی که دارای کنتراست کم هست شاید بتوان کنتراست را زیاد کرد ولی برای عکس فاقد کنتراست نمی‌توان کنتراست ایجاد کرد. به عنوان مثال اگر صحنه‌ای برفی وجود داشته باشد و شما از آن صحنه عکس گرفته باشید و عناصر یا چیزهایی در عکس نباشند تا در مقابل سفیدی باعث ایجاد کنتراست شوند، در نتیجه از طریق کامپیوتر هم نمی‌توان در آن عکس کنتراست ایجاد کرد. همین‌طور در عکس ضدنوری که دارای کنتراست بالایی است، اگر نقاط روشنی وجود نداشته باشد، دیگر کاری زیادی برای آن نمی‌توان انجام داد.

در بعضی از حالات، عکاس می‌تواند با تغییر و جابه‌جایی عناصر عکس، کنتراست بیشتری در عکس ایجاد کند. مثلاً در عکاسی طبیعت بی‌جان، پرتره،



■ **چه در عکاسی رنگی و چه در سیاه و سفید، اگر عکس شما دارای کنتراست نباشد، به صورت چیزی یکنواخت و بی‌روح در می‌آید.**

صنعتی و تبلیغاتی با جابه‌جایی سوژه‌ها، تعویض رنگ پس‌زمینه عکس‌ها، کم یا زیاد کردن نور در قسمت‌هایی از صحنه عکاسی، تغییر رنگ اشیاء و ... می‌توان کنتراست را بیشتر یا کمتر کرد ولی در عکاسی از صحنه‌هایی مثل طبیعت، صحنه را نمی‌توان تغییر داد. در اینجا باید زاویه دید را عوض کرد و یا عکاسی را به زمان دیگری موکول کرد تا با استفاده از نور زمانی دیگر به کنتراست لازم رسید.

توجه داشته باشید که نور خورشید به عنوان منبع اصلی نور طبیعی دنیای ما، نقش مهمی در ایجاد کنتراست دارد. زمانی که نور خورشید به سوژه‌ای می‌تابد مطمئناً سوژه شما از کنتراست بالاتری (در مقایسه با زمانی که نور خورشید به آن نمی‌تابد)، برخوردار است، مثل قبل از طلوع و بعد از غروب آفتاب. همین نکته در مورد روزهای ابری صدق می‌کند که به دلیل عدم وجود نور خورشید، کنتراست عکس‌های شما تحت نور هوای ابری پایین می‌آید. در این مورد خاص برای غلبه بر مشکل، می‌توان اجزاء دارای تون تاریک و رنگ‌های قوی را در نزدیک دوربین یا پیش‌زمینه قرار داد، مثل گل‌های دارای رنگ روشن و یا سایه برگ درختان که می‌توانند کنتراست را تا حد زیادی بالا ببرند.

در عکاسی سیاه و سفید که فقط دو رنگ سیاه و سفید و مجموعه‌ای از تون‌های خاکستری در آن وجود دارد، ایجاد کنتراست یعنی فاصله زیاد در تون‌های خاکستری در عکس و عکسی از نظر کنتراست با محتوا خواهد بود که تون‌های خاکستری زیادی داشته باشد. برای به وجود آوردن کنتراست زیاد در این عکس‌ها از جابجایی سوژه و نور و فیلترهای مختلف می‌توان کمک گرفت.

در عکاسی رنگی کنتراست اصل مهمی را تشکیل می‌دهد چرا که اگر کنتراست در عکس کم باشد، رنگ‌ها در عکس کم شده و تصویر چیز یک‌نواختی از آب در می‌آید و اگر کنتراست زیاد باشد، تصویر تند و تیره خواهد شد و جزئیات زیادی از رنگ در آن دیده نخواهد شد. در عکاسی رنگی با قرار دادن رنگ‌هایی که دارای کنتراست هستند در کنار یا مقابل یکدیگر می‌توان به کنتراست لازم دست پیدا کرد. به عنوان مثال قرار دادن یک گل زرد با پس زمینه آبی آسمان، کنتراست بالایی را در عکس ایجاد خواهد کرد تا اینکه گل زرد شما دارای پس زمینه‌ای نارنجی باشد. همچنین یک سوژه به رنگ سبز در مقابل سوژه‌ای به رنگ قرمز کنتراست بیشتری ایجاد می‌کند تا در مقابل رنگ آبی.

۷۸ـ برای بهتر عکاسی کردن عکس‌های زیادی ببینید

یکی از ساده‌ترین و ارزان‌ترین راهها برای بهتر عکاسی کردن این است که انسان عکس‌های زیادی را ببیند و از آنها چیزهای مختلفی را یاد بگیرد. البته اکثر مردم علاقه زیادی به دیدن عکس (به‌طور کلی) دارند. غیر ممکن است که آلبوم عکس شما در دیدرس میهمان یا دوستی باشد ولی او تقاضای دیدن عکس‌های آن را از شما نکند. اما این بیشتر یک حس کنجکاوی است مبنی بر اینکه چه افرادی در عکس‌های شما هستند، در چه نقاطی آنها را انداخته‌اید و به چه مناسبت‌هایی بوده‌اند و غیره. جالب این است که حتی افرادی که به گرفتن عکس علاقه‌ای هم ندارند، مشتاق دیدن عکس هستند و حتماً روی بسیاری از عکس‌ها مکث کرده و اظهار نظری می‌نمایند.

اما چیزی که منظور من است کاملاً با دیدن عکس توسط افراد عادی فرق می‌کند. شما با توجه به اینکه علاقمند عکاسی کردن هستید و به نسبت توان خود در این راه سرمایه‌گذاری کرده‌اید، حتماً دارای ایده‌هایی هستید و نیاز به ایده‌هایی هم دارید که بتوانید معلومات عکاسی خود را عمیق‌تر کنید. دیدن عکس‌های دیگران می‌تواند راهی باشد برای به دست آوردن ایده‌های بیشتر و جدیدتر و غنی کردن آنها. با مشاهده عکس‌های دیگر می‌توانید نکات تکنیکی که دیگران در عکس‌های خود به کار برده‌اند را ببینید. نورسنجی، کادربندی و جنبه‌های فتوژنیک عکس را در نظر بگیرید و بفهمید که چرا فلان عکس خوب و یا چرا بد شده است. توجه داشته باشید که لزوماً نباید عکس‌های خوب و زیبا را تماشا کنید، بلکه کارهای دوستان و عکاسانی که در آغاز راه هستند نیز می‌توانند به شما کمک کنند. سپس می‌توانید ایده‌ها و اطلاعاتی که با دیدن عکس‌ها به دست آورده‌اید را در عکس‌های خود

استفاده کنید. یعنی هم ایده‌های خوب عکس‌های درست و زیبا را استفاده کنید و هم اشتباهاتی که دیگران مرتکب شده‌اند را انجام ندهید.

مشاهده کارهای دیگران برای یادگیری بیشتر و بهتر عکاسی کردن، اصلاً به معنی کپی‌برداری نیست و اصلاً هم قرار نیست که یک عکاس با ذوق و خلاق در زمینه ایجاد کارهای اصیل خود، کار دیگران را کپی یا تقلید نماید. متأسفانه این عادت بد در بین ما ایرانیان وجود دارد و این عمل سهل الوصول و ساده همیشه خیلی‌ها را وسوسه می‌کند که کار دیگران را "بدزدند".

علاوه بر دیدن عکس‌های دوستان و نزدیکان که در بالا به آن اشاره شد، شما همچنین می‌توانید با مطالعه مجلات و کتاب‌های عکاسی، بازدید از نمایشگاه‌های عکس و از همه مهمتر مشاهده کارهای عکاسان خارجی در اینترنت، کارهای دیگران را ببینید و نکاتی که آنها در عکس‌های خود مراعات کرده‌اند را در نظر بگیرید و از آن نکات در ایجاد و خلق عکس‌های خود استفاده کنید. به نظر من در هیچ دوره‌ای از تاریخ بشریت، دسترسی به اطلاعات در مورد هر رشته‌ای این‌قدر ساده و قابل دسترس نبوده است. و در هیچ زمانی هم یک چنین حجم اطلاعاتی برای یادگیری در زمینه‌های مختلف و از جمله عکاسی، موجود نبوده است. از اینرو شما که به تازگی کار عکاسی را شروع کرده‌اید، آدم بسیار خوشبخت و موفقی خواهید بود (البته اگر تلاش‌های لازم را به خرج دهید).

تا دو دهه پیش چیزی به نام نمایشگاه کتاب در این کشور به شکل گسترده و بین المللی وجود نداشت، اما امروزه در اردیبهشت هر سال می‌توانید مجموعه‌ای از آخرین کتاب‌های ارایه شده (از جمله در عکاسی) را با یک بازدید از نمایشگاه مشاهده کنید. در سال‌های پیش به ندرت نمایشگاه عکسی برگزار می‌شد ولی امروزه در بسیاری از شهرها می‌توان در فرهنگسراها و گالری‌ها از نمایشگاه‌های مختلف عکس بازدید کرد و آخرین کارهای علاقه‌مندان عکاسی را تماشا کرد. بنابراین اگر از عکاسی خود ناراضی هستید، ناامید نباشید، برای یادگیری عکاسی از طریق کارهای دیگران، دنیایی از تجربه در مقابل شما قرار دارد که همت، پشتکار و ذوق شما را به مبارزه می‌طلبد.

۷۹ ـ تا می‌توانید عکس بگیرید

در زبان ما ضرب المثلی وجود دارد که می‌گوید : "کار نیکو کردن از پرکردن است." این امر در عکاسی هم صدق می‌کند و هر فرد علاقمند عکاسی باید با هر چه بیشتر عکس گرفتن آن را در عمل اجرا کند. عکاسی یا هر هنر دیگری صرفاً مجموعه‌ای از مطالب تئوری و تعریف نیستند که با حفظ کردن آنها بتوان آن هنر را آموخت و در آن تبحر به دست آورد، بلکه تئوری عکاسی در خدمت عمل است. هر چقدر که از تئوری عکاسی اطلاع داشته باشید، تا زمانی که دوربین به دست نگیرید و از سوژه‌های دلخواه خود عکس نگیرید و سپس نتیجه کار خود را در عمل مشاهده نکنید، نمی‌توانید عکاس خوبی بشوید.

مطمئناً هر کسی در پیاده کردن تئوری در عمل، اشتباه یا اشتباهاتی را مرتکب می‌شود و چیزهای مهمی را از قلم می‌اندازد. بعد از مشاهده نتیجه کار است که می‌توان کار خود را بررسی کرد و نتیجه‌های مثبت و منفی از آن گرفت. بنابراین اگر علاقه‌مند عکاسی کردن هستید و از کارکردن در این رشته هنری لذت می‌برید، تا می‌توانید عکس بگیرید و به نتیجه کار خود با دیدی انتقادی برخورد نمایید و نظر دیگران را در مورد عکس‌های خود جویا شوید. در جریان این بررسی‌هاست که اطلاعات عکاسی شما بیشتر و از اشتباهات خود در عکاسی آگاه خواهید شد.

تبدیل یک ایده به تصویر معمولاً از چهار مرحله عبور می‌کند، مرحله اول تجسم، مرحله دوم برآورد، مرحله سوم اجرا و مرحله چهارم مرور و مطالعه. فقط در پایان مرحله چهارم است که شما می‌توانید از نتیجه کار خود اطلاع حاصل کنید و تجربه به دست بیاورید و این امر ممکن نمی‌شود مگر با گرفتن عکس‌های بیشتر و بررسی آنها.

اگر با دوربین‌های آنالوگ عکاسی می‌کنید، حتماً در هر برنامه عکاسی خود، فیلم

به اندازه کافی داشته باشید و به دنبال پیدا کردن سوژه و عکاسی کردن از آن باشید. به این اکتفا نکنید که اگر یک عکس گرفته‌اید کافی است، بلکه سعی کنید که از زاویه‌های مختلف از آن عکس بگیرید. در استفاده فیلم، خسیس بودن را کنار بگذارید و با خیال راحت عکاسی کنید. قیمت فیلم در ایران در مقایسه با کشورهای دیگر بسیار پایین است و اگر فیلم‌های خود را به صورت کلی تهیه کنید، حتماً پول کمتری پرداخت خواهید کرد. به‌طور کلی سعی کنید که در یک برنامه یک روزه عکاسی، حداقل یک حلقه فیلم مصرف کنید. البته لزوماً همه عکس‌های شما خوب نخواهند شد و نیازی هم نیست که شما همه آنها را چاپ نمایید. با گرفتن یک کنتاکت از عکس‌های خود، می‌توانید عکس‌های زیبا را انتخاب و آنها را چاپ نمایید و کنتاکت را هم به عنوان آرشیو عکس خود نگهداری نمایید.

از آنجایی که باید عکس‌های زیادی بگیرید، بنابراین تعداد عکس‌های خراب شما هم بیشتر خواهد شد، اما نگران نباشید. اگر از یک حلقه فیلم چندین عکس کامل و بی‌عیب و نقص به دست بیاورید، می‌توانید روی عکس‌های خود حساب کنید. البته این چیزی نسبی است، یعنی ممکن است فردی معتقد باشد که همه ۳۶ قطعه عکس او خوب و زیبا هستند و زیبایی از نظر او با زیبایی از نظر کسی دیگر فرق داشته باشد.

اگر عکاسی دیجیتال می‌کنید، دست شما برای گرفتن عکس‌های بیشتر بازتر خواهد بود. اما این نکته را در نظر داشته باشید که تعداد زیادی عکس خراب گرفتن و پاک کردن آنها هنر نیست. در اینجا هم باید همه مراحل و شرایط عکاسی را اجرا کرد و عکس خود را با در نظر گرفتن کلیه قوانین و ضابطه‌های عکاسی گرفت و چنانچه عکسی خراب از آب در آمد آن را پاک کرد و یا جزو عکس‌های خوب به حساب نیاورد.

در هر حالتی سعی کنید که عکس خود را خوب بردارید، چرا که ممکن است لحظه عکاسی زیاد دوام نیاورد و یا سوژه شما متحرک باشد و ناپدید شود و دیگر به آن دسترسی نداشته باشید.

البته گرفتن عکس‌های زیاد و افزایش حجم آنها، مسئله آرشیو کردن آنها را هم به وجود می‌آورد که دیر یا زود باید از طریق انواع وسایل آرشیوی که وجود دارند، به فکر ایجاد آرشیو طبقه‌بندی شده عکس‌های خود باشید.

۸۰ـ از اشتباهات خود درس بگیرید

می‌گویند: کسانی اشتباه نمی‌کنند که در گوشه‌ای بنشینند و از خانه خود بیرون نیایند. اما برای من و شمایی که علاقه‌مند عکاسی کردن هستیم، گوشه خانه نشستن معنی و مفهومی ندارد، و بعضی مواقع اشتباه، جزیی از کار ما خواهد بود. اما برخورد و نگرش ما به اشتباه است که می‌تواند سازنده آینده بهتر یا بدتری باشد.

همان‌طور که در طول این کتاب و کتابها و مقاله‌ها و بحث‌های دیگر در مورد عکاسی متوجه شده‌اید، برای گرفتن عکس فقط یک عامل، مثلاً جالب بودن سوژه دخالت ندارد، بلکه چهار عامل هستند که برای خلق یک تصویر زیبا عمل می‌کنند. این چهار عامل عبارتند از: ۱ـ توانایی تکنیکی یا فنی در عکاسی، ۲ـ قدرت تخیل، ۳ـ سوژه‌ای خوب، و ۴ـ لحظه تصمیم‌گیری. هر کدام از ما برای گرفتن عکس باید از توانایی فنی، قدرت تخیل و قدرت تصمیم‌گیری در لحظه درست برخوردار باشیم و در عین حال سوژه ما هم چیز جالبی باشد. با توجه به شرایطی که هر کدام از ما ممکن است با آن درگیر باشیم و یا سبک کارهای مختلفی که داریم، برای گرفتن هر عکسی ممکن است بدون اینکه خود بخواهیم دچار اشتباه یا اشتباهاتی بشویم.

در هر کاری مهم این است که اشتباهی صورت نگیرد، اما این یک چیزی کلی است. در هر سطحی از عکاسی که باشیم، حتماً مواجه با اشتباهاتی از جانب خود می‌شویم که باعث می‌شوند تا نتیجه کار ما چیز مطلوبی از آب در نیاید. اما مهم این است که چگونه به اشتباهات خود برخورد می‌کنیم. آیا اشتباهی که در یک برنامه عکاسی مرتکب شده‌ایم، از همان نوعی است که در برنامه قبل با آن مواجه شده بودیم؟ در این صورت ما درسی از اشتباه قبلی خود نگرفته‌ایم، بلکه فقط به تکرار اشتباه خود پرداخته‌ایم. در بسیاری حالات تکرار اشتباه است که بزرگترین فاجعه می‌باشد.

من چیزی که در رابطه با کارهای عکاسی افراد پیرامون خود دیده‌ام این است که بعضی مواقع عنوان می‌کنند که :" ... نمی‌دانم که چرا همیشه عکس‌های من .... می‌شوند؟" و وقتی که می‌پرسم که چند وقت است که چنین حالتی بر روی عکس‌ها به وجود می‌آید، اظهار می‌کنند که:" یک سال یا شش ماه!!" یعنی که یک سال یا شش ماه است که اشتباهی دایماً تکرار می‌شود، بدون اینکه فرد به دنبال رفع آن باشد.

به نظر من برای جلوگیری از به وجود آمدن و یا رفع اشتباهات بهتر است که هر کسی بدون هیچ‌گونه غروری، نظر نقادانه و انتقادی به عکس‌های خود داشته باشد. پس از هر برنامه عکس‌های خود را مرور کنید، نقاط قوت و ضعف آنها را بررسی کنید و ببینید که کدام قسمت بر دیگری برتری دارد. آیا واقعاً این عکس‌ها نیازهای عکاسی شما را برآورده کرده‌اند؟ آیا فکر می‌کنید که مسایل مختلف عکاسی که در این کتاب و مقالات مختلف فراگرفته‌اید، در مورد آنها اجرا شده‌اند؟ سپس از دوستان و کسانی که نظر آنها را قبول دارید، در مورد عکس‌های خود سئوال کنید. حتی مردم عادی هم می‌توانند در مورد عکس‌های شما نظر بدهند. عکاسی، هنری است که هر کسی بدون هیچ‌گونه اطلاعات درباره آن می‌تواند مصرف کننده این هنر باشد. با توجه به وسایلی که امروزه در دسترس هستند، می‌توانید از طریق یک سی‌دی به راحتی مجموعه عکس‌های خود را روی کامپیوتر یا صفحه تلویزیون نمایش دهید و یا از طریق ایمیل آنها را برای دوستان خود ارسال و نظر آنها را جویا شوید.

پا را از این مرحله هم فراتر بگذاریم، چنانچه امکان برگزاری نمایشگاه و یا شرکت در نمایشگاهی را داشته باشید، سعی کنید که در آن شرکت و نظر افراد مختلف را درباره عکس‌های خود جویا شوید. بازهم متذکر می‌شوم که امروزه وسایل و راههای مختلفی برای نمایش و عرضه عکس وجود دارند که اینترنت یک از آنهاست. اگر امکانات ایجاد سایت را دارید، سعی کنید که عکس‌های خود را در سایت یا سایت‌هایی به نمایش بگذارید و صفحه مخصوص اظهار نظر درباره آنها را ایجاد کنید. به این طریق متوجه خواهید شد که دیگران درباره عکس‌های شما چگونه فکر می‌کنند.

مطمئناً اگر شما دیدی انتقادی نسبت به عکس‌های خودتان داشته باشید، حتماً راه‌های مختلفی را برای رفع اشتباهات خود تجربه خواهید کرد.

۸۱ـ خط افق را موازی لبه‌های عکس بگیرید

در بعضی از عکس‌هایی که در فضای خارجی گرفته می‌شوند، چنانچه وضوح دوربین روی بی‌نهایت یا فاصله‌ای دور باشد، افق هم در عکس ظاهر خواهد شد. افق یا خط افق در حقیقت محلی است در دور دست که آسمان با زمین تلاقی پیدا می‌کند. وقتی که خط افق در عکس ظاهر شود، طبیعتاً چشم ما انتظار آن را دارد که خط افق را به صورت موازی و مسطح با سطح زمین ببیند، مگر اینکه در دور دست‌ها، خط افق از سلسله کوهی تشکیل شده باشد که ارتفاع آن به تدریج زیاد شود.

بسیاری از مواقع به دلیل تمرکز بیش از حد عکاس بر روی سوژه اصلی، که معمولاً از طرف بیشتر افراد در مرکز عکس قرار داده می‌شود، مسئله افق و چگونه قرار دادن آن در عکس به باد فراموشی سپرده می‌شود. در نتیجه در عکس نهایی، فرد یا شیئی را ملاحظه می‌کنید که دنیا در پشت سر او به شکل کجی نمایان است و همراه با آن بسیاری از عناصر عکس هم به شکل غیر منطقی ظاهر شده‌اند، مثل درختانی که کج به آسمان رفته‌اند و از همه بدتر دریاچه‌ای که کج است ولی آب آن سرازیر نمی‌شود.

برای اجتناب از به‌وجود آمدن چنین مسایلی سعی کنید که خط افق را موازی با لبه بالایی یا پایینی عکس بگیرید. در این حالت تا حد زیادی به واقعیت موجود در صحنه نزدیک شده‌اید. بعضی مواقع تنظیم خط افق از درون چشمی یا مونیتور دوربین سخت است و یا سطحی که روی آن قرار دارید دارای شیب است و نمی‌توانید دوربین را موازی با سطح صاف بگیرید. سعی کنید از یک سه‌پایه ترازدار استفاده کنید. این‌گونه سه‌پایه‌ها دارای محفظه مایع تراز هستند که با تراز نمودن سه‌پایه می‌توانید مطمئن شوید که خط افق در عکس موازی با لبه عکس خواهد



■ **عدم توجه به موازی شدن خط افق با لبه‌های عکس می‌تواند باعث به وجود آمدن عکس‌های غیرمنطقی مانند این عکس بشود. آب این برکه نباید کج عکاسی می‌شد، چرا که در عالم واقعیت نمی‌تواند چنین باشد.**

بود. البته حتی در این حالت هم سعی کنید که نگاهی به منظره، از طریق چشمی یا مونیتور دوربین داشته باشید و خط افق را کنترل کنید.

اما اگر بنا به هر دلیلی خط افق در عکس شما کج ظاهر شد، می‌توانید با استفاده از یک نرم‌افزار ویرایش عکس، خط افق را به صورت تراز با لبه پایینی یا بالایی آن در بیاورید. این کار زیاد سخت نیست و بهترین راه اصلاح این خطاست.

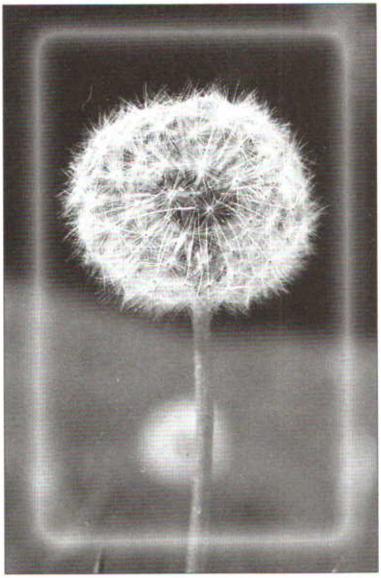
۸۲ـ سعی کنید که موضوع مخصوصی را برای عکاسی انتخاب کنید

اغلب افرادی که به شکل آماتوری عکاسی می‌کنند، در ابتدای کار از هر چیز و هر موضوعی عکس می‌گیرند، چون فکر می‌کنند که به تصویر کشیدن سوژه‌هایی که انتخاب کرده‌اند جالب است. آنها در عین حال انداختن اولین عکس‌ها را تجربه و تمرین می‌کنند. اما بعد از کار کردن در محدوده عامی به نام عکاسی، ممکن است که فرد، علاقه‌مند به عکاسی سوژه‌ها و موضوعات بخصوصی بشود که به نظر من هم باید چنین باشد. یعنی انسان بعد از کمی تبحر به دست آوردن در عکاسی، به سوژه‌های خاصی گرایش پیدا می‌کند که از آن به بعد این تیپ سوژه‌ها موضوع عکاسی او را تشکیل می‌دهند.

در این رابطه بعضی افراد علاقه‌مند عکاسی منظره، بعضی پرتره، بعضی ماکرو، بعضی کار در استودیو و ... می‌شوند. موضوعات بیشماری برای انتخاب موضوع عکاسی وجود دارند و فقط سلیقه و علاقه شماست که تعیین می‌کند که از چه موضوعی بیشتر عکاسی کنید. شاید در زندگی عادی خود در یک مهد کودک مشغول به کار باشید، در نتیجه سوژه‌های زیادی از کودکان اطراف خود خواهید داشت و شاید در محیط روستا یا شهری کوچک زندگی کنید و جلوه‌های زیبایی از طبیعت در اطراف شما باشند که به عکاسی از آنها علاقه‌مند شوید. اکثر عکاسان فعال دنیا سعی می‌کنند که به یک موضوع وابسته شوند و در عکاسی از آن تبحر به دست بیاورند. چندی پیش یک کتاب عکاسی خارجی را دیدم که عکاس موضوع عکاسی خود را "ریشه"ها قرار داده بود و در سرتاسر کتاب فقط عکس‌های ریشه‌های درختان در حالت‌ها و فصل‌های مختلف چاپ شده بودند.

شما هم که با تهیه این کتاب قصد بالا بردن معلومات عکاسی خود را دارید، بهتر است که محدوده کاری خود را مشخص کنید. بدین وسیله در وهله اول می‌دانید که به چه تجهیزاتی برای عکاسی مورد علاقه خود نیاز دارید و سرمایه‌گذاری روی

تجهیزات دیگر نخواهید کرد. کسی که می‌خواهد عکاسی پرتره بکند، حتماً به فلاش و منبع نور مصنوعی نیاز دارد و باید آن را تهیه کند ولی برای عکاسی منظره به چنین چیزی نیاز نیست. علاوه بر این، بدین‌وسیله سوژه‌های خود را بهتر خواهید شناخت و سعی می‌کنید که با مطالعه در مورد آنها، اطلاعات خود را بیشتر کنید و از این اطلاعات در عکاسی‌های بعدی خود حتماً استفاده کنید؛ مثل اینکه در چه شرایط نوری عکاسی از سوژه شما بهتر صورت می‌گیرد، در چه نقاطی سوژه مورد علاقه شما بیشتر یافت می‌شود و چه کسانی علاقه‌مند به تهیه عکس از این تیپ سوژه‌ها هستند و غیره. ثالثاً استفاده از عکس‌های شما برای عرضه یا فروش، آسان‌تر خواهد بود و فردی که علاقه‌مند به عکس‌های شماست، مجبور نیست که در میان انبوهی از عکس‌های مختلف به دنبال عکس مورد علاقه خود باشد. و بالاخره اینکه انسان آنقدر بررسی و تجربه انجام می‌دهد که می‌تواند در مورد موضوع عکاسی مورد علاقه خود صحبت کند. بحث درباره یک بخش از عکاسی جالب‌تر از صحبت کردن در مورد همه موضوعات عکاسی به‌طور عام می‌باشد.



■ **برای عکاسی خوب و درست، نیازی نیست که سوژهٔ شما از شخص یا چیزی مهم تشکیل شده باشد، حتی یک گل سادهٔ قاصدک هم می‌تواند سوژهٔ شما را تشکیل بدهد و باعث عکسی زیبا برای شما بشود. در وهلهٔ اول شما باید موضوع خاص عکاسی را برای خودتان پیدا کنید.**

بنابراین اگر در عکاسی هنوز اولین گام‌ها را بر می‌دارید، سعی کنید که در جریان رشد معلومات و کسب تجربه، موضوع مورد علاقه خود را انتخاب کنید و فعالیت خود را بیشتر روی آن متمرکز نمایید. مطمئناً پس از مدتی کارکردن روی موضوع خاصی، حرف‌های زیادی (هم در تئوری و هم در عمل) برای گفتن خواهید داشت.

۸۳ـ اثرات بصری عکس را در نظر داشته باشید

علاوه بر مسایل تکنیکی که در این کتاب در مورد آنها زیاد صحبت شده است و نیز شما از کتاب‌های دیگر و یا تجربه خودتان آنها را به دست آورده‌اید، چندین مسئله دیگر از جنبه زیباتر شدن عکس موجود می‌باشند که هر عکاسی در هنگام گرفتن عکس باید به آنها توجه کند. این اثرات عبارتند از سادگی، رنگ، نور و عمق.

سادگی به معنی آن است که عکس شما نباید مملو از عناصری باشد که دیدن و درک آنها برای بیننده مشکل باشد و وقت زیادی از او را بگیرد. هر عکسی دارای سوژه‌ای مرکزی است که کانون توجه عکاس بوده و باید پیام عکاس را در سریع‌ترین زمان و به بهترین شکل منتقل کند. همراه با سوژه اصلی، چیزهایی کناری و جانبی هم در عکس یافت می‌شوند که به عناصر فرعی عکس معروف هستند. در هنگام عکاسی توجه داشته باشید که تعداد یا فرم قرار گرفتن این عناصر فرعی به شکلی نباشد که سوژه اصلی در عکس گم شود. همه چیز در اینجا باید در خدمت بهتر نشان‌دادن سوژه اصلی باشد.

در هر عکسی، عکاس باید نهایت کوشش را به خرج دهد تا رنگ‌های سوژه را به همان صورت واقعی منعکس کند. عکسی که فاقد رنگ زنده باشد، چیز بیروح و خسته کننده‌ای خواهد بود و درک درستی از سوژه را به بیننده منتقل نمی‌کند. اگر شما عکاسی رنگی می‌کنید، باید در هر مرحله از عکاسی، ایجاد رنگ در عکس خود را در نظر داشته باشید و رنگ‌های عکس خود را به شکل درستی نمایش دهید.

همان‌طور که تا به حال در مورد نور صحبت کرده‌ایم، این پدیده نقش بارزی را در هر عکس بازی می‌کند و سرمنشاء پیدایش یک عکس است. با توجه به موقعیت صحنه و لحظه‌ای که عکاسی می‌کنید، عکس شما باید از نور کافی برخوردار باشد تا

سوژه را در درست نمایش دهد. عکسی که دارای نور درست نباشد، در حقیقت نمی‌تواند تصویری واقعی از سوژه برای بیننده عرضه کند و در نتیجه فردی که عکس را می‌بیند، فقط بخشی از واقعیت را می‌بیند.

عمق، چهارمین رکن اثر بصری عکس روی بیننده است. در حقیقت با مشاهده عمق است که فرد بیننده می‌تواند تصوری سه بعدی از سوژه یا صحنه به دست آورد. اصلاً مهم نیست که این عمق زیاد یا کم باشد، بلکه مسئله مهم این است که عمقی در عکس وجود داشته باشد و بیننده آن را درک کند. عمق در عکس پرتره نسبت به عکس منظره بسیار کم است، اما زمانی که عکس پرتره حتی این عمق کوچک را هم نداشته باشد، تصویر شما به چیزی مسطح و صاف تبدیل می‌شود که ما در دنیای سه بعدی خود کمتر شاهد چنین چیزهایی هستیم. مثلاً در هنگام عکاسی با فلاش روی دوربین، عکس ما تصویری مسطح از فردی که در جلوی دوربین ایستاده است ارایه می‌دهد و انگار که همه چیزهای صورت و بدن روی یک سطح صاف قرار دارند. در صورتی که اگر نورپردازی درستی برای عکس پرتره صورت بگیرد، می‌توان با ایجاد سایه‌هایی روی صورت به عمق لازم و مورد نیاز در عکس دست پیدا کرد.

چهار اثر بصری که در بالا از آنها صحبت شد را در عکس‌های خود به کار گیرید تا کیفیت عکس‌های شما بالا بروند و تأثیر قابل ملاحظه‌ای روی بیننده ایجاد کنند.

۸۴ـ دیدن از نگاه دوربین را یاد بگیرید

همه وسایل ساده و پیچیده عکاسی در خدمت یک هدف هستند: ایجاد تصویر. اما علی‌رغم اینکه آنها ممکن است مدرن یا فوق مدرن به نظر برسند در یک چیز مشترک هستند : آنها نمی‌توانند خود ببینند یا فکر کنند.

ما در زندگی روزمره خود استفاده زیادی از چشم‌های خود می‌کنیم. در هر لحظه چشم‌های ما تصاویر زیادی را تحت شرایط مختلف نوری می‌بینند، که حتی بسیاری از آنها خیلی زود فراموش می‌شوند. فکر گرفتن عکس از آنجایی در ما به وجود می‌آید که تصمیم به ثبت این لحظه‌ها و صحنه‌هایی که در زندگی روزمره خود مشاهده می‌کنیم، می‌گیریم.

در باب عکاسی صحبت‌های زیادی از جنبه‌های مختلفی بیان شده است و چیزی که در خیلی از این بحث‌ها می‌توان دید این است که عکاسی را به چشم انسان تشبیه می‌کنند. مخصوصاً وقتی صحبت از دیافراگم باشد این قسمت از دوربین را دقیقاً به مردمک چشم تشبیه کرده و نقاط اشتراک آنها را نشان می‌دهند. متأسفانه تشبیه صددرصد دوربین به چشم انسان چیز اشتباهی است و اگر یاد نگیریم که در چه نقاطی بین چشم ما و دوربین اختلاف وجود دارد، ممکن است با اعتماد بیش از حد به دوربین عکاسی، شاهد عکس‌هایی بشویم که نظر ما را تأمین نکنند.

اولین نقطه افتراق بین دوربین و چشم را می‌توان در سطرهای اولیه این بخش خواند، یعنی اینکه دوربین عکاسی نمی‌تواند خود ببیند و یا فکر کند. ما برای دیدن اشیاء نیازی به برنامه از قبل تعیین شده و یا اپراتوری در این زمینه نداریم. کافی است که در حین مطالعه این سطور چشم خود را به طرف پنجره برگردانید و منظره وسیعی از چیزی که در خارج از اتاق هست را ببینید و مجدداً سر خود را به طرف تابلویی

روی دیوار برگردانید و برای دیدن جزئیات تابلو در آن خیره شوید. این مسئله به این سادگی و سرعت برای یک دوربین عکاسی نمی‌تواند اتفاق بیفتد. یعنی شخص عکاس فقط می‌تواند بر مبنای اطلاعات اولیه و پایه‌ای در مورد عکاسی با دوربین، یک عکس درست از پنجره و عکس دیگر از تابلوی روی دیوار بیندازد. هرگونه تشابه سازی در این زمینه بی‌فایده است و نمی‌تواند عکسی خوب از صحنه را ارایه دهد.

دوربین عکاسی دارای شعور و احساس برای حفظ یا حذف چیزی نیست، در صورتی که چشم ما دارای این قابلیت است. اگر شما با دوست خود در خارج ساختمانی در حال صحبت باشید، مسلماً نقطه توجه شما کسی است که با او صحبت می‌کنید و روی چیزهایی که در پشت سر او هستند یا تمرکز نمی‌کنید و یا غیر ضروری تشخیص می‌دهید و به آنها توجه نمی‌کنید. اما این امر در مورد دوربین عکاسی صدق نمی‌کند. اگر به جای چشم‌های شما یک دوربین عکاسی قرار دهند و از دوست شما عکس بگیرند، دوربین همه چیزهای ریز و درشت را روی عکس ثبت خواهد کرد. دوربین به دلیل اینکه فاقد مغز متفکر در مورد تصویر است، علاوه بر دوست شما، سطل زباله، سیم‌کشی ساختمان، کنتورگاز و لوله‌ها را به همان وضوح در عکس منعکس می‌کند و اصلاً در این زمینه فاقد یک شعور متفکر برای حذف چیزهای غیر ضروری است. اجزای غیر ضروری عکس را بیشتر بعد از دیدن عکسی که گرفته‌ایم، متوجه می‌شویم و آنجاست که به نقطه اختلاف مغز خود با دوربین پی می‌بریم. زمانی که چشم ما به چیزی نگاه می‌کند، ما توانایی تمرکز روی نکات جالب و چشم پوشی از نکات فرعی آن را داریم ولی دوربین همه کس و هم چیز را به "یک چشم" می‌بیند.

سومین مسئله در رابطه با دیدن توسط دوربین و دیدن توسط چشم انسان این است که چشم ما همیشه اجسام را سه بعدی می‌بیند و دوربین دوبعدی. ما همیشه با نگاه اول می‌توانیم تصوری از عمق یک جنگل، کلاس درس یا یک گلدان داشته باشیم، ولی برای دوربین اجسام دارای دو بعد طول و عرض هستند و عمقی در کار نیست. در نتیجه اگر قرار باشد که مثل دوربین دنیا را ببینیم، باید تصاویر را مسطح و

به شکل عکس برگردان ببینیم. البته در این رابطه ما سعی می‌کنیم که با استفاده از تکنیک‌هایی، نگاه دوربین را به نگاه خود نزدیک کنیم و نه بر عکس آن!

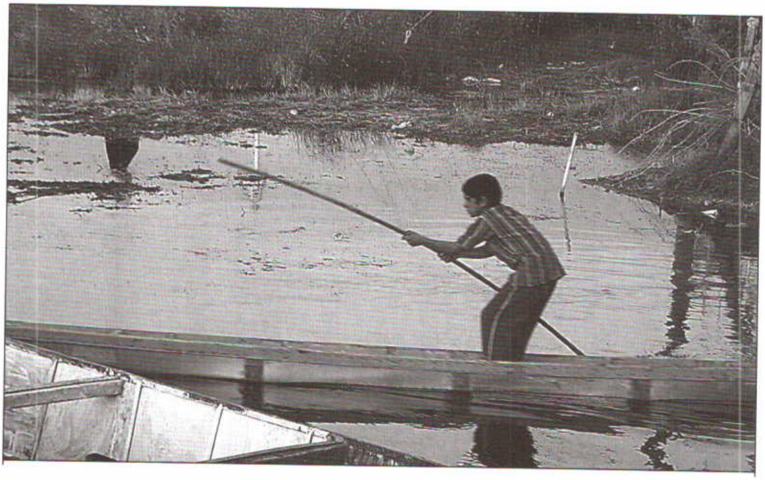
برای تبدیل شدن به عکاسی خوب، باید دیدن از جنبه عکاسی را آموخت. نور، رنگ، فرم، ترکیب بندی اشیاء و ... را باید یاد گرفت و اطلاعات در مورد آنها را ارتقاء داد، چه از دوربینی ارزان استفاده کنیم یا گران قیمت، آنالوگ یا دیجیتال و عکس سیاه و سفید بگیریم یا رنگی.

۸۵ـ عکاسی از مردم را در محیط خود آنها تجربه کنید

یکی از لذت‌های عکاسی، گرفتن عکس‌های طبیعی است، عکس‌هایی که واقعیت را به‌طور کامل نشان دهند و در آنها اثری از چیزهای ساختگی نباشد. در بین انواع سوژه‌هایی که برای عکاسی وجود دارند، عکاسی از انسانها، محل و جایگاه ویژه‌ای را اشغال می‌کند. این عکاسی معمولاً به دو طریق انجام می‌شود، یکی به صورت ژست و فیگور و دیگری به صورت زنده و طبیعی. نوع اول احتیاج به همکاری سوژه دارد ولی نوع دوم خیر. اما برای هر دو نوع سوژه، باید ایده‌ای داشته باشید و از طرف مقابل بخواهید که احساسی را بروز دهد و یا در حین کار از او عکاسی کنید.

نوعی از عکاسی از مردم به شکل عکاسی از آنها در حال کار کردن و زندگی عادی است. در این حالت شاید سوژه هرگز متوجه نشود که از او عکسی گرفته شده است و از این جنبه برای عکاس یک عکس طبیعی باشد. از جمله نقاطی که می‌توان به این شکل عکاسی کرد، محل کار یا زندگی انسان‌ها می‌باشد. افرادی که در حال کار کردن هستند، در حقیقت در حال بازی کردن نقش خود به‌طور طبیعی هستند و اگر در حین کار از آنها عکسی بگیرید، موفق به گرفتن پرتره غیر داوطلبانه شده‌اید.

برای عکاسی کردن از مردم در حال کار، باید از قبل محیطی را که تصمیم به عکاسی در آنجا دارید مطالعه کنید و آگاه باشید که در آنجا سوژه‌های جالبی پیدا خواهید کرد. مطمئناً برای پیداکردن سوژه‌های در حال کار و فعالیت، مشکلی در بسیاری نقاط نخواهید داشت، چرا که انواع و اقسام کارهای رایج (یا در حال محو شدن) را در گوشه و کنار شاهد هستیم. اگر تمایل به گشت و گذار در طبیعت داشته باشید و یا در محیط شهری از بازار محل خود دیدن کنید، با انبوهی از این صحنه‌های گیرا مواجه خواهید شد.



■ **مسلماً عکاسی از این پسر بلم‌ران شادگانی، بسیار جالب‌تر از عکس تنهای او می‌باشد.**

البته برای گرفتن عکس از سوژه‌های در حال کار، حتی می‌توانید در بعضی منازل هم سوژه‌های مشخصی پیدا کنید. کسی که نقاش یا خطاط است، به احتمال زیادی این کار را در خانه خود انجام می‌دهد. شما می‌توانید عکس‌هایی از این تیپ افراد بگیرید و یا آنها را در کنار آثار خود که معمولاً روی دیوار هستند، قرار دهید و عکسی از آنها بگیرید که ارتباط فرد را با کارهایش نشان دهد.

گرفتن عکس از انسان‌هایی در حال کار کردن یا فعالیت روزانه، نیاز به دوربین آماده دارد. در هر جایی که بخواهید این کار را انجام دهید، زمان زیادی برای این کار نخواهید داشت. شاید بر اثر تغییر شرایط، لحظه عکاسی از دست برود. بنابراین با توجه به نور موجود در صحنه، دوربین خود را آماده کنید. در بعضی مواقع باید سعی کنید که با جلب رضایت فردی که قصد عکاسی از او را دارید، کار خود را انجام دهید. در کشور ما دوربین عکاسی و عکاسی از انسانها چیز تحریک کننده‌ای است، مخصوصاً اگر سوژه‌ای که قصد عکاسی از او را دارید یک زن باشد. بنابراین با صحبت با طرف مقابل به او شرح دهید که از چه جنبه‌ای تصمیم به عکاسی دارید و در چه جاهایی از عکس او استفاده خواهد شد. حتی شاید بد نباشد که با گرفتن

آدرس او، عکسی از خود وی را برایش ارسال کنید.

برای عکاسی در این شرایط استفاده از وسایلی مثل فلاش و رفلکتور دست و پاگیر و جلب‌کننده توجه افراد خواهد بود. بنابراین سعی کنید که از نور موجود حداکثر استفاده را ببرید. شاید بهتر باشد که در نقاط تاریک‌تر دوربین خود را روی یک تک پایه سوار کنید تا وقت کمتری را در مقایسه با سه‌پایه، صرف کنید. در این نوع عکس‌ها باید جزئیاتی از صورت در عکس بیایند تا حالت فرد را به نحو بارزی منعکس کنند. بنابراین عکس خود را از زاویه‌ای که نور بیشتری سوژه را روشن کرده است، بگیرید.

۸۶ـ عکاسی پرتره را با برنامه انجام دهید

عکس پرتره عبارت از عکسی است که سوژه و موضوع مرکزی آن یک فرد انسانی باشد. هدف از گرفتن عکس پرتره، نمایش جوهر و وجود فرد است و باید این کار با مطالعه انجام شود. از اینرو هر عکسی که از یک سوژه انسانی گرفته می‌شود، مثل عکس‌های فوری در سفر یا میهمانی‌ها را نمی‌توان جزو عکس پرتره به حساب آورد. برای گرفتن عکس پرتره، هم عکاس و هم سوژه باید از قبل مقدماتی را تهیه ببینند.

سه نوع عکس پرتره وجود دارد: کلوزآپ یا صورت، نیم تنه و تمام قد. در پرتره از صورت، پس زمینه نقش چندانی در زیبایی عکس ندارد، بلکه توجه عکاس باید بیشتر معطوف به صورت و حالت‌های صورت سوژه باشد. ولی در عکس پرتره نیم تنه و یا تمام قد، محیط اطراف سوژه هم نقش مهمی در بهتر شدن عکس دارد و اصولاً عکاس باید با مطالعه و بررسی محیط اطراف، جایی را انتخاب کند که با شخصیت سوژه ارتباط داشته باشد. مثلاً اگر قرار است پرتره یک خیاط گرفته شود، بهتر است که او در همان محیط کارش عکاسی شود تا اینکه روی یک صندلی پارک یا در کنار یک خودرو آخرین مدل.

بعد از مطالعات اولیه در مورد سوژه و محیط پیرامون او می‌توانید متناسب صحنه، وسایل و تجهیزات لازم را برای عکاسی خود مشخص نمایید. مطمئناً اگر قرار باشد که عکاسی به جای فضای آزاد در یک فضای سربسته انجام شود، تجهیزات مورد نیاز هم تا حدی فرق خواهند کرد. شاید به وسایلی مثل سه‌پایه، رفلکتور و فلاش احتیاج پیدا کنید که برای عکاسی در محیط بیرون به آنها احتیاج نداشته باشید. در عوض در هنگام عکاسی در محیط خارجی، زمان و جهتی که نور به سوژه می‌تابد را باید در نظر بگیرید. شاید شما در تمام روز قادر به عکاسی از

سوژه خود نباشید و فقط در ساعات بخصوصی بتوانید عکاسی نمایید.

در این مرحله محیط اطراف یا پس زمینه جایی که قرار است عکاسی صورت بگیرد را چک و کنترل کنید. چیزهایی که منعکس‌کننده نور هستند، مثل آینه، شیشه‌ها و صفحات پلاستیکی را از صحنه دور کنید و یا در صورتی که چنین چیزی امکان ندارد، موضع دوربین را طوری تغییر دهید که آنها در عکس نیایند. اگر در فضای خارجی عکاسی می‌کنید، از عکاسی در زیر نور مستقیم خورشید خودداری کنید.

سر و وضع لباس و ظاهر سوژه را کنترل کنید. چیزهایی مثل لکه، رنگ و ... روی لباس یا بدن و مو نباشند. در وهله اول سعی کنید که طوری وانمود کنید که کاری عادی را برای سوژه انجام می‌دهید تا او دستپاچه نشود و حالت اصلی خود را از دست ندهد.

از سوژه بخواهید که در محل عکاسی بایستد و سپس طرز ایستادن و قرار گرفتن حالت بدن و دستها را کنترل و تنظیم کنید و هم از درون چشمی و هم روی مونیتور به سوژه خوب نگاه کنید. هر اشکالی که وجود دارد در این مرحله آن را رفع کنید. مثلاً اگر سوژه عرق کرده است یا صورت او برق می‌زند، حتماً صورت او را خشک کنید و یا موضع تابش نور را عوض کنید.

سعی کنید که عکاسی خود را با گرفتن پرتره از صورت شروع کنید و چندین عکس در این حالت بگیرید و سپس به حالت نیم تنه و تمام قد بروید. در وهله اول سعی کنید که عکس‌ها ساده باشند و سپس از ژست‌ها و حالت‌های مختلف استفاده کنید. مثلاً می‌توانید تعدادی از عکس‌ها را در حالی که سوژه ایستاده است بگیرید و تعدادی را در حالت نشسته. هم‌زمان خودتان نیز می‌توانید در اطراف سوژه حرکت کنید تا عکس‌های حالت‌های مختلف را از سوژه بگیرید. نیازی نیست که سوژه حتماً به دوربین نگاه کند یا لبخند بزند. اگر سوژه شما اصولاً آدم خنده‌رویی نیست، بنابراین بهتر است که عکس‌های او هم در حالت جدی باشند.

چنانچه با دوربین دیجیتال کار می‌کنید، پس از گرفتن تعدادی عکس، آنها را روی مونیتور نگاه کنید تا از درست بودن آنها اطمینان حاصل کنید و اگر عکاسی آنالوگ می‌کنید، سعی کنید که چندین عکس به روش برکتینگ بگیرید. در صورت نیاز به نور بیشتر می‌توانید از فلاش پرکردن سایه برای بیشتر روشن کردن سوژه استفاده کنید.



شروع با نمای کلوزآپ



در نهایت با نمای تمام قد



ادامه با نمای نیم تنه

۸۷ـ از تقدم شاتر و تقدم دیافراگم دوربین خود استفاده کنید

چنانچه صاحب دوربینی نیمه اتوماتیک و یا مدرن باشید، شاید در آن دو کارکرد مهمی که می‌توانند در عکاسی خلاق مورد استفاده قرار بگیرند، وجود داشته باشد. این دو کارکرد به تقدم شاتر و تقدم دیافراگم مشهور هستند و معمولاً روی گردونه‌ای که سرعت شاتر تنظیم می‌شود یا جایی در آن اطراف به صورت S ، A و یا AV وجود دارند. استفاده از هرکدام از این کارکردها می‌توانند باعث عکاسی درست و خلاق در بیشتر مواقع بشود.

تقدم شاتر یا S به این معنی است که شما بعد از قرار دادن دوربین در این حالت، یک سرعت شاتر برای عکاسی از صحنه حاضر (مثلاً S ۱/۱۲۵) انتخاب می‌کنید. دوربین این سرعت را برای همهٔ عکس‌هایی که می‌گیرید حفظ خواهد کرد و با نورسنجی که از صحنه انجام می‌دهد، با توجه به شرایط نوری حاضر، دیافراگم متناسب این سرعت را انتخاب خواهد کرد. در اینجا شما هیچ نگرانی از جنبه تنظیم دیافراگم نخواهید داشت.

استفاده از این کارکرد در زمانی که در محل ثابت و ایستایی قرار ندارید، مثل زمانی که سوار خودرو، قایق، هواپیما و ... هستید و یا زمانی که باید خیلی سریع عمل کنید و عکس خود را بگیرید و وقت تنظیم دوربین را ندارید، مثل صحنه‌های ورزشی، بسیار مؤثر و مفید است. فقط از قبل باید مشخص کنید که چه سرعتی مناسب صحنه شما خواهد بود. مثلاً در مسابقه ورزشی که قصد عکاسی از آن را دارید چه سرعتی از شاتر، تصاویر افراد را در عکس ثابت نشان خواهد داد؟ و یا لرزش‌های درون خودرو، چقدر ناگهانی و شدید هستند و نیاز به چه سرعت عکاسی دارند تا سرعت شاتر را برای آن تنظیم کنید؟ در بسیاری از حالات که یا سوژه



■ **در صورتی که دوربین شما مدرن یا نیمه مدرن باشد، دارای قسمت برنامه‌ریزی برای تقدم شاتر و دیافراگم و کاملاً دستی خواهد بود که کمک بسیاری در خلاقیت عکس می‌کنند.**

متحرک است یا دوربین، استفاده از این کارکرد می‌تواند باعث نجات عکس‌های شمابشود، چرا که در غیر این صورت، یا بر اثر از دست دادن وقت جهت تنظیم شاتر دوربین، سوژه از بین خواهد رفت و یا بر اثر سرعت اشتباه ممکن است که عکس شما تار بیفتد.

تقدم دیافراگم، A و یا Av به معنی آن است که شما بعد از قراردادن دوربین در این حالت، مقدار دیافراگم را برحسب صحنه و سوژه حاضر تنظیم می‌کنید و بقیه کارها مثل انتخاب سرعت شاتر به عهده دوربین خواهد بود. دیافراگم نقش مهمی در ایجاد عمق میدان عکس دارد و هرچه بسته‌تر باشد عمق میدان بیشتر و هرچه بازتر باشد عمق میدان کمتر خواهد بود. البته عوامل دیگری هم در این امر دخیل هستند که دیافراگم یکی از آنها می‌باشد. در صحنه‌هایی مثل عکاسی منظره، نیاز به عمق میدان بیشتر است و به وضوح عکس کمک می‌کند. هرچه عمق میدان عکس بیشتر باشد، عکس زیباتر خواهد شد. در این‌گونه صحنه‌ها پس از انتخاب بالاترین عدد برای دیافراگم، دوربین سعی می‌کند سرعت شاتر را در تمام این حالات متناسب دیافراگم انتخاب شده، تنظیم نماید. در بعضی از صحنه‌ها نیازی به عمق میدان زیاد نیست و همین قدر که سوژه و کمی از جوانب آن در عکس بیفتند، کافی خواهد بود. عکس‌های پرتره، ماکرو، طبیعت بی‌جان، عکس قطعات صنعتی و ... از این دست عکس‌ها هستند. چنانچه پس زمینه در آنها تار شود، زیبایی و جلوه عکس بیشتر خواهد شد. در نتیجه برای عکاسی از این قبیل سوژه‌ها می‌توانید دیافراگم کاملاً باز یعنی کمترین عدد را برای آن انتخاب کنید و وضوح را روی سوژه اصلی انجام دهید. دوربین در این حالت متناسب با دیافراگم و نور موجود، سرعت شاتر را برای هر

عکس تنظیم خواهد کرد.

امکانات تقدم شاتر و تقدم دیافراگم بر روی بسیاری از دوربین‌های آنالوگ و دیجیتال وجود دارند. چیزی که ممکن است باعث مشکل در کارکردن در این حالت‌ها برای شما بشود، حداقل و حداکثر سرعت شاتر یا بازشدن دهانه دیافراگم لنزهای شما می‌باشد. علاوه بر این موارد، شرایط نوری مشخص هر صحنه را هم باید اضافه کرد که این امکانات در شرایط نوری ضعیف و نامتناسب نمی‌توانند کارکرد خوبی ارایه دهند. در نتیجه اگر با استفاده از این کارکردها، عکس‌هایی مأیوس‌کننده گرفتید، علت اصلی اشکال خود را پیدا کنید و هیچ‌وقت از عکاسی با این کارکردها پشیمان نشوید.

۸۸ـ از امکانات دستی (غیراتوماتیک) دوربین خود استفاده کنید

من خیلی از افراد علاقه‌مند به عکاسی رادیده‌ام که با پرداخت هزینه بالایی یک دوربین خیلی مدرن خریده‌اند که در هنگام عکاسی کردن آن را روی حالت اتوماتیک قرار می‌دهند و به روش اتوماتیک عکس خود را می‌گیرند. حتی بعضی وقت‌ها که با بررسی دوربین آنها متذکر شده‌ام که کارهای بیشتری با دوربین خود می‌توانند انجام دهند، و سعی کنند که از امکانات دیگر دوربین خود هم استفاده کنند، به من پاسخ داده‌اند که : "نه، این دوربین با قسمت اتوماتیک خود عکس‌های خوبی می‌اندازد!" خیلی‌ها را می‌شناسم که هنوز در آغاز راه عکاس شدن قرار دارند و از من در مورد دوربین‌های گران قیمت و لنزها و وسایل مدرن عکاسی سئوال می‌کنند. به نظر من در این مرحله نیاز آنها یک دوربین خیلی مدرن نیست بلکه عمیق‌کردن معلومات عکاسی خود است.

اصولاً هر دوربین، با هر امکاناتی که می‌خرید دارای قیمتی است که در قیمت کل آن، هزینه تک تک تکمه‌ها و کارکردها و چیزهای اضافی حساب شده‌اند و شما و هر مصرف‌کنندهٔ دیگری برای آن پول پرداخت می‌کند و وقتی که شما از این امکانات استفاده نکنید، به معنی آن است که پول خود را دور ریخته‌اید. مثل این می‌ماند که انسان منزلی با شوفاژ بخرد ولی از شوفاژ آن استفاده نکند، علی‌رغم اینکه بخشی از هزینه منزل، قیمت شوفاژ آن بوده است.

روی اکثر دوربین‌های مدرن و نیمه‌مدرن یکی از کارکردهای بسیار عالی، یعنی امکان تنظیم دستی دوربین وجود دارد که دقیقاً نقطه مقابل اتوماتیک است. در کارکرد اتوماتیک، تکنولوژی همهٔ کارها را به عهده می‌گیرد و کار شما فقط گرفتن دوربین به طرف سوژه و فشار دادن تکمه شاتر است. اما در حالت دستی، این شما

هستید که به دوربین امر می‌کنید که چه چیزی را ببیند و چه چیز را نبیند و یا چه چیزی را واضح ببیند و چه چیزی را تار. شما پس از مدتی کارکردن در عکاسی و مطالعه و بررسی عکس‌های خود و دیگران، حتماً به این نتیجه خواهید رسید که دوربین عکاسی یک ابزار است و کسی که حکم می‌کند که این ابزار چگونه ببیند و عمل کند، عکاس است نه دوربین. دوربین در رابطه با دیدن بسیار کورکورانه عمل می‌کند، یعنی نمی‌تواند فکر کند و بهترین فکر را ارایه دهد. اما عکاس می‌تواند این کار را انجام دهد و بعد از فکر کردن، از دوربین خود به عنوان یک ابزار مناسب استفاده کند. هرچه مدرن‌تر بودن دوربین کمکی به بهتر شدن عکس نخواهد کرد، بلکه امکان بهترشدن عکس را بالاتر خواهد برد، فقط بستگی دارد که عکاس چه کسی باشد. این امر درست مثل یک جعبه ابزار است که داشتن آچارهای بیشتر از شما مکانیک نخواهد ساخت، بلکه امکانات کار شما را بالا می‌برد.

وقتی که شما از قسمت تنظیمات دستی دوربین خود استفاده می‌کنید، می‌توانید سرعت شاتر را خودتان تنظیم کنید. در نتیجه می‌توانید حرکت را در عکس منجمد یا آن را نشان دهید. یعنی نشان دهید که آبی روان است، بادی شاخه‌های درختان را تکان می‌دهد و یا کودکی در حال دویدن است. ایجاد این حالت‌ها در عکس، کمک زیادی در زیباتر شدن و گویاتر شدن آن می‌کنند.

در زمانی که دیافراگم دوربین را خودتان تنظیم می‌کنید، می‌توانید عمق میدان زیادی در عکس ایجاد کنید. در نتیجه صف طولانی اتومبیل‌های متوقف شده در ترافیک یک بزرگراه را می‌توانید از خودرو جلویی تا انتهایی به‌طور واضح نشان دهید. شاید هم بخواهید که یکی از خودروهای میانی را در عکس بیاورید و بقیه به صورت تار باشند. در نتیجه در این حالت دیافراگم خود را کاملاً باز می‌کنید تا قسمت‌های جلو و پشت این خودرو تار بیفتند و خودرو مربوطه به شکل واضح و برجسته در عکس ظاهر شود. شاید بخواهید که در عکسی وضوح را روی چیزی خاص انجام دهید، بنابراین در اینجا شما تصمیم می‌گیرید که کدام قسمت واضح باشد نه سیستم اتوفوکوس دوربین.

در قسمت نوردهی به عکس که بخش بسیار مهمی است، این شما هستید که با

تغییر سرعت یا دیافراگم دوربین به منطقه‌ای از عکس نور بیشتر و به نقاط دیگر کمتر نور می‌دهید. شاید سوژه اصلی شما در ضدنور قرار داشته باشد. در حالت اتوماتیک فقط سایه‌ای تند و تیره از سوژه در عکس خود خواهید داشت ولی در حالت دستی می‌توانید آنقدر دیافراگم را باز کنید که سوژه اصلی به‌طور واضح در عکس ظاهر شود.

امکانات کار با قسمت دستی یا غیر اتوماتیک دوربین زیاد است و شما با هر بار عکاسی به قدرت خلاقیتی که در ایجاد عکس داشته‌اید، پی خواهید برد و می‌فهمید که دوربین فقط وسیله‌ای برای دیدن عکاس است. مهمترین چیزی که روی عکس می‌توان دید، نگرش و دید عکاس به سوژه است، یعنی این فکر عکاس بوده است که منجر به ایجاد این عکس گردیده است. بنابراین ضمن استفاده از دوربین به عنوان یک ابزار، سعی کنید که از امکانات دستی آن همراه با فکر خلاق خود استفاده کنید.

۸۹ـ عکاسی با سرعت B را تجربه کنید

روی گردونه شاتر اکثر دوربین‌هایی که سرعت شاتر یا عکاسی در آنها قابل تنظیم است، حرف B به چشم می‌خورد. این حرف حتی بر روی بسیاری از دوربین‌های مدرن دیجیتال که سرعت شاتر آنها قابل تغییر است نیز وجود دارد. این سرعت شاتر در حقیقت سرعت خاصی نیست، بلکه به معنی آن است که عکاس با قرار دادن سرعت در این حالت، می‌تواند تا زمانی که تکمه شاتر را فشار دهد، پرده شاتر دوربین خود را باز نگه دارد و به فیلم یا سنسور نوری دوربین خود نور برساند.

B مخفف Ball به معنی توپ است و این حرف یادگاری از اجداد دوربین‌های امروزی است. در سابق که سرعت شاتر و فیلم دوربین‌ها آهسته بودند، یک شیلنگ بادی به شاتر وصل بود و در انتهای آن یک توپ لاستیکی متصل بود که عکاس برای گرفتن عکس این توپ را فشار می‌داد. براثر فشرده شدن هوا، شاتر زده می‌شد و عکس گرفته می‌شد و بدین ترتیب خطر لرزش دوربین بر اثر تماس دست از بین می‌رفت.

اما امروزه که دوربین‌ها و فیلم‌ها به صورت فوق مدرن درآمده‌اند، از این امکان چه استفاده‌ای می‌توان کرد؟ مسلماً استفاده‌ای که در سابق از آن می‌شد، دیگر صدق نمی‌کند. اما در بسیاری شرایط ممکن است که شما به نوردهی بسیار طولانی به فیلم خود نیاز داشته باشید و یا اینکه مدت زیادی باید شاتر دوربین شما باز باشد. در این‌گونه مواقع بهترین کار این است که از حالت B برای عکاسی کردن استفاده کنید.

به عنوان مثال زمانی که تصمیم دارید از یک منظره شهری در زمان رعد و برق عکس بگیرید، از آنجایی که زمان رعد و برق زدن را نمی‌دانید و در ضمن زمان پیدایش برق فقط یک لحظه می‌باشد، بهتر است که دوربین خود را روی سه پایه



■ **برای عکاسی از معبد چغازنبیل در غروب، تنها راه استفاده از سرعت B دوربین بود، چرا که هیچ سرعت شاتر مطلوبی بر روی دوربین من وجود نداشت. استفاده از سه‌پایه یکی از الزامات است.**

سوار کنید، کادربندی را انجام دهید و در نزدیکی زمانی که حدس می‌زنید که رعد و برقی اتفاق خواهد افتاد، با فشار تکمه شاتر در حالت B و از طریق یک سیم دکلانژور، شاتر دوربین خود را باز بگذارید. از آنجایی که عکاسی در شب انجام می‌شود و نور کمی به داخل دوربین می‌آید، مسئله‌ای برای نوردهی عکس شما پیش نخواهد آمد مخصوصاً اگر دیافراگم دوربین را تا حد امکان بسته باشید. سپس بلافاصله بعد از زده شدن رعد و برق، شاتر را ببندید. در این‌گونه حالت‌ها می‌توانید تا چند دقیقه قبل از اینکه رعد و برقی زده شود، شاتر را باز نگه دارید.

در حالتی دیگر که می‌خواهید در شب از سوژه‌ای در نزدیکی دوربین عکاسی بکنید که پس زمینه دور هم در عکس بیفتد، می‌توانید از این حالت استفاده کنید و بعد از بازکردن شاتر از طریق سرعت B و نوردادن لازم به فیلم یا سنسور نوری، یک فلاش هم به‌طور دستی برای سوژه نزدیک دوربین بزنید. در این جا، هم پیش‌زمینه و هم پس‌زمینه به اندازه کافی نور خواهند دید.

در حالتی که درون غاری قرار دارید که در آنجا تاریکی مطلق برقرار است، می‌توانید با باز نگه داشتن شاتر از طریق حالت B با فلاش دستی خود به‌طور پی در پی در نقاط تاریک فلاش بزنید. در این حالت منظره تاریک به صورت روشن در عکس ظاهر می‌شود. یک مثال دیگر در مورد استفاده از سرعت B در عکس‌های

پرتره‌ای است که یک نفر، دو بار در یک عکس ظاهر می‌شود. در این حالت که عمدتاً باید در شب انجام شود، سوژه جلوی دوربین قرار داده می‌شود، نصف جلوی لنز توسط مقوا یا تخته‌ای پوشانده می‌شود و شاتر دوربین از طریق سرعت B باز می‌شود. در این جا فقط یک بار فلاش می‌زنید و سپس از سوژه می‌خواهید که به نقطه مقابل نقل مکان کند. اکنون نیمه پوشیده لنز را باز و نیمه دیگر لنز را می‌پوشانید. مجدداً یک فلاش دیگر بزنید و شاتر دوربین را ببندید. به این طریق تصویر یک فرد را دو بار روی یک عکس ضبط کرده‌اید.

از حالت B می‌توان برای موارد دیگر عکاسی هم استفاده نمود که در این زمینه خلاقیت عکاس مطرح است، مثل عکاسی با استفاده از نور یک شمع که مطمئناً چیز جالبی از آب در خواهد آمد.

۹۰ـ یک مرکز توجه در عکس ایجاد کنید

یک عکس باید حاوی پیامی باشد، در غیر این صورت عکس جالبی نیست. در دنیای امروز عکس به عنوان یک وسیله ارتباطی و چیزی است که از طریق آن عکاس می‌تواند پیام یا ایده‌ای را به بیننده منتقل نماید. اصلاً فرقی نمی‌کند که عکس دارای پیام، توسط عکاسی حرفه‌ای و در سطح جهانی گرفته شده باشد یا توسط فردی که جهت تفریح و گذراندن وقت عکاسی می‌کند. هر دو این عکاسان حتماً نظر و غرض خاصی از گرفتن عکس از سوژه خود داشته‌اند.

مسئله سوژه عکس هم چیزی را در این زمینه تغییر نمی‌دهد. عکاسی حرفه‌ای که عکسی از درگیری بین تظاهرکنندگان و پلیس در یک کشور آمریکای لاتین می‌گیرد با کسی که در یک عروسی و یا مسافرت عکس می‌گیرد، هر دو باید در هنگام نمایاندن سوژه خود در عکس نهایت، دقت را به خرج دهند. هیچ وقت هم نباید با مطرح کردن اینکه فلان عکاس حرفه‌ای است و من آماتور، ارزش او را خیلی بالا ببریم و ارزش کار خود را معمولی یا پایین ارزیابی کنیم. به نظر من چنین چیزی اصلاً درست نیست و دنیای عکاسی آماتوری چیزی است که خیلی از حرفه‌ای‌ها آرزوی کار کردن در آن را دارند، چرا که در این دنیا عکاس آزاد است از هرچه که بخواهد و هر طوری که تمایل دارد عکس بگیرد، چیزی که عکاسان حرفه‌ای امکان آن را ندارند. البته این امر در حال حاضر در مورد خیلی‌ها برعکس است و جماعت آماتور آرزوی عکاس حرفه‌ای شدن را دارند.

اما برگردیم بر سر پیامی که عکس قرار است منتقل نماید. این پیام که به صورت بصری یا دیداری است، باید مانند پیام‌های کتبی مثل یک انشاء، نامه یا یک مقاله دارای ابتدا و انتها و موضوع اصلی که در عکس به آن کانون توجه می‌گویند، باشد.



■ **برای اینکه عکس شما دارای مرکز توجه باشد، باید آن را ساده بگیرید. در عکسی شلوغ حتی زیباترین کانون توجه هم ممکن است گم شود.**

شما از هر سوژه و تحت هر شرایطی که عکس می‌گیرید، باید این کانون یا مرکز توجه را در عکس ایجاد کنید تا بیننده در هنگام دیدن عکس، ابتدا جذب آن بشود و سپس به سراغ دیگر اجزاء برود. درست مانند مقاله روزنامه که شما یک لحظه با خواندن تیتر آن، جذب آن می‌شوید و برای خواندن آن وقت صرف می‌کنید تا ببینید که مقاله در مورد چه چیزی صحبت می‌کند. در مورد عکس هم باید یک مرکز توجه در آن وجود داشته باشد تا بیننده جذب آن بشود و نسبت به دیدن و درک پیام عکس وقت صرف کند.

مرکز توجه چیزی نیست که وجود داشته باشد و عکاس بخواهد آن را کشف کند. در بعضی حالات ممکن است چنین باشد ولی در بیشتر مواقع این عکاس است که کانون توجه را به وجود می‌آورد و در عکس خود قرار می‌دهد. لزومی ندارد که عکس شما حتماً از سوژه‌ای زیبا، مهیج و منحصر به فرد تشکیل شده باشد تا کانون توجه عکس شما را تشکیل بدهد. یک پرچم در یک منظره، کلبه‌ای مهجور در

نقطه‌ای از عکس یا رنگ بخصوصی در گوشه‌ای از عکس می‌توانند مرکز توجه را در عکس شما تشکیل بدهند.

شما می‌توانید با جداکردن سوژه از محیط اطراف خود توسط نور بیشتر یا کمتر، رنگ مجزا یا غیرعادی، وضوح بالا یا سوژه در حال حرکت و یا راههای دیگر، مرکز توجه عکس خود را ایجاد کنید. اگر سوژه اصلی شما دارای رنگی متمایز با محیط پیرامون خود باشد، مثل فردی که رنگ پوست، لباس یا ظاهر او با اطرافیان فرق می‌کند و یا گلی در باغچه که رنگ آن متمایز با رنگ دیگر گل‌هاست، مطمئناً بیننده اول به این سوژه توجه می‌کند تا چیزهای پیرامونی آن. بعضی مواقع این حالت توسط نور بیشتر در منطقه‌ای از عکس به وجود می‌آید و توجه بیننده به آن نقطه جلب می‌شود. از همین حالت در عکس‌های خبری استفاده می‌شود که با تاریک کردن نقاط خارج از مرکز توجه، سعی می‌کنند که توجه بیننده را به آن نقطه جلب کنند.

عکسی که در آن همه چیز باشد حرف زیادی برای گفتن ندارد و بیننده را بیشتر گیج خواهد کرد. در دنیایی که روزانه هر کسی به‌طور خود بخود هزاران عکس را در اطراف خود می‌بیند، جلب توجه بیننده به عکسی بخصوص، فقط با ایجاد یک مرکز توجه قوی در عکس امکان‌پذیر است و تبحر در ایجاد مرکز توجه هم چیزی نیست که با چند فرمول و نوشته کسب شود، بلکه نیاز آن کار کردن مستمر و زیاد در این زمینه است. در غیر این‌صورت چشم‌های بیننده‌های عکس‌های شما جهت پیدا کردن مرکز توجه سرگردان خواهند بود.

۹۱ـ چگونه نور تند را به نور ملایم تبدیل کنیم؟

نور تند یکی از بزرگترین مشکلات در عکاسی است و تا حد امکان باید از آن اجتناب کرد. این نور باعث ایجاد سایه‌های تند و تیزی می‌شود که در اغلب اوقات باعث خراب شدن عکس می‌شود. اگر عکس‌هایی تحت این نور گرفته باشید و همهٔ نکات عکاسی را در آنها رعایت کرده باشید، حتماً متوجه شده‌اید که با این وجود عکس‌های شما چیز جالبی نشده‌اند. علت آن وجود سایه‌های تندی است که بر اثر نور تند در عکس ایجاد شده‌اند.

زمانی که از نور تند صحبت می‌کنیم، مقصود نور تند خورشید است که معمولاً از ساعت ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر روزهای آفتابی وجود دارد. این نور دارای زاویهٔ تندی است و در هنگام تابیدن سایه‌های پرقدرتی را ایجاد می‌کند. نور تند مصنوعی که از طریق لامپ‌ها و فلاش ایجاد می‌شود، قابل کنترل است و عکاس می‌تواند آن را متعادل کند.

برای عکاسی از سوژه‌هایی مثل منظره تحت نور تند، بهترین کار این است که عکاسی را در زمانی که نور به‌طور مایل به منظره شما می‌تابد (مثل ابتدا یا انتهای روز) انجام دهید. برای عکاسی منظره شما نمی‌توانید، نور تند خورشید را در منطقه وسیعی به صورت نرم شده در بیاورید. البته برای کاستن از شدت نور می‌توانید از فیلترهای خاکستری ND استفاده کنید. این فیلترها فقط شدت و زیادی نور را کاهش می‌دهند و تأثیری بر کیفیت رنگ و نور عکس ندارند. در زمانی که مثلاً می‌خواهید عکس ریختن آب از آبشاری را به صورت روان یا پنبه‌ای نشان دهید و نور زیاد به شما اجازه نمی‌دهد که سرعت شاتر خود را پایین بیاورید، می‌توانید با بستن یکی از این فیلترها به هدف خود برسید. فیلتر پولارایزر هم تا حدی از شدت نور می‌کاهد و

سرعت عکاسی را تقلیل می‌دهد. اما همه این کارها برای کاهش شدت نور است، در مورد کاهش سایه‌ها هیچ کاری نمی‌توان انجام داد.

اما برای عکاسی از سوژه‌های کوچکتری که نور تند به آنها می‌تابد، مثل عکاسی پرتره تحت نور خورشید، می‌توانید از صفحاتی به نام دیفیوزر[1] استفاده کنید. این صفحات ورقه‌هایی پلاستیکی، مانند شیشه مشجر هستند و با بافت و برجستگی‌هایی که در سطح خود دارند، باعث می‌شوند تا نور در همه جهات پخش شود و از شدت آن کاسته شود. مطمئناً برای یک نفر آماتور تهیه چنین چیزهایی هزینه زیادی در بر خواهد داشت. بنابراین می‌توانید با صرف مقداری وقت و استفاده از وسایلی مانند یونولیت نازک یا صفحه‌های پلاستیکی روشن، آنها را روی چهارچوبی نصب کنید و یک دسته هم برای نگه داشتن آن در بالای سوژه تعبیه کنید. هرچقدر سوژه عکاسی شما بزرگتر باشد، صفحه دیفیوزر هم باید بزرگتر باشد تا منطقه وسیعی را پوشش دهد. در زمان عکاسی، یک نفر باید دیفیوزر را بالای سوژه و بین سوژه و خورشید (یا منبع نوری دیگر) بگیرد. مواظب باشید که در هنگام کار طوری عکاسی نکنید که دیفیوزر هم در عکس مشاهده شود.

راه دیگر برای ملایم‌تر کردن نور تند این است که از صفحه‌هایی موسوم به رفلکتور استفاده کنید. این صفحات منعکس‌کننده نور هستند و می‌توانند جهت تاباندن نور مجدد به سوژه و محو سایه‌های تند بر روی سوژه به کار بروند و یا اینکه در بعضی حالت‌ها مثل عکاسی با فلاش، ابتدا نور به این صفحه برخورد کند و سپس نور منعکس شده سوژه را روشن کند، که در این حالت نور منعکس شده، نرم‌تر از نور فلاش خواهد بود. شکل فابریک این صفحه‌ها از جنس پلاستیک نرم و در دو رنگ نقره‌ای و طلایی است و قیمت چندان بالایی ندارند (بستگی به اندازه آنها دارد). در اینجا هم می‌توانید با استفاده از ابتکار و خلاقیت خود و استفاده از چیزهایی مثل مقوای سفید، یونولیت یا پلاستیک یک صفحه رفلکتور برای خود درست کنید و از آن برای ملایم‌تر کردن سایه‌ها و نور استفاده کنید. برای ملایم‌تر

1- diffuser

کردن یا محو سایه‌ها، رفلکتور را در نقطه مقابل سایه قرار دهید تا نور منعکس شده از سوژه را دوباره به آن برگرداند. اگر سایه در سمت چپ تشکیل شده، رفلکتور هم در سمت چپ سوژه قرار می‌گیرد.

در مورد سوژه‌های انسانی که سایه‌های تندی در زیر چشم‌ها و زیر چانه ایجاد می‌شوند، می‌توانید رفلکتور را در زیر چانه بگیرید تا نوری که از بالا می‌آید را مجدداً به زیر چانه و چشم‌ها برگرداند. همیشه سعی کنید که رفلکتور را کمی زاویه دار بگیرید تا نور را در جهات مختلف پخش کند.

۹۲ـ عکاسی در مجالس رسمی

هدف از نوشتن این کتاب، اجتناب از پاره‌ای از مشکلات و نشان دادن راه‌های بهتر عکاسی کردن به آماتورها، یعنی کسانی که شاید هیچ آموزشی درباره عکاسی ندیده باشند، کسانی که از طریق عکاسی امرار معاش نمی‌کنند و علاقمند هستند تا با عمیق‌تر کردن معلومات عکاسی خود، عکس‌های بهتری بردارند، است.

البته با توضیحاتی که در چند خط بالا بیان شد، هیچ‌گاه فکر نکنید که عکاسی آماتوری چیزی سطح پایین، درجه دو و بی‌اهمیت است و عکاس آماتور نمی‌تواند عکس‌های خوبی بیندازد. خیر، نظر من کاملاً برعکس است و معتقدم که یک عکاس آماتور می‌تواند خیلی خلاق‌تر از یک عکاس حرفه‌ای باشد.

یکی از مواردی که ممکن است پس از مدتی عکاسی کردن و اطلاع اطرافیان از علاقه شما به عکاسی با آن مواجه شوید، رجوع افرادی از دوستان و آشنایان برای عکاسی از یک مجلس رسمی یا میهمانی است. البته امروزه که روی هر تلفن همراهی یک دوربین وجود دارد و دوربین‌های دیجیتال در حال تبدیل شدن به اندازه قوطی کبریت هستند، خیلی‌ها خود را عکاس می‌دانند ولی شاید این افراد خود قبول داشته باشند که با آن تجهیزات و آن دانشی که آنها دارند، عکاسی از مجالس مهم کار آنها نیست. در نتیجه برای این کار ممکن است که شما دعوت به عکاسی از آن مراسم مهم شوید.

به نظر من اگر شما تجربه عکاسی در فضای سربسته (که معمولاً این مراسم در آنجا انجام می‌شود)، عکاسی با فلاش و تجربه قبلی در این زمینه را ندارید، این‌گونه دعوت‌ها را قبول نکنید، مخصوصاً که مراسمی که شما باید از آن عکاسی کنید یک بار برای همیشه باشد، مثل عروسی. مطمئناً در این‌گونه مراسم همه از شما توقع

عکس‌های با کیفیتی که قبلاً در این‌گونه مراسم دیده‌اند را دارند و شما نیز تعدادی از عکس‌ها را خراب می‌کنید که برای عده‌ای دلخوری پیش خواهد آمد (البته اگر همه را خراب نکرده باشید). حرف من را سوءتعبیر نکنید و آن را به معنی کم اهمیت دادن به عکاسی شما و پایین آوردن اتکا به نفس ندانید. اصلاً اینطور نیست. چیزهایی که در این بخش بیان می‌شوند بر مبنای مشاهدات شخصی است که دو دوست بر اثر خراب شدن عکس عروسی یکی توسط دیگری، رابطه خود را قطع کرده‌اند.

بنابراین قبل از گرفتن عکس در جلسات رسمی حتماً عکاسی در این محیط‌ها را تجربه کنید. وسایل خود را برای این‌گونه مراسم امتحان کنید و از کمبودهای احتمالی آنها آگاه شوید و چند مورد عکاسی غیر رسمی در مراسمی شبیه آنها مثل تولدها و میهمانی‌های عادی داشته باشید و سپس به این کار اقدام کنید. راههای زیادی برای تمرین در این زمینه وجود دارند، مثلاً اگر شما در مدرسه یا کودکستان شاغل باشید، می‌توانید با عکاسی در محیط کار خود از سوژه‌های گوناگون، عکاسی خود را محک بزنید.

یادتان باشد که کارکردن در محیط پر جنب و جوشی مثل یک جشن یا میهمانی، خیلی چیزها از شما می‌طلبد و حواس شما باید خیلی دقیق باشد تا اشتباهی را مرتکب نشوید. یکی از کسانی که دارای تجربیاتی در زمینه عکاسی بود برای عکاسی از مراسم عروسی دوست خود به این مجلس دعوت شده بود. وی پس از انداختن فیلم به دوربین و عکاسی با آن، بدون اینکه به کنتور و شماره عکس در دوربین نگاه کند به کار خود تا مدتها ادامه داده بود و هیچ وقت هم مسئله تعویض فیلم پیش نیامده بود. پس از پایان مراسم متوجه شده بود که اصلاً فیلم در دوربین جا نیفتاده بوده است و در نتیجه حتی یک عکس هم از عروسی مورد نظر گرفته نشده بود. بله حتی یک عکس!

اما اگر در این‌گونه مراسم مثل عروسی، فارغ‌التحصیلی، بازدید یا گردش علمی، به‌طور غیررسمی و برای خودتان عکاسی می‌کنید، حتماً سعی کنید که عکس‌های زیادی بگیرید، چرا که شما در حال ثبت مراسمی در تاریخ هستید.

۹۳ـ یک پیش‌زمینه قوی در عکس ایجاد کنید

پیش‌زمینه در عکس در حقیقت نزدیک ترین نقطه به دوربین است که چیزهایی که در آن هستند باید خیلی واضح‌تر و بهتر از میان‌زمینه و پس زمینه دیده شوند. در نتیجه این قسمت از عکس می‌تواند نقش مهمی در زیبا کردن و بهتر نمودن عکس شما داشته باشد.

چیزی که در پیش‌زمینه دیده می‌شود، حتی در صورت کوچکی در مقابل سایر عناصر عکس می‌تواند بسیار بزرگتر از پس زمینه نشان داده شود. اگر در پیش‌زمینه عکس خود چند گل کوچک داشته باشید ولی در پس زمینه آن کوهی بلند همراه با ابرهای عظیم، این گل‌های عکس شما هستند که واضح‌تر و بزرگتر در عکس دیده خواهند شد. البته مغز هر بیننده‌ای با منطق خود درک خواهد کرد که یک کوه بسیار بزرگتر از گل است، ولی برای عکاسی که عکس را می‌اندازد باید این مسئله روشن باشد و در نتیجه ضمن انتخاب یک پیش‌زمینه درست آن را عاری از بی‌نظمی و یا اشکالات موجود نشان دهد. اگر در پیش‌زمینه شما یک تکه آشغال و یا بطری نوشابه وجود داشته باشد، این بطری به مراتب خود را واضح‌تر از چند تن زباله در پای کوه نشان خواه داد. بنابراین فکر نکنید که از آنجایی که این چیز خیلی کوچک است پس وجود آن در عکس اهمیت ندارد.

در این‌گونه حالات باید یا محیط آلوده و زشت از طرف کسی که می‌خواهد عکس بگیرد، تمیز شود و زباله‌ها به خارج کادر عکس انتقال پیدا کنند و یا عکاس با تغییر جای خود و موضع دید دوربین، طوری عکس بگیرد که چیزهای مزاحم واقع در پیش‌زمینه، در عکس نیایند. در حالت‌هایی که تغییر صحنه امکان پذیر نیست، مثل زمانی که یک تابلو یا اثری ساخته دست انسان در پیش‌زمینه موجود است باید



■ **بدون وجود نشانه‌هایی که در پیش‌زمینه آمده‌اند، حتی کوه دماوند هم با همهٔ عظمت خود به چیزی مسطح و یکنواخت تبدیل می‌شود.**

از تغییر صحنه و موضع دوربین استفاده کرد.

قبلاً در جایی گفتیم که عکس را باید ساده گرفت که این برای خودش هنری است. همین مسئله در مورد پیش‌زمینه هم صدق می‌کند. در پیش‌زمینه عکسی که می‌گیرید، نباید چیزهای زیادی باشند که چشم را به خود مشغول کنند. در حقیقت چشم بعد از دیدن و مشاهده پیش‌زمینه باید به پس‌زمینه یعنی عقب‌تر هدایت شود. در حالتی که چشم هنوز از دیدن پیش‌زمینه فارغ نشده است، به سراغ چیزی در پس زمینه نمی‌رود. همین مسئله در مورد رنگ‌های تند و جلب‌کننده چشم نیز وجود دارد. اگر مقصود شما از گرفتن عکس، آوردن ساختمانی خشتی یا آجری است ولی در فضای سبز جلو ساختمان گل‌هایی با رنگ‌های خیره‌کننده وجود دارند، مطمئناً چشم بیشتر متوجه رنگ آنها و خود گل خواهد شد تا بافت و ترکیب و معماری ساختمان.

در عکس‌هایی هم که پس زمینه موضوع اصلی عکس است، نقش پیش‌زمینه، فرعی می‌شود ولی حذف نمی‌گردد. چیزی که خیلی از تازه‌کارها اشتباه می‌کنند قاطی کردن پیش‌زمینه با پس‌زمینه است. همیشه در هنگام گرفتن عکس اول به این فکر کنید که آیا چیز مهمی در پیش‌زمینه وجود دارد؟ و این چیز چگونه باید نشان

داده شود؟ حتی اگر پیش‌زمینه چیز زیاد مهمی هم برای نمایش نداشته باشد نباید به آن کم بها داد و یا آن را از قلم انداخت.

معمولاً چشم به مهم‌ترین نقطه‌هایی که توجه می‌کند، نقاط اتصال قسمت‌های روشن و تاریک است. بنابراین اگر چنین نقاطی بین پیش‌زمینه و نقاط دیگر وجود داشته باشند، باید مواظب باشید که چیزهای نامناسب در آنجا وجود نداشته باشند، چرا که چشم خیلی سریع آنها را کشف می‌کند.

در روزهای ابری که نور خورشید به صورت سایه‌ای بر روی زمین گسترده شده است، گرفتن عکس دشوار می‌گردد. در این شرایط اگر پیش‌زمینه شما تاریک‌تر از پس‌زمینه باشد اشکال چندانی ایجاد نخواهد کرد، چرا که به هر حال پیش‌زمینه در عکس واضح است، در عوض می‌توانید پس‌زمینه عکس خود را کمی روشن‌تر بگیرید تا نقاط دوردست در عکس واضح بیفتند.

۹۴ـ بهترین زمان و مکان را برای عکاسی انتخاب کنید

در صورتی که شما از طرفداران پرو پا قرص عکاسی باشید، حتماً می‌دانید که هر زمان و مکانی برای گرفتن عکس مناسب نیست. حتی زیباترین نقطه‌ای که عکس آن را در کتاب یا مجله‌ای دیده باشید، ممکن است که در صورت حضور در ساعت نامناسب عکاسی، باعث عکسی چندان زیبایی از آن منطقه نشود.

برای گرفتن عکس درست باید در بهترین زمان و مکان اقدام کرد. اگر سوژه‌های عکاسی شما انسانی باشند، یکی از بهترین زمان‌ها برای گرفتن عکس که در عین حال زیباترین عکس هم باشد، میهمانی‌ها و مراسم رسمی است که افراد سعی می‌کنند که با ظاهری آراسته و مرتب در آنجا حضور پیدا کنند. البته در این نقاط ممکن است با مشکل نورپردازی، نور حاضر در صحنه و پس زمینه ناآرام مواجه شوید. همه این مطالب را از قبل در نظر بگیرید و با توجه به محلی که مراسم در آن قرار دارد، ابعاد و فاصله‌ها، لنز و دوربین و ابزار مناسب نورپردازی خود را انتخاب کنید و از مراسم مربوطه عکاسی نمایید. از آنجایی که در مورد هیچ مراسمی همه چیز قابل پیش بینی نیست، بنابراین چیزهایی مثل باتری، فیلم یا کارت حافظه را (حتی مازاد بر احتیاج خود) همراه داشته باشید تا دچار مشکل کمبود وسایل نشوید و صحنه‌ها را از دست ندهید.

اگر موضوع عکاسی شما چیزهای بیرونی مثل بناهای تاریخی، آثار باستانی، معماری شهری و عکاسی از مناظر طبیعی و چیزهای مشابه است، باید با اطلاعات مناسب و بهتری به محل بروید. چنانچه برای شما امکان داشته باشد، بهتر است که چندین بار در ساعات مختلف روز به محل عکاسی خود بروید و شرایط سوژه خود را از نظر نور و زیبایی و سایه‌هایی که در آنجا وجود دارند، بررسی کنید. حتی در

صورتی که به محل خاصی علاقه زیادی دارید بنابراین سعی کنید که در فصل‌های مختلف هم به آن منطقه سر بزنید و تفاوت‌ها را مشاهده کنید و عکس‌های مختلفی در فصل‌ها و ساعات گوناگون از این منطقه داشته باشید. حتماً شما تفاوت‌های زیادی را در عکس‌های مختلفی که از این منطقه گرفته‌اید احساس خواهید کرد.

منطقه یا سوژه‌ای را که قصد عکاسی از آن دارید از جنبه جغرافیایی هم در نظر بگیرید. اگر سمت یا جبهه‌ای که می‌خواهید از سوژه خود عکاسی کنید در غرب قرار دارد، بنابراین بهترین زمان عکاسی در آغاز روز خواهد بود، چرا که خورشید در ابتدای روز آن را روشن می‌کند و با نور خود زیبایی خاصی به آن می‌بخشد. اما اگر سمتی که می‌خواهید عکاسی کنید در شرق قرار داشته باشد، عکاسی آن باید در عصر انجام شود که خورشید در هنگام غروب آن را روشن می‌کند.

اگر شما زمان نادرستی را برای عکاسی از سوژه خود انتخاب کنید، مطمئناً چیزی جز یک مشت سایه بی‌روح و بی‌رنگ در عکس شما نخواهد افتاد. امتحان این موضوع شاید بدون دوربین عکاسی هم امکان پذیر باشد. یک ساختمان، کوه یا درختی را در نزدیکی محل اقامت خود در نظر بگیرید. نور آفتاب ممکن است در آغاز صبح جلوه خاصی را بر روی سوژه شما ایجاد کند که باعث زیبایی آن بشود ولی در عصر سوژه شما فقط با سایه پوشانده شده باشد.

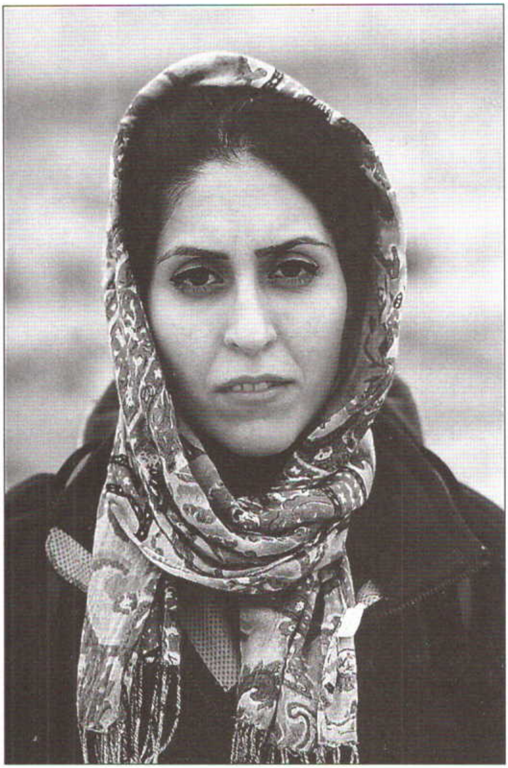
ممکن است بعضی از نقاط معروف که قصد عکاسی از آنها را دارید، در عکس‌های مختلف کتابها و کارت پستال‌ها مشاهده کرده باشید. در هنگام دیدن آنها توجه کنید که در چه وقتی از روز عکس‌ها گرفته شده‌اند و نور خورشید از کدام طرف به آنها تابیده شده است. این راه خوبی برای انتخاب زمان مناسب برای عکاسی از آن نقاط است ولی هم زمان باید در نظر داشته باشید که چنین مکان‌هایی شلوغ و پر رفت و آمد هستند و همین مسئله کار عکاسی از آنها را با اشکال مواجه می‌کند.

۹۵ـ از نور روزهای ابری برای عکاسی پرتره استفاده کنید

برای عکاسی پرتره در زیر نور طبیعی، نور خورشید نور بسیار تندی است. عکاسی از سوژه‌های انسانی در زیر نور خورشید باعث به وجود آمدن سایه‌های تندی در زیر چشم‌ها، بینی، چانه و گلو می‌شود که چیزهای جالبی در یک عکس پرتره نیستند. شما باید در عکس پرتره، چهره افراد و جزئیات آن را تا جایی که امکان دارد واضح نشان دهید. از اینرو سعی کنید که عکس پرتره را در زیر نور مستقیم و تند خورشید نگیرید.

در روزهای ابری، نور خورشید قبل از اینکه به ما برسد باید از لایه‌های ابر عبور کند. در این حالت ابرها به مانند فیلتر یا وسیله‌ای در عکاسی که به آن دیفیوزر می گویند، عمل می‌کنند و با پخش کردن پرتوهای نور در تمام جهات، به مقدار زیادی شدت و تندی نور خورشید را کاهش می‌دهند. نوری که در روزهای ابری به ما می‌رسد، سایه‌های خفیف و ملایمی ایجاد می‌کند و دارای شدت نور خورشید نیست. این نور معمولا برای عکاسی از سوژه‌هایی مثل منظره چندان مناسب نیست، زیرا باعث پاستل شدن رنگ‌ها می‌شود و رنگ پدیده ها در عکس چندان طبیعی به نظر نخواهد رسید.

اما با تمام مسائل منفی در مورد نور روزهای ابری، این نوع نور یکی از بهترین نورها برای عکاسی پرتره می‌باشد. نقاطی که در روزهای آفتابی بر اثر تابش خورشید در آنها سایه ایجاد می‌شود، در زیر نور روزهای ابری، یک دست و ملایم خواهند شد و باعث روشن شدن زوایای مختلف یک چهره می‌شوند. علاوه بر این از آنجا که تغییرات تون رنگ پوست تحت این نور مانند عکاسی منظره چندان زیاد نیست، بنابراین می‌توانید بدون هیچ‌گونه مسئله‌ای به عکاسی خود بپردازید. فقط



■ **به این عکس گرفته شده در وسط یک روز ابری توجه کنید که چقدر نور به طور مساوی، تمام صورت و اجزای آن را روشن کرده است و سایه تندی در آن دیده نمی‌شود.**

این نکته را در نظر داشته باشید که از آنجایی که این نور تحت بعضی شرایط، بسیار ضعیف به ما می‌رسد، شاید نیاز باشد که دریچه دیافراگم را بیشتر باز کنید و یا با سرعت آهسته‌ای عکاسی کنید، از اینرو خطر لرزش دست را در این شرایط جدی بگیرید و سعی کنید که حتما از سه پایه استفاده کنید.

بخش پنجم

مسایل و مشکلات و رفع آنها

۹۶ـ چرا عکس من خراب شده است؟

هر عکاسی در هر مرحله از عکاسی مقدماتی یا پیش‌رفته قرار داشته باشد، حتماً بعضی از عکس‌هایی که می‌اندازد دارای اشکال هستند و آن چیزی که عکاس در نظر داشته است از آب در نمی‌آیند. همه ما بعضی مواقع اشتباه می‌کنیم. اما بعد از دیدن اشتباه خود ببینید که اشتباه از کجا بوده است تا مجدداً چنین عکس‌هایی را نگیرید. خراب شدن یک عکس می‌تواند علت‌های مختلفی داشته باشد که به فیلم، دوربین، شیوه عکاسی یا جریان ظهور و چاپ فیلم در لابراتوار مربوط شوند.

یک اشتباه در مورد فیلم که در جای دیگری از این کتاب درباره آن صحبت کردیم، خریدن و استفاده کردن فیلم‌های تاریخ مصرف گذشته است. چنین فیلم‌هایی حتماً عکس شما را از جنبه رنگ و کنتراست خراب می‌کنند، حتی اگر نهایت دقت را به خرج بدهید و با بهترین دوربین عکاسی کنید.

اشتباه عمومی دیگر دراین رابطه، مربوط به جاانداختن درست فیلم است. اگر زبانه فیلم، قرقره جمع کردن فیلم را لمس نکند، فیلم جلو برده نمی‌شود و عکسی روی فیلم ضبط نمی‌شود، حتی اگر پس از هر بار عکس انداختن، اهرم جلوبردن فیلم را فشار داده باشید.

اشتباه دیگر در این رابطه، باز کردن قبل از موعد دوربین است که باعث نوردیدن فیلم و خراب شدن عکس‌ها می‌شود. در رابطه با اشکالاتی که ممکن است برای کل حلقه فیلم پیش بیایند می‌توان از خراب بودن شاتر هم نام برد. در این حالت عکس‌ها یا بسیار تیره و یا خیلی روشن می‌افتند و نشان می‌دهد که شاتر دوربین

بیشتر یا کمتر از حد معمول باز بوده است.

چه چیزهایی را باید کنترل کرد؟ اولین کار این است که عکس خود را با نگاتیو آن تطبیق دهید. اگر نقاط سایه روشن خوبی را در عکس می‌بینید و جزئیات زیادی در عکس مشاهده می‌شوند، یک بار دیگر عکس خود را چاپ کنید. شاید اشکال عکس‌های شما در هنگام چاپ در لابراتوار بوده است. در مورد عکس‌های اسلاید این مشکل را خیلی سریع می‌توان تشخیص داد، چرا که چیزهایی مثل خرابی رنگ عکس‌ها مستقیماً قابل مشاهده هستند. مسایل مربوط به چاپ و ظهور فیلم چیزی جدی در عکاسی است و در جایی از این کتاب هم توصیه کردیم که برای چاپ عکس‌های خود سعی کنید که از لابراتوارهای معتبر استفاده کنید.

اگر اشکالاتی که روی عکس شما به وجود آمده‌اند، براثر خرابی مکانیکی یا الکترونیکی دوربین باشد، سعی کنید که دوربین خود را پیش یک تعمیرکار مجرب ببرید و مشکل را با او در میان بگذارید. هرگز برای رفع مشکل دوربین عکاسی خود شخصاً دست به اقدامی نزنید، چرا که دوربین عکاسی وسیله‌ای ظریف و حساس است که با کوچکترین اشتباهی ممکن است باعث خرابی بیشتر دوربین خود بشوید.

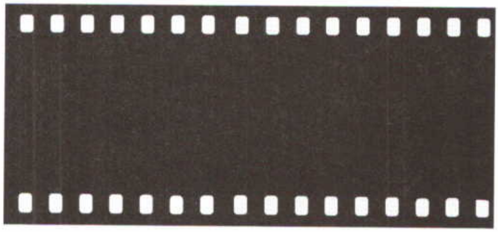
مسایلی که مطرح شدند، عمدتاً در رابطه با دوربین‌های آنالوگ بودند. در مورد دوربین‌های دیجیتال به دلیل حذف شدن فیلم و پیشرفته بودن مکانیزم این دوربین‌ها، اشکالاتی این چنین به وجود نمی‌آیند، بلکه اختلال در رنگ، روشنی یا تاریکی عکس، کنتراست و یا به وجود آمدن لکه در نقاطی از عکس، از مسایل عادی هستند. برای رفع این مشکلات سعی کنید که در وهله اول دفترچه راهنمای دوربین خود را مطالعه کنید و از طریق آن به رفع اشکال بپردازید و در صورت نتیجه نگرفتن، دوربین را به یک تعمیرگاه تخصصی یا مجاز ببرید. در این مورد نیز خودتان هرگز دست به اقدامی نزنید.

۹۷ـ علت مشکلاتی که ممکن است برای یک حلقه فیلم به وجود بیایند

یک فیلم عادی عکاسی که ظاهر شده باشد، شبیه چیزی است که در شکل آمده است. کادرهای عکس بر روی این فیلم به فاصله مساوی از یکدیگر قرار گرفته‌اند و در لبه‌های فیلم اطلاعاتی مربوط به نوع فیلم و شماره فریم و نام تولیدکننده و ... آمده است. این اطلاعات از قبل در کارخانه روی فیلم قرار داده شده است. با توجه به اطلاعاتی که در مورد فیلم کسب کردید، اشکالاتی که می‌توانند برای یک حلقه فیلم به وجود بیایند را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:



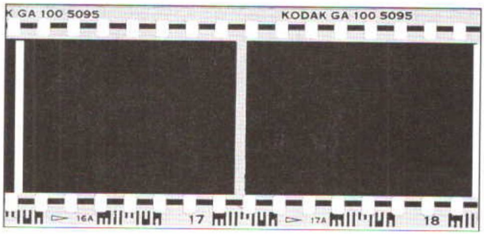
- **فیلم کاملاً سیاه است و حتی نوشته‌های لبه‌های آن هم سیاه شده است:** این فیلم شدیداً نور دیده است. علت‌های نور دیدن آن می‌توانند متفاوت باشند. شاید درب پشت دوربین در حین جمع شدن فیلم باز بوده است و شاید بچه‌ای در حال بازی با کاست فیلم، آن را بیرون کشیده و مجدداً به کاست برگردانده باشد. یک حالت استثنایی می‌تواند جریان ظهور آن در لابراتوار باشد که باعث سیاه شدن آن شده باشد.



- **یک فریم اول فیلم سیاه است و بقیه فیلم خالی است ولی نوشته‌های لبه‌های آن قابل رؤیت هستند:** این فیلم برای فریم اول درست جا افتاده است ولی بقیه آن روی قرقره پیچیده نشده و در نتیجه همه فیلم روی یک فریم افتاده است.



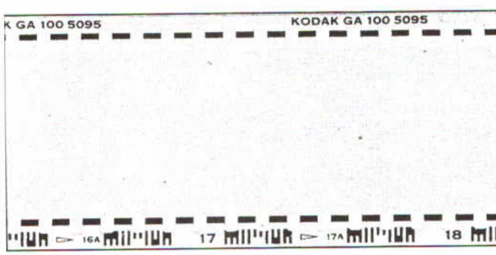
- **فریم‌ها را به‌طور جداگانه می‌توان دید ولی درون آنها سیاه است:** هرکدام از تصاویر نور بسیاری دیده‌اند. شاید شاتر دوربین شما گیر می‌کند و چند ثانیه‌ای به همان حالت می‌ماند و یا علی‌رغم صحنه پرنور، دیافراگم لنز باز می‌ماند. در این مورد سیستم نورسنجی دوربین باید اشکال عمده‌ای داشته باشد و یا اینکه شاید تنظیم حساسیت فیلم خود را اشتباه انجام داده باشید (برای فیلم ISO 800 مقدار ۲۵ را گذاشته‌اید). شاید هم دوربین شما از قسمت لنز دارای نشتی نور باشد.



- **فیلم از آغاز تا پایان، از تصاویر روی هم افتاده و خط‌های فریم‌ها تشکیل شده است:** شما این فیلم را دو بار به داخل دوربین انداخته‌اید و دو بار با آن عکاسی کرده‌اید. جمع کردن کامل فیلم به درون کاست خود و یا چسب زدن به قسمت زبانه فیلم می‌تواند از بروز این مشکل جلوگیری کند.



- **فیلم کاملاً خالی است و نوشته‌های لبه‌های آن دیده می‌شوند ولی تصویری روی آن به چشم نمی‌خورد:** شما فیلمی مصرف نشده که با آن عکاسی نشده را برای ظهور به لابراتوار داده‌اید.



- **شکل‌های ابر مانندی روی قسمت‌هایی از فیلم، حتی نوشته‌های کناری آن به چشم می‌خورد:** فیلم شما در قسمت‌هایی نور دیده است که این عمل می‌تواند به دلیل نشتی نور به داخل دوربین به دلیل درست بسته نبودن درب پشت دوربین و یا در حین ظاهر کردن فیلم اتفاق افتاده باشد.



۹۸ ـ اشتباهاتی که برای فقط یک عکس ممکن است رخ بدهند

خطی از نقطه‌های سفید روی عکس ایجاد شده است: علت این امر انعکاس نور خورشید در لنز در زمانی که دوربین را به طرف خورشید گرفته‌اید می‌باشد. این اشتباه عمدتاً در رابطه با لنزهای واید رخ می‌دهد. شاید در یک دوربین SLR ، زمانی که حداکثر دیافراگم را باز کرده باشید، این مشکل را نبینید. اندازه و شکل این نقطه‌ها در زمانی که گام‌های دیافراگم را تغییر می‌دهید، عوض می‌شود. برای جلوگیری از به‌وجود آمدن این مشکل، با هود یا دست خود روی لنز سایه ایجاد کنید و یا دوربین را به قسمت سایه ببرید و در آنجا عکاسی کنید.

- **تصویر یک موی سیاه روی عکس به چشم می‌خورد:** در زمانی که عکس گرفته شده یا از اسلاید اسکن تهیه شده است این مو روی عکس ثبت شده است. علت آن وجود یک تارمو در دوربین بین لنز و صفحه فیلم است. داخل بدنه دوربین را نظافت کنید. در مورد اسلاید، قبل از گرفتن اسکن آن را تمیز کنید.

- **تصویر یک موی سفید روی عکس وجود دارد:** علت آن وجود یک مو بر روی نگاتیو در حال چاپ یا اسکن شدن است. مطمئن شوید که نگاتیوها قبل از چاپ شدن عکس تمیز باشند. شاید توسط یک نرم‌افزار بتوانید تصویر را روی کامپیوتر اصلاح کنید.
- **عکس کاملاً زرد شده است:** با فیلمی که برای نور روز است، تحت نور لامپ‌های معمولی عکاسی شده است. برای جلوگیری سعی کنید که از فیلتر آبی رنگ سری 80A استفاده کنید.
- **عکس‌ها کاملاً کم‌رنگ و بی‌روح شده‌اند:** رسیدن نور کم به سطح فیلم. شاید

شرایط نوری برای فیلم شما ضعیف بوده است. سعی کنید که دوربین را روی سه پایه سوار کنید و مدت زمان عکاسی را طولانی کنید یا از فیلم با حساسیت بالا استفاه کنید و یا اینکه از فلاش برای نورپردازی سوژه استفاده کنید.

- **عکس کاملاً به رنگ دیگری درآمده است:** انعکاس نور فلاش از روی سقف یا دیواری که رنگی است به سوژه. سعی کنید که در این‌گونه مواقع از برخورد نور فلاش به دیوارها یا سقف رنگی خودداری کنید و نور آن را مستقیماً به سوژه بتابانید.
- **لکه سفید بزرگی روی عکس ایجاد شده است:** علت این امر انعکاس نور فلاش از سطحی پلاستیکی در نزدیکی سوژه است. برای جلوگیری از آن، طوری زاویه دوربین را تغییر دهید که نور فلاش مستقیماً به سطح پلاستیکی برخورد نکند.
- **همه عناصر عکس از جمله اشیاء ثابت هم تار شده‌اند:** علت این امر پایین بودن سرعت عکاسی و لرزش دوربین است. برای بالاتر بردن سرعت عکاسی می‌توانید از فیلم سریع‌تر استفاده کنید و یا دریچه دیافراگم را بیشتر باز کنید. استفاده از سه پایه می‌تواند برای ثابت نشان دادن سوژه ایستا کمک کند.
- **یک حلقه نوری در عکس ایجاد شده است:** احتمالاً عکس با دوربین اتوماتیک و مستقیماً به طرف خورشید گرفته شده است. برای جلوگیری از به وجود آمدن چنین حالتی موضع دوربین را تغییر دهید و یا دوربین را کمی به طرف پایین بگیرید و یا اینکه با یک سایبان یا کلاه روی لنز سایه بیندازید.
- **لکه‌های نارنجی در قسمت‌های تیره عکس دیده می‌شود:** این عکس مقداری نور دیده است. شاید درب دوربین باز شده باشد و یا خوب بسته نشده باشد. برای جلوگیری از به‌وجود آمدن چنین حالتی، درب دوربین را خوب ببندید. هیچ‌گاه زیر نور شدید خورشید فیلم را در دوربین نیندازید و همیشه فیلم را بلافاصله بعد از عکاسی به‌طور کامل در کاست خود جمع کنید.
- **سوژه اصلی تاریک است ولی پشت سر آن خوب روشن است:** نورسنجی در

عکس برای سوژه اصلی انجام نشده است و نور پس‌زمینه خیلی روشن و قوی بوده است، مثل آسمان یک روز ابری. برای جلوگیری از چنین حالتی، به سوژه نزدیک شوید و با دوربین از سوژه اصلی نورسنجی کنید و سپس با همان نورسنجی عقب بیایید و کادربندی را انجام دهید و عکس خود را بگیرید. اگر لنز زومی داشته باشید به جای جلو و عقب رفتن، می‌توانید از این لنز برای نورسنجی استفاده کنید. یک راه دیگر استفاده از فلاش پرکردنی برای روشن کردن سوژه اصلی است و دست آخر اینکه می‌توانید پس‌زمینه خود را تغییر دهید.

- **سوژه اصلی تار است ولی بقیه چیزها واضح هستند:** علت این است که وضوح برای سوژه اصلی انجام نشده بلکه روی عناصر پیرامونی صورت گرفته است. برای جلوگیری، اول وضوح را روی سوژه اصلی انجام دهید وسپس با قفل کردن وضوح، صحنه را کادربندی کنید و عکس خود را بگیرید.

۹۹ـ برای چاپ عکس‌های خود از لابراتوارهای معتبر استفاده کنید

حتماً در نزدیکی محل زندگی شما چندین لابراتوار عکاسی وجود دارند که به کار ظهور و چاپ عکس می‌پردازند. در ظاهر شاید تفاوت زیادی بین آنها در امر ظهور و چاپ عکس نباشد. اما اگر در دراز مدت به لابراتوارهای مختلفی مراجعه کرده باشید و کارهای خود را به آنها داده باشید، حتماً متوجه تفاوت کار آنها و کیفیت مختلف عکس‌هایی که چاپ کرده‌اند، خواهید شد.

بعضی از فروشگاه‌های عکاسی دارای دستگاه‌های پیشرفته و مدرن‌تری هستند که در چاپ بهتر عکس بسیار موثر می‌باشد. برخی دیگر دارای پرسنل کارآمد و با تجربه هستند که سعی می‌کنند تا عکس واقعی را بر روی کاغذ منعکس کنند و بعضی هم از داروهای بهتر عکاسی استفاده می‌کنند و یا از مواد شیمیایی قدیمی و زیاد مصرف شده برای چاپ عکس مشتری استفاده نمی‌کنند. برای چاپ خوب باید عوامل متعددی دست به دست هم بدهند و بعضی اوقات هم سهل‌انگاری و عدم توجه یک نفر می‌تواند باعث خراب شدن قسمتی یا تمام عکس‌ها بشود.

اگر دوستان یا آشنایانی دارید که عکاسی و لابراتوار بخصوصی را به شما توصیه نمایند، حتماً از پیشنهاد آنها استفاده کنید، در غیر این صورت باید خودتان از طریق تجربی و مشاهده نمونه کارهای لابراتوارهای مختلف، بهترین آنها را پیدا کنید و به آنجا مراجعه کنید.

مهم‌ترین چیزی که باید در کار چاپ عکس‌های لابراتوارها ملاحظه کنید رنگ عکس‌ها، شفاف بودن آنها و تمیز بودن کار است. اگر در عکس چاپ شده شما، رنگ‌ها به رنگ اصلی که باید باشند نزدیک نیستند و یا بعضی رنگ‌ها غالب‌تر از دیگر رنگ‌ها هستند، این به معنی ظهور و چاپ اشتباه عکس می‌باشد. همچنین در

صورتی که عکس‌ها از شفافیت لازم برخوردار نیستند و چندان واضح به نظر نمی‌رسند، اشکال از لنز و دستگاه چاپ عکس لابراتوار مربوطه می‌باشد. البته همه مسایلی که مطرح می‌شوند با این فرض است که عکس شما از نظر تکنیکی فاقد ایراد و اشکال باشد و یک عکس عادی و خوب گرفته باشید. مسئله تمیز درآمدن عکس‌ها به دقت پرسنل بستگی دارد که شاید فرد مسئول در حین چاپ عکس، انگشت خود را روی عکس گذاشته باشد و اثر انگشت او تا ابد روی عکس باقی بماند و یا بر اثر بی‌توجهی فیلم یا عکس کج برش بخورد و ناقص شود و مسائلی از این قبیل.

مطالب ذکر شده در بالا در مورد انتخاب لابراتوار جهت عکس‌های دیجیتالی هم صدق می‌کنند. همین مسئله را باید در مورد فیلم‌های اسلاید هم ذکر کرد. افراد زیادی را دیده‌ام که پس از تلاش زیاد و گرفتن اسلایدهای خوب، متأسفانه بر اثر اهمال کاری در ظهور اسلاید در فروشگاه عکاسی، عکس‌های آنها با کیفیت پایین ظاهر شده‌اند و یا از بین رفته‌اند.

به مطالب بالا باید اضافه نمود که چندین لابراتوار هم وجود دارند که عکس‌ها را به طریق دستی ظهور و چاپ می‌نمایند که البته هزینه ظهور و چاپ در آنها بالاتر از نقاط دیگر است و تعداد این‌گونه مراکز هم بسیار انگشت شمار است و شاید فقط در چند شهر بزرگ وجود داشته باشند، اما کیفیت چاپ آنها بسیار بالاتر است.

۱۰۰ـ روشن یا تاریک کردن عکس‌هایی که خوب نورسنجی نشده‌اند

علی‌رغم توصیه‌ها و راههایی که برای عکاسی کردن با نورسنجی صحیح در این کتاب آورده شده‌اند، بعضی مواقع اتفاق می‌افتد که عکسی یک یا دو پله دیافراگم تیره یا روشن‌تر از حد معمول گرفته شده است. برای بهتر کردن کیفیت نور در عکس تاریک یا روشن شما چندین راه وجود دارد.

یک راه این است که از طریق لابراتوار در حین چاپ به عکس شما نور بیشتر یا کمتری داده شود. این امر بیشتر از طریق ظهور و چاپی که امکانات کار دستی دارند، امکان‌پذیر است و در همه فروشگاه‌ها انجام نمی‌شود و ممکن است که هزینه بیشتری هم برای آن مطالبه شود.

راه ساده‌تر برای این کار استفاده از یک کامپیوتر است. اگر شما آشنایی مختصری با یکی از نرم‌افزارهای عکس (مثل فتوشاپ) داشته باشید، می‌توانید این کار را به راحتی انجام دهید. برای این کار عکس شما باید در ابتدا از طریق یک اسکنر به‌صورت یک فایل در بیاید. اگر عکس را با دوربین دیجیتال گرفته باشید نیازی به این کار نیست، چرا که عکس شما به شکل فایل موجود است. اول فرض می‌کنیم که عکس شما روشن‌تر از حد معمول شده باشد. به این ترتیب عمل کنید.

۱ـ عکس را در فتوشاپ باز کنید. تکمه F7 را بزنید. عکس شما با لایه Background در پالت لایه‌ها نشان داده می‌شود.

۲ـ یک کپی از لایه Background بگیرید.

۳ـ حالت یا مود (Mood) لایه کپی را به Mutiply تغییر دهید. عکس شما روی

صفحه به صورت تاریک نشان داده می‌شود.

۴ـ خط‌کش لغزنده درجه وضوح یا Opacity را به چپ بلغزانید. متوجه خواهید ش که مقدار تاریکی عکس شما با این عمل پایین می‌آید. این عمل را می‌توانید با وا کردن ارقام نیز انجام دهید. اگر عکس شما یک پله دیافراگم روشن‌تر برداشته شد باشد، مقدار وضوح را روی ۳۰٪ قرار دهید و در صورتی که دو پله نور بیشتر دا شده باشد آن را روی ۶۰٪ قرار دهید. البته این مقادیر ثابت و یک چیز استاندا نیستند و حتماً نباید این مقدار باشند بلکه شما با لغزاندن خط‌کش به چپ و راس می توانید آن‌قدر این عمل را به‌طور تجربی تکرار کنید تا نتیجه مطلوب حاص شود.

۵ـ فایل عکس خود را در فرمتی که می‌خواهید ذخیره کنید.

در حالت برعکس در زمانی که عکس شما تیره‌تر از معمول شده باشد، می‌توانید در مرحله ۳ ، مود Mood لایه کپی را به Screen تغییر دهید و سپس تمام مراحل پس از آن را به همان صورتی که در بالا شرح داده شد، انجام دهید تا نتیجه مطلوب حاصل شود.



■ **با استفاده از سیستم‌لایه‌های فتوشاپ، می‌توانید عکس‌های خود را تاریک‌تر یا روشن‌تر نمائید.**

۱۰۱ـ عکاسی را با گذشت زمان تجربه کنید

عکاسی هنر بسیار جذاب و پرطرفداری است. خیلی‌ها دوست دارند که مانند عکاسان مشهور و حرفه‌ای عکس‌های زیبا و مهمی بیندازند و برای این کار به آموختن رمز و رازهای نکات فنی و هنری عکاسی می‌پردازند. این کار با وجود اینکه بسیار خوب است و برای تبدیل شدن به یک عکاس مهم است، ولی کافی نیست. عکاسی را نمی‌توان صرفاً با خواندن و حفظ کردن اصول و مبانی آن آموخت. برای تبدیل شدن به یک عکاس ماهر و زبردست شما نیاز به زمان دارید و با گذشت زمان می‌توانید تمرین و تجربه خود را عمیق‌تر و گسترده‌تر نمایید. فقط توجه داشته باشید که این زمان در مورد افراد مختلف فرق می‌کند و بخش زیادی از آن بستگی به این دارد که چقدر وقت و انرژی و پول برای آن صرف می‌کنید.

مقالات، کتاب‌های آموزشی، سی‌دی‌های آموزشی و عکس، سایت‌های اینترنت و کلاس‌های آموزش عکاسی و تجهیزات پیشرفته و مدرن در آموزش بهتر و تبدیل شدن به یک عکاس خوب نقش مهمی دارند ولی استفاده و به کار بستن دستورات آنها به تجربه و گذشت زمان نیاز دارد. هرکسی ممکن است که با خواندن دقیق و حفظ نمودن مطالبی درباره طرز عکس گرفتن ، اصول عکاسی را خوب بفهمد و بتواند عکس‌هایی از نظر فنی مطوب بگیرد ولی نکات ریز و درشت عکاسی و بخصوص نکات هنری آن را در طول زمان یاد خواهد گرفت. در این راه پشتکار و تمرین زیاد از نیازهای اولیه هستند.

در این مورد ما می‌توانیم به مسئله مهم عکاسی یعنی نور اشاره کنیم. با خواندن یک کتاب یا مقاله درباره نور، ممکن است که با مشخصات و مختصات نور تا حدی آشنا شویم و بتوانیم کاراکتر نور را برای اطرافیان خود خیلی خوب شرح دهیم، اما

استفاده از این مشخصات و کیفیات و به کار بستن عملی آنها برای خلق عکسی زیبا، چیزی است که فقط از طریق تجربه به‌دست خواهد آمد. شما حتماً باید عکس‌های زیادی تحت نورهای مختلفی بگیرید تا اختلاف بین آنها و تأثیر نورهای مختلف در عکاسی را بشناسید. از اینرو اگر در کار خود عکس‌های زیادی را خراب می‌کنید، زیاد ناراحت نباشید. همه مشکلاتی شبیه شما را داشته‌اند یا دارند و این خراب شدن‌ها گام‌هایی هستند برای عکاسی بهتر.

البته برای تبدیل شدن به یک عکاس خوب، حتماً نیازی نیست که در یک مرحله عکس خراب بیندازید و سپس به مرحله بعد بروید. بلکه حتی اگر در آغاز کار هم توانستید عکس‌های خوبی بگیرید و از نتیجه کار خود رضایت داشتید، مطمئن باشید که عکس‌های بعدی که خواهید گرفت، حتماً از کیفیت بالاتری برخوردار خواهند بود و بهتر خواهند شد.

بنابراین در عکاسی و یادگیری این هنر، هیچ‌وقت ناامید و مأیوس نشوید. اگر از نتیجه فعالیت‌های عکاسی خود راضی نیستید، ببینید که اشکال عکس‌های شما چه بوده است. آیا می‌توانید علت خوب نشدن آنها را پیدا کنید؟ در غیر این صورت از یک نفر وارد به عکاسی بخواهید که آنها را با دیدی نقادانه بررسی کند و در این زمینه توصیه‌های او را به کار ببرید. علاوه بر این شما می‌توانید با مشاهده عکس‌های عکاسان مشهور و حرفه‌ای، تکنیک‌ها و شگردهایی که آنها در عکس‌های خود به کار برده‌اند را پیدا کنید و آنها را در عکس‌های خود به کار ببرید. البته برای این منظور نیازی به کپی‌برداری نیست بلکه می‌توانید ریزه‌کاری‌های آنها در بهتر شدن عکس‌ها را در هنر عکاسی خود به کار ببرید.

به هر طریقی که در مورد ارتقاء عکاسی خود و بهتر کردن کیفیت عکس‌های خود اقدام می‌کنید، حتماً صبر و پشتکار را فراموش نکنید و در مورد گرفتن عکس‌های بیشتر و مقایسه آنها با کارهای قبلی خود هیچ‌وقت صرفه‌جویی نکنید.